بها : ٦٠ ریال

مقدمه

دردنیای کنونی هنوز قوه عالیهٔ که بتواند اختلافات بین دول‌راحل کندوجود نداشته‌ومشکلات ومناقشات باید یابوسیله جنك یابطریق دیپلوماسی حل گردد .

توسل بجنك که برای رفع‌اختلافات درزمان قدیم‌وتاقرن حاضر امری عادی بود امروزه وسیلهٔ بس خطرناك وباعث ازبین‌رفتن میلیونها نفوس و ملیاردها ثروت میشود خصوصاً که با اختراعات جدید و نیروی تخریب عظیم‌آنها هیچ عقل سلیمی حاضر نیست تاآخرین حدامکان ازبروزجنك جلوگیری ننماید . باینجهت روزبروز براهمیت دیپلوماسی که وسائل جلوگیری از جنك وخونریزی را فراهم میسازد افزوده میشود .

بدون‌آنکه بخواهیم درتعریف‌های مختلفی که ازدیپلوماسی شده است بحث کنیم دیپلوماسی‌را میتوان علم وفنی نامید که بوسیله‌آن روابط حسنه‌بین‌دول‌ایجاد ونگاهداری میشود ولی باید درنظرداشت که دیپلوماسی مانند علوم طبیعی‌وریاضی تابع اصول وقواعد معینی نبوده ومتکی به‌اصول اخلاقی هم‌نیست . دیپلماسی‌عمومی ترکیبی‌است ازسیاست خارجی کشورهای متعدد وهدف اصلی سیاست خارجی هر کشورودرنتیجه دیپلماسی عمومی درتحت تأثیرعوامل مختلفی که‌اغلب‌اوقات‌ضدو نقیض یکدیگرند درهرزمان تغییر کرده ونمیتوان قواعد ثابتی برای‌آن وضع نمود بهترین راه فراگرفتن این علم وبدست‌آوردن تجربه درباره این‌فن‌بررسی وتشریح

تاریخ دیپلوماسی عمومی‌است که روابط سیاسی کشورهای جهان‌را درادوار مختلف بیان مینماید.

بابررسی تاریخ دیپلوماسی هدف اصلی سیاست‌خارجی‌دول که درلفافه کلمات والفاظ دلفریب اظهارمیشود ازطرزرفتارونتیجه اعمال آنها ظاهـر میشود. حقیقت سیاستهای مختلف‌مانند: قاعده توازن نیروی دول - سیاست مرزهای طبیعی-انجمن اروپائی - نظریه منروئه - اصول نژادی -جامعه‌جهانی - خلع‌سلاح‌عمومی - تحریم جنك فضای حیاتی وغیره مکشوف میگردد.

درقرن نوزدهم درنتیجه اختراعات وترقیات جدید روابط کشورهای مختلف جهان درائرتسهیلات رفت وآمد اهمیت بسیاری پیدا کرد. مداخلات دول درامور کشورهای دیگرعلاوه براینکه در روابط خارجی و قلمرو حکمفرمائی آنها مؤثر واقع شد درداخل کشورهاهم نتایج زیادی داشت. مطالعه این تغییرات وتحولات نه تنهاازجنبه‌تاریخی مفید وسودمند میباشد بلکه‌بمثل معروف که«گذشته‌پرازآینده است» بهترین‌راه‌نما برای‌جلوگیری ازاشتباهات وخطاهای گذشته‌است .اگر تاریخ اروپارا از قرن نوزدهم ببعد درنظر بگیریم خواهیم دید که حوادث و اتفاقاتی کـه بین ملل مختلفه پیدا شده مرتباً تکرارگردیده وچون هیچکدام ازدول‌نتوانستند بعد ازفتح وظفرموقتی که نصیب آنها شده بود از خودخواهی وزیاده روی جلوگیری کنند تصمیمات آنها نه تنها عملی نشد بلکه اوضاع وخصوصیات تازهٔ که‌علت‌آن‌از خود پیمانها ناشی‌میشد تیشه به‌ریشه‌آنهازده و بعد ازچندی‌بکلی وضع‌را دگرگون کرده است.

کتابی که بخوانندگـان محترم تقدیم میشود قسمتی است از درسی کـه در دانشکده حقوق تهران تدریس شده است چون برنامه این‌درس فوق‌العاده‌سنگین‌واز انقلاب‌کبیر فرانسه‌شروع وبزمان حاضرختم میشودچندی پیش‌شاگردان دانشکده حقوق برای تسهیل کار قسمتی ازیادداشتهای خودرا که ازانقلاب‌کبیر فرانسه شروع شده وبه‌جنك ۱۸۷۰ بین‌آلمان وفرانسه ختم میشد چاپ کردنداین مختصر که‌مکمل آن قسمت خواهد بود ازبعد جنك کریمه (۱۸۵٦) شروع‌شده و تاریخ دیپلوماسی

عمومی‌را تاپایان جنك‌بین‌الملل‌اول (۱۸ـ۱۹۱۴) شرح میدهد. وقایع‌و اتفاقاتی که از۱۹۱۸ ببعدرخ داده است موضوع کتاب دیگری خواهد بود که انشاءالله‌ اگر فرصت باشد بعدها منتشرخواهد شد.

در مطالعات تاریخی منابع اخبار وحوادث‌و بی‌نظری و بصیرت مورخ اهمیت زیادی دارد باینجهت درپایان کتاب فهرستی از منابع ومآخذی که مورد استفاده نویسنده‌واقع شده‌ومربوط بموضوع‌میشود درج گردیده ولی ذکراین نکته‌لازم‌است که بیشتراستفاده نویسنده‌درتنظیم این‌یادداشتها ازدو کتاب فرانسه زیر بوده است:

تاریخ دیپلوماسی اروپا درچهارجلد تألیف آ. دبیدور

سیاست خارجی درچهارجلد   تألیف امیل بورژوآ

مطالعه این‌دو کتاب که‌ازتألیفات‌بسیارمفید میباشند برای کسانیکه‌میخواهند اطلاعاتی راجع به‌دیپلوماسی عمومی پیدا کنند فوق‌العاده سودمند بوده ومخصوصاً بشاگردان سال سوم سیاسی دانشکده حقوق توصیه میشود.

برای اینکه مطالعه این کتاب مطلوب واقع شده و فهم آن آسان باشد بخوانندگان‌محترم توصیه‌میشودقبلاًمراجعه‌بتاریخ‌عمومی بنمایند چونکه‌مجبوریم برای احتراز ازتطویل کلام ازذکروقایعی که جنبه تاریخی‌عمومی دارند خودداری کنیم‌معهذا درذیل هرصفحه توضیحاتی‌راجع باسامی که ذکرمیشودداده خواهدشد.

درفصل‌اول کتاب‌هم مختصری ازوضع سیاسی کشورهای مختلف در نیمه دوم قرن نوزدهم‌شرح داده‌شده وتدریجاً به‌تحولاتی که بعداًرخ خواهدداد اشاره خواهد شد.

درپایان چون دانشجویان دانشکده حقوق تهران کتابی بفارسی‌راجع بتاریخ دیپلوماسی عمومی دردست نداشتند ووقت کافی هم‌برای دقت بیشتری در تحریراین کتاب نبود اگر اشتباه یا قصوری درضمن آن مشاهده شود از خوانندگان محترم پوزش میطلبد.

این کتاب دردوجلد منتشرمیشود:

جلداول: جنبش ملل اروپا وتأسیس دول جدید ۱۹۰۰-۱۸۵۶

جلد دوم: دوره صلح مسلح‌و جنك ۱۹۱۹ـ ۱۹۰۰

جلد اول

جنبش ملل اروپا و تأسیس دول جدید

(۱۸۵۶-۱۹۰۰)

جنگ کریمه نفوذ روسیه‌را در کشور عثمانی ودریای مدیترانه محدود نموده منافع انگلستان‌را تأمین‌میکنند

دراروپا سیاست دولت فرانسه بعد ازشکست واترلو[1] تقریباً تابع سیاست انگلستان گردید وهیچکدام ازپادشاهان فرانسه چه‌لوئی هیجدهم چه شارل دهم و چه‌لوئی فیلیپ نمیتوانند دربرابر اشکالاتی که سیاست انگلستان در داخل وخارج کشورشان فراهم‌مینمایدایستادگی کنند. ناپلئون‌سوم‌نیزازاین‌قاعده مستثنی نبوده ودوستی باانگلستان تقریباً اساس سیاست فرانسه قرارمیگیرد .

دراسپانیا وپرتقال‌محرك اصلی انقلابات دولت انگلستان بوده ونفوذاین‌دولت بکلی‌اساس سیاست‌آن دودولت را تابع نظریات‌انگلستان میکند .

پروس واتریش‌ودول‌آلمان بنوبه خود نمیتوانندمخالفتی‌باتصمیمات‌انگلستان ابراز کنند.

دول ایتالیا مورد نظرانگلستان‌قرارگرفته وسفیر انگلستان دردولت ساردنی رسماً انقلابیون‌را تشویق وترغیب مینماید .

دریونان سفیرانگلستان ازهرگونه مداخله خودداری نکرده وپادشاه یونان تحت‌نفوذکامل‌انگلستان قرارمیگیرد وحتی درموقع جنگ کریمه برای‌اینکه‌دولت یونان کمکی بروسهانکند سواحل اپیر[2] ازطرف انگلستان مورد محاصره دریائی واقع میشود .

دول اسکاندیناوی نیزانگلستان‌را حامی خود میدانستند .

تنها دولتی که درنیمه قرن نوزدهم درمقابل انگلستان فعالیت‌مینمایددولت روسیه است که برای اجرای سیاست توسعه‌نفوذ خود در مشرق اروپا و آسیا با انگلستان رقابت میکند و حتی در دوو‌هله یکی بموجب معاهده ادرنه[3] (سال

---

(۱) Waterloo

(۲) Epire

(۳) Andrinople بموجب این پیمان دولت روسیه عملانفوذزیادی درتمام ملل بالکان پیداکرد .

۱۸۲۹) بعد ازجنگهائی که نیکلای اول تزارروسیه باعثمانی مینمایددیگربموجب معاهده خونکیاراسکله‌سی[۱](سال ۱۸۳۳) بعد از کمك هائیکه درمقابل فشارقوای مصر بدولت عثمانی میکند مزایای مهمی بدست میآورد ولی دولت انگلستان‌غافل ننشسته و بتحریك اوجنك بین مصر وعثمانی درسال ۱۸۳۹ تجدید شده و بالنتیجه معاهده بغازها (۱۸٤۱) قدری ازنفوذ روسیه درعثمانی میکاهد

دولت‌انگلستان اقدامات‌خودرابرضدبرقراری نفوذ روسیه دردولت عثمانی باز تعقیب نموده وبالاخره مسئله اماکن مقدسه بهانه قرار گرفته ودرسال ۱۸٥٤ جنك کریمه بین‌انگلستان‌وفرانسه و دولت‌عثمانی که‌دولت‌ساردنی‌هم‌بعدها بآنهامیپوندداز یکطرف ودولت روسیه ازطرف دیگر شروع شده و درسال ۱۸٥٦ بشکست روسیه منتهی میگردد. دولت روسیه باینطریق ازتمام منافع ومزایای خوددردولت‌عثمانی محروم شده ونفوذانگلستان دردولت عثمانی وشبه جزیره بالکان توسعه مییابد :

دراینموقع گرچه قاره‌افریقا هنوز کاملا مکشوف نشده‌بودولی‌بادردست‌داشتن کاپ و مداخله درامورد‌ولت عثمانی ومصرانگلستان سعی میکند نفوذ خودرادراین قاره پابرجا نموده ورقبای خودرا ازمیدان بیرون کند .

درآسیا نیزانگلستان نفوذ خودرا درهندوستان توسعه داده و تقریباً سراسر این کشوررا تابع خود مینماید . درافغانستان وایران هم مداخلاتی‌نموده‌بدون‌اینکه باایران جنگی کند بموجب ماده کاملة‌الوداد ازتمام مزایائیکه روسهابعد ازمعاهده ترکمان چای بدست آورده بودند بهره‌مند میشود وحتی درجنك هرات بافرستادن سفاین جنگی خودبه‌بنادرخلیج فارس دولت ایران‌را مجبورمیکند ازتصرف‌اینشهر صرفنظر کند .

دراینموقع باب مراوده اروپائیان بشرق‌اقصی کاملا بازنشده ورقابت دول‌برسر

---

(۱) Unkiar - Sklessi بموجب این پیمان روسیه تقریباًحمایت‌خودرابردولت‌عثمانی برقرارمیکرد وبغازها برای جهازات جنگی روسیه مفتوح و برروی جهازات جنگی دول دیگرمسدود بود .

تصرف جزایر اقیانوسیه هنوز شروع نشده بود ولی انگلستان با در دست داشتن استرالیا وزلاند جدید و بعضی از جزایر دیگر و قسمتی از هند و چین از سایر ملل نفوذ بیشتری در اقیانوسیه و خاور دور داشت .

در امریکا بعد از استقلال دول متحده امریکای شمالی به حیثیت انگلستان لطمه بزرگی وارد آمد ولی دولت انگلستان اقدامات خود را متوقف ننموده درعوض کانادا را مستعمره انگلیسی کرد و در امریکای جنوبی با تشویق انقلابیون دول مستقل امریکای جنوبی را رسماً شناخته و نفوذ اقتصادی خود را در این قسمت کاملا برقرار میکند .

بطوریکه ملاحظه میشود در نیمه قرن نوزدهم دولت انگلستان یکی از مهمترین ومقتدرترین دول جهان بوده و از این موقع بنا بمثل معروف آفتاب در امپراطوری انگلستان هیچوقت غروب نمیکند .

فرانسه ـ بعد از شکست ناپلئون اول دولت فرانسه موقتاً از جرگه دول بزرگ اروپا خارج شد ولی در اثر رقابت دول اروپا و کوشش دولت وملت فرانسه این کشور کم کم مقام از دست رفته را باز آورد .

بعد از انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰ وانقلاب فوریه ۱۸۴۸ وحکومت جمهوری موقتی دراواخر سال ۱۸۵۱ دومرتبه رژیم امپراطوری بازمامداری ناپلئون سوم درفرانسه برقرار میشود .

ناپلئون سوم که خود را وارث ناپلئون اول میدانست سعی میکند اثرات پیمان وین ۱۸۱۵ را از بین برده ودولت فرانسه را دو مرتبه باوج اقتدار برساند . با جنگ کریمه ناپلئون سوم قدری بمنظور خود نزدیك میشود . مابین متحدین سابق نفاق و جنك اتفاق افتاده وبمعیت انگلستان دولت فرانسه از این جنك فاتح بیرون آمده نمایندگان دول مختلف اروپا درپاریس مجتمع شده وظاهراً هر کدام از آنها سعی میکنند نقطه اتکائی درنزد امپراطور فرانسه پیدا نمایند ولی بطوریکه بعداً شرح داده خواهد شد درنتیجه سیاست سری و شخصی و ضد ونقیض ناپلئون سوم وتحریکات ملکه و درباریان فرانسه بعد از جنك کریمه از قدرت وابهت دولت فرانسه کاسته میشود تا اینکه

شکست ازدولت پروس اساس امپراطوری راواژگون نموده ورژیم جمهوری دومرتبه برقرارمیگردد .

اطریش ـ بعداز کنگره وین نفوذاطریش در آلمان وایتالیاتوسعه پیدامینماید وباسیاست ماهرانه مترنیخ(۱) تاسال ۱۸٤۸ تفوق سیاسی اتریش در آلمان ودرایتالیا برقرارمیماند . اماچون دولت اطریش ترکیبی ازنژادهای مختلف ژرمن ـ مجار ـ اسلاو ـ لاتین بودتوافق ووحدت نظری درامپراطوری اتریش وجود نداشت. هرکدام ازاین نژادها سعی میکردند خودراازرقیت سایرین رها ساخته وبه استقلال یاحاکمیت بردیگران موفق شوند .

انقلابات سال ۱۸٤۸ و۱۸٤۹ اساس امپراطوری اتریش رامتزلزل کرد.هرکدام ازنژادهای مختلف ادعای استقلال نمودندبعدازعزل مترنیخ شوارزنبرگ(۲) صدراعظم اتریش باکمك روسیه موفق به خاموش نمودن انقلابات مجارستان وبرقرار کردن نفوذ اتریش درایتالیا وآلمان میشودولی این امرظاهری بوده واختلافات نژادی دراتریش خاتمه نمییابد بطوریکه درجنك کریمه دراثرتحریکات پروس وبرای حفظ منافع اتریش درآلمان باوجود تمایل زیادی که دولت اتریش به الحاق بمتفقین داشت تاآخر جنك این دولت وقت را درتردید گذراند ودرنتیجه ناپلئون سوم ازسیاست اتریش

(۱) Clément – Wincelas Lothaire ’ prince de Metternich Winnceburg (۱۷۷۳ – ۱۸۵۹)

سیاستمدار معروف اتریشی-سفیر اتریش در پاریس از۱۸۰٦ تا۱۸۰۹ـ نخست وزیرو وزیر امور خارجه اتریش ـ از سال ۱۸۰۹ تاسال ۱۸٤۸ زمام امور اتریش را دردست داشت. یکی از نمایندگان مبرز کنگره وین ـ بعد ازشکست ناپلئون اول بوسیله اتحاد مقدس و سیاست تشکیل کنگره‌ها نفوذ اتریش را در آلمان وایتالیا بر قرار میکند ـ در سیاست داخلی طرفدار استبداد مطلق است ـ درسال ۱۸٤۸ در نتیجه شورش وین مجبور باستعفا وفرار ازاتریش میشود

(۲) Felix - Louis - Jean- Frèdéric’prince de Schwarzenberg

سیاستمدارومارشال اتریشی (۱۸۰۰ـ۱۸۵۲)ـ صدراعظم اتریش ازسال ۱۸٤۸ ـ انقلابات ۱۸٤۸ را دراتریش وایتالیا باقوه قهریه خاموش مینماید ـ شورشیان مجارستان رابهمراهی ارتش روسیه قلع وقمع میکند ـ درآلمان بکمك روسیه نفوذ اتریش رادومرتبه مستقر میسازد

دلگیر گردید .

بعدازجنك کریمه‌وشکست روسیه باتبلیغات نژادی‌وزمزمه اتحاداسلاوها که ازطرف روسیه تقویت میگردید باردیگر نژادهای تـابعه امپراطوری اتریش‌شروع بفعالیت نموده ودولت اتریش مجبور گردید بعد ازشکست سادوا [1] برای متلاشی نشدن اساس امپراطوری بامجارها کناربیاید .

بااین‌جهت منافع اسلاوها فدای این سازش گردید قسمتی از آنهاتابع‌اطریش وقسمت‌دیگرتابع مجارستان گردیدندودرحقیقت‌ازسال ۱۸۶۷دولت‌اتریش‌وهنگری مرکب ازدودولتی بود که بوسیله اتحاد شخصی باسلطنت فرانسوا ژوزف یکدولت متحده را تشکیل میدادند .

بعدازشکست ازدولت ساردنی ودولت فرانسه درسال ۱۸۵۹ از نفوذ اتـریش درایتالیا کاسته شدودرنتیجه شکست‌ازپروس درسال ۱۸۶۶دست‌اتریش‌بکلی‌از آلمان کوتاه گردیدوبالاخره‌شکست‌فرانسه درسال ۱۸۷۰واقدامات بیسمارك‌سیاست‌اتریش را تابع سیاست‌آلمان نمود .

پروس و آلمان - دولت پروس درقرن نوزدهم تحت تأثیرافکاروعقاید نژادی سعی میکند نفوذ اتریش‌را از آلمان دورساخته وباایجاد وحدت‌آلمان دول آلمان‌را تحت تبعیت خود در آورد تا زمانیکه مترنیخ صدراعظم اتریش بود اقدامات‌پروس جنبه مثبتی نداشت وحتی پس‌ازعزل اووانقلابات ۱۸۴۸ فردریك‌ویلهلم‌چهارم‌پادشاه پروس جرئت‌نکردازموقع استفاده نموده وریاست‌دول آلمان‌را قبول کندولی‌ازسال ۱۸۳۰بامنعقد ساختن معاهدات گمرکی‌دولت پروس‌سعی‌مینماید خودرابدول آلمان نزدیك کند. اقدامات شوارزنبرك و کمکی که دولت روسیه درسال ۱۸۴۹ به دولت اتریش کرد دولت پروس را مجبور نمود باردیگرنفوذ اتریش را در آلمان برسمیت بشناسدوهمین امرباعث تصمیم جدی بیسمارك گردید کـه دیریازود دست اتریش را از آلمان کوتاه کند .

---

[1] Sadowa

درجنك كریمه دراثر نصایح و عقاید ببسمارك فردریك ویلهلم چهارم نه تنها اقدامی بنفع متفقین ننمود بلكه باسیاستی كه تعقیب كردمانع الحاق اتریش بآنها گردید وسیاست بیسمارك بقدری ماهرانه بود كه تمام شكایات متوجه اتریش شد و ناپلئون سوم ازپروس كینه دردل نگرفت .

بعد ازبرقراری ویلهلم اول بسلطنت پروس بیسمارك صدراعظم پروس گردیده و سعی مینماید باموافقت ناپلئون سوم نفوذ اتریش را از آلمان برانداخته و وحدت آلمان راتحت ریاست پروس عملی كندو باشكست اتریش درسال ۱۸۶۶ وشكست فرانسه در سال ۱۸۷۰ بیسمارك بمنظورخود نائل گردید .

روسیه - بعدازشكست ناپلئون اول یكی ازبزرگترین رقبای روسیه كه مانع نفوذ اودرمشرق اروپا شبه جزیره بالكان میگردید از بین رفت ولی دولت انگلستان كه برای برانداختن ناپلئون بااو متفق شده بود بعدازآنكه ازطرف فرانسه خیالش راحت گردیددرهرنقطه مزاحمت روسیه را فراهم كرده وباتوسعه این درلت مخالفت میكند وتمام ابتكارات وعقاید مختلفی مانند اتحاد مقدس وتشكیل كنگره‌ها كه از طرف الكساندراول ابرازشدمانع مخالفت وممانعت دولت انگلستان نگردید .

بعد ازبسلطنت رسیدن نیكلای اول تزارجوان وجنك جوی روسیه برعكس سلف خود كه باسیاست وتدبیرمیخواست بمقصودبرسد تصمیم گرفت بازورمقاصدخود را عملی كند ورسماً به‌سفیرانگلستان در سن‌پترزبورگ اظهار داشت دولت عثمانی شبیه بمرد بیماری است كه‌دیریازود محكوم بمرك است وماترك‌اوباید هرچه‌زودتر تقسیم شود .

تزارروسیه‌برای دریافت حصه‌خود منتظردیگران نگردید در سالهای ۱۸۲۸ و ۱۸۲۹درنتیجه جنگهای باعثمانی پیمان ادرنه را به این دولت تحمیل كرد.درسال ۱۸۲۸ درنتیجه‌لشكر كشی‌بایران پیمان تركمان چای‌رابدولت‌ایران قبولاند.درسال ۱۸۳۳باعقدپیمان خونكیاراسكله سی مزایای مهمی درعثمانی‌ودربغازهابدست‌آورد

درمقابل سیاست روسیه دولت انگلستان نیزبیكارننشست . درنتیجه تحریكات

این دولت درسال ۱۸۳۹ دومرتبه جنك بین مصروعثمانی تجدید گردید وپیمان بغازها درسال ۱۸۴۱ قدری ازامتیازات روسیه دربغازها کاست. درسال ۱۸۵٤ درسرقضیه اماکن مقدسه که تقریباً حل‌شده بوددرنتیجه تحریکات سفیرانگلستان درقسطنطنیه نماینده تزارروسیه منچیکف (۱) مجبوربترك پایتخت عثمانی واعلان جنك بااین‌دولت گردید

شکست کریمه نفوذ روسیه‌را دردولت عثمانی ازبین بردودست آنراازمدیترانه دورنمود. دولت روسیه که ناچار بقبول این‌شکست گردیده‌بود ازاینموقع ازعقاید نژادی استفاده کرده وباتقویت جنبش اتحاد اسلاوها سعی مینماید ملل‌اسلاورا تحت تسلط ونفوذ خود درآورد. روزنامه نگارانی مانندکاتکف (۲) باایجاد روزنامه ها و مجلات سعی‌وافری برای تبلیغ اتحاد اسلاو مینمایند. ملل اسلاو هم بعضی مانند اسلاوهای تابع امپراطوری اتریش برای رهانیدن خود ازرقیب ژرمن ها ومجارهااز این عقیده‌استقبال‌میکنندولی برخی دیگرمانندلهستانیها که به‌عادات‌وسوابق‌تاریخی خودعلاقه‌داشتندبرعلیه‌این تبلیغات‌عصیان کرده‌ودرنتیجه‌درسال ۱۸۶۳ شورش‌میکنند

در سال ۱۸۷۰ دولت روسیه ازموقع استفاده نموده و بیطرفی دریای سیاه را یکطرفه‌نقض میکند. اقدامات انگلستان دراین وقت بجائی نرسید ودولت روسیه که‌دومرتبه قوت ورونقی‌پیدا میکند درسال ۱۸۷۸ بعد ازجنگهای باعثمانی‌بمقصود خود نزدیك میشود ولی‌دولت انگلستان وصدراعظم آن‌دیسرائیلی جداًمخالفت‌نموده ودرنتیجه کنگره برلن درسال ۱۸۷۸ تشکیل وروسیه ازقسمت زیادی ازمزایائیکه بدست آورده بود محروم میشود. بهمین طریق رقابت های سیاسی بین انگلستان و روسیه درآسیا توسعه مییابد و هر کدام ازدوحریف سعی میکنند تفوق خودرا در

---

(۱) Alexandre-Sergevitch,prince de Mentchikov (۱۷۸۷-۱۸۶۹)
دریاسالار وسیاستمدارروسی که درموقع طرح‌قضیه اماکن مقدسه سفیر کبیر دولت روسیه درعثمانی بود وباترك قسطنطنیه باعث قطع روابط دوستانه بین روسیه وعثمانی و بروز جنك کریمه گردید.

(۲) - Michel- Nikiforovitck ,Katkov - روزنامه نگار روسی - از ۱۸۶۱ روزنامه‌مسکوراداره‌نمود- طرفدار باحرارت اتحاداسلاوها ومخالف اصلاحات‌جدیدبود.

ایران وافغانستان وتبت وچین برقرار سازند .

ایتالیا - درنیمه قرن نوزدهم ایتالیامانندآلمان دولت واحدی راتشکیل نمیداد شمال آن قسمتی تحت تصرف اتریش وقسمتی حکومت ساردنی را تشکیل میداد قسمت مرکزی آن تحت تسلط پاپ و دوشه های مختلف و قسمت جنوبی تابع حکومت دوسیسیل بود.

دراثر افکار وعقاید نژادی ملت ایتالیا خواهان وحدت واستقلال بود خانواده ساووآ[1] که سلطنت دولت ساردنی را داشت خودرا پیشوای این امر دانسته وسعی وافی برای ایجاد وحدت ایتالیا بعمل میآوردولی اقدامات ملیون ایتالیاودولت ساردنی درمقابل مخالفت اتریش همواره عقیم میماند تااینکه بعد ازجنگ کریمه با صدارت کاوور و کمکی که دولت ساردنی بمتفقین نمود وتمایلی که ناپلئون سوم به توسعه ساردنی نشان میداددرنتیجه جنگهای بااتریش درسال ۱۸۵۹ قسمت مهمی ازمتصرفات اتریش بدولت ساردنی واگذارشد وبعداً درنتیجه اقدامات کاوورو گاریبالدی وحدت ایتالیا عملی گردید . درنتیجه جنگ پروس وایتالیا با اتریش درسال ۱۸۶۶ ونیزهم بایتالیا ملحق شد . بالاخره درسال ۱۸۷۰ درنتیجه گرفتاری فرانسه بدون جنگ و خونریزی شهررم نیزبتصرف ایتالیائیها درآمده ووحدت کامل ایتالیا عملی گردید.

عثمانی - از اواخرقرن هیجدهم دولت عثمانی بواسطه نفاق داخلی ورشوه ـ خواری متصدیان امر وخودسری پاشاها وحکام ولایات و سران لشکری دچار هرج ومرج شده وروبتجزیه میرفت بطوریکه تزارروسیه نیکلای اول این دولت را بمرد بیمار ومحتضری تشبیه نموده و در کمین ما ترک آن نشسته بود . ولی چون منافع دول بزرک اروپا درعثمانی دائماً اصطکاك داشت وهیچیك ازاین دول راضی نمیشدند نفوذدولت دیگری درعثمانی برقرارشودباینجهت باتمام فسادی که درحکومت عثمانی حکمفرما بوداستقلال آن از بین نرفت .

درنیمه اول قرن نوزدهم یونان آزادی خودرا بدست آورد وسربستان خود

---

(۱) Savoie

مختاری‌داخلی پیدانمود. دولت مصر فقط اسماً ازسلطان عثمانی تبعیت میکردوحتی دومرتبه رسماً برعلیه‌آن وارد درجنك گردیدواگراقدامات دول اروپا نبودسلطنت آل عثمان‌راهم ازبین میبرد .

درنیمه دوم قرن نوزدهم گرچه دولت عثمانی باتفاق دول‌انگلستان وفرانسه‌و ساردنی بردولت روسیه فاتح‌شد امااصلاحات اساسی درطرزحکومت جزدرروی کاغذ بعمل‌نیامدوازهرطرف‌ملل‌بالکان‌سعی‌دراستقراراستقلال‌خودنموده‌وبرای‌بدست‌آوردن آزادی بتلاش افتادند .

اقدامات ملل بالکان برای بدست آوردن استقلال ـ رقابت دول بـزرك برای استقرار نفـوذ در عثمانی ـ سوء تدبیرسلاطین عثمانی وفشار وآزاربرمسیحیان‌باعث شد که مسائل بالکان که بنام مسائل شرق معروف است موجب تزلزل‌صلح جهانی و بروزحوادث زیادی گردد که درضمن فصول بعد شرح داده خواهد شد .

یونان ـ بعدازتأسیس‌دولت‌یونان ملیون این کشور درتحت تأثیرعقایدنژادی وتاریخی‌شروع به‌تبلیغات برای بدست‌آوردن تسالی ـ مقدونیه ـ اپیرو جزیره کرت نمودند.بعضی‌هاهم نظرخودرا بدورتر معطوف‌ساخته چشم‌طمع به‌قسطنطنیه‌وجانشینی دولت بیزانس دوختند .

اوتون‌اول(۱) پادشاه‌یونان نیزتحت تأثیراین عقایدقرارگرفته و گمان نمود بمعیت روسیه میتواند یونانیان‌را بمقصود نزدیك کند باینجهت‌درجنك کریمه‌برای ممانعت ازکمك احتمالی‌یونان بروسیه سواحل یونان بـوسیله جهازات انگلیسی مورد محاصره دریائی قرارگرفت .

بعد ازجنك کریمه یونان پادشاه خودرا متهم کردند که ازموقع مناسبی که

---

(۱) Frédéric – Louis Othon I (۱۸۶۷ ـ ۱۸۱۵) پسردوم لوئی‌اول پادشاه باویر ـ در۱۸۳۲ بوسیله کنفرانس‌لندن بپادشاهی یونان‌انتخاب شد ـ بزودی مورد تنفر یونانیها قرارگرفت ـ ازسال ۱۸۴۴ دراثرفشارآزادیخواهان مجبور به برقراری‌رژیم دموکراسی در یونان‌گردید ـ درسال ۱۸۶۲ درموقعیکه مسافرتی بخارج‌ازآتن کرده بود حکومت انقلابی دراین شهرتشکیل واورا ازسلطنت خلع نمود .

درجنگ کریمه‌بدست آمده بوداستفاده نکرده‌است‌وبرعلیه اوشروع باقداماتی‌نمودند. این اقدامات با نظریات انگلستان نیز که با پادشاه یونان موافقتی‌نداشت مطابقت میکرد.

پادشاه یونان بامشاهده اقدامات موفقیت‌آمیز کاووربخیال افتاد بـا کاریبالدی داخل مذاکره شده وارتش انقلابی تشکیل دهدتامنظوریونانیان را عملی کند ولی درماههای فوریه ومارس ۱۸۶۲ شورشی در ارتش یونان اتفاق افتاد که‌منجر بتوقف مذاکرات گردید دراین بین‌دولت روسیه‌نیز که پادشاه‌یونان‌را ضعیف‌دیدبخیال‌افتاد برضداو اقداماتی نمود و یکی از نوادهای نیکلای اول‌را پادشاه نماید. اتون اول که تمام‌راههای‌نجات‌را مسدوددید برای چاره‌جوئی مسافرتی بنواحی‌مختلف‌یونان‌نمود تایونانیان‌راباخودهمراه کند ولی‌ملیون غیبت‌اوراازپایتخت مغتنم شمرده وحکومت موقتی در ۱۰ اکتبر۱۸۶۲ تشکیل دادند.

روسیه وانگلستان که‌درحقیقت باعث ومشوق این انقلاب بودند هر کدام در صدد برآمدنددست نشانده خودرا بتخت سلطنت‌یونان بنشانند. بالاخره باواگذاری جزایر ایونی بیونان درسال ۱۸۶۳ شاهزاده ژرژدانمارك(۱) که‌دست‌نشانده‌انگلستان بودبسلطنت یونان انتخاب گردیدولی تمایل بتوسعه یونان که‌مورداتفاق‌تمام‌یونانیها بود ازبین نرفت.

درسپتامبر۱۸۶۶ اهالی یونانی جزیره کرت که‌اکثریت ساکنین‌این جزیره را تشکیل می‌دادندبرضددولت عثمانی برای پیوستن بیونان انقلاب نمودند باوجود اینکه تمام دول اروپا بانضمام کرت بیونان موافقت داشتند تحریکات سفیرانگلستان در قسطنطنیه دولت عثمانی را ترغیب برردپیشنهاد فرانسه که مبنی بـر انتزاع کرت ازدولت عثمانی بودنمود. ارتش عثمانی در آوریل ۱۸۶۷ شورشیان کرت‌را

(۱) Georges I (۱۸۴۵-۱۹۱۳)پادشاه یونان-فرزند دوم پادشاه دانمارك-بعد از خلع اوتون اول ازطرف انگلستان وروسیه‌وفرانسه بپادشاهی یونان‌پیشنهاد شدومجلس یونان اورا در مارس۱۸۶۳ بسلطنت‌انتخاب کرد-عادات ورفتار یونانیها را قبول کرد- در سال ۱۹۱۳ در سالونیك بقتل رسید

منکوب کردو دولت عثمانی که انگلستان را حامی منافع خود می‌دید به‌اعتراضات دول اروپاوقعی ننها دولی یونانی‌هاهم ازتبلیغات وتقاضای خود منصرف نگردیدند .

شبه جزیره ایبریا - درنیمه اول قرن نوزدهم درنتیجه سوءتدبیر پادشاهان اسپانیاوپرتقال اغلب مستعمرات امریکائی این دودولت ازتحت تسلط آنهاخارج گردید اقدامات دولت روسیه نیز که میخواست بنام اتحاد مقدس درامور اسپانیا و پرتقال مداخله کند دراثرمخالفت انگلستان بجائی نرسید .

جنك وجدال وشورشهائی که برسرسلطنت اسپانیا وپرتقال بین خانواده های سلطنتی این دودولت بروز نمود باعث ضعف آنها گردید ونفوذ انگلستان دراین‌دو کشور کاملا مستقر گشت .

تحریکات انگلستان دراسپانیاوپرتقال باعث‌تعویض وروی کار آمدن کابینه‌های مختلف گردیدوهروقت یکی‌از آنهابرخلاف مصالح انگلستان قدمی‌برمیداشت‌دیری نمیگذشت که‌از کارمیافتاد.این جریانات‌باعث‌شد که‌دسته‌جدیدی‌دراسپانیابرای‌بدست آوردن وحدت‌شبه‌جزیره‌ایبریاشروع بفعالیت کنند. درسال ۱۸۵۶درموقعیکه‌ولیعهد پرتقال‌برای‌مسافرت باروپا ازمادریدعبورمیکرد نمایشاتی دراین‌شهر برله‌اوداده‌شددر ژانویه ۱۸۶۶ نیزشورشی دراسپانیا بنفع پادشاه‌پرتقال‌بروزنمودولی به‌نتیجه‌نرسید .

درسال ۱۸۶۸ درقادس شورش دیگری برضد ملکه ایزابل (۱) صورت گرفت وسلطنت یك‌شاهزاده پرتقالی پیشنهاد گردیدولی‌پادشاه پرتقال بااین پیشنهادمخالفت کردواتحادشبه جزیره ایبریامتوقف‌ماند بعداًبطوریکه شرح‌داده خواهد شد انتخاب پادشاه اسپانیا باسیاست فرانسه و آلمان تماس پیدا نمودونقشه هـواخواهان وحدت اسپانیا وپرتقال بکلی ازبین رفت .

اسکاندیناوی - درقرن نوزدهم درمقابل ادعاهای نژاد هـای ژرمن و اسلاو

(۱) Marie-Louise - Isabelle II (۱۸۳۰ـ۱۹۰۴) ملکه‌اسپانیا از سال ۱۸۳۳ تا سال ۱۸۴۳ مادرش نیابت‌سلطنت را عهده دار بودـسلطنت او موردمخالفت عمویش دون کارلو واقع شده ومدت۷سال جنك بین آنهاادامه داشتـاز سال ۱۸۴۳ زمام امور رادر دست گرفتـدرسال ۱۸۶۸ درنتیجه‌یك شورش‌نظامی‌از اسپانیا بفرانسه فرار کرد

درممالك اسکاندیناوی (سوئد-نروژ-دانمارك) تبلیغاتی برای وحدت نژادی اسکاندینارها شروع گردید.

ازسال ۱۸٤۰ مجامعی درسوئد ودانمارك برای توسعه فکروحدت نژادی تشکیل شد ولی پادشاهان ونجبا که بشخصیت کشورهای خود علاقه زیادی داشتند مانع پیشرفت این افکار میشدند.

دراختلافی که بین دانمارك ودول آلمان درسر قضیه دوشه ها بروز نمود در سال ۱۸٤۸ پادشاه دانمارك متوسل به اتحاد اسکاندینا و ها گردیده و عده زیادی از اهالی سوئد بعنوان داوطلب وارد آرتش دانمارك گردیدند. پادشاه سوئد اسکار اول(۱) نیزارتش خودرا تجهیز نمود وباکمك اروپا ترك مخاصمه مالموئه(۲) بامضاء رسید.

خطر دیگری که بعد ازژرمنها متوجه اسکاندیناوی میشد نفوذ روسها در فنلاند و لاپونی بود پادشاه سوئد شارل پانزدهم (۳) در سال ۱۸۵۹ طرفدار جدی اتحاد اسکاندیناوها گردید ودرژوئیه ۱۸٦۳ طرح پیمان اتحادی بین سوئد ودانمارك تهیه شد ولی فوت فردریك هفتم(٤) پادشاه دانمارك باعث شد که پیمان بامضاء نرسد درسال ۱۸٦٤ درمورد اختلاف بین دانمارك وپروس واتریش ودول آلمان در باره قضیه دوشه ها ناپلئون سوم ودول اروپا از کمك بدانمارك دریغ نمودند و باشکست دانمارك فکر اتحاد اسکاندیناوها نیزازبین رفت.

دول متحده امریکای شمالی - از سال ۱۸۵۰ بین دول شمالی وجنوبی دول

---

(۱) Joseph - Francois -Oscar I (۱۷۹۹-۱۸۵۹) پسر برنادت-درسال ۱۸٤٤ بجانشینی پدرش پادشاه سوئد گردید.

(۲) - Malmoe

(۳) Charles-Louis Eugéne,Charles XV (۱۸۲٦-۱۸۷۲) ازسال ۱۸۵۹ جانشین پدرش پادشاه سوئد گردید.

(٤) Charles - Christian Frédéric VII (۱۸۰۸-۱۸٦۳) از سال ۱۸٤۸ جانشین پدرش پادشاه دانمارك شد.

متحده امریکا اختلافاتی درباره قضیه بردگان و آزادی بازرگانی خارجی پیدا شد. اهالی جنوب که بیشتر از کشاورزی استفاده میکردند طرفدار استفاده از بردگان و آزادی بازرگانی خارجی بودند چون باین ترتیب میتوانستند اجناس خودرا ببهای خوبی بفروش رسانده و کالاهای صنعتی را باقیمت ارزان بدست آورند. برعکس قسمت شمالی که از سال ۱۸۳۰ دراثر مهاجرت اروپائیان توسعه زیادی پیدا کرده و اهالی آن کارخانجات زیادی تأسیس کرده بودند آزادی بازرگانی خارجی را مانع بزرگی برای پیشرفت کارخود میدیدند و بارژیم بردگی نیز مخالف بودند.

درسال ۱۸۵۲ رژیم چهارناحیه که ازمکزیك منتزع وبه دول متحده امریکای شمالی ملحق گردیده بودمورد اختلاف شمالی ها وجنوبی ها گردیدولی بالاخره سازشی دراین موضوع بین آنها حاصل گردید اما تبلیغات شمالی ها برای از بین بردن بردگی وانتخاب آبراهام لینکلن (۱) در سال ۱۸۵۹ بریاست جمهوری باعث تشدید اختلافات گردید در ٤ فوریه ۱۸٦۱ دول جنوبی کنگره تشکیل داده و خودرا ازسایرقسمتهای دول متحده امریکای شمالی مجزی نمودند و ارتش جنوبیهابرای دفاع ازسرحدات تجهیز گردید.دول شمالی که مخالف این تجزیه بودندنیز بسیج نموده ودرنتیجه جنك بین شمالیها وجنوبیها شروع شد این جنك که مدت ٤ سال طول کشید بنفع شمالی ها خاتمه یافت.

در ۲۲ سپتامبر ۱۸٦۲ لینکلن رژیم بردگی را لغو کرد و بعد از اتمام جنك در سال ۱۸٦۵ اصل آزادی تمام مردم و لغو بردگی در پیمان اتحاد دول متحده امریکا گنجانیده شد. درسال ۱۸٦۷ تعرفه گمرکی برای حمایت صنایع داخلی برقرار گردیده ودول متحده امریکای شمالی ازاین تاریخ شروع بفعالیت درسیاست

(۱) Abraham Lincoln (۱۸۰۹-۱۸٦۵)سیاستمدار امریکائی-وکیل مجلس ایلینو آدر ۱۸۳٤ نماینده کنگره در ۱۸٤٦-ازسال ۱۸٤۹ تقاضای لغو بردگی را نمود در ۱۸۵۹ بریاست جمهوری انتخاب شد-جنك انفصال بین شمالیها وجنوبیها شش هفته بعد از انتخاب او به ریاست جمهوری شروع شد-لینکلن باتصمیم راسخ برنامه خود را تعقیب کرد-درسال ۱۸٦٤ دو مرتبه بریاست جمهوری انتخاب گردید-در ۳ آوریل ۱۸٦۵ فاتحانه وارد پایتخت جنوبیها شد چند روز بعد توسط یکی از متعصبین جنوبی بقتل رسید

جهان مینمایند .

کاناداـ دراثر وقایعی که در دول متحده آمریکا اتفاق افتاد دولت انگلستان برای ازبین بردن اختلافات بین نژادهای فرانسوی وانگلیسی در ۲۹ مارس ۱۸۶۷ دومینیون کانادا را تأسیس کرد بدون آنکه رسماً از انگلستان جدا باشد دو مینیون کانادا با اتکاء بانگلستان شروع بتبلیغات برای ترویج مهاجرت باین کشور نمود و در اثر مساعی وزحمات مهاجرین روزبروز توسعه یافته وبا اتحاد قطعی که بین نواحی مختلف آن بوجود آمد صنایع و کشاورزی کانادا روزبروز تقویت گردید .

مکزیك ـ دولت مکزیك از سال ۱۸۲۱ استقلال خودرا اعلام داشت ودرنتیجه ازدواجهای زیادی که بین بومیان که اکثریت اهالی را تشکیل میدادند باخارجیان نژاد جدیدی که ترکیبی ازنژادهای بومی وخارجی بود در مکزیك بوجود آمد .

دراوائل امر کلیسای کاتولیك که خودرا مروج تمدن میدانست در نتیجه تبلیغات دامنه دار قریب یکسوم ازاراضی مکزیك را بدست آورد. از سال ۱۸۴۰ مکزیکیها نفوذ و تملك کلیسای کاتولیك را مانع پیشرفت اقتصادی وسیاسی خود شمرده بر ضد آن شروع باقدام نمودند. جنگ با دول متحده امریکای شمالی درسال ۱۸۴۸ وانتزاع چهارناحیه ازمکزیك بیشتر باعث بیداری حس ملی آنان گردید، در نتیجه انقلابی درمکزیك رخ داد که نزدیك بود اساس اتحاد آنهارا از بین ببرد .در ۲۶ ژوئن ۱۸۵۶ اموال کلیسا ضبط گردید وقانون اساسی سال ۱۸۵۷ دول متحده مکزیك رامرکب از ۲۷ دولت مانند قانون اساسی دول متحده امریکای شمالی بوجود آورد .

عرفی نمودن قوانین وازدواج نیزبا بیرون کردن ژزوئیتها صورت عملی بخود گرفت . محافظه کاران قسمت مرکزی شروع بمخالفت بـا این حکومت کردند ولی درنتیجه مساعی ژوآرز(۱) رئیس انقلابیون اقدامات آنهابجائی نرسیدواصلاحات

---

(۱) Benito,Juarez (۱۸۷۲ـ۱۸۰۶) سیاستمدار مکزیکی ـ از سال ۱۸۵۱ نایب رئیس جمهوری وسردسته شورشیان گردید ـ در ۱۸۶۱ وارد مکزیکو شده وزمام امور را در دست گرفت ـ در موقع سلطنت ماکزیمیلین ژوآرز دست ازمقاومت برنداشت ودر اثر کوشش او سلطنت ماکزیمیلین ادامه پیدا نکرد ـ در ۱۸۶۷ ارتش فرانسه از مکزیك خارج شد وماکزیمیلین بقتل رسید وژوآرز مجدداً رئیس جمهور مکزیك گردید ـ اقدامات واصلاحات اساسی بدست ژوآرز صورت گرفت .

اقتصادی شروع شد .

از سال ۱۸۵۹ کاتولیکها که منافع زیادی را در مکزیک ازدست داده بودند شروع بتحریک بر علیه این حکومت ملی نموده و توانستند نظر مساعد سه دولت فرانسهوانگلستان واسپانیا را برضد حکومت ژوآرزجلب کنند زیرادولت مکزیک در۳ژوئن۱۸۶۱ ازادای قروض خود بدول دیگر خودداری نموده وحفظ منافع مالی فرانسه وانگلستان واسپانیا بهانه خوبی برای مداخله در امور این دولت بود خصوصاً که دراینموقع دول متحده آمریکای شمالی سرگرم تقاضای های داخلی بوده وترسی از مداخله این دولت در بین نبود .

گرچه درصورت ظاهر سه دولت فرانسه وانگلستان واسپانیا بایکدیگر برعلیه مکزیک متفق بودند ولی هر کدام منظور و هدف بخصوصی داشتند . ناپلئون سوم برای بدست آوردن خاطر کاتولیکهاوحفظ منافع کلیسای کاتولیک اقدام میکرد انگلیسها منظورشان تقویت بازرگانی وتحصیل منابع اقتصادی بود. دولت اسپانیا که هیچکدام ازاین نظریات را تعقب نمیکرد میل داشت مکزیک را مستعمره خودنموده یالااقل یکی از اعضای خانواده سلطنتی اسپانیا را بتخت سلطنت مکزیک بنشاند .

درماههای دسامبر ۱۸۶۱ وژانویه ۱۸۶۲ شش هزار سرباز اسپانیولی ودوهزار و پانصد سرباز فرانسوی باکمك جهازات انگلیسی وارد مکزیک و در وراکروز(۱) پیاده شدند. ناپلئون سوم در اینموقع مایل بود سلطنت ماکزیمیلین(۲) را در اسپانیا برقرار کند ودر نتیجه هم آهنگی که بین متفقین وجود داشت ازبین رفت .

انگلیسها و اسپانیولیها مانع اعلان جنگ بـه ژوآرز شده و باب مذاکرات را بـا

---

(۱) Veracruz :

(۲) Ferdinand Joseph Maximilien (۱۸۳۲-۱۸۶۷) امپراطور مکزیك برادر فرانسواژوزف پادشاه اتریش - در۱۸۵۷ بادختر پادشاه بلژیك ازدواج کرد - در ۱۸۶۳در نتیجه اصرار ناپلئون سوم بامپراطوری مکزیك انتخاب شد و در ۱۸۶٤ وارد مکزیك گردید- بعد از خروج قوای فرانسوی از مکزیك در ۱۸۶۷ مکزیکیها بر علیه او قیام کردند.ماکزیمیلین اسیر و محکوم بمرك و تیرباران گردید

اومفتوح نمودند ولی ناپلئون سوم برای پیشرفت نظرخود ٤٠٠٠ سربازدیگر گسیل داشت دراین بین بیماری درارتش اعزامی شیوع یافت ودرنتیجه اصراراسپانیولیهادر ۲۳ فوریه پیمانی بین آنها وژوآرز بسته شد که دیگر بسربازان اروپائی بهانه‌حمله بدولتی که رسماً شناخته بودند نمیداد .

ناپلئون سوم درمقابل این وضع سردار فـرانسوی را معزول نموده و بارتش فرانسه‌امربه پیشروی داد ودرنتیجه فرانسه یکه‌وتنها با ٦٠٠٠ سرباز برای‌برقراری ماکزیمیلین درمکزیك شروع باقدام نمود ، دراول امرفرانسویها دچارشکست شده ومجبور بعقب‌نشینی گردیدند ولی‌بافرستادن کمك وهزینه زیاد وبالاخره‌در ٥ ژوئن ۱۸٦۳ فرانسویها وارد مکزیکو شده وسلطنت ماکزیمیلین رااعلام کردند . ژوآرز نیزمجبورشدبه‌نواحی‌شمالی پناهنده شوداما باپشتیبانی‌ملت مکزیك‌دست‌ازمقاومت برنداشت .

بعدازاینهمه زحمت‌ماکزیمیلین که متوجه عدم‌ثبات سطلنت‌مکزیك‌شده‌بود وافکاراین‌ملت‌راباخود مخالف میدیدازرفتن‌بمکزیك‌امتناع کرد تابالاخره‌درنتیجه اصرارهمسرش(دخترپادشاه‌بلژیك) وناپلئون‌سوم وپادشاه بلژیك‌ووعده‌فرانسوژوزف درباب تثبیت حق موروثیت اوبسلطنت اتریش ماکزیمیلین در۱۹ آوریل۱۸٦٤ بـه طرف مکزیك رهسپار گردید .

بمحض ورود بمکزیك در۱۲ژوئن ۱۸٦٤ماکزیمیلین حس‌نمود که‌سلطنت کاتولیکی قابل‌دوام نیست‌باین‌جهت شروع باصلاحات نموده ومکزیکیهارا دراداره اموردخالت داد . ازآنطرف‌چون پایه واساس سلطنتش‌بوسیله کاتولیکها گذاشته‌شده بود مجبورباطاعت‌اوامرآنان نیز گردید ودرنتیجه باهیچیك ازطرفین‌نتوانست‌بسازد فقط باتکاء ارتش فرانسه تاسال ۱۸٦۷ توانست بسلطنت خود ادامه دهد

درسال۱۸٦۷دول متحده‌آمریکای‌شمالي که‌موفق‌برفع اختلافات‌داخلی‌جود

شده بودند نظریه‌مونروئه[1] را پیش کشیده‌وعدم مداخله دول اروپارادرامور آمریکا تقاضا کردند ـ ازطرف دیگرخطرپروس که‌روزبروزنزدیکترمیشد فرانسه‌رامجبور نمود ارتش‌خودرا ازمکزیك احضار کندودر ۱۱ مارس ۱۸۶۷ آخرین دسته سربازان فرانسوی ازمکزیك خارج گردید ماکزیمیلین که بدون یارویاور درمکزیك‌تنها مانده بود بوسیله یکی ازافسرانش تسلیم ژوآرز ودر ۱۹ ژوئن ۱۸۶۷ تیرباران گردید.

بعدازقضیه ماکزیمیلین‌ژوآرز جمهوری‌مکزیك راتقویت وشروع‌باصلاحات اساسی نموده واتحادنواحی مختلف مکزیك عملی گردید.

آمریکای جنوبی ـ درنتیجه استقلال دول متحده‌آمریکای شمالی ازشروع قرن نوزدهم تبلیغات وفعالیتهائی درآمریکای جنوبی برضد دول مستعمراتی اروپا شروع‌شد. ضعف‌وسوءتدبیرپادشاهان‌اسپانیا وپرتقال نیزمؤیداین‌جنبش گردید.دولت انگلستان هم که از منافع زیادی در آمریکای شمالی‌محروم‌شده بود برای بدست آوردن بازار تجارتی وبرقراری نفوذ خود درآمریکای جنوبی ازهیچگونه کمك‌و مساعدتی بشورشیان‌آمریکای جنوبی خودداری نمینمود . درنتیجه درنیمه‌اول قرن نوزدهم دول بزرگی مانندآرژانتین ـ شیلی ـ برزیل وغیره بصورت دول متحده بر اساس تشکیلات دول متحده‌آمریکای شمالی بوجودآمد .

افریقای جنوبی ـ مستعمرات انگلیسی کاپ درنیمه قرن نوزدهم شروع به توسعه نمودند . در ۱۱ مارس ۱۸۵۳ دولت انگلستان قانون اساسی برای آنها وضع نمود که تاحدی استقلال داخلی‌آنان را تأمین میکرد .

با اصلاحات اقتصادی وایجاد راه‌آهن بزودي جمعیت این نواحی روبافزایش

---

(۱) Monroë نظریه که برای اولین مرتبه‌ازطرف‌رئیس جمهوری دول متحده‌امریکای شمالی مونروئه‌در سال۱۸۲۳ برای‌جلوگیری ازاقدامات احتمالی اتحادمثلث در آمریکا ابراز شد خلاصه این نظریه‌اینستکه‌آمریکا در اموراروپا دخالت نمیکند و هیچ دولت اروپائی حق ندارد در امور قاره آمریکا دخالت کند.

گذارد.عدهٔ انگلیسی و فرانسوی وهلندی وآلمانی باین سرزمین مهاجرت کردهو بنام آفریکاندرز معروف گردیدند.ترانسوآل واورانژ نیز باین مستعمرات افزوده شد ولی دولت انگلستان دو جمهوری مستقل تحت حمایت خود بنام ترانسوآل و اورانژتأسیس کرد.بوئرها که. ساکنین ایندوجمهوری بودند بیشتربشبانی پرداخته و آزادی خود را بکمال قوت حفظ میکرد.

استرالیاـ باکشف معادن‌طلا دراسترالیا درقرن‌نوزدهم‌ازهرسومردم بطرف این جزیره‌بزرك‌متوجه‌شده‌ودر ظرف‌مدت کمی‌جمعیت این‌سرزمین چندین‌برابر گردید در سال ۱۸۵۵ دولت انگلستان چهار مستعمره در استرالیا تشکیل داد وبهر کدام‌از آنها آزادی‌زیادی اعطا نمود.این دول دارای مجلس سناومبعوثان ووزیران مسئول در مقابل پارلمان گردیدند. دراثر توسعه وسائل ارتباط و استخراج معادن و توسعه گله داری‌قدرت و قوت استرالیا رو بافزایش گذاشت و ملت‌استرالیا در صدد بر آمد با کمك انگلستان جزائر اقیانوسیه را تحت نفوذ خود در آورد.

در نیمه دوم قرن نوزدهم‌استرالیا مانند دو مینیون کانادا دول متحده تشکیل داده و در بین راه دنیای قدیم و جدید رل مهمی را در اقیانوس ساکن بدست آورد.

ژاپنـ تانیمه دوم قرن نوزدهم کشور ژاپن از هر طرف مسدود و روابطی با خارجیهانداشت.حکومت آن‌یکنوع‌ملوك‌الطوایفی‌بود.امپراطورژاپن‌دارای‌هیچگونه اختیاری نبود امور کشور بدست شوگون (۱) که در شهر یدو(۲) مسکن داشت اداره میشد. رؤسای قبایل دائیمیو ها (۳) وساموارائی ها (٤) نیز دارای نفوذ زیادی بودند.

در سال ۱۸۵٤ کشتیهای آمریکائی وانگلیسی ژاپن‌را مجبور کردند روابط

(۱) Shogoun فرماندهان نظامی درژاپن که مدتی‌عملا بطورموروثی‌حکومت ژاپن‌را دردست داشتند

(۲) yedo شهرقدیمی توکیو

(۳) Daîmio نجبای درجه اول ژاپن

(٤) Samouraï نجبای درجه دوم ژاپن

بازرگانی بادنیا بر قرار کنند.

در نتیجه فشار آنها در سال ۱۸۵۸ ژاپنیها پیمانهای بازرگانی با خارجیها منعقد کردند. نفرت از خارجیها باعث شد که نجبا و ملت از شوگون روگردان شده و یکنوع بحرانی درژاپن بوجود آید سامورائیها که ازسوابق تاریخی ژاپن اطلاع داشتند طرفدار برگشت برژیم سابق یعنی قدرت امپراطور شده ودر بین آنها عده طرفدار فراگرفتن علوم وفنون غربی گردیدند تابوسیله آن قدرت ژاپن را تأمین کنند. ازسال ۱۸۶۲ سامورائیها دورامپراطور ژاپن موتسوهیتو[۱] جمع شده وبالاخره درسال ۱۸۶۸ شوگون را ازبین بردند.

در تحت تأثیر افکار امپراطور وطبقه منورالفکر ژاپن اصلاحات شروع شد. اشخاص عالیمقام وجوانان این کشوربرای فراگرفتن علوم وفنون غربی باروپا اعزام شدند. راه آهن و کشتی رانی در ژاپن شیوع یافت وبانظرموافق ملل خارجی ژاپن شروع بفعالیت نمود. ازاین تاریخ بااتکاء بسوابق تاریخی خوددولت ژاپن دراقیانوس ساکن وخاوردور آرزوهای بزرگی را تعقیب و کم کم وارد مسابقه سیاسی میگردد.

چین - ازسال ۱۸۴۲ بموجب پیمان نانکن انگلیسهاروابط بازرگانی خودرا باچین توسعه دادند. درسال ۱۸۴۴ فرانسویهابموجب پیمان وامپوا[۲] حمایت کاتولیکها را درچین بدست آوردند باوجود این پیمانها چینیها ازقتل وغارت مسیحیان خوداری نمینمودند باین جهت درسالهای ۱۸۵۷ و۱۸۵۸ جهازات فرانسه وانگلستان بندر تاکو[۳] رابمباران کرده ونمایندگان دائمی خودرا بدربارچین تحمیل کردند،

درسال بعد چینیها ازورود سفرای اروپائی ممانعت بعمل آوردند درنتیجه در فوریه ۱۸۶۰ ارتش فرانسه وانگلیس بطرف پکن متوجه گردید در ۲۳ اوت پرچم انگلستان برفرازترین تسن برافراشته شد چینیها ناچارحاضربرای مذاکرات شدندولی

---

(۱) **Mutsou-Hito (۱۸۵۲-۱۹۱۲) امپراطورژاپن ازسال ۱۸۶۷- اصلاحات زیادی درامورژاپن بعمل آورد ژاپن را وارد جرگه دول بزرگ نمود.**

(۲) **whampoa**

(۳) **takou**

چون سفیر انگلستان تقاضای ملاقات امپراطور چین را جهت قرائت نامه ملکه انگلستان نمود واین امر توهین بزرگی برای چینیها محسوب میشد مذاکرات قطع گردید. ارتش انگلستان و فرانسه به پیشروی خود ادامه داده و بشهوهوزیو [۱] در نزدیکی پکن رسیدند . دراینجا باز چینیها مذاکرات راشروع وقسمتی ازارتش اروپائی راغافلگیر نموده بقتل رسانیدند ، اروپائیان بجنگ ادامه داده ودر ۱۳ اکتبر ۱۸۶۰ واردپکن شدند . امپراطور چین برای مقابل نشدن با اروپائیان فراراختیار کرد . اروپائیان هم برای انتقام قصر تابستانی امپراطور را آتش زدند تابالاخره در ۱۴ اکتبر پیمان صلح بین شاهزاده کونگ [۲] بنام امپراطور چین بافرانسه وانگلستان بسته شد .

انگلیسها با کمک هائیکه برای خوابانیدن شورش تائی پینگ [۳] به چینیها نمودند مورد توجه امپراطور چین واقع شده ونفوذ زیادی دراین کشوربدست آورده نظارت گمرکات چین بعهده آنها واگذار گردید و درتحت تأثیر آنها در سال ۱۸۶۳ دولت چین نمایندگانی بدربارهای اروپافرستاد .

در صورتیکه انگلیسها و فرانسویها با کمک توپ سیاست خود را در چین پیشرفت میدادندروسهابادیپلوماسی شروع بکارنموده با توسعه سیبری باطراف رودخانه آمور رسیده بودند . در ۱۶ مه ۱۸۵۸ ژنرال موراویف [۴] پیمان آیگون [۵] را با چینیها بسته وسواحل سمت چپ آمور رسماً به سیبری ملحق گردید .

---

(۱) Ho-si-wo

(۲) Kong (۱۸۹۸ - ۱۸۳۲) سیاستمدارچینی - برادر امپراطورچین - ازسال ۱۸۶۰ امور چین مخصوصاً روابط باخارجیها را دردست داشت .

(۳) Taï-pings فرقه مذهبی درچین که مخلوطی ازعقاید چینی ومذهب مسیح بود - از ۱۸۵۰ این فرقه تأسیس گردید و تمام ناراضیها بآن پیوستند - در قسمت جنوبی چین شورش کرده وچندین ناحیه را متصرف شدند .

(٤) Nicolas - Nicolaïevich , Mouraviev 'Amourski (۱۸۸۱-۱۸۱۰) سردارروسی - مدتی درقفقاز خدمت کرد - در ۱۸٤۷ حاکم سیبریه شرقی شد تمام ناحیه آمور را متصرف شد .

(۵) Aïgoun

روسها سیاست‌خودرا طوری تعقیب مینمودند که بدون‌اینکه اهانتی‌به‌چینیها وارد سازند موفقیت‌های‌اساسی بدست‌آوردند، بعدازتصرف سواحل اقیانوس کبیربندر ولادیوستک‌را بنانموده وروابط بازرگانی وسیاسی خود را ازطریق خشکی ودریا با چین توسعه دادند. در ۱۸۶۷ هم برای اینکه هم خود راکاملا مصروف آسیا کنند آلاسکا رابدول‌متحده‌آمریکای شمالی‌فروخته ودامنه عملیات‌خود رابدریای‌برینگ محدود کردند.

ایران ـ از زمان سلطنت صفویه ایران‌میدان رقابت سیاسی دول‌اروپا گردید اقتدار سلاطین صفوی و نادرشاه افشار مانع زیاده روی آنها گردید ولی از زمان سلطنت قاجاریه‌نفوذخارجی‌ها روزبروززیادتر گردیدوآقامحمد خان‌دائماً باروسها در جنگ وجدال بود.

درزمان‌سلطنت فتحعلی‌شاه ناپلئون بناپارت یکی ازسرداران خود را موسوم به ژنرال گاردان (۱) مأمورایران‌نمودتابتواند باین طریق انگلیسها را درهندوستان تهدید کند. بعد ازملاقات تیلسیت‌ناپلئون وعده‌های‌خود رافراموش کرد. انگلیسها ازاین امر استفاده کرده و درسالهای ۱۸۱۲ و۱۸۱۴پیمانی بادولت‌ایران‌منعقد کردند که بموجب آن دولت ایران تعهد مینمود ازهرنوع لشکرکشی بسمت هندوستان جلوگیری کند در عوض انگلیسها وعده دادند که در مقابل حمله دول اروپائی به ایران کمک کنند.

بعدازسرنگون‌شدن‌سلطنت‌ناپلئون‌انگلیسهارقیب تازه که‌بمراتب خطرناکتر از فرانسویها بود یعنی روسها درایران پیدا کردند زیرا ازطرفی‌روسها همواره‌مایل برسیدن بدریای آزاد بوده وکشور ایران راه مناسبی بنظر میامد.

از طرف دیگر راههای بری هندوستان از ایران وافغانستان عبور مینمود و انگلیسی‌ها بهیچوجه راضی‌به‌برقراری‌تسلط کشوردیگری دراین نقاط‌نمیگردیدند

(۱) Claude - Mathieu de Gardane (۱۷۶۶ - ۱۸۱۷) سردار فرانسوی

دربین این دوسیاست نفع دولت ایران نگاهداری این رقابت بود تابتواند استقلال خود را حفظ کند وتاریخ نشان میدهد که هروقت بین انگلستان وروسیه موافقت پیداشده استقلال این کشور بخطر افتاده است .

درسالهای ۱۸۱۳و۱۸۲۸ درنتیجه جنگ بادولت ایران روسهادو پیمان گلستان وترکمن چای را بایران تحمیل نمودندبموجب معاهده ترکمن چای ۱۸۲۸ قفقازیه ازایران منتزع وبحرخزردریای روسی گردید رژیم کاپیتولاسیون در ایران برقرار شده وتعرفه گمرکی بنفع روسها تنظیم گردید دول دیگرنیز بموجب ماده معروف دول کامله الو داد از مزایای آن استفاده کردند .

انگلیسها نیزدرسال ۱۸۳۵ایران رامجبور بشناختن سیادت دریائی انگلستان در خلیج فارس نموده و کشتی رانی در خلیج را تقریباً بخود اختصاص دادند درسال ۱۸٦٤ هم امتیازبرقراری خطوط تلگراف را بدست آورند .

درقرن نوزدهم انگلیسها وروسها ازاقتدارونفوذ خود در ایران استفاده کرده وهر کدام مزایای اقتصادی وسیاسی زیادی بدست آورده وسرزمین ایران میدان رقابت سیاسی این دو کشور گردید درداخل کشور نیزهرج ومرج وجود داشته وحکومت مرکزی ضعیف بوده وروش معینی نداشت .

فصل دوم

کنگره صلح پاریس (۱۸۵۶)

جنك کریمه - بیطرفی پروس - تردید اتریش - ورود دولت ساردنی در جنك - تسخیر سباستوپول - اولتیماتوم متفقین - قبول آن ازطرف روسیه - دولی که در کنگره شرکت کردند - افتتاح کنگره صلح در پاریس - پیمان صلح - موضوعهای دیگری که در کنگره مورد بحث قرار گرفت - نتایج کنگره پاریس و جنك کریمه .

در سال ۱۸۵٤ جنك کریمه بین انگلستان و فرانسه و عثمانی از یکطرف و دولت روسیه ازطرف دیگر شروع شد دولت اتریش با اشتیاق فراوانی که بمداخله در این جنك بکمك فرانسه و انگلستان داشت در اثر تحریکات و سیاست دولت پروس تا آخر جنك را بتردید گذراند . دولت پروس که در اوائل امر مایل بورود درجنك بنفع متفقین بود در اثر نصایح بیسمارك رویه خود را تغییر داده و با ممانعت اتریش از پیوستن بمتفقین بیشتر بروسیه کمك کرد . دولت ساردنی با راهنمائی کاوور برای احراز مقام درجر گه دول اروپا وعملی کردن وحدت ایتالیا تحت سیادت دولت ساردنی بدون توقع قبلی در ۲٦ ژانویه ۱۸۵۵ ارتش خود را در اختیار متفقین گذاشت .

دردوم مارس ۱۸۵۵ نیکلای اول تزار روسیه فوت نمود وجانشین او آلکساندر دوم باعث امیدواری بیشتری برای برقراری صلح گردید . بعد از تسخیر سباستوپول در صورتیکه دولت انگلستان مـایل بود جنك را ادامه داده و منافع بیشتری ببرد ناپلئون سوم درمقابل بی میلی فرانسویها بجنك طرفدارصلح گردید . دولت اتریش که نتوانسته بود وارد درجنك شود و کمك ساردنی بمتفقین موجب تشویش او برای

نگاهداری متصرفاتش درایتالیا شده بود سعی‌نمود میانجیگری کرده وبا تعدیل‌نظر انگلستان‌نسبت بروسیه درضمن‌ارسال اولتیماتومی روسیه راحاضر بقبول صلح نماید بعد از مذاکراتی که بین نمایندگان اتریش و فرانسه و انگلستان صورت گرفت در ۱۶ دسامبر ۱۸۵۵ اولتیماتومی بدولت روسیه ارسال شد وچنانچه تزار روسیه تا ۱۷ ژانویه ۱۸۵۶ نظرخود را ابرازنمینمود دولت‌اتریش نیز بمعیت متفقین وارد درجنگ میگردید . مفاد اولتیماتوم بقرار زیر بود :

۱ ـ حکومت نشین‌های‌حوالی رود دانوب‌تحت‌حمایت دسته‌جمعی دول‌بزرگ قرار خواهند گرفت واین دول سازمان داخلی آنها را تضمین میکنند دولت عثمانی بدون تصویب دول اروپا حق مداخله نظامی در امور آنها نخواهد داشت.تصحیحات مرزی هم در قسمت بسارابی بعمل خواهدآمد .

۲ ـ آزادی کشتی رانی در روی رود دانوب تحت نظارت دول طرف قرارداد برقرار خواهد شد .

۳ ـ دریـای سیاه بی طرف خواهد شد و قراردادی راجع بـاین موضوع بین دولتین روسیه وعثمانی بسته شده و ضمیمه پیمان خواهد گردید . دولت عثمانی‌وارد جرگه دول اروپائی شده وهر گونه اختلافی که بین اوودول دیگرامضا کننده‌پیمان رخ دهد قبلا بنظردول دیگرخواهد رسید . اصل بسته بودن‌بغازها نیزمجدداً اعلام خواهد گردید .

٤ـ بدون‌اینکه‌باستقلال‌وحاکمیت‌دولت عثمانی‌لطمه‌واردشودحقوق‌مسیحیان ساکن این کشورتأئیدخواهدشد دولت عثمانی دراین باب اقداماتی‌بعمل‌خواهدآورد که باید مورد تصدیق روسیه واقع شود .

۵ ـ دول متحارب می‌توانند علاوه بر شرایط فوق شرایط دیگری راهم که موافق باَ منافع اروپائی باشد برقرار سازند .

دولت روسیه‌چون احتمال‌نمیداد دولت اتریش بمتفقین به پیوندد در ۵ ژانویه

پاسخ مبهمی به ٤ شرط اول داد وشرط پنجم رابعلت اینکه مفاد آن معلوم نیست رد کرد وباوجوداینکه تذکرداده شد کهاین‌شروط عبارت خواهند بوداز استردادقارص وبیطرف نمودن جزائر الاند (۱) دولت روسیه درصددبر آمد ازاین اولتیماتوم برای بدست آوردن فرصت بیشتری استفاده کند.

دولت پروس که ازنتایج جنك وقوی شدن‌فرانسه بیم داشت‌ومخصوصاً شخص بیسمارك که‌انتظارات زیادی‌ازناپلئون‌سوم‌داشت دراین‌موقع‌مداخله نموده وفردریك گیوم چهارم نامه به‌تزار روسیه نوشته وباو توصیه کرد شرایط اولتیماتوم را بپذیرد در نتیجه در ۱٦ ژانویه ۱۸٥٦ دولت روسیه قبول اولتیماتوم را اعلام داشت و تاریخ انعقاد کنگره صلح در پاریس روز ۲٥ فوریه تعیین گردید.

اولین موضوع گفتگودر کنگره عبارت‌ازاین بود که چه دولی‌باید در کنگره شرکت کنند. شرکت دول انگلستان و فرانسه و عثمانی وروسیه و ساردنی مورد بحث‌نبود. دولت سوئد که فرصت ورود درجنك رانکرده بود باشرکت نکردن در کنگره موافقت نمود. دولت اتریش گرچه مایل بشرکت در کنگره نبود ولی‌چون جرئت ابراز آنرا نداشت به کنگره دعوت شد. دولت پروس میل زیادی بورود در کنگره داشت‌امادرمقابل دلائل‌انگلستان که‌اظهارمیداشت دولی‌باید در کنگره‌های صلح شرکت کنند که درمدت جنك متحمل خساراتی شده باشند موفق بورود در کنگره‌نگردید. دولت روسیه‌هم که عدم‌ورود پروس را در کنگره ازموجبات‌ضعف این دولت میشمرد ومایل بود دولت پروس همواره باواتکاء داشته باشد روی موافقتی نشان نداد. دولت اتریش گرچه در ظاهر از پروس طرفداری میکرد ولی در باطن برای‌ممانعت ازشرکت پروس در کنگره ازهیچگونه فعالیتی‌خودداری نمیکردفقط ناپلئون‌سوم دراثر کینهٔ که ازاتریش‌دردل گرفته‌بود ازدولت پروس‌طرفداری‌میکرد وبالاخره‌قرارشددرجلسات اولیه کنگره دولت‌پروس‌شرکت نکنند فقط درموقعی که

---

(۱) Aland

شرایط صلح تنظیم گردیدوموضوع بغازهابمیان آمد چون دولت پروس نیزدرقرارداد ۱۸۴۱ شرکت کرده‌است درجلسات کنگره شرکت کند. باوجود تقاضاهای مکرر دول دیگر آلمان از کنفدراسیون ژرمانیك هیچکس دعوت نشد .

کنگره‌صلح در۲۵ فوریه۱۸۵۶ درپاریس افتتاح گردید ریاست کنگره با وزیرخارجه فرانسه کنت‌والوسکی(۱) بودونمایندگان‌دول‌انگلستان-فرانسه-روسیه-اتریش - ساردنی - عثمانی در آن شرکت داشتند . چون قبل از تشکیل کنگره شرایط صلح معین شده‌بود کار کنگره خیلی سهل وآسان بود فقط درباره مرز های مولداوی واتحاد این حکومت‌نشین با والاشی مذاکرات زیادتری بعمل آمد. دولت روسیه مجبور گردید درباره مرزهای مولداوی گذشتهائی بکندوراجع باتحادآن با والاشی اخذ تصمیم موکول ببعد شد .

پیمان صلح روز ۳۰ مارس ۱۸۵۶ بامضاء رسید وتصمیمات مهم آن بقرارزیر میباشد :

دولت عثمانی وارد جرگه دول اروپا میشود وهریك ازدول تمامیت خاك‌اورا ضمانت میکنند و در صورت اختلاف هریك از آنها موظفند دول دیگر را از موضوع اختلاف مطلع سازند تا بلکه بتوان بوسیله میانجیگری از بروز جنك جلوگیری کرد .

دولت عثمانی موظف گردید فرمانی صادرنموده ورعایت حقوق ساکنین این کشوررا تصریح کند .(۲)

---

(۱) Alexandre -Florian-Joseph - Colona ، Comte Walewski (۱۸۱۰-۱۸۶۸) سیاستمدار فرانسوی- پسر غیرشرعی ناپلئون اول وماری والوسکای لهستانی-لهستانی‌الاصل در۱۸۳۰ بتبعیت فرانسه درآمد - وارد روزنامه‌نگاری‌وسیاست شد- چندمرتبه‌نمایندگی فرانسه درنزد دول خارجی باومحول شد- وزیر خارجه فرانسه از۱۸۵۵ تا ۱۸۶۰- رئیس مجلس مبعوثان فرانسه درسال ۱۸۶۵ .

(۲) این فرمان در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۸۵۶ صادر شده بود ولی هیچگونه اثر عملی پیدا نکرد .

مفاد پیمان ۱۸٤۱ راجع به‌بسته‌بودن بغازها تأئید گردید .

دریای‌سیاه بیطرف‌شناخته شد وتعداد کشتیهای دولتین روسیه وعثمانی بطور تساوی تعیین گردید .

آزادی کشتی‌رانی‌درروی رود دانوب برقرار کمسیونی‌برای‌تسهیل کشتی‌رانی ووضع مقررات‌لازم دراین موضوع پیش‌بینی‌شد .

دول امضاء کننده متعهدشدند درظرف چهارهفته تصویب‌پیمان‌را تأئید کنند .

گرچه بعدازامضـای پیمان صلح کار کنگره تمام‌شده بود ولی چندموضوع دیـگر نیز مورد مذاکره در کنگره واقع شد که آنهـا را می‌توان بشرح زیـر خلاصه نمود :

۱ ـ لزوم توجه بوضع یونان .

۲ ـ تخلیه متصرفات پاپ ازارتش فرانسه واتریش .

۳ ـ لزوم تعقیب رویه مسالمت‌آمیز درمقابل افکارآزادیخواهان دردول شبه جزیره ایتالیا .

٤ ـ ابراز تنفر عمومی نسبت بحملات روزنامه‌های بلژیك برضدناپلئون‌سوم ولزوم جلوگیری اززیاده روی‌آنها .

٥ ـ وضع مقررات برای حقوق دریائی .

٦ـ طرح میانجیگری وداوری بین دول درمسائل مورد اختلاف .

راجع به٤ موضوع اول که بتحریك ناپلئون سوم ودرقسمتهای مربوطبایتالیا بتقاضای‌کاوور موضوع مباحثه قرار گرفته بود نتیجه عملی گرفته‌نشدموضوع‌داوری گرچـه درصورت ظاهـرمورد موافقت تمام دول قرار گرفت ولی هر کدام از آنهـا آزادی عمل‌رابرای‌خود حفظ مینمودند.فقط درقسمت پنجم مقرراتی‌ازطرف کنگره وضع گردید .

بعد از مطالعه پیمـان صلح پاریس نتایج جنك کریمه‌را میتوان بشرح زیـر خلاصه نمود :

۱ـ دولت روسیه گرچه درظاهر شکست خورده بود ولی خفیف نشده وهیچیك از سرحدات اصلی خود را ازدست نداده بود بیطرفی دریای سیاه را امری موقتی تلقی نموده وبطوریکه خواهیم دید در اولین فرصت در صدد الغاء آن برخواهد آمد . دوستی پروس تقویتی برای اوبوده وتبلیغات نژادی که از این تاریخ شروع میشودوسیله دیگری خواهد بودتابادردست گرفتن نهضت اتحاداسلاو بتواند دربسط نفوذ خوددربالکان کوشش کند . دولت فرانسه هم نسبت بروسیه رویه معتدلی را پیش گرفته وازهرجهت دولت روسیه نسبت بآینده خود امیدوارمیشود .

۲ ـ دولت عثمانی موقتاً ازخطرروسیه درامان میماند ولی فساد داخلی این دولت و هرج و مرجی که در دستگاه حکومت وجود داشت با تبلیغات و کوششهای نژادهای تابع این امپراطوری توأم شده خطرتجزیه این دولت روزبروز زیادترمیشود .

۳ـ دولت انگلستان که امیدزیادی ازنتیجه این جنگ داشت کاملا بمقصودخود نرسید گرچه دولت روسیه شکست خورده وازنفوذآن در دولت عثمانی و مدیترانه کاسته شده بودولی ازدولت فرانسه که تاپایان امر ازسیاست او پیروی نکرد دلگیر بود وآنطور که انگلستان انتظارداشت دولت روسیه ضعیف نگردید . در نتیجه رقابت روسیه باانگلستان درنتیجه این جنگ خاتمه پیدا نمیکند .

٤ ـ دولت اطریش ازتمام دول دیگر بیشترضرر کرده بود از طرفی دولت روسیه ازعدم حق شناسی اتریش وازمیلی که بالحاق بمتفقین نشان داده بودخشمگین ومایل بتلافی بود ازطرف دیگرمتفقین هم ازتردید اطریش ناراضی شده و ناپلئون سوم ازاو کینه بدل گرفته بود علاوه برآن دودولت جدید ساردنی درایتالیاودیگری پروس درآلمان خودرابرای انجام وحدت ایتالیا وآلمان حاضر کرده وتهدیدمستقیمی برای اتریش بشمارمیرفتند درداخله اتریش هم تبلیغات اتحاداسلاو وتقاضاهای مجارها این دولت را فوق العاده ناراحت میکرد .

٥ ـ دولت فرانسه درنتیجه جنگ کریمه بنظر می آمد استفاده زیادی برده

است. ناپلئون سوم موفق شده بود اتحاد مقدس را متلاشی سازد و متحدین کنگره وین را ازهم جدا کند وهر کدام از دول اروپا برای انجام مقاصد بعدی خود کمك ناپلئون سوم‌را برای خود لازم‌میشمردند. ولی ناپلئون‌سوم نمیتواند ازاین موقعیت آنچنانکه باید استفاده کند ودر نتیجه» سیاستی که پیش میگیرداولا دو دولت قوی درهمسایگی فرانسه تأسیس میشود ثانیاً تمام دول اروپا یکی بعد ازدیگری ازعملیات او رنجیده شده ودر موقع لازم بدون یار و یاور در مقابل پروس تنها خواهد ماند .

٦ـ دولت ساردنی درتحت هدایت کاوور گرچه بعد ازجنك کریمه فوراً بمقصود خود نائل نمیشودولی‌وارد جرگه‌دول درجه اول اروپا شده‌وزمزمه‌وحدت ایتالیاتحت‌نظردولت‌ساردنی قوت‌میگیرد بطوریکه سه‌سال‌بعداز کنگره‌پاریس کاوور بآمال وآرزوهای خود میرسد .

٧ ـ دولت پروس باآنکه درجنك کریمه مانع دخول اتریش درصف‌متفقین گردید طرف بغض‌و کینه متفقین‌قرار نگرفت . باسیاست مدبرانه که بیسمارك‌بانی آن بود ازیکطرف دوستی روسیه‌را بخود جلب کرده وازطرف دیگردشمنی‌فرانسه وانگلستان‌را فراهم‌نساخته بود باضعف اتریش راه را برای خارج کردن‌این‌دولت‌از اتحادیه‌آلمان هموار کرده ودرمدت کمی بعدازجنك کریمه بتشکیل وحدت‌آلمان تحت ریاست پروس موفق میشود.

فصل سوم

فرانسه وناپلئون سوم بعدازجنك كريمه

اهميت فرانسه بعد از جنك كريمه- عقايد ناپلئون سوم-امور ايتاليا- قضاياى رومانى-سوءقصداورسينى-جنك بااتريش-عدم توافق نظر با دولت ساردنى-تصرف نيس وساووآ-اقدامات براى جلب نظر كاتوليكها-تحريكات ناپلئون سوم دررومانى وسربستان-شورش لهستان-مداخله درامور مكزيك- عدم موفقيت سياست ناپلئون سوم در داخله وخارجه

....

بعد از جنك كريمه نمايندگان قويترين سلاطين اروپا در پاريس بدوروارث پلئون اول گرد آمده وهر كدام سعى ميكردند نظر موافق ناپلئون سوم را طرف‌خود جلب كنند.

دولت انگلستان اتحاد فرانسه را براى‌تثبيت‌منافعى كه ازجنك كريمه‌بدست ورده بود و توسعه نفوذ خود در شرق لازم ميشمرد.

دولت روسيه بعداز شكست كريمه جلب‌نظرفرانسه‌را براى ترميم وضع خود واجبات ميدانست.

دولت اتريش‌براى رفع سوء ظن و كينه‌ناپلئون سوم‌وجهت رفع خطرى كه از انب ايتاليا و آلمان منافع اورا تهديد ميكرد سعى مينمود موافقت ناپلئون سوم به‌طرف خود جلب كند.

دول پروس وايتاليا اميدوار بودند ازعقائد نژادى ناپلئون ودشمنى اوبااتريش

استفاده نموده وحدت آلمان و ایتالیا راتحت‌نظرخود عملی کنند .

ناپلئون سوم که خودرا طرف توجه تمام دول اروپا میدید خیال کرد فرانسه قوت وقدرت کافی داشته ومیتواند نقشه اروپا را طبق عقاید نژادی تغییرداده واثرات پیمان ۱۸۱۵ را ازبین برده با برقراری اتحاد نژاد لاتین وبدست آوردن سرحدات طبیعی برای فرانسه خاطرات واترلورا محونماید . ازسال ۱۸۵۵ برای اجرای‌مقاصد شخصی‌خود کنت والوسکی را که اصلا لهستانی بودبوزارت‌انتخاب‌نمودتاکاملامطیع فرامین او باشد . نسبت باحزاب فرانسه هم بدون اینکه با هیچکدام از آنها روی مخالفتی نشان‌دهد گاهی از عقاید یك دسته و زمانی ازنظریات دسته دیگر پیروی می کرد .

کاتولیکها سلطنت ناپلئون سوم‌را بدوره سن‌لوئی وشارلمانی تشبیه نموده وبا این عناوین ناپلئون را وادار بکمك بپاپ و بر قراری نفوذ مذهب کاتولیك در دنیا میکردندهمین‌امرباعث‌میشود کمك‌ناپلئون‌سوم به‌آزادی‌خواهان‌ایتالیادرمواقعی که باعث تهدید منافع پاپ میشد محدود گردد ومقداری ازقوای نظامی و مالی فرانسه برای توسعه نفوذ کاتولیکها درسراسرجهان متفرق شده واسباب‌ضعف فرانسه‌رافراهم آورد علاوه برآن مداخلات فرانسه در امور دول دیگر موجب رنجش خاطر دول اروپا میگردد .

احزاب آزادیخواه نیز بکمك ناپلئون سوم امیدواربوده سلطنت ناپلئون را برای ازبین‌بردن اثرات کنگره وین و کوتاه کردن دست اتریش‌ازمداخله‌درایتالیا و بدست آوردن‌سرحدات‌طبیعی برای‌فرانسه‌مناسب میدانستند .

ناپلئون سوم کمك بکاتولیکهارا برای ادامه سلطنت خود لازم دانسته ونفوذ ملکه که کاتولیك متعصبی بود اثر زیادی در تصمیمات اوداشت و برای جلب‌نظر کاتولیکها نمیخواست‌ازهیچگونه کمکی‌بآنهاخودداری کند. ازطرف‌دیگرخاطرات طفولیت واقدامات او درموقع جوانی سیاست اورا به‌پیروی از عقاید نژادی و کمك بآزادی خواهان ایتالیا سوق میداد .

ناپلئون سوم برای انجام‌منظورهای متضاد خود وزیران فرانسه را ازسیاستی که تعقیب مینمود بی‌اطلاع میگذاشت وهروقت‌یکی از آنهاقدمی برخلاف‌عقاید او برمیداشت فوراً معزول میگردید ولی نفوذ اطرافیان ناپلئون‌سوم وملکه‌باعث میشد که امپراطورفرانسه هیچوقت رویه‌خودرا بآخر نمیرساندودراواسط کارنظریه خودرا چندین مرتبه تغییرمیداد باینجهت سیاست فرانسه روش معین وثابتی نداشته و هیچ کدام ازاحزاب راضی باقی نمیماندند .

کاوورکه ازعدم ثبات عقیده ناپلئون سوم‌اطلاع داشت مأمورین مخصوصی را برای‌مصاحبت‌اوانتخاب کرده‌بود کنت آرز(۱) ودکتر کونو(۲) هرآن‌میتوانستنددر نزد ناپلئون حاضرشده وبطورغیرمستقیم نظریات خودرا براوتحمیل کنند .

خانواده‌بناپارت نیزازآنها پشتیبانی مینمود در ۱۸۵۰ مداخله سیاسی‌ناپلئون سوم بنفع ساردنی ازپیش‌رفت اتریشیهاجلوگیری کرد . در ۱۸۵۲ سفیرفرانسه که پیروی ازسیاست کاوور نمیکردعوض شد و درخفای دیپلوماسی‌رسمی‌مقدمات اتحاد دولت‌ساردنی بامتفقین درجنك کریمه فراهم گردیدو کاووربااطمینان اینکه‌بهره کافی ازاین اتحاد خواهد برد بدون تقاضای پاداش‌آنی کمك خود را بلا عوض پیشنهاد کرد. ناپلئون سوم‌هم ازکاوورتقاضا کرد کمکهائی‌را که‌ازفرانسه انتظار دارد معلوم نماید وبعدازجنك کریمه دراثرتوصیه ناپلئون سوم دولت ساردنی مانند دول درجه اول‌اروپا در کنگره صلح پاریس شرکت کرد . تبلیغات وروزنامه‌های‌آزادیخواهان نیز کمك مؤثری‌برای ایتالیائیها بشمارمیرفت .

قضایای رومانی فرصت‌دیگری برای ناپلئون سوم جهت‌اجرای عقاید نژادی بدست ناپلئون سوم داده بود اما دراین مسئله سیاست روسیه و اتریش وعثمانی و

---

(۱)- Francois ,comte Arese (۱۸۰۵-۱۸۸۱) ازجوانی‌باپرنس لوئی ناپلئون مصاحب بود -رابطه‌مخفی بین‌دولت ساردنی وناپلئون سوم گردید .

(۲) Dr Henri Conneau (۱۸۰۳-۱۸۷۷) فرانسوی‌ولی‌درمیلان متولدشده بود منشی‌لوئی بناپارت پادشاه هلند- پزشك مخصوص لوئی ناپلئون اززمان‌طفولیت‌وپزشك مخصوص‌ناپلئون سوم وخانواده‌او- نماینده مجلس مبعوثان در۱۸۵۳- سناتور در۱۸۶۷

انگلستان نیز بایکدیگر تماس پیدا مینمود ایتالیائیهانیز میخواستند ازاین قضیه بعنوان سابقه برای انجام وحدت ایتالیا استفاده نمایند . وزرای فرانسه مخاطرات مسئله رومانی را که باعث نفاق فرانسه بادولتین عثمانی واتریش وانگلیس میشد باوخاطرنشان کردند ولی ناپلئون وقعی باظهارات وزرای خودنگذاشت . درماه اوت ۱۸۵۷ دراسبورن(۱) ملاقاتی ازملکه ویکتوریا بعمل آورد وباشرح عقایدخود سعی نمود جلب نظر انگلیس هارا بنماید .

دولت انگلستان گرچه باابطال انتخابات رومانی که دراثر مداخلات عثمانی و اتریش بنفع آنها انجام یافته بود موافقت کرد ولی ازنظریات ناپلئون راجع به ازبین بردن تعهدات ۱۸۱۵ بیمناك گردید .

درملاقات دیگری که در۲۵ سپتامبر۱۸۵۷ ناپلئون سوم دراستوتکارت ازتزار روسیه بعمل آورد نقشه‌های اووعقایدوحدت نژادهای اروپامخصوصاً بی‌احتیاطی های ناپلئون راجع به‌تأسیس لهستان مستقل تزارروسیه را نیزوادار باحتیاط از تعقیب مرام او نمود .

ازهمین مواقع اقدامات ناپلئون سوم درنقاط مختلف جهان برای بدست آوردن خاطر کاتولیکهاشروع میشوددرچین- هندوچین- ماداگاسکار - سوریه ناپلئون سوم ازمنافع کلیسای کاتولیك حمایت میکند ولی مانند سایر اقداماتش برای نرنجانیدن آزادیخواهان نقشه خودرا مستورنگاه میدارد .

سوءقصدی که‌اورسینی(۲) درفوریه ۱۸۵۸ برعلیه ناپلئون سوم مرتکب گردید بهانهٔ بدست ناپلئون میدهد که مقاومت ملکه‌را برای کمك بآزادی‌خواهان ایتالیائی

---

(۱) Osborne

(۲) Felix Orsioi (۱۸۱۰ - ۱۸۵۸) یکی ازانقلابیون ایتالیا - چندین مرتبه در شورشیها وانقلابات ایتالیاشرکت ومحکوم بزندان وتبعیدشد- درسال۱۸۵۵ محکوم باعدام شدولی اززندان فرارکرد- در۱۴ژانویه۱۸۵۸ درموقعیکه ناپلئون سوم برای تماشابه اپرا میرفت اورسینی بمبهائی بطرف کالسکه اوپرتاب کرد که قریب۵۶ نفررا مقتول ومجروح ساخت ولی به ناپلئون سوم آسیبی نرسید- بعدازمحاکمه در۱۳مارس۱۸۵۷ اعدام گردید .

ازبین‌ببرد،اظهارمیدارد که اگر بازهم‌از کمك‌بایتالیائیها دریغ کند جانش‌درمعرض مخاطره قرار خواهد گرفت . تبلیغاتی که در اطراف این قضبه بعمل آمد ملاقات رئیس شهربانی پاریس از اورسینی در زندان و انتشار توبه نامه او در روزنامه‌ها و التماس او از ناپلئون سوم برای کمك بایتالیائیها ناپلئون را مصمم نمود علیرغم نصایح وزرای خود وحدت‌ایتالیا را عملی نماید و خیال‌میکرد با تأسیس‌دول متحده از ایتالیائیها بتواند هم‌آنهارا راضی‌نگاه دارد هم منافع‌پاپ رامحفوظ بدارد باینجهت بدون اینکه وزرای خود را مطلع سازد توسط دکتر کونویه‌به‌کاوور پیغام میدهد که در شهر پلومبیر (۱) منتظر اوست و برای اینکه خیالش از طرف دولتهای اروپا راحت باشد سعی‌میکند بااختلافات خود باآنها خاتمه‌داده ونظرموافق دول انگلیس وروسیه وپروس را جلب نماید دردا‌خله‌فرانسه نیزافکار عمومی رامتوجه ایتالیائیها ساخته از طرفی آزادی خواهان را دعوت‌بکمك برای رهائی‌ایتالیا از اتریش‌میکند واز طرف دیگر برای جلب رضایت کاتولیکها وعده استقرارپاپ را میدهد

بعد از مذاکرات پلومبیر و توافق نظر بین فرانسه و دولت ساردنی مقدمات جنك بااتریش‌فراهم‌شده و در سال۱۸۵۹ جنك‌بااتریش‌شروع‌میشود.بعد از فتوحات اولیه در مقابل سیاست دول اروپا ناپلئون مجبور میشود مانند همیشه نقشه خود را تغییردهد . ازماه ژوئن ۱۸۵۹ دول‌آلمان بتحریك پروس برضدفرانسه مشغول‌تجهیز میشوند دولت روسیه نیز جزبا ارسال یادداشتهای سیاسی اقدامی برای جلوگیری ازآنهابعمل‌نمیآورد. دولت انگلستان نیز که از عقاید نژادی ناپلئون اطلاع حاصل کرده بود ومیترسید موفقیت ناپلئون سوم خطری برای بلژیك ایجاد کند باوجود آنکه طرفـدار آزادی ایتالیا بود بیمیل نبود فرانسه‌را درزحمت ببیند بهمین جهت تقاضای میانجیگری ناپلئون سوم‌را برای صلح بااتریش رد کرد .

درمقابل این اوضاع ناپلئون سوم بدون مشورت باوزرای‌خود بفرانسوا ژوزف امپراطوراتریش مستقیماً پیشنهاد صلح‌مینماید درصورتیکه ایتالیائیهابهیچوجه‌راضی

Plombières (۱)

باین امر نبودند . در یازده ژوییه ۱۸۵۹ ترك مخاصمه ویلافرانکا [۱] بامضاء رسید و جنگ متوقف ودرتأییدآن پیمان زوریخ در دهم نوامبر ۱۸۵۹ بین اتریش وفرانسه وایتالیا بسته شد .

ناپلئون سوم که خیلی میکرد ازایتالیا دول متحده به ریاست افتخاری پاپ و ریاست حقیقی پادشاه ساردنی تشکیل دهد درمقابل اقدامات میهن پرستان ایتالیائی و کاوور موفق بانجام نقشه خود نگردید .

ناپلئون سوم درمقابل توسعه دولت ساردنی طبق قراری که درپلومبیر گذاشته شده بود سعی نمود نیس وساووآ را بفرانسه ملحق سازد وچون کنت والوسکی موافق کمك بدولت ساردنی نبود مجبورشداز کار کناره گیری کند وتوونل [۲] جانشین او گردیده باتصرف نیس وساووآ ناپلئون سوم که خودرا بادولت ساردنی برای تجاوز بمتصرفات دیگران شریك کرده بوددیگر نمیتوانست مانع توسعه دولت ساردنی شود ولی باورودآرتش ویکتور امانوئل بمتصرفات پاپ افکارواحساسات کاتولیکهای فرانسه امپراطوراین کشوررا تحت فشارقرارداد. ناپلئون سوم برای حفظ ظاهر درمقابل کاتولیکها در ۱۱ سپتامبر ۱۸۶۰ نماینده فرانسه راازتورن احضار کرد. برای محافظت شهر رم نیز ارتش خودرا درآنجا نگاهداشت باین ترتیب ناپلئون سوم بین دوسیاست متضاد قرار گرفته و نمیتوانست هیچیك از طرفین راراضی نگاه دارد . کاتولیکها طرفدار جدی کمك به پاپ وحفظ متصرفات اوبودنددرصورتیکه ایتالیائیهاو آزادی خواهان وحدت ایتالیارا بدون رم ناقص دانسته وسعی میکردندهرچه زودترآنرامتصرف شوند . ازاین تاریخ ناپلئون سوم سعی مینماید مسئولیت حوادث راازخود دورنموده ودروقایعی که اتفاق میافتد مانند داوری دررأس احزاب سیاست خودرا اجرا نماید بدینجهت در ۲٤ نوامبر ۱۸۶۰ فرمانی منتشر شد که به مجلس مبعوثان وسنااختیاراتیرامحول نمودونشر

---

(۱) Villafranca de verona

(۲) Edouard Antoine . thouvenel (۱۸۱۸ - ۱۸۶٦) سیاستمدار فرانسوی عهده‌دار چندین سفارت ازطرف فرانسه درنزد دول خارجی- سناتوردر ۱۸۵٦ – وزیر خارجه ناپلئون سوم از ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۲ .

مذاکرات پارلمان نیز آزاد گردید .

برای خوش آمد کاتولیکها درسال ۱۸۶۰ ناپلئون جهازات فرانسه را بآبهای چین فرستاد. درماه اوت ۱۸۶۰ بکمك کاتولیکهای سوریه‌شتافت. درفوریه‌سال ۱۸۶۱ اقداماتی درهندوچین بعمل آورد . این عملیات علاوه‌بر آنکه تحمیلات زیادی ببودجه کشوروارد آورد باوجود پیمان بازرگانی که ۱۸۶۰ بین انگلستان وفرانسه بسته‌شد باعث تولید سوءِ تفاهمات زیادی بین این دو دولت گردید و کاتولیکها نیز از اقدامات امپراطورفرانسه راضی نشده اورا مسئول اشغال اراضی پاپ توسط ایتالیائیها دانسته ناپلئون سوم مجبور گردید علاوه بر نگاهداری ارتشی دررم به‌لاموریسیر (۱) اجازه دهد ارتش پاپ را اداره ومجهز کند وضمناً سعی‌بسیاری کرد که مابین پاپ و ایتالیائیهارا اصلاح نماید .

ولی تمام‌این اقدامات سبب شد که هم کاتولیکها ازاودلگیرشوندوهم‌ایتالیائیها اورا مانعی برای اشغال رم بپندارند وازناپلئون سوم کینه دردل بگیرند .

ناپلئون سوم درسال ۱۸۶۲ ازاقدام اهالی‌رومانی که باانتخاب آلکساندر کوزا وسائل اتحاد دوحکومت نشین مولداوی و والاشی را فراهم کرده بودند خوشنود گردیدوباتحریکاتی که‌درخفابعمل آورد درفوریه ۱۸۶۶ یکی ازشاهزادگان‌خانواده سلطنتی پروس (هوهنزولرن) که باناپلئون سوم نیز قرابت خانوادگی‌داشت پادشاه رومانی گردید .

ناپلئون سوم که درهمه جا سیاست نژادی خودرا تعقیب مینمود به‌شورشیان سربستان که‌ازسال ۱۸۵۸ باتعیین میشل ابرنویچ (۲) مایل بتأسیس سربستان بزرك

---

(۱) Louis - Christophe - Léon - Juchault de Lamoricière (۱۸۰۶-۱۸۶۵) سردارفرانسوی - درجنك‌های‌الجزیره خدمات‌شایانی نمود- در ۱۸۴۸ نماینده مجلس ووزیرجنك شد- مخالف‌سیاست ناپلئون سوم بود - باینجهت‌مدتی‌زندانی وبعداً تبعیدشد - درسال ۱۸۶۰ بخدمت پاپ داخل شدولی از ایتالیائیها شکست خورد .

(۲) Michel Obrénovitch (۱۷۸۰-۱۸۶۰) شاهزاده سربی که‌فعالیت زیادی برای رهائی‌سربستان ازتسلط دولت‌عثمانی بعمل‌آورد.

مرکب ازنسبی‌وهزره گوین ومونتنگروبودند کمك کرد. دراوائل سال ۱۸۶۲ سربها موفق شدند ترکهارا از کشورخود بیرون کنند ایتالیائیها نیز که‌میخواستند ازاین قضیه بنفع وحدت ایتالیا استفاده کنند درمشرق اروپا آتش انقلاب‌را دامن میزدند ولی‌توونل‌باسیاست خودتوانست فتنه‌را خاموش کندوبا گرفتن عفوعمومی‌برای‌اهالی مونتنگروواگذاری بلگراد بسربها قضیه‌را خاتمه داد.

درژانویه ۱۸۶۳ شورشی درلهستان اتفاق افتاد که نظر ناپلئون سوم را بخود جلب نمود حمایت ازلهستان اززمان قدیم اساس سیاست فرانسه قرارگرفته و چـه آزادی خواهان‌وچه کاتولیکها طرفداراستقلال‌این کشوربوده‌و آن‌رامتحدطبیعی‌برای فرانسه‌درمقابل‌روسیه وپروس واتریش میدانستند دولت پروس‌ازبدوامر کمك‌نظامی خودرا به دولت روسیه پیشنهاد کرد دروئن دولوئی (۱) که دراین موقع دو مرتبه وزیرخارجه فرانسه شده بود درهیجده فوریه دول انگلستان واتریش رادعوت نمود که بافرانسه متفق شده ودولت پروس‌را ازاینکاربازدارند.

دولت اتریش پیشنهاد فرانسه‌را رد کردولی دولت انگلستان‌برای‌اینکه‌اتفاقی را که بعدازجنك کریمه بین روسیه وفرانسه پیدا شده بود ازبین‌ببردموقع‌رامناسب دیده درظاهرخودرا موافق بانظرناپلئون سوم جلوه داد ناپلئون سوم که‌ایتالیارانیز طرفدارخود میدید توسط سفیراتریش درپاریس بدولت اتریش پیشنهادنمود لهستان مستقل ودرتحت فرمان یك شاهزاده اتریشی گذاشته شود و درعوض ونیز بایتالیـا مسترد گردد.

دولت انگلستان که منتظربودناپلئون‌شروع باقدامی کند که وجهه خودرادر مقابل روسیه ازبین ببرد فوراً از مـوقع استفاده کرده وباعث شد که فرانسواژوزف پیشنهاد فرانسه را قبول نکند. روسها که متوجه عملیات ناپلئون سوم وتحریکات‌او برای‌استقلال لهستان شدندازفرانسه فوق‌العاده دلگیرشده وصمیمیت مناسبات‌فرانسه وروسیه ازبین‌رفت بطوریکه‌خاطره این امردرموقع جنك بین پروس وفرانسه‌ازنظر

(۱) Edouard Drouyn de Lhuys (۱۸۸۱-۱۸۰۵) سیاستمدارفرانسوی-چندین مرتبه وزیرخارجه فرانسه شد.

روسیه محو نشده بود و باینجهت درموقع احتیاج فرانسه حاضر بهیچ گونه کمکی بـه فرانسه نشدند . تزار روسیه در ۳۱ مارس ۱۸۶۳ وعده عفوعمومی به لهستانیها داد و دولت روسیه در تحت فشار عقایـد اتحاد اسلاو باسختی و شدت تمـام شورش لهستان را خاتمه داد و در ۱۵ و ۱۷ آوریل قضیه لهستان بـا مکاتبات دیپلومـاسی خاتمه یافت .

درسال ۱۸۶۳ برای به‌رسمیت شناختن دولت ایتالیا سیاست ناپلئون سوم باز مورد انتقاد قرار گرفت ناپلئون سوم برای برسمیت شناختن دولت ایتالیا این دولت را مجبور کرد پایتخت خودرا شهرفلورانس قراردهد وبشهررم تجاوزی ننمایدارتش فرانسه هم‌درظرف دوسال رم‌را تخلیه کند . این رویه نه‌ایتالیائیها ونه کاتولیکهاهیچ کدام را راضی نکردوبلکه سبب مخالفت هردو دسته نسبت بناپلئون سوم گـردید زیراآن را امری موقتی‌میدانستند وبمحض اینکه گاریبالدی خواست ازتخلیه‌ارتش فرانسه ازرم استفاده نموده واین شهررا اشغال کند ناپلئون سوم بدون آنکه منتظر وفای بعهد ویکتور امانوئل شود در سپتامبر ۱۸۶۷ ارتشی برای حمایت پاپ به رم اعـزام داشت با شکست دادن گاریبالدی در اکتبر ۱۸۶۷ نـاپلئون سوم بـکلی اعتبار خود را در نزد ایتالیائیها از دست داد و مسئول عدم انجام وحدت کامل‌ایتالیا قلمداد شد .

دیگرازاقدامات ناپلئون سوم برای استرضای خاطر کاتولیکها مسئله‌مکزیك بود که از سال ۱۸۶۳ ناپلئون سوم امیدواری زیادی به‌نتایج آن داشت ولی دول انگلستان واسپانیا که دربدو امر بافرانسه همراه بودند بمحض اطلاع‌ازنقشه‌ناپلئون سوم‌برای‌برقراری امپراطوری کاتولیکی‌ماکزیمیلین‌درمکزیك‌خودرا کنار کشیدند مقاومت ژوارز ومکزیکیها درمقابل ماکزیمیلین واعتراض دول متحده آمریکای شمالی وتهدید پروس نسبت بفرانسه باعث شد که درسال ۱۸۶۷ فرانسه ارتش خودرا از مکزیك احضار نمایـد و درنتیجه ناپلئون نه‌تنها موفق بجلب رضایت کاتولیکها

نگردید بلکه درچندین مرتبه مورد اعتراض سخت احزاب آزادیخواه واقع گردید ومتهم شد که نیروها و دارائی ملت فرانسه را صرف هوا و هوسهای خودمینماید .

بطوریکه ملاحظه میشود سیاست ضدونقیض ناپلئون سوم هیچکدام از احزاب را بطرف او جلب ننمود واقدامات متضاد او بهانه‌های بیشماری برای مخالفت ایجادمیکرد .

درنتیجه این عملیات قوای فرانسه در اقطار و اکناف جهان پرا کنده شده و تحمیل زیادی ببودجه فرانسه واردآمد ودرموقع جنك باپروس چه ازلحاظ نفرات و چه ازحیث تجهیزات ارتش فرانسه خیلی عقب‌تر ازارتش پروس بوددرسیاست خارجی نیزعملیات ناپلئون سوم باعث انزجاراغلب دولتهای اروپاشده بود کمك به ایتالیاا تریش و پاپ را دشمن فرانسه ساخته و عدم موافقت با اشغال رم ایتالیائیها را از ناپلئون سوم متنفر کرده بود ـ کمك به شورشیان لهستان باعث کینه روسیه شده وعملیاتی که ناپلئون درمستعمرات برای جلب رضایت کاتولیکها تعقیب میکردباعث وحشت انگلستان گردید علاوه برآن چون ناپلئون سوم معروف به تعقیب سیاست استتار ودسیسه بازی شده بوددیگر هیچکس وقعی بوعده‌های اونگذاشته وبگفته‌های او کسی اعتمادنمیکرد از این جهت پیشنهادی که ناپلئون سوم از سال ۱۸۶۳ برای اصلاح اموربین‌المللی وکم کردن تسلیحات وتشکیل کنگره برای بحث در این قضایا نمود مورد موافقت دول اروپا قرارنگرفت ودرنتیجه سیاست شخص ناپلئون وتحریکات ملکه واطرافیان او و اقدامات احزاب وپارلمان وبالاخره درسالهای قبل ازجنك باپروس دراثر بیماری وضعف مزاج وتردید امپراطور فرانسه بدون آنکه سیاست فرانسه رویه مشخص و معین داشته باشد سرنوشت فرانسه دستخوش حوادث گردید .

فصل چهارم

تأسیس دولت رومانی

آمال و آرزوهای اهالی رومانی - تصمیم کنگره پاریس - تحریکات اتریش و عثمانی - انتخابات اول رومانی - قطع روابط فرانسه با عثمانی - ملاقات ناپلئون سوم از ملکه انگلستان و تزار روسیه - ابطال انتخابات رومانی و انتخابات مجدد - انتخاب آلکساندر کوزا بامارت مولداوی و والاشی - تأسیس دولت رومانی - کناره گیری آلکساندر کوزا - انتخاب پرنس شارل دوهوهنزولرن بپادشاهی رومانی.

ملت رومانی که از دیر زمانی در تحت حمایت ونفوذ دولت عثمانی ودولت روسیه قرار گرفته بود بعداز جنبش‌های نژادی که دراروپا شروع شد درصدد بدست آوردن استقلال خود افتاده وباتبلیغاتی که دراطراف گذشته تاریخی وزبان وعادات اهالی این سرزمین صورت میگرفت سعی نمود پیمان بالتالیمان(۱) را که درسال ۱۸۴۹ بین دولت روسیه ودولت عثمانی منعقد شده بود ازبین ببرد

در کنگره پاریس مسئله رومانی وحل آن ببعد موکول گردید وتصمیم گرفته شد باانتخاب مجالسی دردوحکومت نشین مولداوی ووالاشی آراء اهالی پرسش شود

---

(۱) Balta-Liman یکی از شهرهای عثمانی درقسمت اروپا نزدیك قسطنطنیه - در ۱ مه ۱۸۴۹ دولت عثمانی ودولت روسیه دراین شهر پیمانی راامضا کردند که بموجب آن قوای روسیه وعثمانی درصورت بروزاغتشاش درمولداوی ووالاشی حق مداخله برای برقراری نظم داشتند

ناپلئون سوم باپیروی از عقاید نژادی و بدست آوردن نفوذ دراین ناحیه مایل بتأسیس یك رومانی مستقل بوددولت روسیه هم که درجنك کریمه شکست خورده بود بیمیل نبود باتأسیس دولت رومانی مستقل باعث آزار اتریش وعثمانی شود. دولت اتریش که میترسید درنتیجه استقلال رومانی سابقهٔ ایجاد شده ونژاد های تابعه امپراطوری نیز بفکر استقلال افتند کاملا مخالف بااین امربود وعلاوه بر آن درنظر داشت روزی این دوناجیه را جزء امپراطوری اتریش بنمایدهمانطوریکه درجنك کریمه مبادرت باشغال این نواحی کرده بود. دولت عثمانی که این دوحکومت نشین تابع آن بودند واضح است که حداکثر فعالیت را برای برقراری مجدد تسلط خود بکارمیبرد. دولت انگلستان ومخصوصاً نماینده او سیراستراتفورد ردکلیف درقسطنطنیه که میترسید رومانی مستقل تحت نفوذ روسیه و فرانسه برقرار شود نیز با نظر اتریش و عثمانی موافقت داشت.

بعداز کنگره پاریس دراثر تحریکات اتریش دولت عثمانی برای اداره مولداوی ووالاشی مأمورین موقتی تعیین کرد. دراثر اقدامات سیراسترتفورد نماینده انگلستان درقسطنطنیه ارتش اتریش رومانی را تخلیه نکرد. با کمك این ارتش وتطمیع وتهدید مامورین دولت عثمانی وازبین بردن آزادی مطبوعات موضوع رومانی بطول انجامید وترتیبی برقرارشد که مأمورین دول اروپا که برای نظارت درانتخابات برومانی فرستاده میشدند نتوانند آزادانه منظورخودرا تأمین کنند. این قضایا و حاضربودن ارتش اتریش در رومانی وجهازات انگلیسی در بسفرو ارتش روسیه در شهر بولگراد (۱) بسارابی باعث پیدایش اختلاف نظری بین دول اروپا گردید.

ناپلئون سوم برای اصلاح امور درصدد بر آمد کنفرانسی درپاریس تشکیل داده قضیه را حل نماید ولی دولت عثمانی ازاین اختلافات استفاده کرده وباوجود مراقبتی که کمیسیون متشکله ازمأمورین دول اروپا بعمل میآورد به ترغیب سیراستراتفورد اقداماتی بعمل آورد که درانتخابات ۱۵ ژوئن ۱۸۵۷ قریب نه عشر اهالی شرکت ننمودند

---

(۱) Bolgrad

ونتیجه این انتخابات برعلیه‌اتحاد دوحکومت نشین مولداوی ووالاشی درآمد وبرای جلوگیری‌ازاعتراض اهالی‌رومانی ارتباطات پستی وتلگرافی تعطیل گردید . ناپلئون سوم که متوجه اقدامات برخلاف مقررات دولت عثمانی و اتریش وتحریکات سفیر انگلستان درقسطنطنیه شده بود فوق العاده خشمگین شد وچون سفیرانگلستان‌طرز انتخابات‌را درفرانسه به‌ناپلئون‌سوم گوشزد کردامپراطورفرانسه مصمم گردیدسعی‌در عزل سیراستراستفورد بنماید .

در۵ اوت ۱۸۵۷ ناپلئون سوم در خواست ابطال انتخابات رومانی را نمود در مقابل تردید دولت عثمانی سفیر فرانسه در۶ اوت قسطنطنیه راترك گفت به‌تبعیت‌از فرانسه‌دول‌روسیه‌وساردنی‌نیزروابط‌خودرابادولت‌عثمانی‌قطع کردندوتقریباً تمام‌قضایای قبل ازجنگ کریمه تجدید شد با این تفاوت که این مرتبه فرانسه نقش روسیه را بازی کرد وبه انگلستان پیشنهاد تقسیم خاك عثمانی را مینمود واز نظرفرانسه‌دولت عثمانی که تا آن وقت دولتی ضعیف و مستحق حمایت قلمداد میشد دولتی وحشی و خطرناك معرفی گردید .

چون پالمرستون درقبول پیشنهاد فرانسه تعلل میکرد ناپلئون مصمم‌بملاقات ملکه انگلستان گردیددراین ملاقات که در۶ اوت۱۸۵۷ دراوسبورن صورت گرفت ناپلئون سوم عقاید نژادی خودرا برای ملکه انگلیس تشریح کرد ولی‌اصول‌سیاست انگلستان‌چیزی‌نبود که بااین‌ملاقات‌تغییر کند مخصوصاً که‌حفظ تمامیت‌خاك‌عثمانی ازمبانی‌سیاست انگلستان شمرده میشد وعقاید ناپلئون ممکن بود باعث بر هم زدن موازنه اروپا شود فقط برای خوش آمد ناپلئون سوم و نرنجانیدن فرانسه دولت انگلستان باابطال انتخابات مولداوی و والاشی موافقت کرد . ناپلئون سوم ملاقات دیگری نیزاز تزار روسیه دراشتوتگارت(۱) بعمل‌آورد . تزار روسیه عقیده خودرا مبنی برنگهداری صلح وتمایل بختم قضیه رومانی بمسالمت ابراز داشت وگرچه‌از بعد ازجنگ کریمه موافقت نظری‌بین فرانسه وروسیه‌ایجاد شده بودولی تزارروسیه

(۱) Stuttgart

وعدهٔ صریحی به‌امپراطور فرانسه نداد .

درنتیجه‌اقدامات ناپلئون‌سوم دولت عثمانی مجبور گردید نخست وزیر خودرا معزول و ابطال انتخابات مولداوی و والاشی را اعلام کند . انتخابات جدید در ۲۸ سپتامبر ۱۸۵۸ بعمل آمد واهالی مولداوی ووالاشی بنمایندگانی رأی دادند که‌دارای مرام زیر بودند : اتحاد دوحکومت نشین مولداوی ووالاشی ـ انتخاب یك شاهزاده خارجی بریاست حکومت ـ استقلال رومانی ـ حکومت مشروطه

بعد ازاین انتخابات بنظر میآمد که دول اروپا تعهدات خود را نسبت برومانی انجام خواهند داد ولی چون ناپلئون سوم درمقابل احضارسیر استرتفوردقبول کرده بود دیگر ازاهالی رومانی حمایت ننماید دراول دسامبر ۱۸۵۷ بکمیسرهای اروپائی دستورداده شد ازاهالی رومانی دفاع نکنند در ۲۳ مه ۱۸۵۸ کنفرانسی ازنمایندگان دول اروپا تشکیل گردید ومفادپیمان پاریس را راجع به‌مولداوی ووالاشی باین ترتیب تعبیرنمودند که این دوناحیه باید مانند گذشته تحت فرمان‌سلطان عثمانی باشند و هر کدام ازآنها یك هوسپدار برای مدت عمر تعیین کنند ودولت عثمانی نیز آنان‌را برسمیت بشناسد بدون اینکه دوحکومت نشین حق اتحادبایکدیگر را داشته‌باشند. باین ترتیب آرزوی استقلال ووحدت رومانی ازبین میرفت .

اهالی رومانی برای‌نیل‌بمنظورخویش بامساعدتی که‌ناپلئون‌سوم‌بآنها مینمود بطورغیرمستقیم تصمیم کنفرانس را بنفع خود تمام کردند باینطریق که‌هر کدام‌از حکومت نشین‌های مولداوی‌ووالاشی درماه ژانویه ۱۸۵۹ جداگانه یك شخص واحد رابعنوان‌هوسپدار انتخاب کردند . با انتخاب این شخص که آلکساندر کوزا(۱) نام داشت گرچه ظاهراً دوحکومت نشین مولداوی‌ووالاشی ازیکدیگر مجزی‌بودندولی عملا تحت‌حکومت یك هوسپدارقرار میگرفتند .

---

(۱) Alexandre - Jean، Cuza (۱۸۷۸-۱۸۲۰) اولین امیررومانی ـ در ۱۸۵۸ بنمایندگی ازطرف اهالی‌رومانی‌انتخاب ودرهمان سال وزیرجنك‌شد ـ در ۱۸۵۹ بامارت مولداوی ووالاشی انتخاب گردید ـ در ۱۸۶۶ مجبور باستعفا وترك رومانی شد .

بطوریکه ملاحظه میشود دو حکومت نشین مولداوی ووالاشی باوجود تمام موانع بیکدیگرملحق ومتحد شده‌ودول اروپا درمقابل‌عمل انجام‌شده‌مجبوربه تسلیم شدند. درسال ۱۸٦۱دولت‌عثمانی نیزمجبور گردیدعنوان‌شاهزادگی آلکساندر کوزا راقبول کند . درسال۱۸٦۲هم مجلسین مولداوی ووالاشی ووزرای آنها تبدیل بیك مجلس واحد ویك هیئت وزیران گردید وشهر بخارست پایتخت تعیین شد ودر اثر سعی و کوشش اهالی دولت جدید رومانی تشکیل گردید .

آلکساندر کوزابعدازبرقرارشدن‌بسمت‌امارت‌رومانی‌یکنوع‌رژیم دیکتاتوری دراین کشور برقرار کرد وبرای ازبین بردن مخالفت اعیان و اشراف شروع‌بتقویت دهاقین‌نمود. این‌اعمال‌عده‌زیادی را ازاوناراضی کرد تـااینکه توطئه‌برعلیه‌اوترتیب داده شد ودر۲۱ فوریه ۱۸٦٦ مجبوربکناره گیری وترك رومانی گردید .

اهالی رومانی برای ازبین بردن نفاق داخلی وخرابیهائی که‌حکومت عثمانی درادارات ایجاد کرده بود تصمیم گرفتند شاهزاده خارجی بسلطنت رومانی انتخاب کنند. دربدو امرتاج پادشاهی به برادر پادشاه بلژیك کنت‌دوفلاندر(۱) پیشنهاد شد اما چون‌این انتخاب‌مورد پسندناپلئون سوم‌نبود پیشنهاد اهالی رومانی ازطرف کنت دوفلاندر ردشد وپرنس شارل دوهوهنزولرن(۲) که رابطه دوستی با ناپلئون سوم و قرابت خانوادگی باپادشاه پروس داشت نامزد سلطنت رومانی گردید . پادشاه‌پروس که میترسید انتخاب یکی از اعضای خانواده اوسبب تیرگی روابط با اتریش‌شود و ناپلئون سوم نیزتقاضاهای دیگری در مقابل این امرازدولت پـروس داشته باشد در بدوامربا این انتخاپ موافقت ننمود . دولت‌روسیه هم که مایل بتشکیل‌دولت‌بالنسبه

---

(۱) Comte de Flandre

(۲) Charles-Eitel Frèdèric-zéphyrin de Hoben zollern-Sigma ringen, Carol I (۱۸۳۹-۱۹۱٤)-پادشاه رومانی - پسردوم‌شاهزاده‌شارل آنتوان ازفامیل هوهنزولرن-در۱۸٦٦ بامارت رومانی‌انتخاب در۱۸۷۷ با دولت روسیه برضد دولت عثمانی متحدگردید - درنتیجه استقلال رومانی برسمیت شناخته شد - در ۱۸۸۱ پادشاه رومانی نامیده شد .

معظمی بین روسیه وعثمانی نبود نیزباین انتخاب روی موافق نشان نداد . در نتیجه کنفرانسی درپاریس‌تشکیل گردید وبه اهالی رومانی‌توصیه شد برای امارت‌رومانی شاهزاده ازبین خود اهالی انتخاب شود . ناپلئون سوم برای‌ازپیش بردن نظریه‌خود درخفای دیپلوماسی رسمی وبدون اطلاع وزرای خودبه اهالی رومـانی اصرار نمود پرنس شارل رابه سلطنت رومانی انتخاب کنند تادول اروپا رادرمقابل عمل‌انجام‌شده قرار دهند . اهالی رومانی هم در ۱۶ آوریل ۱۸٦٦ پرنس شارل را انتخاب و بقبول سلطنت رومانی دعوت کردند .

ترس ازروسیه و میل براضی نگاه داشتن ناپلئون سوم پادشاه پروس را مردد ساخته بود که آیا با این انتخاب موافقت کند یاخیربالاخره بیسمارك به‌پرنس‌شارل پیغام داد بدون آنکه منتظرتأئید پادشاه پروس بشود مخفیانه بطرف‌رومانی‌حرکت کند . پرنس شارل هم در۱۲ مـه عازم رومانی گشت ودر۲۲ مه اهالـی رومانی ازاو استقبال شایانی بعمل‌آوردند ،

دولت عثمانی در مقابل این عمل خواست بدولت رومانی اعلان جنگ دهـد ولی‌جون قضایای مهمتری‌دراینموقع‌نظردول اروپارا بخود متوجه کرده بودازتصمیم خوممنصرف گشت ودر۲۱ اکتبر۱۸٦٦مجتوربشناختن رومانی جدید گردید ازاین تاریخ سیاست دولت رومانی درتحت تأثیرپادشاه جدید ونخست وزیران اومخصوصاً براسیانو(۱) برروی اساس نزدیکی بپروس قرارگرفت و دولت فرانسه که متحمل اینهمه زحمت برای تأسیس اوشده بود هیچگونه نفع سیاسی‌ازاینکار نبرد .

---

(۱) Je an ، Bratiano (۱۸۹۱-۱۸۲۲) درشورش ۱۸٤۸ شرکت کرد-در۱۸۷٦ ریاست حزب ملی رومانی‌رادر دست گرفت - در کنگره برلن استقلال رومانی رابرسمیت شناساند - از۱۸۸۱ تا۱۸۸۸ نخست وزیررومانی‌شد ویکنوع‌دیکتاتوری برقرارساخت- به بیسمارك رومانی معروف شد

فصل پنجم

وحدت ایتالیا

رویه پاپ ـ کاوور وعقایداو ـ جنك کریمه ـ شرکت ساردنی در کنگره صلح ـ تبلیغات کاوور ـ اعترض اتریش ـ سیاست ناپلئون سوم ـ ملاقات پلومبیر ـ پیمان ساردنی وفرانسه ـ رویه مسالمت آمیز اطریش ـ طرح تشکیل کنگره ـ اولیتماتوم اتریش ـ جنك بااتریش ـ ترك ـ مخاصمه ـ ویلافرانکا ـ الحاق دوشه‌های مرکزی ایتالیا بدولت ساردنی ونیس وساوو آبفرانسه ـ پادشاه ناپل وشورش سیسیل ـ حمله گاریبالدی ـ سقوط ناپل وتظاهرات ایتالیائی ها ـ شکست پاپ ـ ایتالیای جدید فوت کاوور ـ تقاضای تصرف روم ـ پیمان سپتامبر ۱۸۶۴ ـ اتحاد پروس وایتالیا ـ تردید ناپلئون سوم ـ الحاق ونیز بایتالیا ـ تصرف شهر رم

درموقع انقلاباتی که درسال ۱۸٤۸ روی داد شخص پاپ یکی ازامیدواریهای ملیون ایتالیا بشمارمیرفت زیرادراین موقع طرفدار آزادی وبرقراری وحدت ایتالیا تحت نظرخود بود ولی پاپ رفته رفته ازرویه خود عـدول نموده و بنای مخالفت را باآزادیخواهان گذاشت بطوریکه یکی ازموانع ومشکلات فراهم شدن وحدت ایتالیا بشماررفت اهالی ایتالیا ناچاربرای بدست آوردن وحدت ایتالیا به تنها سلسله کـه بیشتر طرفدار آزادیخواهی بوده وتمایل بانجام وحدت ایتالیا داشت یعنی خـانواده ساوو آمتوسل گردیدند کاوور(۱) هم ازاین موقعیت حداکثر استفاده را نموده وقهرمان

---

(۱) Camil e Benso comte de Cavour (۱۸۱۰-۱۸٦۱) سیاستمدار ایتالیائی بعد ازمسافرتهائی که بمنظور گردآوردن اطلاعات بفرانسه وانگلستان وبلژیك کرد وارد

بقیه حاشیه درصفحهٔ بعد

ایجادوحدت ایتالیا گردید .

کاوور که جوانی خودرا درسویس ولندن وپاریس گذرانده بود جز وحدت ایتالیا خیالی درسر نداشت وچون بهقضایای سیاسی احاطه کامل‌داشت اقدام انقلابیون ایتالیارابرای‌بدست‌آوردن این‌وحدت کافی نمیدانست وبیشتر جنبه عملی قضایا را درنظرمیگرفت باینجهت باوجود تأسیس روزنامه ریزورژیمنتو انقلابیون ایتالیااورا از خود نمیدانستند . بعد از شکست دولت ساردنی در سال ۱۸۴۹ از اتریش عملا صحت نظریه کاوورثابت گشت و کاوور که نماینده‌مجلس شده بود نظرپادشاه‌ساردنی را بطرف خودجلب کرد وازسال ۱۸۵۲ زمام امور دولت ساردنی را دردست گرفت کاوور سعی بسیاری برای از بین بردن نفاقهای جزئی که بین احزاب بود و ایجاد یگانگی دربین آنها بعمل آورد. کاوور باحزاب‌ایتالیا خاطرنشان نمود که‌نگاه کردن بگذشته ویادبود افتخارات‌سابق دردی‌را دوانکرده وملت ایتالیا بتنهائی‌قادرنخواهد بود استقلال ووحدت خودرا بدست‌آورد واززمانیکه زمام اموررا دردست گرفت در عین حال که اقتصادوارتش ایتالیا را تقویت مینمود بفکربدست‌آوردن متحدین قوی وزورمندی برای دولت ساردنی افتاد تا بهمعیت‌آنها بتواند هم دست اتریش را ازایتالیا کوتاه کند وهم تمام شبه جزیره ایتالیارا درتحت حکومت دولت‌ساردنی در آورده وباینوسیله وحدت ایتالیارا تأمین کند .

درسال ۱۸۵۲ کاوور مسافرتهائی به لندن و پاریس نمود تا سیاستمداران انگلستان وپاریس را باخود همراه کند درموقع جنك کریمه باوجود اینکه اغلب وزیران دولت ساردنی عقیده داشتند که باید ازموقع استفاده نموده وبادست‌زدن

بقیه حاشیهٔ صفه قبل.

میدان سیاست وطرفدار وحدت ایتالیا گردید-در سال۱۸۴۷ بابالبو روزنامه ایل ریزورژیمنتو il Risoregimento راتأسیس کرد -درجنك۱۸۴۸ برعلیه‌اتریش‌مانند يك سرباز خدمت کرد-بعداز این جنك نماینده مجلس شد-فصاحت وبلاغت واحاطه او بسیاست‌باعث ترقی وتعالی اوشد - ازسال ۱۸۵۲ نخست وزیردولت ساردنی شدوکابینه آزادی خواهی تشکیل داد - دولت ساردنی‌را بمقام درجه اول دربین دول اروپا ترقی داد - موسس وحدت ایتالیا وبانی ایتالیای جدید میباشد

ه اقداماتی برضد اتریش وحدت ایتالیا را عملی نمود. کاوور تصمیم بکمك بلاشرط متفقین ووزرای‌مخالف‌را از کابینه خارج کردوبدون اینکه تقاضائی‌ازمتفقین بنماید رتش ساردنی‌در کریمه درصف متفقین مشغول جنك شد .

اولین‌نتیجه کمك ساردنی بمتفقین حضور کاوور مانند نمایندگان دول درجه ول اروپادر کنفرانس صلح‌پاریس بود وباین طریق انحصارنمایندگی ایتالیا بوسیله تریش ازبین رفت . گرچه برای احترام پاپ ناپلئون سوم حاضر بمذاکره رسمی دباره وحدت ایتالیا تحت نظرساردنی نگردید ولی معلوم بود که مسئله ایتالیادیر ا زود جلب نظر سیاستمداران اروپا را خواهد کرد . کاوور هم از هیچگونه وسیله بلیغاتی بنفع دولت ساردنی خودداری نمیکرد بعد ازمراجعت کاووراز کنگره‌صلح روزنامه‌های ساردنی انتشاردادند ناپلئون سوم ووزیرخارجه انگلستان کمك خودرا بدولت ساردنی‌برای عملی کردن وحدت‌ایتالیا وعده داده‌اند درصورتیکه‌دراین‌موقع ناپلئون سوم تصمیم قطعی درباره ایتالیا اتخاذ نکرده بود دولت انگلستان نیز که نجام وحدت ایتالیارا تحت نفوذ فرانسه مخالف سیاست خودمیدانست روی‌موافقتی نشان نمیداد .

برای تسریع نقشه خود کاوور تصمیم گرفت هرچه ممکن‌است اختلافات با اتریش را توسعه دهد تااین دولت مجبوربقطع روابط خود با دولت ساردنی گردیده وبهانه بدست دولت ساردنی برای تقاضای کمك ازفرانسه بدهد مثلا در ۱۵ ژانویه ۱۸۵۷ که دولت‌اتریش بابرقراری ماکزیمیلین بعنوان نایب‌السلطنه ایتالیا آزادیهای مختصری بایتالیائی‌ها اعطا نمود کاوور به‌آزادیخواهان ایتالیا توصیه میکرد فریب تظاهرات اتریش را نخورند ویکتورامانوئل هم حاضر نشد بملاقات فرانسوا ژوزف که تاشهر میلان‌آمده بود برود . رویه دولت ساردنی موجب اعتراض دولت اتریش گشت وتخست وزیراتریش ـ گنت‌بوئول[1] ازدولت ساردنی توضیح ساخت (ژانویه

---

(۱) Charles- Fèrdinand' comte BuolSchauens tein (۱۷۹۷-۱۸۶۵) سیاستمداراتریشی ـ چندین مرتبه نمایندگی اتریش رادرنزد دول خارجی عهده‌دار شد ـ ازسال ۱۸۵۲ تاسال ۱۸۵۹ وزیرخارجه ونخست وزیراتریش شد .

۱۸۵۷) دولت ساردنی یادداشت اتریش را رد کرد و باوجود آنکه دولت انگلستان برای رضایت اتریش دولت ساردنی را ترغیب به خلع سلاح مینمود. ناپلئون سوم علیرغم سیاست کابینه فرانسه ازکاوور پشتیبانی کردودولت اتریش مجبور گردید درماه مارس۱۸۵۷روابط سیاسی خوررا بادولت ساردنیقطع کند درنتیجهاینامر تمام احزاب ایتالیا مخالفتهای خودرا کنار گذاشته ودور کاوور که مظهروحدتایتالیاشد بودجمع شدند

تردید ناپلئون سوم برای کمك بوحدت ایتالیا باعث بغض وعداوت انقلابیون ایتالیا گردیده بودزیرا درموقع جوانی ناپلئون ازاعضای اینفرقهبوده واینهاتوقعات زیادی ازناپلئون سوم داشتند. در ۱٤ ژانویه ۱۸۵۸ اورسینی ایتالیائـی در پاریس بمبی بطرف کالسکه ناپلئون سوم پرتاب کرد و امید داشت در نتیجه قتل امپراطور فرانسه شورشی در پاریس ایجاد شده و ایتالیا بتواند آزادانـه بمقصود خود برسد ناپلئون سوم ازاین حادثه جان بسلامت بدربرد و در بدو امر اقدامات جدی نمود واعتراضات سختی بدول انگلستان وایتالیا که مأمن قاتلین خوانده شدند فرستـاد ولی بعداً ازاین سوء قصد استفاده نموده وتوانست باین وسیله مخالفت ملکهرانسبت باقدامات درایتالیات ازبین ببرد در۲۰ فوریه ناپلئون سوم بهویکتورامانوئل پیغام داد حاضراست درمقابل اتریش بایتالیا کمك نظامی بکند. در داخل فرانسه نیزباانتشار توبهنامهاورسینی شروع بهتبلیغات برای حاضر کردن اذهانعمومی نمود. کاوور که تحول رفتارناپلئون سومرا مشاهده نمود بیشترازپیش درعـزم خـود راسخ شد وبطوریکه حدس زده بود وقتیکه درماه مه ۱۸۵۸ دکتر کونو ازطرف ناپلئونسوم محرمانه اورابه پلومبیردعوت کرداطمینان حاصل کرد که درموقع لازمناپلئونسوم ازکمك بایتالیا دریغ نخواهد کرد.

کاوور بعنوان مسافرت بسویس از ایتالیـا خارج گردید و در۲۱ و ۲۲ ژوئیه در پلومبیر مخفیانه ازناپلئون سوم ملاقاتی کرد. در این ملاقات شرایط کـمك فرانسه بـه ایتالیـا تعیین گردید و بـرای اینکه دول اروپـا در این قضیه مداخله

مداخله نکنند قرارشد صحبتی ازوحدت ایتالیادربین نباشد بلکه حمایت‌ضعفا(یعنی ایتالیا) درمقابل‌اقویا(یعنی‌اتریش)بهانه کمك‌فرانسه‌قرار گیردضمناً برای‌رنجانیدن پاپ‌وتزارروسیه که حامی‌پادشاه ناپل‌بود امپراطورفرانسه نقشه خودرا راجع‌بایتالیا که عبارت بود ازایجاد دول متحده تحت ریاست اسمی پاپ وریاست عملی ویکتور امانوئل‌درایتالیا شرح‌داد کاوور که‌نقشه دیگری‌درپیش‌داشت برای‌جلب‌نظر ناپلئون سوم بدون‌اینکه‌هیچگونه اظهاری‌بنماید مخالفتی باعقایدناپلئون‌سوم‌نکردو ناپلئون سوم‌چنین تصورنمود که‌کاووربا نقشه اوموافقت دارد درصورتیکه‌کاووزتصمیم داشت بعدازموفقیت براتریش درنیمه‌راه متوقف نشده وناپلئون را درمقابل عمل‌انجام شده قراردهد. درمقابل‌توسعهٔ که دولت ساردنی بعد ازبدست‌آوردن متصرفات اتریش در ایتالیاپیدامیکرد کاوورموافقت‌نمودنیس‌وساووآ بفرانسه واگذارشردوشاهزاده‌خانم کلوتیلد[۱] باپرنس ناپلئون[۲] ازدواج کند.

درسوم اوت کاوورناپلئون‌سوم‌را مستحضرنمود که ویکتورامانوئل‌باشرایطی که درپلومبیرتعیین‌شده‌است موافقت دارد. ناپلئون سوم هم‌برای اینکه‌ازطرف دول اروپاراحت باشد در۴اوت ملاقاتی درشربورگ[۳] از ملکه ویکتوریا بعمل آوردو درسپتامبر۱۸۵۸ پرنس ناپلئون رابروسیه فرستاد تاموافقت تزار راجلب کند، کاوور نیزدر۲۴ دسامبرطرح پیمانی راکه باید بامضا برسد برای ناپلئون ارسال داشت

بعد ازاین‌مقدمات‌ناپلئون کم کم‌پرده ازروی کاربرداشته ملکه ووزیران‌خود را ازقضیه مسبوق مینمایدوحتی درروز اول عیداول‌ارسال۱۸۵۹ به‌سفیراتریش‌اظهار داشت: خیلی‌متأسفم که‌روابط مابادولت اتریش‌بخوبی گذشته‌نیست «ویکتورامانوئل

---

(۱) Marie-Thrése-Louise، princesse Clotilde (۱۹۱۱-۱۸۴۳)دختر ویکتور امانوئل دوم پادشاه ایتالیا-در۱۸۵۹ باپرنس ناپلئون ازدواج کرد.

(۲) Napoléon-Joseph-Charles-Paul، Bonaparte معروف به Prince Napoléon (۱۸۹۱-۱۸۲۲) پسرژرم بناپارت وپسرعموی ناپلئون سوم درجمهوری دوم فرانسه بنمایندگی مجلس انتخاب شد-بعدازامپراطوری واردمجلس‌سنا شد - طرفدارکمك‌کامل بدولت ساردنی بود

(۳) Cheroburg

هم در مجلس ایتالیا اظهار میداشت دیگر حاضر نیست بیش ازایـن فریاد دردنـاك ملت‌ایتالیا رابشنود و اعلام مینمود که باعزم راسخ جلوخواهد رفت. دردهم ژانویه ۱۸۵۹ نیزپرنس ناپلئون برای ازدواج‌باشاهزاده خانم کلوتیلد بطرف ایتالیاحرکت کرد. پیمان‌مخفی‌در ۲۴ژانویه۱۸۵۹ بین دولت ساردنی وناپلئون سوم بسته شد که بموجب‌آن درعوض کمك بایتالیا دولت فرانسه میتوانست‌پس‌ازمراجعه‌بآراء عمومی نیس وساووآ راضمیمه‌فرانسه کند. این پیمان گرچه در۲۶ ژانویه بامضای ناپلئون سوم رسیده‌است ولی‌برای اینکه ازدواج‌پرنس ناپلئون درانظار عام بهای این پیمان جلوه‌نکندتاریخ آن‌را۱۶دسامبر۱۸۵۸ ثبت‌نمودند وپیمانهای‌مالی ونظامی‌نیز ضمیمه آن گردید.

دولت اتریش که ازرفتار ناپلئون سوم وجسارت ویکتورامانوئل‌دوم اتحادبین فرانسه‌وساردنی‌راحدس زده‌بودرویه مسالمت‌آمیزی‌درپیش گرفت وامپراطورفرانسه وپادشاه ساردنی که قرار گذاشته بودند به‌جنك با اتریش جنبه ملی‌ندهند مجبوربه تشجیع وترغیب مردم شدند تا اختلافات بااتریش را غیرقابل احتراز نمایند. دولت انگلستان که مـایل نبود ایتالیا درتحت نفوذ فرانسه قرار گیرد نیزبه اتریش‌نصایح مسالمت آمیزی داده وبهمراهی رئیس مجلس فرانسه‌دوك‌مورنی(۱) ازناپلئون‌سوم تقاضانمود اختلافات بوسیله دیپلوماسی حل گردد. درنتیجه این‌اقدامات در۵مارس ۱۸۵۹ درروزنامه رسمی فرانسه اطلاع داده شد که اختلاف با اتریش وارد مرحلـه دیپلوماسی شده است ودر۱۹ مارس ۱۸۵۹ دربارهای لندن وبرلن وسن‌پترزبورك و پاریس اتفاق حاصل کردند که کنگره درپاریس تشکیل داده وباتأسیس دول متحده ایتالیا بدون‌آنکه اتریش درآن عضویت داشته باشد قضیه راخاتمه دهند.

---

(۱) Charles - Auguste - Louis - Joseph ، dnc de Morny (۱۸۶۵ – ۱۸۱۱) فرزندغیرشرعی مادر ناپلئون سوم ـ از۱۸۳۰ وارد خدمت نظام شد ـ بزودی وارد درسیاست ودر۱۸۴۹ بنمایندگـی مجلس انتخاب وفعالیت زیادی برای مـوفقیت کودتـای‌ناپلئون سوم بخرج‌داد ـ از۱۸۵۴ رئیس‌مجلس‌مبعوثان‌شدـ نفوذزیادی در ناپلئون سوم وسیاست فرانسه داشت.

کاوور بمحض اطلاع ازاین خبر با عجله بپاریس شتافت وچون ناپلئون سوم بعذر اوضاع اروپا و مخالفت سایر دول گوش بحرف اونداد نا امید گردید ودر نامهٔ که بامپراطور فرانسه نوشت تذکرداد چنانچه قضیه ایتالیا باین ترتیب حل شود ویکتور امانوئل واومجبور باستعفا خواهند گشت . ناپلئون سوم درمقابل تقاضای کاوور دول اروپا را راضی نمود که دولت ساردنی نیز در کنگره شرکت کند . در ۱۶ آوریل دولت ساردنی مجبور گردید تصمیم امپراطور فرانسه راقبول کندو روز بعد خبر تشکیل کنگره اعلام شد و کاوور ازروی ناامیدی درصدد انتحار بر آمد .

دولت اتریش که بواسطه تبلیغات نژادی چه در آلمان وچه در ایتالیا اعتبار سابق خودرا ازدست داده بود دراین موقع گمان کرد اگر جنگی بین او ودولت ساردنی وفرانسه شروع شود خواهد توانست ازاحساسات ملیون آلمان برضد فرانسه استفاده نموده ودومرتبه نفوذ خودرا در آلمان برقرار کند وبا ازبین بردن دولت ساردنی نیز بتواند در ایتالیا مانند گذشته اوامر خودرا اجرا نماید کابینه انگلستان نیز دراین موقع طرفدار مداخله فرانسه درامور ایتالیا نبوده وبیشتر بطرف اتریش متمایل بود علاوه براین بواسطه تبلیغات کاوور اتریش گمان نمیکرد ارتش فرانسه فوراً بتواند کمکی به دولت ساردنی کند بدین جهات دولت اتریش که تصور میکرد شروع جنگ کاملاً بمنفعت او تمام خواهد شد باوجود آنکه مقدمات تشکیل کنگره فراهم شده بود در ۲۳ آوریل اتمام حجتی بدولت ساردنی تسلیم نموده وباین دولت سه روز مهلت میداد که ارتش خود راخلع سلاح نماید .

کاوور که ازتصمیم دولت اتریش قبلاً اطلاع حاصل کرده بود در ۲۱ آوریل برای اینکه مسبب جنگ بشمار نرود پیشنهاد خلع سلاح راقبول کرد وبمحض دریافت اتمام حجت اتریش دیگر ازخوشحالی درپوست نمی گنجید بعدازانقضای مهلت جواب منفی باتریش داد ودر ۲۶ آوریل دولت فرانسه نیز اعلام نمود متحد خودرا که برخلاف عدالت مورد حمله قرار گرفته است تنها نخواهد گذارد . دولت انگلستان باز سعی بسیاری برای میانجیگری بعمل آورد ولی هیچکدام ازطرفین دیگر راضی باین امر

نمی‌شدند وارتش اتریش در ۲۹ آوریل شروع به پیشروی کرد اما بـرخلاف پیش بینی کنت دوبـونول در همین موقع اولین دسته هـای ارتش فرانسه نیز وارد خـاك ایتالیا شدند .

ناپلئون سوم‌برای تهدید اتریش‌با کوسوت[۱] رئیس شورشیان مجارستان‌نیز وارد مذاکره گردید تابا‌روشن کردن‌آتش انقلاب درداخل‌اتریش این‌دولت‌راضعیف کند وازطرف‌دیگرچون کوسوت مدت‌مدیدی بود که درانگلستان زیست میکردو نفوذ زیادی درمحافل‌آنجا داشت بوسیله اوناپلئون‌سوم افکارعمومی رابرضد کابینه انگلستان تحریك کرد تابالاخره پالمرستون که نسبت بناپلئون نظربهتری‌داشت‌دو مرتبه نخست وزیرانگلستان گردید . ازاین طرف هم حساب اتریش غلط درآمد و کابینه جدید انگلستان گرچه باز مخالف نفوذ فرانسه درایتالیا بود ولی بااستقلال ایتالیا مخالفتی نداشت .

بعد ازشروع‌جنگ وفتوحاتی که درمونتبلو[۲] (۲۰مه)ـماژانتا[۳](۷ژوئن) وبالاخره‌درسولفرینو[۳](۲٤ ژوئن) نصیب ارتش فرانسه و ساردنی گردید امپراطور اتریش وامپراطور فرانسه ملتفت خطای خود گردیدند زیرا درداخله دولت اتریش اقدامات کوسوت تهدید مستقیمی‌باساس امپراطوری‌بود دردول آلمان نیزچون‌دولت پروس میخواست ازموقع‌استفاده نموده وریاست دول آلمان رادردست بگیرداتریش راضی بدرخواست کمك ازآنها نگردید ناپلئون سوم نیزدر این موقع کشورفرانسه رادرخطر میدید زیرا اقدامات دول آلمان و پروس تهدید مستقیمی نسبت بفرانسه بشمارمیرفت‌علاوه‌بر آن‌درهر گوشه‌ایتالیااقداماتی‌برای‌بدست‌آوردن‌وحدت‌ایتالیاتحت نظردولت ساردنی بعمل‌می‌آمد و کاتولیکها که طرفدارپاپ‌بودند ازاقدامات‌ناپلئون

---

(۱) Kossuth ، Louis(۱۸۰۲-۱۸۹٤)سیاستمدارویکی ازرؤسای‌انقلاب‌مجارستان درشورش ۱۸٤۸رئیس‌حکومت موقتی مجارستان شد . بعد ازشکست انقلابیون به‌عثمانی وانگلستان وامریکا مهاجرت کرد .

(۲) Montbello

(۳) Magenta

(٤) Solférino

سوم ناراضی شده ودر داخله کشورممکن بود این قضیه لطمه باعتبار اوبزند صرفنظر ازاینکه برنامه ناپلئون سوم تشکیل دول متحده ایتالیا تحت ریاست پاپ بودنه تأسیس دولت ایتالیا تحت نظر دولت ساردنی.

ناپلئون سوم بنابجهاتی که شرح داده شده باوجود آنکه دولت ساردنی راضی بصلح بااتریش نبود از دولت انگلستان تقاضای میانجیگری نمود ولی دولت انگلستان که مترصد بود اعتبار فرانسه رادر ایتالیا ازبین ببرد فرصت رامناسب دانسته ودرموقعی که فرانسه می‌خواست ایتالیا رارها کند خود را طرفدار کامل ایتالیائیها قلمداد کرد ناپلئون سوم که دیگرچاره نداشت بنابروش سیاسی که تعقیب میکرد بدون صلاح دیدوزیران خود در ۶ ژوئیه ۱۸۵۹ مستقیماً بفرانسوا ژوزف امپراطور اتریش پیشنهاد ترك مخاصمه داد ودر ۱۱ ژوئیه درویلافرانکا ملاقاتی بین این دو امپراطور رخ داد وامپراطوراتریش راضی به تشکیل دول متحده درایتالیا تحت ریاست پاپ گردید دولت ساردنی نیز درمقابل عمل انجام شده مجبورشد سرتسلیم فرود آورد ودرنتیجه ۱۱ ژوئیه ۱۸۵۹ ترك مخاصمه ویلافرانکا بامضاء رسید.

ترك مخاصمه ویلافرانکا برای ایتالیائیها خبرخوشی نبودزیرا اتریش بادردست داشتن ونیز همواره می‌توانست ایتالیا راتحت تهدید خود نگاهدارد و نقشه ناپلئون آمال وآرزوهای ملیون راتأمین نمیکرد. کاووردر ۱۳ ژوئیه برای اینکه آزادی عمل خودرا حفظ کند از وزارت استعفاداد وباین طریق برای حاضر کردن اذهان اهالی دوشه‌های فلورانس ومودن وبولونی به الحاق بدولت ساردنی کمك‌های بسیاری نمود وباپشتیبانی دولت انگلستان که پیشنهاد مینمود ارتش فرانسه و اتریش متصرفات پاپ راتخلیه واصل عدم مداخله را درامورایتالیا رعایت وآراء عمومی راآزاد گذارند در ۱۵ اوت فارینی(۱) ازطرف اهالی مودن به ریاست حکومت انتخاب گردید ودر ۲۱

(۱) Luigi-Carlo , Farini (۱۸۱۲-۱۸۶۶) سیاستمدار ایتالیائی-از ۱۸۳۱ در شورشهائی که بمنظور بدست آوردن وحدت ایتالیا انجام گرفت شرکت کرد - در ۱۸۵۹ ازطرف مردم بریاست حکومت دوشه‌های پارم - مودن - رومانی انتخاب شد - مقدمات الحاق آنها رابدولت ساردنی فراهم کرد - در آخرین کابینه کاووروزارت داخله رابرعهده داشت - درسال ۶۱-۱۸۶۰ نماینده دولت ایتالیا در ایتالیای جنوبی گشت - نخست وزیر ایتالیا از ۸ دسامبر ۱۸۶۲ تامارس ۱۸۶۳.

اوت فرمان اتحاد این دوشه را بخانواده ساووآ اعلام داشت . اهالی فلورانس هم در ۲۰اوت سلطنت ویکتور امانوئل را تقاضا کردند . در متصرفات پاپ نیز شورش شووع شده وتمام ملیون ایتالیا تقاضای الحاق رم رابخانواده ساووآ مینمودند .

تاامضای بیمان روزیخ۱۱ نوامبر۱۸۵۹ ناپلئون‌تصمیمات‌متخذه‌درویلافرانکا راتعقیب میکرد ولی دولت ساردنی به ترغیب انگلستان موجبات الحاق دوشه های مرکزی ایتالیا را بدولت ساردنی فراهم آورد ناپلئون سوم برای جلب رضایت پاپ وحاضرنمودن اوبموافقت‌بانقشهٔ که برای ایتالیادرنظر گرفته بود فعالیت زیادی‌نمود حتی در۲۲دسامبر کتابی درفرانسه‌بعنوان پاپ و کنگره منتشرشد ونظریات‌ناپلئون نسبت بایتالیا درآن‌شرح داده میشدولی‌پاپ بهیچوجه حاضربه‌شنیدن‌نصایح‌ناپلئون سوم نبوده ومخالفین خودرا تهدید به‌بلیات آسمانی مینمود . ناپلئون سوم‌هم که از پافشاری‌پاپ‌خسته‌شده وباتوسعه‌ساردنی درمقابل عمل‌انجام شده واقع گردیده بود تصمیم گرفت از کوشش‌ملیون ایتالیاجلوگیری نکندودر۲۸دسامبر تشکیل کنگره راموقوف نمودولی در مقابل توسعه دولت ساردنی نواحی نیس وساووآ راکه دراثر متوقف نمودن لشکرکشی ازآنها چشم پوشیده بود دو مرتبه مطالبه کرد .

درایتالیا کاوور که‌مقدمات کار رافراهم کرده‌بوددومرتبه زمام اموررادردست گرفت‌وباوجوداشکالاتی که دولت‌انگلستان جهت واگذاری‌نیس و ساووآ بفرانسه میتراشید در۱۲ مارس ۱۸۶۰ تعهداتی که کاوور در پلومبیر تقبل کرده بود بصورت پیمان رسمی درآمد . درهمانروز ناپلئون واگذاری نیس وساووآ را بفرانسه بدول اروپا اعلام ومتعهد شدرأی اهالی رادرنظربگیرد و کاوور که باین وسیله ناپلئون را باصطلاح شریك‌جرم خودبرای‌الحاق متصرفات دول دیگر کرده بود دیگرتشویشی ازمخالفت فرانسه‌نداشت. در۲۹مارس ۱۸۶۰باوجود مخالفتهائی که‌بعمل‌آمدپارلمان ساردنی این واگذاری‌راتصویب کرد وتوونل که بجای والوسکی نخست‌وزیرفرانسه شده بود به کاوور اطلاع داد دولت ساردنی میتواند آزادانه دوشه های الحاق شده راضمیمه خودنماید . بالاخره در۱۱مه دولت فرانسه‌اعلام‌نمود که دیگروجود ارتش

فرانسه دررم موجبی نداشته و دولت ساردنی قادراست به تنهائی متصرفات پاپ رادر مقابل تجاوزسایرین محافظت کند .

دولت ساردنی ودولت فرانسه هردو از این وقایع خوشوقت بودند زیرا یکی کشور وسیعی را متصرف شده ودیگری علاوه برانجام برنامه خود سرحدات طبیعی بدست آورده بود ولی ملیون ایتالیا که گمان میکردند توسعه دولت ساردنی بیشتر درنتیجه کوشش آنهاست بتحریك انگلستان که همواره جدیت میکرد نفوذفرانسه را درایتالیاازبین ببردتوسعه ساردنی‌راکافی‌ندانسته وخواستاروحدت تمام‌شبه‌جزیره ایتالیا بودند مازینی[1] نیزبایتالیامراجعت کرده وباکمك همراهان خوددرایتالیای جنوبی شروع باقدامات نمودند .

پادشاه ناپل فرانسوای دوم باوجودنصایحی که‌ناپلئون سوم‌برای جلب آزادی خواهان باومیداد بتحریك‌اطرافیان خود باکمال شدت از اقدامات آزادی خواهان جلوگیری میکرد وناپلئون‌سوم رامتهم‌مینمود که‌درامورداخلی ناپل‌بیجهت‌مداخله میکند. درآوریل ۱۸۶۰ شورشی درپالرم[2] ایجادشد که ازطرف‌پادشاه‌ناپل‌باقساوت زیادی خاموش گردید گاریبالدی[3] که مترصد بود مخفیانه بکمك دولت ساردنی

(۱) Mazzini ، Joseph (۱۸۰۵-۱۸۷۲) یکی از انقلابیون مشهور ایتالیا ـ در ۱۸۳۰ زندانی شد ـ درزندان برنامه جدیدی برای استقلال و وحدت ایتالیا تحت‌رژیم‌جمهوری تنظیم کرد ـ در ۱۸۳۶ بانگلستان فرار کرد ـ در ۱۸۴۸ بایتالیا برگشته درانقلابات ایتالیا شرکت کرد رئیس‌حکومت موقتی‌رم‌شد ـ دومرتبه به لندن فرار کرد ـ همواره جمهوری خواهان ایتالیا راتقویت مینمود ومخالف هرگونه رژیم سلطنتی درایتالیا بود .

(۲) Palerme

(۳) Giuseppè , garibaldi (۱۸۰۷-۱۸۸۲) سرداز ایتالیائی ـ طرفدار جمهوری ووحدت ایتالیا ـ درنتیجه شورشی در ۱۸۳۴ مجبور بفرارفرانسه وامریکا گردید ـ درامریکا رئیس وفرمانده ارتش اوروگه که برضد آرژانتین درجنك بود شد ـ در ۱۸۴۸ بایتالیا مراجعت کرد ـ باارتش ایتالیا وارد درجنك برعلیه اتریش شد ـ بعد از شکست ایتالیا از اتریش درسال ۱۸۴۹ به نیویورك فرار کرد ـ در ۱۸۵۴ دومرتبه بایتالیا مراجعت نمود ـ باارتش ساردنی برضد اتریش جنك کرد ـ باواگذاری ساووآ ونیس که موطن اصلی او بودمخالفت کرد ـ بعدازشکست اتریش بمعیت دستجات نظامی خود که بهنك هزار نفره موسوم

بقیه درحاشیه صفحه بعد

دستجاتی بنام هنگ هزارنفره درشهر ژن تشکیل داد بوسیله جهازات دولت ساردنی درمارسالا(۱) پیاده وبعد ازچند روزجنگ باارتش ناپل در۲۷ مه ۱۸۶۰ پالرم را متصرف وسیسیل را ازناپل منتزع نمود .

حمله گاریبالدی بهسیسیل معلوم بود که مقدمه حملهبهناپل خواهد بود وچون ممکن بود بعدازتصرف ناپل متصرفات پاپ نیزمورد حملهقرار گیرد امپراطور فرانسه درمقابل اعتراض کاتولیکها درزحمت افتاد و اگرانگلستان موافقت میکرد باارسال جهازات جنگی از تجاوز گاریبالدی بجنوب ایتالیا جلو گیری مینمود انگلستان ناپلئون سوم رامتوجه شرایط پیشنهادی خود که مبنی برعدم مداخله درامورایتالیا بود نموده وناپلئون نتوانست اقدامی برای جلوگیری از عملیات گاریبالدی بعمل آورد فقط از احضارارتش فرانسوی که در رم اقامت داشت خود داری نمود . کاوورهم برای حفظ ظاهر نماینده نزد گاریبالدی فرستاد. ودرصدد برآمد جزیره سیسیل راضمیمه دولت ساردنی نموده وحرکت گاریبالدی را بهمان جا خاتمه دهد . اما گاریبالدی بحرف کاوور گوش نداده ودر۲۰ اوت ازتنگه مسین(۲) عبورنموده وارد ایتالیای جنوبی شد

پادشاه ناپل بهنصیحت ناپلئون سوم بابرقراری وزیران آزادی خواه سعی کرد ملت رابطرف خودجلب کند ولی این اقدامات ضعف دولت شمرده شد، وتمام اهالی جنوب ایتالیا خودرا حاضربرای تسلیم بهگاریبالدی نمودند . کاوور درتعقیب نقشه خود ازاین جهت کهازپیشرفت گاریبالدی برای اساس سلطنت خانواده ساووآ تشویش داشت بدولت ناپل پیشنهاد نمود رسماً تقاضای الحاق بهساردنی رابنماید تا باایجاد این

بقیه ازحاشیه صفحه قبل

بودجزیره سیسیل وایتالیای جنوبی رااشغال وبعداً تحویل دولت ساردنی داد در۱۸۶۶ بر ضداتریش وارد درجنك گردید وتنهاسردارایتالیائی بود درمقابل اطریشیها فتحی نصیبش شد در۱۸۶۲ و۱۸۶۷ برای اشغال رم اقدامات نظامی بعمل آورد که منتج به نتیجه نشد در۱۸۷۰ بادستجات خود بکمك فرانسه شتافت ـ مانند کاوورنام اودرجزء بانیان ایتالیای جدید ثبت شده است .

Marsala (۱)
Messine (۲)

وحدت دیگر موجبی برای اقدامات گاریبالدی باقی نماند و دول اروپا مخصوصاً اتریش که خود را دیگر مقید به تعهدات ویلافرانکا نمیدانست مداخله برعلیه دولت ساردنی ننمایند پیشنهاد کاوور مورد قبول شاه ناپل واقع نشد. در سپتامبر گاریبالدی شهر سالرن(۱) را متصرف و پادشاه ناپل به گائت(۲) پناهنده شد. در ۷ سپتامبر حکومت انقلابی بریاست گاریبالدی در ناپل تشکیل گردید و ملیون ایتالیا که مانند کاوور خود را مقید به تعهدات پلومبیر و ویلافرانکا نمیدانستند در اثر فتوحات گاریبالدی تشویق شده و خواستار وحدت ایتالیا بابدست آوردن رم و ونیز شدند.

در اثر اقدامات گاریبالدی و تقاضاهای ملیون ایتالیا پادشاه اتریش در ۲۷ ژوئیه در تپلیتز(۳) بانایب السلطنه پروس ویلهلم اول ودر دهم سپتامبر در ورشو باتزار روسیه ملاقاتهائی نمود واین دول تصرف ونیز و تیرول را برای اتریش ضمانت کردند. ناپلئون سوم هم که قضایای ایتالیا فوق العاده او را ناراحت کرده و مورد تعرض کاتولیکها و جمهوری خواهان قرار گرفته بود خیلی میل داشت ایتالیا را بحال خود واگذار کند باینجهت درماه اوت بدولت اتریش اعلام نمود اگر جنگی بین اتریش و ایتالیا واقع شود دولت فرانسه مداخله نخواهد نمود.

کاوور که با کمال دقت مراقب اوضاع بود ومیترسید در اثر مداخله دول اروپا استقلال دولت جدید ایتالیا دچار مخاطره شود برای جلوگیری از اقدامات انقلابی گاریبالدی تصمیم گرفت قبل از رسیدن ارتش گاریبالدی این ناحیه را متصرف شود و در نهم سپتامبر بپاپ اعلام نمود باید ارتش خود را خلع سلاح نماید. ناپلئون سوم که مایل بمداخله درامور ایتالیا وجنگ بامتحد قدیم خود یعنی دولت ساردنی نبود درمقابل تقاضای کاوور ازپاپ برای حفظ ظاهر نماینده خود را ازدربار تورن احضار کرد ولی بهمین تهدید اکتفا نموده و کاوور را دراقدامات خود آزاد گذاشت.

Salerne (۱)
Gaëte (۲)
Teplitz (۳)

در ۱۸ سپتامبر ارتش ساردنی قشون پاپ را شکست داد و در اول اکتبر لاموریسیر در انکون (۱) تسلیم گردید وچون پاپ خیال فرار از رم را داشت و ممکن بود ارتش ساردنی فوراً این شهر را اشغال کرده و پایتخت ایتالیا قرار دهد در نتیجه مداخله ناپلئون سوم قرار شد شهر رم و اطراف آن برای پاپ باقیمانده و بآن تعرض نشود و در ۱۲ اکتبر ۱۸۶۰ ارتش ساردنی رم را دور زده وبه سرحدات جنوبی متصرفات پاپ در موقعی رسید که گاریبالدی در اثر خستگی همراهانش نزدیك بود از ارتش ناپل شکست بخورد و کاوور بارساندن ارتش خود بجنوب ایتالیا هم ناجی گاریبالدی بشمار رفت وهم باینوسیله مانع اقدامات انقلابی گاریبالدی گشت و در نتیجه قسمتهای جنوبی ومرکزی ایتالیا ضمیمه دولت ساردنی شده و ایتالیای جدید تأسیس گردید .

در ۱۸ فوریه ۱۸۶۱ بدعوت ویکتور امانوئل دوم پادشاه ساردنی نمایندگان تمام ایتالیا در تورن جمع شدند وچون وحدت ایتالیا (غیر از رم وونیز و نیس) انجام شده بود ویکتورامانوئل رسماً پادشاه خواهد شد و دول اروپا ایتالیای جدید را برسمیت شناختند بعد از این همه کوشش و رنج و تدبیر که برای وحدت ایتالیا کاوور متحمل شده بود در ۶ ژوئن ۱۸۶۱ این مرد بزرگ ایتالیا دار فانی را بدورد گفت و نام خود را با وحدت ایتالیا بیادگار گذاشت .

ملت ایتالیا که وحدت این شبه جزیره را بدون در دست داشتن شهر رم کافی نمیدانست بعد از فوت کاوور ساکت نه نشست وشروع به تبلیغ برای تصرف آن نمود . در زمان حیات کاوور قرار شده بود ارتش فرانسه رم را تخلیه کند دولت ساردنی هم متعهد میشد باین شهر تجاوزی ننماید . فوت کاوور وقفه در مذاکرات ایجاد کرد و جانشینان کاوور نتوانستند آنطور که باید مسئله را حل کنند ریکاسولی (۲) سعی نمود

---

(۱) Ancône

(۲) Bettino Ricasoli (۱۸۰۹ - ۱۸۸۰) سیاستمدار ایتالیائی - در ۱۸۵۹ الحاق فلورانس را بدولت ساردنی فراهم آورد - بعد از فوت کاوور تا مارس ۱۸۶۲ و از ژوئن ۱۸۶۶ تا آوریل ۱۸۶۷ نخست وزیر ایتالیا بود .

بوسیله اطرافیان ناپلئون سوم امپراطور فرانسه را راضی باحضار ارتش خود از رم کند ولی توفیقی حاصل نکرد . بعداز اوراتازی[1] در ۲۰ مه ۱۸۶۲ مذاکرات کاوور و ناپلئون سوم را پیش کشید اما لجاجت پاپ که حاضر نمیشد متصرفات جدید ویکتورامانوئل را برسمیت بشناسد وتظاهرات ایتالیائیها که عبارت «یارم یا مرگ» را دائماً درسرزبانهاداشتندباعث کندی مذاکرات میگردید . در ۹ اوت ۱۸۶۲ گاریبالدی دومرتبه شروع بفعالیت نظامی نمود تامانند سیسیل با تصرف رم دول اروپا را درمقابل عمل انجام شده قرار دهد راتازی گاریبالدی را دستگیر کرد و بعداً برای تسکین احساسات اهالی ایتالیا اورا مورد عفوقرار داد ولی ازاین قضیه استفاده نموده وناپلئون را از احساسات مردم ایتالیا ترسانیده بدست آوردن رم را تنها راه چاره برای آرامش ایتالیا معرفی نمود ،

نخست وزیرفرانسه تووئل که میدید قضیه رم باعث نفرت ایتالیائیها از فرانسه خواهد شد اظهارات راتازی را تأیید نمود ناپلئون سوم نه تنها پیشنهاد راتازی راقبول نکرد بلکه باعزل تووئل وبرقراری دروئن دولوئی که طرفدار کاتولیکها بودبیشتراز پیش درمقابل تقاضای ایتالیائیها برای بدست آوردن رم استقامت نمود عکس العمل این قضیه درایتالیا باعث سقوط کابینه راتازی و تشکیل کابینه جدید فارینی گردید .

ناپلئون سوم برای اینکه نظرایتالیائیها را از رم بجای دیگری متوجه کند و رضایت کاتولیکها را نیز جلب کرده باشد بفکرافتاد تا ونیز را در عوض رم بتصرف ایتالیائی‌ها بدهد و در ۱۶ مارس ۱۸۶۳ ناپلئون سوم نقشه خود را به کنت ارز اظهار داشت ایتالیائیها نیز برای آنکه ارتش فرانسه دررم باقی نماند متعهد شدند متعرض پاپ نشوند و دولت ایتالیا پای تخت خود را شهرفلورانس قرار داد تا حسن نیت خود

(۱) Urbain Rattazi (۱۸۰۸-۱۸۷۳) سیاستمدارایتالیائی ـ نماینده مجلس و نخست وزیر ساردنی در ۱۸۴۹ رئیس مجلس مبعوثان ساردنی در ۱۸۵۲ ـ نخست وزیر دولت ساردنی از ژوئیه ۱۸۵۹ تا ژانویه ۱۸۶۰ ـ دومرتبه دیگر نیز بعد ازفوت کاوور نخست وزیر ایتالیا گردید .

را به ثبوت رساند . برروی این اصول در ۱۵ سپتامبر ۱۸۶٤ پیمانی بین فرانسه وایتالیا بسته شد که بموجب آن دولت فرانسه تعهد میکرد در ظرف دوسال ارتش خود را از رم بیرون ببرد و دولت ایتالیا تقبل مینمود از هرگونه تهاجمی برضد پاپ جلوگیری کند بپاپ هم حق داده میشد ارتش داوطلبی برای خود تشکیل دهد . طبق یك ماده مخفی نیز قرارشد پایتخت ایتالیا شهرفلورانس باشد دراین پیمان که برروی توافق نظرفرانسه و ایتالیا جهت بدست آوردن ونیز بسته شد هیچگونه اشاره باین قضیه نشد .

قضیه دوشه‌ها و اختلافاتی که درباره آنها بین دانمارك و آلمان بروز نمود ناپلئون‌سوم راامیدوارنمود که عنقریب‌ونیزبتصرف ایتالیا داده‌خواهد شدبعدازانتزاع دوشه‌ها ازدانمارك ناپلئون‌سوم بنماینده ایتالیا اظهارداشت بدون شك‌بین‌اتریش‌پروس درسرقضیه دوشه‌ها اختلاف حاصل خواهد شد ودرآنوقت فرصت مناسب برای بدست آوردن ونیزپیدا خواهد شد '

درسال ۱۸۶۵ ناپلئون سوم مردد بود که‌آیا باید بوسیله کمك‌به پروس برضد اتریش ونیزرا بتصرف ایتالیائیها بدهد یا اینکه باتهدید اتریش و کنارآمدن با این دولت‌اشغال ونیزراتوسط ایتالیائیهاتسهیل‌نماید. تردیدناپلئون‌سوم درتصمیم ایتالیائیها نیزتأثیرداشت ژنرال لامارمورا (۱) ازطرفی‌پیشنهاد کمك فوری‌ایتالیا رابرضداتریش بدولت پروس مینمود وازطرف دیگربادولت اتریش وارد درمذاکره برای خریداری ونیز گردید .

در ۱۱ اکتبر ناپلئون سوم مصمم بهمراهی بپروس گردید ودرملاقاتی که در بیارتیز (۲) بین‌ناپلئون سوم وبیسمارك واقع گردیدناپلئون‌سوم کاملاتحت‌نفوذبیسمارك

---

(۱) Alphonse · Ferrero - marquis de La Marmora (۱۸۷۸-۱۸۰٤) سرداروسیاستمدارایتالیائی- درجنك کریمه وجنگهای برضداطریش شرکت کرد و مدتی وزیرجنگ ایتالیابود - در ۱۸۶٤ نخست وزیر ایتالیا گردید .

(۲) Biarritz

قرار گرفته وبدون آنکه بیسمارك وعدهٔ صریحی راجع بفرانسه بدهد امپراطورفرانسه بشرط واگذاری‌ونیزبه ایتالیائیها متعهدشد اتحاد ایتالیا راباپروس برضد اتریش‌جلب کرده وبرعلیه پروس اقدامی ننماید .

بعدازملاقات بیارتیز بیسمارك که هنوزموقع را برای جنگ با اتریش مناسب نمیدانست بادولت ایتالیا فقط پیمان بازرگانی‌منعقد نموده ومذاکرات راجع‌به‌پیمان نظامی را طول داد درصورتیکه ایتالیا میل داشت هرچه زود تر ونیز را تصرف کند مخصوصاً که سابقه تهدید دول آلمان و پروس بفرانسه درسال ۱۸۵۹ باعث شده بود ناپلئون‌سوم از کمك بایتالیا درحین فتح خودداری کند وچون دولت ایتالیا میترسید دولت‌پروس‌باتریش‌نزدیك‌شده‌واختلافات بین‌یکدیگررابمسالمت حل کنندمذاکرات خود را با اتریش ادامه داده وباین دولت پیشنهاد نمود که اتریش دوشه‌های مولداوی ووالاشی را که برعلیه آلکساندر کوزا شورش کرده‌بودند اشغال کند ودرعوض‌ایتالیا ونیز رامتصرف شود . ناپلئون‌سوم‌برای رام کردن ایتالیا مخفیانه ازرویه پروس‌نسبت باتریش‌درنزد دولت ایتالیا ضمانت کرد وبدولت‌ایتالیا اطمینان داد که‌بوسیله اتحادبا پروس خواهد توانست ونیز را بدست آورد بالاخره در ۸ آوریل ۱۸۶۶ پیمانی بین ایتالیا وپروس‌بسته‌شد که بموجب آن دولت ایتالیاتعهد کرد درموقع‌جنگ بین‌پروس واتریش بنفع پروس وارد در جنگ شود و دولت پروس در عوض واگذاری ونیز را بایتالیا درمقابل بدست‌آوردن متصرفاتی برای خودتضمین کرد وطرفین تقبل نمودند که درصورت جنگ بااتریش هیچکدام پیمان صلح جداگدانه منعقد ننمایند .

درداخلـه فرانسه سیاست ناپلئون‌سوم سخت مورد انتقاد واقع گردید تیر (۱)

---

(۱) Louis - Adolphe, Thiers (۱۷۹۷ - ۱۸۷۷) سیاستمدار و مورخ فرانسوی ـ از ۱۸۱۹ وکیل داد گستری و وارد سیاست میشود ـ از خانواده اورلئان طرفداری‌میکرد ـ درکابینه‌هائی که در زمان سلطنت لوئی فیلیپ در فرانسه تا سال ۱۸۴۰ تشکیل‌شد شرکت وچندنوبت هم نخست‌وزیر شد ـ از ۱۸۴۰ سردسته مخالفین گردید ـ در

(بقیهٔ حاشیه درصفحهٔ بعد)

که ازمخالفین سیاست ناپلئون سوم بود پیمان بین پروس و ایتالیا را کـه تحت نظر امپراطور فرانسه تنظیم شده بود برخلاف مصالح کشور و خائنانه نامید چه ایجاد دو دولت قوی در سرحـدات فرانسه باعث تضعیف فرانسه میشد. ناپلئون سوم درجواب انتقادات تیر اظهار داشت باین وسیله توانسته است اثرات پیمان های ۱۸۱۵ را ازبین ببرد. دولت اتریش نیز که ازاقدامات پروس وایتالیا مشوش شده تحت نفوذ ونصایح دولت انگلستان سعی نمود اتفاق ایتالیا وپروس را ازبین‌ببرد. باینجهت بدولت ایتالیا پیشنهاد واگذاری ونیز رانمودبشرط آنکه‌بتواندآزادانه سیلزی راازپروس‌منتزع کند ناپلئون‌سوم هم که گرفتارانتقادات واعتراضات سخت مخالفین خود قرار گرفته بودبا این‌پیشنهاد موافقت کرد ونزدیك بود ائتلافی برضد پروس تشکیل گردد در ۲۶ مه دروئن‌دولوئی‌وزیرخارجه فرانسه‌نیزموافقت امپراطورفرانسه رابرای‌تشکیل کنگره درماه ژوئن برای حل این موضوع جلب کرد.

دولت اتریش که در اینموقع اوضاع را بحال خود مناسب دید گمان مینمود ازترسی که دول آلمان ازاقتدار پروس پیدا کرده‌اند میتواند استفاده نموده و بـکلی نفوذ پروس را درآلمان ازبین ببرد وچون تصور مینمود در مقابل پروس باندازه کافی قدرت نظامی دارد در اول ژوئن ۱۸۶۶ مخالف مذاکرات درباره واگـذاری اراضی در کنگره گردید.

بیسمارك‌هم ازموقع‌استفاده نمود وازدیت‌فرانکفورت درخواست‌تصویب‌سازمان جدیدی‌برای آلمان‌نموددولت‌اتریش‌در۱۴ ژوئن‌برضدپروس‌تجهیز کرد وارتش‌پروس در۲۴ ژوئن‌وارد بوهم گردید. در۳ ژوئیه درسادوآ (۱) ارتش‌اتریش بکلی‌مغلوب‌شد

(بقیه حاشیه ازصفحه قبل)

۱۸۴۸طرفدار برقراری نظم بود باینجهت بالوئی ناپلئون‌موافقت کرد. از۱۸۶۳ تقاضای‌اعطای آزادی زیادتری را ازدولت کرد وبااقدامات‌ناپلئون‌سوم درخارج فرانسه مخالفت کرد. بعدازشکست ۱۸۷۰ مسافرت سیاسی بدربارهای اروپا نمود وبریاست قوه مجریه انتخاب شد. در۱۸۷۳ازریاست قوه‌مجریه استعفا داد. تاریخ دوره کونسولا وامپراطوری ناپلئون که در۱۹ جلد منتشرشده‌است ازمعروفترین انتشارات اومیباشد.

(۱) Sadowa

ودر۲۶ ژوئیه پیمان ترك مخاصمه نیکولسبورك (۱) بامضا رسید .

در جنك با اتریش گرچه ارتش پروس کاملا فاتح شده بود ولی ایتالیائی‌ها در همه جا از ارتش اتریش شکست خوردند این شکستهای بری و بحری مانع از آن نگردید که دولت ایتالیا باترك مخاصمه موافقت نکند وحتی ادعاهای آن از زمان قبل ازجنگ نیز زیاد ترشده بود علاوه بر آنکه نمی‌خواستند ونیز را طبق پیشنهاد اتریش ازدست ناپلئون سوم مانند تحفه دریافت کند تقاضای اشغال تیرول ایتالیائی وایستری‌رانیزمیکرد . بالاخره برای‌اینکه ایتالیائیهاخاموش‌شوند قرارشداهالی‌ونیز بادادن رأی الحاق خود رابایتالیا اعلام دارند . دولت اتریش‌هم بموجب پیمان‌وین در ۲٤ اوت ۱۸٦٦ ازونیزصرفنظر کرد .

بعد ازتصرف ونیزایتالیائیها بیشترازبیش درخواست اشغال رم‌را کردند وچون ناپلئون سوم راضی‌باین امرنمیشد در۳ نوامبر۱۸٦٦ گاریبالدی بمعیت همراهان خود سعی نمود رم را تصرف کند ارتش فرانسه که مأمور محافظت پاپ بود مجبور گردید بقوه قهریه گاریبالدی را از رم دور کند واین امر لطمه زیادی باعتبار و محبوبیت ناپلئون سوم وسیاست فرانسه درایتالیا زد وایتالیائیها که فرانسه راتنها مانع‌درمقابل خود برای وحدت کامل‌میدیدند حس‌نفرتی درخودنسبت بفرانسوی‌ها احساس کردند ناپلئون‌سوم که نمیتوانست تصور کند شهررم انقدربرای ایتالیائیها اهمیت داشته باشد ازحق ناشناسی ایتالیائی‌ها درتعجب بود ولی نفوذ ملکه و کاتولیکها باعث شد که با وجود تمام مساعی که ازسال ۱۸٦۷ تا سال ۱۸۷۰ وزیران فرانسه برای‌جلب رضایت ناپلئون‌سوم‌جهت اشغال‌رم توسط ایتالیائی‌ها بکاربردند امپراطورفرانسه حتی‌درموقعی که‌یکه وتنها درمقابل‌ارتش‌پروس‌اساس‌امپراطوری خودرامتزازل میدید حاضربقبول پیشنهادات ایتالیانشد وپیمان‌اتفاق بین‌فرانسه واتریش‌وایتالیابهمین‌جهت‌دربوته اجمال ماند تا اینکه بعد از شکست فرانسه در۱۸۷۰ و واژگون شدن سلطنت ناپلئون سوم ایتالیائیهاتوانستندرم‌رامتصرف‌شده‌پایتخت‌خودقرارداده‌ووحدت‌ایتالیاراتکمیل کنند.

---

(۱) Nikolsboug

فصل ششم

مقدمات وحدت آلمان

کنفدراسیون ژرمانیك ـ اتحاد گمرکی ـ اقدامات آزادی خواهان انقلابات سال ۱۸۴۸ـ اتحادیه دول آلمان شمالی ـ اولموتز ـ سیاست پروس درجنك کریمه ـ بیسمارك ـ مسافرتهای بیسمارك و نظریات سیاسی او ـ تهدید شاهزادگان آلمان و اتریش ـ شورش لهستان ـ قضیه دوشه‌ها ـ اشغال دوشه‌ها ـ کنفرانس لندن ـ پیمان صلح باداانمارك ـ ملاقات بیاریتز ـ جلب نظر ایتالیا ـ پیمان گاستین ـ ملاقات دوم بیاریتز ـ تحریکات پروس و اتریش در دوشه‌ها ـ اتحاد پروس وایتالیا ـ تردید ناپلئون سوم ـ مقدمات حمله پروس ـ سادوآ ـ پیمان صلح پراك واگذاری ونیز بایتالیا ـ از بین رفتن کنفدراسیون ژرمانیك ـ تشکیل دول متحده آلمان ـ مقدمات تأسیس امپراطوری آلمان

کنگره وین در ۱۸۱۵ برای تسکین احساسات ساکنین آلمان سازمانی برای این نواحی ریخت که نیمه اتحادی بین آنها برقرارمیشد. چون دراین موقع دول آلمان هر کدام استقلال داشته وشاهزادگان آنها مایل به ازدست دادن شخصیت خودنبودند کنفدراسیون ژرمانیك هم برروی این اصل تأسیس ودرصورتیکه دول آلمان مستقل بودند در فرانکفورت مجلسی بنام دیت[۱] ازنمایندگان دول شهرهای آزاد تشکیل شده وروشی بین اتحاد و تجزیه ایجاد گردید.

مترنیخ نفوذ اتریش را در آلمان کاملا برقرار کرد ریاست کنفدراسیون ژرمانیك

Diète (۱)

بااتریش بود ودرسال های ۱۷۴۰ و۱۸۳۴ در اثر اقدامات اتریش دیت یکنوع قـوه مرکزی را تشکیل داد که میخواست حتی در کـارهای داخلی دول آلمان دخـالت نماید سیاست دولت پروس نیزدراین زمان تقریباً تابع سیاستاتریش بوده وازلحاظ سیاسی مانعی برای اتریش ایجاد نمیکرد .

درسال ۱۸۲۸دراثر توسعه کارخانه‌ها وپیدایش‌صنایع جدید دولت پروس که ازلحاظ اقتصادی‌تماس‌بیشتری باآلمان‌داشت بابعضی ازدول آلمان شروع‌بمذاکراتی برای عقد پیمانهای گمرکی‌نمود. ازسال ۱۸۳۱تا سال ۱۸۳۴ براساس انعقادمعاهدات گمرکی در دول آلمان یکنوع اتحادیه جدیدی که بر روی منافع اقتصادی اتکاء داشت تحت نظرپروس‌بدون دخالت اتریش تشکیل‌شد که باعث تشویش خیال‌مترنیخ برای محافظت تفوق سیاسی اتریش درآلمان گردید .

درسال ۱۸۴۸ کـه در اغلب کشورهای اروپا انقلاباتی بمنظور بدست آوردن آزادی رخ داد نظراتریش باوضاع داخلی خود متوجه شد . آزادی خواهان آلمان بطور کلی طرفدار عقیده وحدت نژادی وخواستار تشکیل یك آلمان واحد بودند. در۳۱ مارس ۱۸۴۸ درفرانکفورت کنگره بنام وریارلامنت(۱) تحت ریاست یکی از استادان دانشگاه تشکیل شد که در نظر داشت با تشکیل مجلس مؤسسان سازمـان جدیدی برای کشورآلمان بریزد .

بین این دومجلس‌جدید ودیت‌فرانکفورت اختلافاتی تولید گردید وهر کدام دیگری رافاقد صلاحیت دانستند در مجلس مؤسسان نیزدر باره این موضوع که‌چه مقامی باید عهده‌دارقوه اجرائیه شود اختلاف پیدا شدبعضی دیت را که ازنمایندگان شاهزادگان آلمان تشکیل‌میشد برای‌این‌امرپیشنهاد کردند وبرخی‌دیگردرخواست انتخاب وزیرانـی را از طرف مجلس نمودند بـالاخره یك مدیر امیراطوری تعیین گردید تادر اجرای امورمراقبت کند .

این رویه مدت شش ماه ازاواخر ژوئن تادسامبر۱۸۴۸ ادامه پیدا کرد ولـی

(۱) Vorparlament

شاهزادگان آلمانی که این روش رامخالف منافع خودمیدانستند شروع به‌ترغیب مردم وپیدا کردن حس شخصیت آنها نموده آنها راتشویق به نگاهداری از تأسیسات خود نمودند. درهمین موقع دولت آلمان و مجلس فرانکفورت دراثر مخالفت دول اروپا نتوانستند درباره قضیه دوشه‌ها دردانمارك اقدامی بعمل آورند. این امرباعث از بین رفتن اعتبارنمایندگـان و غضب ملت شده در نتیجه شورشهائـی در ۱۸ سپتامبر در فرانکفورت‌و کولونی‌وبرسلوودر۱۷ اکتبردروین‌و۳۱اکتبر۱۸۴۸دربرلن‌اتفاق‌افتاد.

درمقابل این پیش آمد ملیون آلمان ازپادشاه پروس فردریك ویلهلم چهارم تقاضای‌برقراری وحدت‌آلمان را نمودند پادشاه پروس جرئت نکرد با دولت اتریش و شاهزادگان آلمانی اختلافی پیدا کند و خواهش ملیون و قبول ریاست آلمان را در ۲۸ آوریل ۱۸۴۹ رد کرد. بعداً بمعیت ارتش خود به شاهزادگان آلمان کمك کرد وشورشهائی راکه اتفاق افتاده بود خوابانید.

دراینموقع که ورپارلمان ومدیر امپراطوری و دیت فـرانکفورت ازبین رفته بودند پادشاه پروس میتوانست بخوبی از موقعیت استفاده کـرده واز نفوذ اتریش در آلمان بکاهد وچون درسال۱۸۴۹ اتریش دائماً گرفتار انقلابات داخلی بود دراوائل سال ۱۸۵۰ دولت پروس باتشکیل پارلمان ارفورت(۱) درصدد تشکیل اتحادیــه از دول آلمان شمالی برآمد ولی دیگر فرصت ازدست رفته بــود وشاهزادگان آلمان که ازخطرانقلاب راحت شده بودند بااطریش همدست شده وبا فشار روسیه‌تواستند دراواخر سال ۱۸۵۱ پیمان اولموتز(۲) وبر قراری مجدد کنفدراسیون ژرمانیك را به‌پروس‌تحمیل کنند.

درجنك کریمه دولت پروس‌تحت نصایح بیسمارك نه‌تنهابیطرف‌باقیمانده‌بلکه باجلوگیری ازورود دولت اتریش کمك‌های ذیقیمتی‌بروسیه کرد.درخاتمه‌جنك‌نیز نصایح‌دولت‌پروس روسیه‌واتشویق بقبول‌شرایط متفقین نمود. باین‌ترتیب نظرموافق

Erfurt (۱)
Olmûtz (۲)

روسیه نسبت بپروس جلب‌شد. دراواخرسلطنت فردریك گیوم‌چهارم بواسطه بیماری واختلال‌دماغی اوحکومت پروس نمیتوانست رویه معینی اتخاذ کند . درسال ۱۸۵۸ ویلهلم‌اول نیابت‌سلطنت پروس‌را دردست گرفت وبعد ازروی کارآوردن‌چند کابینه چون‌برای تقویت پروس وارتش آلمان که ویلهلم‌اول علاقه زیادی‌بآن داشت شخص مبرز وبااراده لازم بود بعد ازفوت فردریك گیوم‌چهارم وقتی در سال ۱۸۶۲ ویلهلم اول بپادشاهی پروس رسید برخلاف میل خود بیسمارك را صدراعظم آلمان کرد .

بیسمارك(۱) که‌ازطبقه نجبا وازلحاظ عقیده‌طبقاتی به سلطنت واقتدار پروس وحفظ حقوق تاریخی دولت ونجباعلاقه‌داشت باعقاید آزادیخواهان وبدست آوردن وحدتی که آنان برای آلمان آرزو میکردند مخالف بود . در سال ۱۸۴۷ بیسمارك بنمایندگی‌دیت پروس‌انتخاب‌شد . در۱۱ مه ۱۸۵۱ بیسمارك نماینده دولت‌پروس‌در دیت‌فرانکفورت گردید ودرمدت ۸سالی که عهده‌داراین نمایندگی بود کاملا رفتار وسیاست اتریش‌را درآلمان موردمطالعه‌قرارداده وعقیده‌پیدا کرد که‌برای‌تأسیس‌یك آلمان متحدتحت سرپرستی‌پروس‌بایددست اتریش‌ازآلمان کوتاه‌شود.ازفرانکفورت نیز دائماً بابرلن مربوط بوده توسط دوستان و همراهان خود نصایح مفیدی بپادشاه پروس‌میداد. دراثراقدامات‌بیسمارك‌درجنگ کریمه ناپلئون‌سوم ازپروس کینه‌دردل نگرفت وباتمام‌موانع‌واشکالاتی که برای‌ورودا‌تریش‌درصف متفقین فراهم آورده‌بود تمام‌شکایات‌متوجه‌اتریش گردید. درسال۱۸۵۵ بیسمارك‌ملاقاتی ازناپلئون‌سوم‌بعمل آورد ونظرموافق اورا نسبت بپروس جلب کرد . در۱۸۵۷ درضمن مسافرت‌دیگری

Otto Edouard-Léopold, prince de Bismarck schöuhausen (۱) (۱۸۱۵-۱۸۹۸) سیاستمدار معروف آلمانی ـ در۱۸۴۷ بنمایندگی دیت پروس انتخاب شد-مخالف آزادی خواهان بود ـ نماینده پروس دردیت فرانکفورت از۱۸۵۱ تا۱۸۵۹ سفیر پروس درروسیه از۱۸۵۹تا۱۸۶۲ ـ سفیر پروس درفرانسه در۱۸۶۲ ودرهمین‌سال نخست وزیر ووزیر خارجه پروس میشود ـ بانی امپراطوری آلمان- سیاست خارجی و عملیات اودرضمن کتاب شرح داده خواهد شد ـ درسیاست داخلی مخالف آزادی‌خواهان و کشیشان بود ـ دراوائل سلطنت ویلهلم دوم باامپراطورجدید آلمان اختلاف نظر پیدا کرد ودرسال ۱۸۹۰ مجبور باستعفا گردید .

که بپاریس کرد مطمئن شد که ناپلئون از اقدامات پروس کینه دردل نگرفته است . ازسال ۱۸۵۹ تاسال ۱۸۶۲ بیسمارك سفیرپروس درسن پترزبورك گردیدودراین مدت کوشش کامل برای جلب نظرتزار روسیه نسبت بپروس بعمل آورد. درسال ۱۸۶۲ قبل ازاینکه بصدارت پروس انتخاب گردد بیسمارك ملاقات دیگری ازناپلئون سوم بعمل آورد وازنظرمساعد امپراطور فرانسه اطمینان حاصل نمود .

از زمانیکه بیسمارك زمام امورپروس را دردست گرفت باوجودمخالفتهائی که ازطرف دیت پروس بعمل میآمد سعی نمود با اراده آهنین خود اقتدار پروس رازیاد کند زیرا بیسمارك برخلاف آزادی خواهان که طرفدار وحدت آلمان بدون تفوق دولتی بردولت دیگربودند مایل بوحدت آلمان تحت نظریك پروس قوی که ریاست آلمان رابعهده داشته باشد بود. تقویت ارتش پروس باین ترتیب با کمك وهمراهی رون(۱) ومولتکه(۲) که درتمام فتوحات پروس درزمان بیسمارك نقش مهمی رابعهده داشتند عملی شد .

دراکتبرسال ۱۸۶۲ بیسمارك برای جلب توجه ناپلئون سوم بپروس پادشاه پروس رامجبوربامضای پیمان بازرگانی بادولت فرانسه نمود وچون دول آلمان باین پیمان که مابین پروس ودشمن قدیمی آنها بسته شده بود ایراد میگرفتند بیسمارك مجبوربه تهدید آنها گردید . شاهزادگان آلمان برای ازبین بردن نفوذ پروس پیشنهادنمودند

---

(۱) Albert-Theodore.Emile, Comte de Roon (۱۸۷۹-۱۸۰۳) مارشال پروسی ـ مدرسه نظام برلن راباتمام رسانیده واستاد مدرسه نظام ودانشگاه جنك گردید از۱۸۵۹ وزیرجنك وبحریه پروس شد ـ بسیج عمومی پروس رادرسالهای ۱۸۶۶ و۱۸۷۰ تهیه نمود .

(۲) Helmuth-Charle-Bernard, comte de Moltke (۱۸۹۱ - ۱۸۰۰) مارشال پروسی ـ درمدرسه نظام کپنهاك تحصیلات خودرا بپایان رسانید ـ درارتش دانمارك وبعداً درارتش پروس افسرشد ـ مدتی دردربار عثمانی مشغول اصلاح ارتش عثمانی بود ازسال ۱۸۵۷ رئیس ستاد ارتش آلمان گشت وسعی بسیاری برای تقویت این ارتش بعمل آورد ـ نقشه جنگهای بادانمارك واتریش وفرانسه بتوسط اوطرح شد .

نمایندگان دول آلمان واتریش درووززبورگ[1] مجتمع شده ودرباره مسائل کلی آلمان تصمیم بگیرند تابااین وسیله بتوانند باکمك اتریش از نفوذ پروس بکاهند. دولت اتریش هم که این قضیه رابنفع خود میدید فوراً پیشنهاد آنها راقبول نمود و قرارشد برای اداره آلمان یك هیئت مدیره شش نفری انتخاب شود. بیسمارك اتریش راتهدید نموده واظهارداشت دولت اتریش یاباید جانب پروس را نگاهدارد یا اینکه حمایت شاهزادگان آلمانی رابعهده بگیرد ! درماه ژانویه ۱۸۶۳ روابط بین اتریش وپروس بقدری تیره شده بود که اگرناپلئون سوم پروس راقدری تشویق مینمود ممکن بود جنك پروس بااتریش درهمان سال واقع شود ولی بیطرفی ناپلئون سوم باعث ختم قضیه بمسالمت گردید.

برای جلب نظر روسیه درسال ۱۸۶۳ موقعی که شورش لهستان اتفاق افتاد دولت پروس تنها دولتی بود که زیر بار تحریکات ناپلئون سوم برای آزاد ساختن لهستان نرفت. بیسمارك به دولت روسیه کمك نظامی پروس را پیشنهاد نمود و بطوری خودرا طرفدار قلع وقمع شورشیان لهستان وانمود کرد که تزار روسیه از نظریات پروس راجع بلهستان بتردید افتاد وصلاح در آن دانست به دولت پروس اجازه مداخله درامورلهستان را ندهد ولی پیشنهاد بیسمارك درتحکیم روابط پروس وروسیه وبیطرفی این دولت در زمان جنگهای پروس بااتریش وفرانسه تأثیرزیادی داشت.

در ۱۵ نوامبر ۱۸۶۳ پادشاه‌دانمارك فردریك هفتم‌فوت نمود وقضیه دوشه‌های شلزویك[2] وهولشتین[3] و لوئنبورگ[4] فرصت مناسبی بدست بیسمارك برای استفاده ازموقعیت وتوسعه پروس داد.

wurzbourg (۱)
Slesvig (۲)
Holstein (۳)
Lauenbourg (٤)

بعد ازاختلافاتی که ازسال ۱۸٤۸ بین کنفدراسیون ژرمانیك ودانمارك‌درسر دوشه‌های شلزویك وهولشتین پیداشده‌بود بموجب پیمان‌لندن‌در۸مه ۱۸۵۲ سلطنت فردریك‌هفتم پادشاه‌دانمارك براین‌دوشه‌ها شناخته‌شد . پادشاه دانمارك چندین‌مرتبه سعی کرده بود روابط بین این دوشه‌هارا بادانمارك بموجب فرامینی تعیین کند در۳۰ مارس ۱۸٦۳ پادشاه نمارك تصمیم گرفت قانون اساسی مستقلی به هـولشتین داده و شلزویك را که اکثرسکنه آن دانمارکی بودند کامـلاً ضمیمه دانمارك کند دیت فرانکفورت بمحض‌اطلاع ازاین تصمیم اعتراض‌نموده دانمارکیها هم ازپادشاه جدید خود کریستیان نهم تقاضای اجرای تصمیمی را که اتخاذ شده بود کردند .

دیت فرانکفورت اعلام نمود با تصمیم پادشاه دانمارك پیمان لندن که سلطنت پادشاه دانمارك را براین‌دوشه ها برقرار ساخته‌بود ازاعتبار افتاده است . در۷دسامبر تمایل خودرا بواگذاری این دوشه‌ها به‌دوك دوگوسنبورك[۱] اعلام و امـر باجرای فوری تصمیم خود داد . بیسمارك که مایل به ازبین بردن اعتبار دیت فرانکفورت و توسعه پروس بود ازاجرای اوامرآن خودداری نمود و از ترسی که دولت اتریش از اتفاق پروس بادولت جدید التأسیس ایتالیا داشت استفاده نموده امپراطور اتریش را با خود همراه ساخت و علیرغم تصمیمات دیت فرانکفورت در اوائـل فوریه ۱۸٦٤ ارتش پروس و اتریش وارد دوشه هـا گردیده و از اشغال آنها توسط ارتش ساکس وهانور که میخواستنداوامر دیت رااجرا نمایند جلوگیری کرد . دیت فرانکفورت اعتراضات بسیاری بعمل پروس واتریش نمود ولی هیچکدام از ایـن دودولت وقعی باعتراضات اونگذاشتند .

دولت‌انگلستان که‌طرفداردولت دانمارك‌بودبرای‌جلوگیری ازاقدامات پروس

---

(۱) Frédéric-Christian-Auguste , duc de Augustenbourg (۱۸۲۹ـ۱۸۸۰) ازشاهزادگان آلمان مدعی سلطنت بردوشه هـا ـ پدرش قبل از انعقاد معاهده‌لندن۱۸۵۲حق‌سلطنت‌خودرا بردوشه‌ها به‌پادشاه دانمارك‌فروخته‌ومبلغ ۲۲۲۵۰۰۰ تالردریافت کرد ـ واسطه این‌معامله درآن موقع بیسمارك بود که بعداً ادعاهای پسرش رابرای استفاده پروس تقویت کرد .

واتریش در ۹ مه ۱۸٦٤ درلندن کنفرانسی تشکیل داد وبرای نجات دانمارك ازادعاهای نژاد ژرمن باپیشنهاد دیت در باره واگذاری دوشه های هولشتین ولوئنبورك بدوك دوگوستنبورك موافقت کرد بشرط آنکه شلزویك که اغلب سکنه آن دانمارکی بودند جزء دانمارك شود. بیسمارك برای عقیم نمودن پیشنهاد انگلستان خودراطرفدار دستجات طرفداروحدت آلمان نشان داده وبدون مخالفت باپیشنهادانگلستان تقاضای برقراری دوك دوگوستبورك را درهرسه دوشه نمود . ضمناً برای اینکه بعدها بتواند ازاقدامات دوگستنبورك نیز جلوگیری کند تا آنجائیکه توانست مدعیان تازهٔ را تشویق نمود تاادعای سلطنت بردوشه‌ها بنمایند .

دولت انگلستان که منظورش از کنفرانس لندن نگاهداری شلزویك برای دانمارك بود ازاقدام خود نتیجه نبرد ودرصدد برآمدنظردولت فرانسه را جلب نموده وبا تهدید دول پروس واتریش را ازمیدان بدر کند . اما چون درباره قضایای لهستان ناپلئون سوم ازرفتارانگلستان کاملاً دلسرد شده بود بی‌میل نبود در این موقع انگلستان رابامشکلاتی که باآنها روبرو بود تنها گذارد و همین حس کینه توزی ناپلئون سوم سبب شد دراین قضیه که بضرر کامل فرانسه تمام شد امپراطور فرانسه گمراه شده واز کمك بانگلستان دریغ ورزد. بیسمارك هم که دوك دوگوستنبورك راکاملاً دست نشانده خود کرده بود زیرا درهرآن ممکن بود ادعا نماید که دوك دوگوستنبورك حقی بسلطنت بردوشه‌ها نداردشرایطی بدلخواه‌خود باوتحمیل کرده وتوانست بمعیت اتریش ارتش دول آلمان را از دوشه ها بیرون نموده در ۲۸ ژوییه شرایط تقسیم دوشه‌ها رابا اتریش دروین تعیین کند کریستیان نهم پادشاه دانمارك هم که دیگرامید بجائی نداشت مجبور گردید شرایطپیشنهادی راقبول کندپیمان‌صلح قطعی بادانمارك در ۳۰ اکتبر ۱۸٦٤ منعقد گردید .

بعد ازتصرف دوشه‌ها ازطرف پروس واتریش اداره آنها موضوع مباحثه‌واقع شد دولت اتریش که نفعی از بدست آوردن این دوشه ها برای خود انتظار نداشت کم کم متمایل بنظردیت فرانکفورت میشددیت فرانکفورت ودول آلمان نیزبرای

جلوگیری ازتوسعه‌پروس تقاضای واگذاری فوری دوشه‌ها رابه‌دوك دوگوستنبورك مینمودند . بیسمارك اظهارنمود که درمقابل مدعیانی که برای سلطنت براین‌دوشه‌ها پیدا شده است ناچار است برای‌طرفداری ازحق وعدالت موضوع را به‌هیئتی ازعلماء مراجعه کند تا معلوم شود آیا واقعاً دوك دوگوستنبورك در تقاضای خود محق‌است یا خیر. این هیئت نیز برای رسیدگی بفرامین وسوابق تاریخی مدت زیادی برای مطالعه لازم داشت. دراین‌مدت دولت پروس‌باوجود اعتراضات مکرردیت‌فرانکفورت اشغال دوشه‌ها راادامه داد وضمناً دوك دوگوستنبورك راهم مجبور کرد اداره ارتش دوشه‌ها رابپروس واگذارنماید تابالاخره درماه ژوئن ۱۸۶۵ هیئت مأمور رسیدگی به‌تقاضای مدعیان سلطنت بردوشه‌ها به‌این نتیجه رسیدند که ازروی سوابق تاریخی سلطنت بر دوشه ها فقط مختص پادشاهان دانمارك است و ادعای دیگران منجمله دوك دوگوستنبورك باطل است .

بعد از این رأیی که مأمورین رسیدگی به‌حق سلطنت بر دوشه‌ها داده بودند بنظرمیآمدبیسمارك که خودراآنقدرطرفدارعدالت وحق نشان داده است‌بایددوشه‌ها را دومرتبه تسلیم پادشاه دانمارك کند ولی بیسمارك که منظورش تصرف دوشه‌ها و توسعه پروس بود اظهارداشت چون بموجب پیمان ۱۳۰اکتبر۱۸۶۴ پادشاه دانمارك رسماً حقوق خودرا بر دوشه‌ها بپروس و اتریش واگذار کرده است بنابراین مطابق حق وعدالت دوشه‌ها باید بتصرف این دودولت درآیند .

برای اجرای تصمیم خود وتحمیل آن براتریش بیسمارك حتی حاضر بجنك بااتریش بود چه درماه اکتبر۱۷۶٤ بیسمارك‌دربیارتیز ملاقاتی ازناپلئون سوم بعمل آورده بود وبا وعده‌های غیر مستقیم خود برای توسعه فرانسه بدون اینکه کمترین تعهدی ازطرف پروس کرده باشد ناپلئون‌سوم راتحت نفوذ خود درآورده واطمینان پیدا کرده بود که امپراطور فرانسه مخالفتی با توسعه پروس نشان نخواهد داد . در سال ۱۸۶۵ بیسمارك نیز مذاکراتی بوسیله نماینده خود در دربار ایتالیا بعمل آورده ودولت جدید التأسیس ایتالیا هم برای بدست آوردن و نیز و متصرفات تازهٔ

کاملاً حاضر بااتحاد باپروس بود. تنها امری که مانع اقدام فوری بیسمارك میشدیکی این بود که احزاب دست‌راست که پشتیبان بیسمارك بودندهمواره متوجه‌جلوگیری ازانقلاب بوده واساس اتحاد مقدس و توافق تزار روسیه و امپراطور اتریش وپادشاه پروس ازاصول اولیه عقاید آنها بود. دیگراینکه پادشاه پروس که حقوق پادشاهان راعطیه الهی میدانست حاضر نبود با پادشاهی مثل ویکتور امانوئل دوم که حقوق پادشاهان دیگر را رعایت نکرده وتقریباً مولود انقلاب بود متحد شود صرفنظر از اینکه اکراه داشت برضد امپراطور اتریش متحد قدیمی پروس اقدامی بعمل آورد بیسمارك هم که ازتمام این‌جریانات اطلاع‌داشت سعی‌میکرد‌رفته‌رفته زمینه‌راحاضر کند وبابعضی ازدول دیگر آلمان نیزواردمذاکره شده ودرمقابل وعده توسعه نظر موافق آنهارا نیزجلب کرده بود.

فرانسواژوزف امپراطور اتریش که ازنزدیکی پروس وایتالیا وفرانسه بیمناك بود ازنظراوضاع داخلی‌امپراطوری اتریش‌مجبور گردید موقتاً با دولت پروس ازدر صلح‌درآید زیرامجارها تقاضاهای‌زیادی نموده وهر کدام ازنژادهای تابعه ادعاهائی داشتند باینجهت مجبور بقبول پیشنهادات پروس گردیده ودر۱٤ اوت ۱۸٦٥ پیمان گاستین(۱) بین‌پروس واتریش‌منعقد گردید. بموجب این پیمان‌شلزویك‌از آن‌پروس وهولشتین به اتریش داده شد ولی دولت پروس اجازه داشت کیل(۲) را اشغال نموده وراه‌نظامی ازهامبورك به‌رندسبورك(۳) ساخته وترعهٔ بین‌دریای بالتیك ودریای‌شمال حفر کند. لوئنبورك اصولا بدولت اتریش‌واگذار گردید ولی دولت پروس در مقابل پرداخت مبلغی این‌دوشه را ازدولت اتریش خریداری نمود.

دول فرانسه وانگلستان ودیت فرانکفورت به پیمان گاستین اعتراض کردند.

Gastein (۱)

Kiel (۲)

Bendsbourg (۲)

ایتالیائیها نیز از رفتار پروس که بدون آنکه توجهی به آنها بنماید بااتریش سازش کرده بود دلگیر شدند. بیسمارك که پیمان گاستین را مقدمه عملیات بعدی خود در آلمان میدانست جلب موافقت ناپلئون سوم را قبل از هر چیز لازم میدانست باینجهت درماه اکتبر عازم بیاز تیز گشته و باناپلئون سوم ملاقاتی بعمل آورد، منظور بیسمارك از این ملاقات یکی بدست آوردن بیطرفی ناپلئون سوم درصورت بروز اختلاف بااتریش بود دیگر توصیه ناپلئون بایتالیائیها برای انعقاد پیمان اتحادی باپروس. در بیارتیز بیسمارك بدون آنکه وعده صریحی بناپلئون سوم بدهد خود را موافق توسعه فرانسه نشان داد وباتشویق احساسات جاه طلبانه ناپلئون سوم نظر موافق او را جلب کرد ناپلئون سوم هم که خودرا زرنگ تر از بیسمارك میدانست در نظر داشت با تشویق پروس بجنگ با اتریش بتواند درموقع لازم میانجیگری خود را بطرفین تحمیل نموده وبنفع فرانسه اقداماتی بنماید خصوصاً که ناپلئون دراثر عدم اطلاع کافی از وضع پروس یقین داشت اگر جنگی رخ دهد اتریش بآسانی برپروس فائق خواهد شد وباینجهت کمك ایتالیا رابرای طولانی نمودن جنك لازم میشمرد.

بیسمارك بااطمینان کامل از مساعدت یالااقل بیطرفی ناپلئون سوم به برلن مراجعت نمود و بدون اینکه بااعتراضات دیت فرانکفورت وقعی گذارد شروع بها یجاد اختلافات بین اتریش و پروس کرد. حمایت پروس و اتریش بردوشه‌ها نیز بهترین بهانه‌ها را درموقع لازم بدست پروس میداد. اداره هولشتین برای اتریش جز اسباب مزاحمت نتیجه نداشت باینجهت فرانسواژوزف ازهمان مرحله اول متوجه بیفایده بودن پیمان گاستین برای اتریش شده بود. برای ممانعت از توسعه پروس دولت اتریش طرفداران دوك دوگوستنبورك را درهولشتین تقویت نمود وهمین امر باعث شد که دولت پروس اعتراضات سختی نسبت بطرز اداره اتریش بنماید واعلام نمود اگر دولت اتریش اقدامات جدی بعمل نیاورد دولت پروش آزادی عمل خودرا حفظ خواهد کرد وحتی درمقابل توضیح نماینده اتریش که سئوال کرده بود آیا پروس میل دارد بااتریش جنك کند بیسمارك اظهار کرده بود خیر ولی اضافه نمود اگر غیراز این باشد آیا انتظار جواب دیگری از

من داشتید .

دراثرتوصیه ناپلئون سوم وضمانتی که درمقابل ایتالیا ازرفتارپروس کرددر۸ آوریل۱۸۶۶ بین‌پروس وایتالیاپیمان تدافعی وتعرضی بسته‌شد که بموجب آن دولت ایتالیا میتوانست‌ونیز رابتصرف‌خودآورده ودرمقابل‌دولت پروس‌هم‌بتواندبهمان‌اندازه توسعه‌پیدا کند ولی‌درپیمان مقررشده بود دولت‌ایتالیادرصورتی‌وارد درجنك خواهد شد که ارتش پروس عملیات تعرضی‌رابرضد اتریش شروع نماید مدت این پیمان‌نیز سه ماه بود .

برای‌رفع‌اختلافات‌دولت‌اتریش‌پیشنهاد کردحل‌این‌قضیه بنظردیت‌فرانکفورت گذاشته شود بیسمارك که از ایجاد این اختلافات منظور صلح جویانه نداشت اعلام نمود که دیت فرانکفورت‌حق مداخله دراین قضیه‌راندارد وصدراعظم آلمان‌مخالف آزادی‌خواهان بود اعلام نمود مجلسی‌به‌رأی عمومی باید ازطرف تمام آلمانهادعوت شود تادرباره اصلاحاتی دراساس دول متحده آلمان بحث نماید . درهمین‌مواقع‌ارتش ایتالیا در سرحدات اتریش متمرکزمیشد وچون دولت اتریش بـرای جلوگیری از حوادث احتمالی بنوبه خود بسرحدات ایتالیا ارتش فـرستاد ایتالیائیها جاروجنجال راه انداختند که اتریش آنها راتهدید مینماید .

دراینموقع که‌بیسمارك پادشاه پروس رابرای‌حمله‌قطعی باتریش‌حاضرمیکرد رویه ناپلئون سوم مشکوك بنظرمیرسید زیرا درمقابل اعتراضات سختی که ازطرف تیربسیاست ناپلئون سوم میشد امپراطورفرانسه درسیاست مرموز خود دچار تردید شده بود فرانسواژوزف هم که ازاتحاد ایتالیا باپروس واتفاق آنها با فرانسه بتشویش افتاده بود شروع به‌اقداماتی نمودتاامپراطورفرانسه رابطرف خود متمایل کند وزیر خارجه فرانسه دروئن دولوئی نیزطرفدار سیاست تمایل بااتریش بود .

درماه مه۱۸۶۶ ازطرف‌ناپلئون‌سوم پیشنهاد تشکیل کنگره گردید که درآن

موضوع دوشه‌های آلمان واختلاف اتریش وایتالیا واصلاحاتی که باید دردول متحد آلمان بشود مورد بحث قرار گیرد. امپراطور اتریش گرچه درباطن امرموافق این امربود درظاهر حضور خودرا درکنگره مشروط باین نمود که دولی که در کنگر حاضرمیشوند تقاضای توسعه ارضی ننمایند. ضمناً مقدمات عقد پیمانی هم بین اتریش وفرانسه براساس پیشنهادات فرانسه تهیه گردید.

بیسمارك که اتفاق جدیداتریش وفرانسه راحدس میزدومیدید که اگر قبل ازسه ماهی که موعد پیمان اتحاد باایتالیاست اقدامی نکندممکن است ایتالیا از همراهی خود دریغ کند دراوایل ماه ژوئن تصمیم گرفت جنك بااتریش را غیرقابل اجتناب سازد دولت اتریش اعلام کرده بود که حل‌قضیه دوشه‌ها را به حکمیت دیت واگذار میکند بیسمارك از این اعلامیه استفاده کرده و پیمان گاستین راملغی شده دانست و ارتش پروس در۸ ژوئن وارد هولشتین گردید. در۱۰ ژوئن بیسمارك بدول آلمان پیشنهادات زیررا نمود ۱ـ اخراج اتریش و لوکزامبورك از کنفدراسیون ژرمانیك ۲ـ دعوت پارلمانی بـانتخاب رأی‌عمومی ۳ـ تشکیل یك قوه متحده برای مسائل اقتصادی وسیاسی ٤ـ تشکیل یك ارتش واحد که‌فرماندهی آن درشمال بعهده‌پروس ودرجنوب بعهده باویر باشد.

درمقابل تقاضاهای پروس دیت‌فرانکفورت جنك برعلیه پروس رانجویز کرد نماینده پروس نیز اعلام نمود پیمان کنفدراسیون‌دیگر اعتبار ندارد. در ۱۵ ژوئن بیسمارك بدول هانوروهس وساکس اعلام نمود که رأی خود راپس گرفته تقاضاهای پروس راقبول کنند ارتش پروس در ظرف چند روزاین نواحی را اشغال کرد وعمده قوای خودرا بطرف بوهم برای مقابله بااتریش اعزام نمود دولت ایتالیا هم‌از ۲۰ژوئن شروع بحمله بطرف اتریش نمود.

گرچه ایتالیائیها در۲٤ ژوئن شکست سختی ازاتریشیها خوردند ولی‌منظور بیسمارك که مشغول کردن قسمتی ازقوای اتریش درجبهه ایتالیا بودعملی‌شد ودر۳

ژوئیه درسادووآ فتح‌قطعی نصیب ارتش پروس گردید که‌راه چاره رابراتریش‌مسدود نمود دولت اتریش هم که شهروین را درمخاطره میدید فوراً به ناپلئون سوم برای برقراری صلح مراجعه کرد .

ناپلئون سوم گرچه شکست اتریش رابااین فوریت پیش بینی نکرده بودباز میتوانست ازموقعیت استفاده کافی ببرد ولی‌بیماری قوای امپراطورفرانسه را تحلیل برده ونتوانست‌تصمیمات‌لازم رااتخاذبنماید.تحریکات‌بیسمارك وایتالیائیهانیز ناپلئون را از کمك‌باتریش واشغال نواحی رنانی منصرف نمود.فرانسواژوزف‌هم که درمقابل تهدید قوای پروس واقع شده بود مجبور گردید در۲۲ ژوئیه ترك مخاصمه نیکولسبورك را باپروس امضا کند .

درطول مدت بین‌امضای ترك‌مخاصمه وامضای پیمان صلح برخلاف نظر وزیر خارجه‌فرانسه نماینده‌پروس باناپلئون سوم مذاکراتی‌بعمل آورد ونظرموافق ناپلئون سوم رابتوسعه پروش درآلمان شمالی‌جلب نمودوبراساس این‌موافقت‌باوجوداعتراض ایتالیائیها که گرچه درجنگهای بری وبحری شکستهای پی‌درپی ازاتریش خورده بودند اما ادعاهای زیادتری داشتند شرایط پیمان صلح تنظیم ودر۲۳ اوت ۱۸٦٦در پراك بتصویب رسید .

بموجب‌این‌پیمان اتریش‌باانحلال اساس کنفدراسیون‌ژرمانیك که‌برطبق‌پیمان وین۱۸۱۵ برقرارشده بود موافقت وازجرگه‌دول آلمان خارج شد . دولت پروس با دول‌آلمان شمالی اتحادیهٔ تشکیل داده و فرماندهی ارتش آنان را بعهده میگرفت . دول‌جنوبی آلمان‌هم آزاد بودند مابین خود اتحادیه بوجود آورند(ولی‌بیسمارك‌قبل ازاینکه‌پیمان‌امضاءشودنظر آنها راجلب کرده وبنفع‌پروس‌باآنهااتحادی‌برقرار کرده بود) دولت پروس توسعه ارضی زیادی پیدا کرد وعلاوه بردوشه‌ها چند دولت دیگر آلمان را نیز ضمیمه خود کرد . دولت اتریش مجبور به پرداخت غرامت جنگی بپروس گردید و ناحیه ونیز دراختیار امپراطور فرانسه گذاشته شد تابایتالیائیها واگذارشود .

بیسمارك دره اوت درموقع افتتاح دیت‌پروس وعده آزادی داده و با اقدام
خود آزادی خواهان رابطرف خود جلب کرد و باپیمانهائیکه حتی قبل از امضای پیم
صلح بااتریش بادول آلمان بامضاء نمودشاهزادگان آلمانی رامجبور کرداداره‌ارتـ
خودرا بپروس واگذار کنند دراوائل سال۱۸٦۷ نمایندگان دول آلمان رابدورخ
جمع نموده ودرظرف سه‌هفته از۱۸ ژانویه تا۷فوریه۱۸٦۷ اقدامات خودرا بتصو
آنها رسانید وباین ترتیب اساس شخصیت دول جزء آلمان متزلزل گردید. بیسمارك
۲٤فوریه ۱۸٦۷ اساس حکومت جدیدآلمان را بـه اولین مجلس عمومـی آلم
رایشتاك[۱] پیشنهاد نمود وقانون اساسی جدید در۱٦ آوریل ۱۸٦۷ بتصویب‌رسـ

بموجب‌این‌قانون‌اساسی شاهزادگان آلمان‌عناوین‌وحکومت‌خودراحفظ‌نمو
وبا دردست داشتن درآمدخود استقلال داخلی داشتند . هر کدام از آنها نمایندهٔ
بوندسرات[۲] که‌شبیه‌به‌سنای امریکابودمیفرستادند این مجلس که‌حافظ‌حقوق‌آ
بودحق‌طرح وردقوانین رانیزداشت. مجلس دیگری موسوم‌به‌رایشتاگ‌ازطرف‌افر
ملت انتخاب‌میشد ونماینده عموم‌اهالی‌آلمان بود وحق تصویب بودجه‌راداشت‌مجل
رایشتاك وسیلهٔ بود که توسط آن بیسمارك سعی مینمود رفته رفته شخصیت دول جـ
آلمان را ازبین ببرد .

دولت پروس ریاست این دول متحده جدیدرا دارابوده وفرماندهی‌ارتش‌ـاد
سیاست خارجی آلمان - حق‌صلح و جنك - اعلام حکومت نظامی با اوبود ۱۷ ر
از٤۳ رأی مجلس بوندسرات متعلق بدولت پروس بود وچون تصمیمات این مجل
میبایستی تا کثریت دوثلث اتخاذ شود باین وسیله دولت پروس میتوانست همواره
تصمیماتی که برعلیه منافع اوبود جلوگیری کند. وزرای پروس نیزازطرف رئیـ
دول متحده انتخاب‌شده ودرمقابل مجلس مسئولیتی نداشتند .

تشکیلات جدید روز بروز روابط دول آلمان را با پروس مستحکم ترمینمـ

Reichtag (۱)
Bundesrath (۲)

خصوصاً که باانعقاد پیمانهای اتحاد گمرکی منافع اقتصادی دول مختلف آلمـان با یکدیگرتوأم میشد ولی بیسمارك برای تکمیل شالوده حکومت جدیدلازم میدیـد مقدمات جنگی رابا دشمن قدیمیتمام آلمانهایعنیفرانسه فراهم آورد تاتمام آلمانها را واداربااتحاد کاملتری بایکدیگر بنماید وبطوریکه خواهیم دید جنك فرانسه و آلمان در۱۸۷۰ اقـدامات بیسمارك را تثبیت نموده وبعد ازفتح آلمانها امپراطوری جدید آلمان درنتیجه زحماتبیسمارك بوجود میآید .

فصل هفتم

اروپا بین دوجنك

تردید امپراطور فرانسه - سوء تدبیر ناپلئون سوم - تقاضای تصرف بلژیك پیشنهاد فروش لوکزامبورك - شکست سیاست فرانسه - کنفرانس لندن برقراری رژیم آزادی در فرانسه - سیاست اتحاد اسلاو - شورش کرت - ملاقات سالزبورك کنفرانس پاریس و ختم شورش کرت - طرح اتحاد بین اتریش و فرانسه وایتالیا عدم تصمیم ناپلئون سوم .

درسوم مه۱۸۶۶ درمجلس مبعوثان فرانسه تیر سیاست ناپلئون سوم را سخت مورد انتقاد قرارداد وآینده خطرناکی رابرای دولت فرانسه پیش بینی نمود . نطق تیر که سیاست قدیمی خودرا ترك کرده و سردسته محافظه کاران شده بود تأثیر فوق‌العاده درملت فرانسه نمود وازتقویت پروس هراسان گردید ناپلئون سوم که در این موقع بدولت پروس در قضیه اختلاف با اتریش وعده بیطرفی داده بود بتردید افتاد وبطوریکه درفصل گذشته شرح داده‌شد درصدد برآمد بوسیله تشکیل کنگره اختلافات بین اتریش وپروس وواگذاری ونیز بایتالیا راحل نماید ولی بیسمارك که تشکیل کنگره رابصلاح پروس‌نمیدانست پیشدستی کرده وجنك بین اتریش‌وپروس راغیرقابل اجتناب ساخت .

بعد ازشکست غیرمنتظره اتریش در سادوآ بازامپراطورفرانسه میتوانست با تهدید سواحل رن بنفع‌فرانسه اقداماتی بعمل آورد ولی‌بیماری‌وتلقینات‌اطرافیان‌او

مخصوصاً خانواده بناپارت که طرفدار توسعه ایتالیا بودند ووضع نظامی ومالی فرانسه را بطورفوق العاده بدی بنظر امپراطورفرانسه مجسم ساختند مانع از آن شد که ناپلئون تصمیم فوری اتخاذ نموده ونظرخودرا برپروس واتریش تحمیل کند بطوریکه بعد از مدتی معطلی در مقابل تهدید ارتش پروس بوین امپراطور اتریش مجبور گردید در نیکولسبورگ شرایط بیسمارك را بپذیرد. درموقع امضای ترك مخاصمه وامضای پیمان پراك ناپلئون سوم بنظر خود زرنگی کرده وبرای اینکه خودرا مقید نسازد آنهارا امضاء ننمود ایتالیائیها هم که دریافت ونیز را توسط ناپلئون سوم موهن میدانستند باتمام مساعدتیکه دولت فرانسه برای تصرف ونیزبآنها کرده بود ازامپراطورفرانسه ناراضی شده واورا مانع توسعه ایتالیا پنداشتند.

بعدازبرقراری صلح بین پروس واتریش ناپلئون سوم که متوجه خطاهای سیاست خود شده بود سعی نمود بابیسمارك تماس حاصل کرده ودرمقابل توسعه پروس سهمی برای فرانسه مطالبه کند. بندتی[۱] سفیر فرانسه در برلن در ٦ اوت یادداشتی تسلیم دولت پروس نموده وتقاضای واگذاری مایانس[۲] وقسمتی از سواحل غربی رودرن را بفرانسه نمود. بیسمارك درظاهر روی کاملا موافقی بدرخواست فرانسه نشان داد ولی اظهار نمود واگذاری قسمتی ازاراضی آلمان بفرانسه ازعهده دولت پروس خارج است وممکن است این امر احساسات آلمانهارا تحریك کند ضمناً تذکرداددرصورتیکه ناپلئون سوم نقشهٔ برای تصرف بلژیك یالوکزامبورك داشته باشدچون باحساسات آلمانها خدشه وارد نمیآورد دولت پروس از آن پشتیبانی خواهد کرد. ضمناً بانواع وسائل تقاضای ناپلئون سوم را بسمع آلمانهارسانده وبوسیله تحریك احساسات آلمانهاازاین امر استفاده کرد وپیمانهای نظامی بادول آلمان منعقد ساخت.

---

(۱) Vincent, comte Benedetti (۱۸۱۷-۱۹۰۰) سیاستمدارفرانسوی - رئیس اداره امورسیاسی وزارت خارجه فرانسه در ۱۸۵۵ - سفیرفرانسه در ایتالیا در ۱۸٦۱ - سفیر کبیر فرانسه در برلن از ۱۸٦٤ تا ۱۸۷۰ - از سال ۱۸۷۱ متقاعد شد

(۲) Mayence

ناپلئون سوم که درمقابل اظهارات بیسمارك جوابی نداشت برای جبران مافات فریب اظهارات بیسمارك را خورد وبدون آنکه توجه کند تصرف بلژیك یالوکزامبورك مواجه باچه اشکالاتی خواهد شد دردام بیسمارك افتاد. چون دروئن دولوئی از عقاید او پیروی نمیکرد واتفاق باپروس را برای سیاست فرانسه نافع نمیشمرد معزول گردید ولاوالت(۱) بجای او وزیر خارجه فرانسه گردید دربیستم اوت بندتی ازطرف دولت فرانسه دوپیشنهاد به بیسمارك تسلیم نمود یکی برای تصرف لوکزامبورك ودیگری تصرف بلژیك بوسیله فرانسه. ناپلئون سوم ضمناً مانند همیشه بااستدلال عقیده نژادی اظهار میداشت که ملت بلژیك وجود خارجی نداشته و نتیجه منطقی وحدت ایتالیا و آلمان وتوسعه این دودولت الحاق بلژیك بفرانسه میباشد.

بیسمارك که بعدازجنك سادوا کاملا بمقصود خود رسیده بود ازاین تاریخ تمام هم خودرا مصروف استفاده ازتقاضاها وچارجوئی های ناپلئون سوم میکند در مقابل درخواست ناپلئون سوم نماینده فرانسه را باخوشروئی پذیرفته وخودرا کاملا موافق بانقشهٔ ناپلئون نشان میدهد وبقدری امررا بامهارت انجام میدهد که پیشنهاد فرانسه بخط بندتی تهیه شده وتسلیم بیسمارك میشود . بعد ازدریافت تقاضای فرانسه بیسمارك که متوجه بود انگلستان بهیچوجه موافقت بااشغال بلژیك توسط فرانسویها نخواهد کرد مذاکرات باسفیر فرانسه را بعنوان اینکه موافقت پادشاه پروس را ممکن نیست باین زودی بدست آورد وباید صبروحوصله بخرج داد طول میدهد تادرموقع مقتضی بتواند احساسات انگلیسهارا برضد فرانسه تحریك کند.

درماه مارس ۱۸۶۷ باوجود اظهارات مودت آمیز بیسمارك پادشاه پروس بدون

---

(۱) Charles-Jean-Marie - Felix , marquis de la Valette (۱۸۰۶-۱۸۸۱) در ۱۸۴۶ بنمایندگی مجلس انتخاب شد- طرفدار لوئی ناپلئون - سفیر کبیر فرانسه درقسطنطنیه از ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۳ و ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۲ - سناتور در ۱۸۵۳ - وزیر داخله از ۱۸۶۵ تا ۱۸۶۷ - وزیر خارجه در ۱۸۶۸ - سفیر کبیر فرانسه درلندن در ۱۸۶۹

ابراز مخالفت با پیشنهاد فرانسه راجع ببلژیك دختر خود شاهزاده خانم ماری دوهوهنزولرن را به‌ازدواج کنت دوفلاندر ولیعهد[1] بلژیك در آورد. در ۲۰ مارس ۱۸۶۱ هم پیمان‌های اتحاد نظامی پروس با دول آلمان منتشر گردیده این قضیه باعث کدورت بین ناپلئون سوم و بیسمارك گردید و ناپلئون سوم کم کم بفکر افتاد با دولت اتریش وارد مذاکره شود تا بر علیه پروس بتواند اقدامی کند.

ناپلئون سوم برای بالا بردن مقام خود در نزد فرانسویها ناچار بود صورت ظاهر را حفظ کند و چون بهر اقدامی متوسل میشد در مقابل تدبیر بیسمارك تیرش بسنك میخورد از پیشنهادی که پادشاه هلند برای واگذاری لوکزامبورك نمود خواست استفاده کند باین جهت قضیه لوکزامبورك که در حقیقت امر کوچکی بود فوق العاده مهم جلوه گر شد گراندوشه لوکزامبورك ملك شخصی پادشاه هلند بود ولی از سال ۱۸۱۵ دولت پروس از طرف کنفدراسیون ژرمانیك پادگان نظامی در آنجا برقرار کرده بود پادشاه هلند که از این قضیه و همچنین ناحیه لیمبورك[2] در تشویش بود و میترسید دولت پروس همان عملی را که با دانمارك انجام داده بود با او هم بنماید مایل بود در مقابل تضمین در دست داشتن لیمبورك دوشه لوکزامبورك را بدولت معتبری واگذار کند ضمناً چون از دولت پروس هم میترسید و نمی‌خواست بهانه بدست او بدهد جلب رضایت پادشاه پروس را نیز لازم میشمرد ناپلئون سوم هم از موقع استفاده کرده و پادشاه هلند را بوسائل مختلف تشویق باین امر میکرد.

پادشاه هلند در ژانویه ۱۸۶۷ بدولت فرانسه پیشنهاد فروش این گراندوشه را نمود بشرط آنکه دولت پروس از حقوق خود در دوشه لیبمورك صرفنظر کند. دراینجا باید متذکر شد که چون اساس کنفدراسیون ژرمالیك از بین رفته بود ادامه اشغال دوشه‌های لوکزامبورك و لیمبورك دیگر صورت قانونی نداشت و معلوم نبود از طرف چه مقامی پادگان نظامی پروس در این دوشه‌ها مستقر میباشند.

---

(۱) Comt de Flandre

(۲) Limbourg

بیسمارك به‌نماینده‌فرانسه اظهارداشت‌معامله‌لوکزامبوك‌ارتباطی‌بادولت‌پروس ندارد واگرناپلئون سوم بفوریت این‌قضیه را انجام‌دهد دولت پروس اعتراض‌نخواهد کرد. امـا پادشاه هلند که ازعواقب واگذاری‌جزئی‌ازخاك‌آلمان راحت نبود اصرار داشت که دولت‌پروس رسماً موافقت خودرا بااین‌امراعلام‌دارد واگرچه پادشاه‌پروس نمیتوانست صریحاً این‌واگذاری‌را اجازه دهد باوجود این پاسخ مبهمی بدولت هند داد. دولت فرانسه که‌کار را تمام شده میپنداشت قبل از امضای قطعی پیمان تبلیغاتی دراطراف موفقیت دیپلوماسی‌خود نمود وهمین‌امروتحریکات بیسمارك باعث گردید که یك‌روز قبل‌ازامضای پیمان یکباردیگراحساسات آلمانها تحریك‌شوداز یکطرف بیسمارك طرف اعتراض واستیضاح لیدرهای آزادیخواهان در رایشتاك قرار گیرد واز طرف دیگربیسمارك‌صدراعظم‌پروس‌ازاین‌مقدمات‌نتیجه گرفته وشاهزادگان آلمانی را مجبوربه‌پیروی‌ازسیاست‌خودبنماید. پادشاه‌پروس‌نیزدعوت گردید که باواگذاری لوکزامبورك بفرانسه موافقت ننماید.

ناپلئون‌سوم که یکباردیگردرمقابل عموم خفیف شده بود اگرمیتوانست در همانموقع جنك باپروس‌را شروع میکرد ولی‌وضع مـالی‌ونظامی‌فرانسه بامپراطور فرانسه اجازه چنین‌عملی‌را نمیداد برای رهائی ازاین‌تحقیر ناچاروزیرخارجه جدید فرانسه موستیه[1] اعلام نمود که اگر دولت فرانسه حق‌تصرف لوکزامبورك‌را ندارد با ازبین رفتن کنفدراسیون ژرمانیك دولت پروس نیز چنین حقی را دارا نیست ودر خواست تخلیه‌فوری‌لوکزامبورك‌را ازارتش‌پروس‌نمود بیسمارك‌هم که موقع‌رامناسب برای جنك نمیدید درمقابل‌تمایل‌عموم دول‌اروپـابصلح‌باپیشنهادناپلئون‌سوم‌چندان مخالفت‌ننمود ودرنتیجه در ۷ مه۱۸۶۷بدعوت‌دولت‌انگلستان کنفرانسی‌درلندن‌برای حل‌قضیه لوکزامبورك مرکب ازنمایندگان‌دول‌اتریش ـ بلژیك ـ فرانسه ـ انگلستان

(۱) Lionel-Desle-Marie-fsançois-René, marquis de Moustier
(۱۸۱۷-۱۸۶۹) سیاستمدارفرانسوی ـ وکیل مجلس در ۱۸۶۹ ـ درزمان امپراطوری ناپلئون سوم عهده‌دار چندین‌سفارت در برلن ـ وین ـ قسطنطنیه ـ وزیرخارجه‌در ۱۸۶۶ ـ سناتور در ۱۸۶۸

ایتالیا ـ هلند ـ لوکزامبورك ـ پروس ـ روسیه که معاهده ۱۸۳۹ راامضاء کرده‌بودند تشکیل گردید. بموجب تصمیم این کنفرانس دولت پروس مجبور گردید پادگان نظامی خودرا از لوکزامبرك خارج کند ولی قرارشد استحکامات آن خراب شود ولوکزامبورك مانند سابق بملکیت پادشاه هلند باقی ماند وبیطرف شناخته‌شد. قضیه لوکزامبورك باعث شد که درمقابل تقاضاهای ناپلئون سوم اهالی آلمان بیشتر از سیاست بیسمارك پشتیبانی نموده وخودرا برای روز مقابله قطعی بافرانسه آماده نمایند بیسمارك هم از درخواستهای فرانسه حداکثر استفاده رانموده واتحاد بین دول مختلف آلمان را که با مخالفت شاهزادگان آلمانی مواجه میشد مستحکم‌تر نمود.

شکست‌های سیاسی پی‌درپی ناپلئون سوم اعتبار امپراطور فرانسه‌را چه درداخل فرانسه وچه درخارج آن‌ازبین‌برده‌بود. درسال ۱۸۶۷ درمقابل افشار احساسات عمومی ناپلئون سوم مجبور گردید آزادی بیشتری بفرانسویها داده حق استیضاح نمایندگان مجلس ومسئولیت وزیران‌را درمقابل آنهاقبول کند. درسال ۱۸۶۹ نیز مجبور گردید رژیم کامل آزادی‌را درفرانسه‌برقرارسازد. این آزادی که درموقع قدرت امپراطوری فرانسه ممکن‌بود حیثیت ناپلئون را بار ببرد دراین موقع باعث گردید که با شدت زیادتری امپراطوری فرانسه موردانتقاد مخالفین قرار گیرد ضمناً هم آزادی‌خواهان وهم محافظه‌کاران مخالف سیاست دولت فرانسه‌شوند ـ آزادی خواهان از این‌جهت که اقدامات امپراطور فرانسه‌را ازروی صمیمیت تلقی نکرده و هر روز در خواستهای زیادتری داشتند محافظه‌کاران وسلطنت‌طلبان ازاین جهت که آزادگذران عقاید را برای رژیم سلطنتی خطرناك میدانستند. برمشکلات زیادی که‌ازهرطرف ناپلئون سوم رااحاطه مینمود پافشاری پاپ برای در دست داشتن اختیارات خود مشکل دیگری اضافه‌میکرد زیراپاپ‌نهم روزبروزدرعقاید قدیمی‌خود راسخ‌ترشده وبرای‌سال ۱۸۷۰ مجمعی ازنمایندگان کلیساهای دنیا دعوت کرد که درآن‌مجمع قوه‌وقدرت پاپ را مافوق همه‌چیز قرارداده ودرنتیجه کاتولیکهارا نیز درفرانسه مخالف سیاست ناپلئون سوم‌قلمدادنمود. ضعف وبیماری ناپلئون سوم نیزسربار همه این اشکالات شده بود و

اطرافیان ناپلئون سوم مطمئن نبودند که اگر ناپلئون سوم فوت کند آیا رژیم امپراطوری باولیعهد شانزده ساله ناپلئون سوم برقرار خواهد ماند یا خیر .

این جریانات باعث گردید که امپراطور فرانسه واطرافیان او تنها راه چاره را برای بالابردن حیثیت امپراطوری فرانسه ایجاد جنگی برعلیه پروس تصور کنند ولی برای جنگ قوه و قدرت نظامی و متحدین کافی لازم بود که از سال ۱۸۶۸ تا سال ۱۸۷۰ ناپلئون سوم سعی میکند باسیاست پیچ در پیچ خود راه حلی برای آن پیدا کند .

دولت روسیه از بعد از جنگ سادوا سعی میکند تا آنجا که ممکن است اعتبار پیمان صلح پاریس را ازبین ببرد در ۲۰ اوت ۱۸۶۶ وزیر خارجه روسیه عدم رعایت این پیمان رااز طرف دولت عثمانی درباره اصلاحات داخلی وازطرف اهالی رومانی برای الحاق دوحکومت مولداوی ووالاشی گوشزد میکند ومنتظر موقع است تامحدودیتهائی را که برای روسیه پیش بینی شده بود ازبین ببرد . تبلیغای دولت روسیه برای اتحاداسلاو ها نیز برضد دولت اتریش وروات عثمانی شدت پیدامیکند . روسیه وعده مساعدت به دول اسلاو بالکان و یونان داده شورش جزیره کرت را ترغیب مینماید ازطرف دیگر در آسیا در نواحی ترکستان دولت روسیه روز بروز متصرفات خودرا توسعه میدهد این اقدامات باعث تشویش دولت اتریش ودرلت انگلستان میشود .

دولت انگلستان دراین موقع گرفتار مشکلات داخلی بود ومسئله کاناداوایرلند توجه این دولت رابیش ازهر چیز بخود جلب کرده بود وتاقضیه بمرحله عمل نمیرسید مایل نبود وارد اقدام مثبتی بشود .

دولت اتریش بعداز شکست سادوا گرفتار مشکلات داخلی بیشماری شده بود اقدامات مجارها واسلاوها آنی این دولت را راحت نمیگذاشت کنت دوبوست[1] که در

(۱) Frèdèric-Ferdinand ' comte de Beuste (۱۸۰۹-۱۷۸۶) سیاستمدار آلمانی. سفیر ساکس در برلن در ۱۸۴۸ ـ وزیر خارجه ساکس از ۱۸۴۹ ـ وزیر داخله و نخست وزیر ساکس در ۱۸۵۳ ـ سعی بسیاری برای متحد کردن دول درجه دوم آلمان جهت پایداری درمقابل پروس واتریش بعمل آورد ـ در ۱۸۶۴ نماینده دیت فرانکفورت در کنفرانس راجع بدوشه ها وزیر خارجه اتریش در ۱۸۶۶ ـ صدراعظم اتریش ومجارستان در ۱۸۶۷ ـ سفیر کبیر اتریش در لندن در ۱۸۷۱ ـ سفیر کبیر اتریش درپاریس ۱۸۷۸ .

این موقع وزیر خارجه اتریش بود برای تقویت امپراطوری اتریش طرفدار بوجود آوردن امپراطوری اتریش و مجارستان میشود که بااتحاد اتریشی‌ها و مجارها بتواند بر اسلاوها فایق شود . این مسئله البته اسلاوها را ناراضی میکرد ولی باجلب نظر مجارها امپراطوری اتریش موفق میشد از توقعات آنها جلوگیری کند . راجع بعثمانی نیز موجب اعلامیه دراول ژانویه ۱۸۶۷ بوست اعلام نمود که دول اروپا موظفند دولت عثمانی را مجبور کنند اصلاحات لازم را در امور داخلی خود بعمل آورد وشکی نبود که این اعلامیه بیشتر برای جلوگیری ازاقدامات روسیه است تااین دولت نتواند بتنهائی دخالت زیادی درامورعثمانی بکند . در۷فوریه ۱۸۶۷بوست صدراعظم اتریش گردید وبعدازانتصاب او فوراً سازش بین اتریش و مجارستان بامضاء رسید که دول متحده با اتحاد شخص فرانسواژوزف درامپراطوری اتریش مرکب ازدول اتریش ومجارستان بوجود آورد . درسیاست خارجی نیزعلاوه بردردست داشتن مساعدت انگلستان نسبت بروسیه بوست سعی میکند نظر ناپلئون سوم را متوجه اتریش کند .

ناپلئون سوم که دراین موقع دراثر اقدامات بیسمارك دچارشکست‌های پی‌درپی سیاسی گشته بود نیز مایل بود درمقابل پروس متحدینی برای خود فراهم کند . در۱۹ اوت۱۸۶۷ امپراطور وملکهٔ فرانسه بعنوان تسلیت مرك ماگزیمیلین که در مکزیك تیرباران شده بود مسافرتی به سالزبورك(۱) برای دیدن فرانسواژوزف کردند درسالزبورك چون طرفین بیکدیگر اعتمادی نداشتند پیمان اتحادی بین اتریش وفرانسه بسته نشد زیرافرانسویها مایل بودند در آلمان اقدام کنند درصورتیکه اتریشیها بیشتر میل داشتند اقدامات برضدروسیه صورت گیرد وچون هر کدام از آنها خیال کردند طرف مقابل خیال استفاده ازاوراداشته وبعدازانجام مقاصد خودرازیر بار تعهدات دیگر شانه خالی خواهد کرد بوعده‌های شفاهی اکتفا کردند .

---

(۱) Salzbourg

درسال ۱۸۶۸ درمقابل فشارروسها بردولت عثمانی روابط بین اتریش وفرانسه نزدیکتر گردید مخصوصاً که اقدامات اسلاوها خیال اتریش را بیشتراز پیش ناراحت میکرد ناپلئون سوم نیزدرمقابل خطرپروس اصرار داشت که بمعیت اتریش یادداشتی بدولت پروس تسلیم شود وازتجاوزاتی که بیسمارك نسبت مفاد پیمان پراك بعمل آورده بود اعتراض شود ولی دولت اتریش میترسید این امر باعث گردد که دول آلمان در نتیجه این اعتراض بیشتربیکدیگر نزدیکتر شوند ومایل بود اقدام مشترك فرانسه و انگلستان ازتحریکات روسیه جلوگیری کندچه باصدارت دیسرائیلی درانگلستان این دولت نیزموافق اقدام جدی برای جلوگیری ازعملیات روسیه بود . درنتیجه در۲ دسامبر ۱۸۶۸ دولت عثمانی اولتیماتوی بدولت یونان فرستاده بارسال مهمات ونفرات به جزیره کرت سخت اعتراض نمود . وچون دولت پروس مایل نبود قبل از تصفیهٔ حساب خود با دولت فرانسه روسیه از کمك او بی نیاز شود دولت روسیه مجبور گردید قضیه کرت به کنفرانسی که درپاریس در۹ ژانویه ۱۸۶۹ تشکیل شد احاله شود ودر۱۸ فوریه ۱۸۶۹ کنفرانس یونان را از کمك بشورشیان کرت منع نمود .

درسال ۱۸۶۹ صدراعظم اتریش بخیال افتاد طرح اتحادی بین سه دولت اتریش وایتالیا وفرانسه تهیه کند درمسافرتی که بوست به فلورانس نمود نظر ویکتورامانوئل دوم را نسبت باین موضوع جلب کرد ولی قضیه رم باعث شد که ناپلئون سوم با وجود احتیاج زیادی که بمتحدین تازه داشت تصمیمی درباره این امر اتخاذ نکند . ایتالیائیها برای شرکت دراین اتحادخواهان تصرف رم بودند ولی در اثر نفوذملکه وکاتولیکها باوجودتمام اشکالات وموانعی که پاپ برای سیاست ناپلئون سوم ایجادمیکرد امپراطور فرانسه حاضر بقبول تصرف رم توسط ایتالیائیها نگردید وقضیه رم که دولت فرانسه مجبور شده بود آنرا درمقابل حمله گاریبالدی در۱۸۶۷ بوسیله نیروی نظامی حفظ کند از طرفی باعث تنفرایتالیائیها ازفرانسه گردید وازطرف دیگر باعث عدم انعقاد پیمان اتحاد بین سه دولت اتریش وفرانسه وایتالیا شد . علاوه بر آن درنتیجه این مذاکرات ناپلئون سوم تصورنمود در صورتیکه جنگی بین پروس وفرانسه رخ دهد دول اتریش و ایتالیا

از کمك باو دریغ نخواهند کرد اطرافیان ناپلئون سوم نیز خیال میکردند درصورت بروزجنگ بطوریقین فرانسه فاتح خواهد شد وبدست آوردن اتحاد اتریش وایتالیا که ممکن بود قبل از جنگ برای فرانسه گران تمام شود بمحض شروع جنگ بآسانی و ارزانی برای فرانسه میسر خواهد گشت باین جهت تا زمان شروع جنگ فرانسه و پروس وحتی درموقع شروع بجنك دولت فرانسه اقدام جدی برای عقد ـ پیمان اتحاد بعمل نیاورد .

فصل هشتم

جنك فرانسه و آلمان در سال ۱۸۷۰

برقراری رژیم آزادی درفرانسه - از بین رفتن حیثیت ناپلئون سوم - علل لزوم جنك - پیشنهاد سلطنت اسپانیا - اعتراض فرانسه - ملاقات امس - تلگراف امس - تحریك احساسات عمومی - اعلان جنك - از بین رفتن امیدهای فرانسه عدم موافقت باواگذاری رم - انتشار طرح تصرف بلژیك - شکست فرانسه - اتحادیه بیطرفی - حکومت دفاع ملی - مسافرت سیاسی تیر - اقدامات ژول فاور - تسلیم بازن اعلامیه روسیه و نقض بیطرفی دریای سیاه - کنفرانس لندن وعدم حضور نماینده فرانسه - ترك مخاصمه - کمون - پیمان صلح فرانکفورت - تشکیل امپراطوری آلمان

....

درمقابل تعرضات بیشماری که ازهرطرف بسیاست ناپلئون سوم وارد میشددر درسال ۱۸۶۹ امپراطورفرانسه رژیم آزادی کامل را برقرار کرددستجات مخالف نیزازاین فرصت استفاده کرده بیش ازپیش برحملات خودافزودند. حکومت جدید فرانسه که نخست وزیر آن امیل اولیویه(۱) بود برای تقویت دولت به آراءعمومی مراجعه نمود(۲) و نتیجه مثبت این مراجعه که بنفع دولت فرانسه بود در ظاهر امر رونقی بسلطنت ناپلئون سوم دادولی درباطن امرمخالفین دست ازمخالفت خود نکشیده و اطرافیان امپراطور هرروزلزوم جنگی رابرعلیه پروس برای پیدا کردن حیثیت ازدست رفته

---

(۱) Emile, Olivier (۱۸۲۵-۱۹۱۳) سیاستمدار فرانسوی ووکیل دادگستری از ۱۸۵۷ بنمایندگی مجلس انتخاب شد - در ۱۸۷۰ نخست وزیر فرانسه گردید - در ۱۸۷۰ بعضویت فرهنگستان فرانسه انتخاب شدتألیفات سیاسی زیادی انتشارداده است.

(۲) Plébisciste

لازم میشمردند ٠ باینجهت ناپلئون سوم باوجود ضعف وبیماری وپیری بفکر مقابله با پروس افتادفقط لازم‌بود بهانه مناسبی بدست حکومت فرانسه افتد .

بیسمارك که بعد ازجنك سادو آتمام همخودراصرف تقویت‌ارتش‌پروس‌واتحاد دول‌آلمان تحت ریاست پروس نموده بود نیزدرسال ۱۸۷۰ جنك بـا فرانسه رابرای تثبیت اقدامات خودلازم میشمرد زیرا دول آلمان که درتحت فشاراحساسات عمومی حاضربه قبول‌اختیارات وامتیازات پادشاه پروس‌درآلمان شده‌بودندبفکرافتادند خود را ازاین تحمیل‌خلاص کنند. مذاکراتی هم که‌بین دول‌اتریش وفرانسه وایتالیاراجع به‌انعقادپیمان سه‌جانبه‌درجریان بودبیسمارك‌رابتشویش انداخت‌چه درصورت بوجود آمدن‌این اتحاد بیسمارك دیگرنمیتوانست امید شکست دادن فرانسه را داشته باشد باینجهت دولت‌پروس‌نیزحاضربرای مقابله میشود ولی مسئله‌مهم این بود که‌جنك‌از طرف‌فرانسه اعلان شودتا دول آلمان در مقابل خطردشمن قدیمی مجبور به کمك به پروس شوند . بااطلاعی که‌صدراعظم آلمان ازوضع‌فرانسه وتحریکات‌درباریان‌داشت منتظرموقع میشود تا بـوسیله تحریك احساسات فـرانسویان جنك برعلیه پـروس تجویز گردد .

در۱۸۶۸ درنتیجه انقلاباتی که‌دراسپانیا رخ دادملکه‌اسپانیا ایزابل‌دوم‌مجبور بفرار شد . احزاب اسپانیا بریاست ژنرال پریم(۱) برای تعیین پادشاه جدیدی بتلاش افتادند وچون پسر پادشاه پرتقال حاضربقبول سلطنت اسپانیانگردید نظراسپانیولیها دراول سال۱۸۶۹ بیکی از شاهزادگان خانواده هوهنزولرن لئوپولد برادر پـادشاه رومانی متوجه گردید .

بمحض شهرت‌یافتن این‌خبرسفیر فرانسه دربرلن بندتی بکابینه پروس‌تذکر داد که دولت‌فرانسه ممکن‌است باین‌انتخاب اعتراض کند . انتشاراین خبردر فرانسه

Juan, prim y prats, comte de Reus, Marquis de Los Castillejos (۱)
(۱۸۷۰-۱۸۱٤) سرداروسیاستمدار اسپانیولی-خدمات نظامی زیادی در مراکش انجام داد-از۱۸٤۱ بنمایندگی مجلس انتخاب‌شد- فرمانده قوای اعزامی اسپانیا بمکزیك- در ۱۸۶۲ باسپانیا مراجعت وواردسیاست شد-در۱۸۶۸ وزیر جنك حکومت موقتی اسپانیا گردید در۲۷ دسامبر۱۸۷۰ بقتل‌رسید .

نیزباعث اعتراض شدیدروزنامه‌های فرانسه شد . بیسمارك گرچه اظهار نمود که این مسئله مربوط بسیاست دولت پروس نبوده و امر خانوادگی است آنرا وسیله خوبی برای تهیج فرانسویان‌درموقع لازم تشخیص داد ولی چون درسال ۱۸۶۹مایل بجنك نبود پیشنهاداسپانیا رابدون اینکه رد کند تقویت ننمود . در۱۷ فوریه۱۸۷۰نمایندهٔ ازطرف ژنرال پریم‌جهت پیشنهاد سلطنت‌اسپانیا به‌شاهزاده لئوپولد ببرلن آمد.چون پادشاه‌پروس‌درقبول‌این‌پیشنهادتردید میکرد وجواب صریحی بنماینده‌اسپانیانمیداد بیسمارك‌شاهزاده لئوپولد را ترغیب بقبول آن نمود در۲۵ مه۱۸۷۰ شاهزاده لئوپولد نیزبدون اینکه ذکری ازاقدامات بیسمارك‌بمیان آید پیشنهادسلطنت اسپانیاراقبول کرد . ژنرال‌پریم هم‌برای حفظ‌روابط حسنه بادولت فرانسه در۲ژوئیه‌قضایارابااطلاع این دولت رسانید .

بمحض دریافت‌خبرقبول‌سلطنت اسپانیاازطرف شاهزاده لئوپولد جنب‌وجوش غریبی درفرانسه راه‌افتاد . دولت فرانسه‌مواجه بااستیضاح نمایندگان‌مجلس گردید دولت فرانسه هم بدون اینکه متوجه عواقب کارباشد درعوض اینکه دولت اسپانیا را ازاقدام خودمنصرف کند تمام سعی خود را متوجه برلن نمود . وزیرخارجه فرانسه دوك دوگرامون(۱) به‌بندتی مأموریت داد ازپادشاه پروس در خواست تکذیب ایـن خبررا نموده وپادشاه پروس رسماً متعهد شود دیگربافراد خانواده خود اجازه قبول سلطنت اسپانیا را ندهد و بعد ازمذاکراتی که بین وزرای فرانسه در حضور ناپلئون سوم درشب ٦ ژویه صورت گرفت دولت فـرانسه درمجلس اعلام نمود که درمقابـل هر دولت خارجی کـه بخواهد موازنه قوارا در اروپـا بهم بزند وظیفه خود را انجام خواهد داد .

---

(۱) Antoine-Alfred-Agenor, princ de Bidache, duc de Guiche et de Gramont (۱۸۸۰-۱۸۱۹) سیاستمدارفرانسوی - از بدوامپراطوری ناپلئون سوم وارد سیاست‌شد - بعد ازچند سفارت کوچك سفیرکبیرفرانسه در ایتالیا در۱۸۵۷ - سفیرفرانسه دراتریش در۱۸٦۱ - وزیرخارجه فرانسه در۱۸۷۰ .

پادشاه پروس که از اقدام خود راجع به‌این انتشارات پشیمان شده بود در ۱۰ ژوئیه بعد از پذیرفتن بندتی در شهرامس[۱] به‌شاهزاده انتوان پدرشاهزاده لئوپولد پیغام داد که مایل ببروز جنگ نیست پادشاه رومانی نیز که ازثبات‌تاج وتخت‌خودش مطمئن نبودبنویه‌خود بشاهزاده انتوان‌نصیحت کرد شاهزاده‌لئوپولدراازقبول‌سلطنت اسپانیا منصرف کند. ژنرال پریم نیزپیغام داد حاضر است ازپیشنهاد خود صرفنظر نماید. دوروزبعد در۱۲ ژوئیه شاهزاده انتوان از طرف پسرش ازتخت وتاج اسپانیا دست کشید. درنتیجه انتشاراین خبربیسمارك که مشغول تهیه مقدمات جنك بود و خیال داشت رایشتاك‌رابرای تجهیز ارتش‌دعوت کند مأیوس شده وبخیال استعفاافتاد درصورتیکه درپاریس امیل اولیویه ازخوشحالی درپوست نمیگنجید.

قضیه اسپانیابااین‌ترتیب‌خاتمه پیدا کرده بودولی‌حکومت فرانسه که‌میخواست پادشاه پروس راتحقیر کرده باشد درساعت ۷روز۱۲ ژوئیه به‌بندتی مأموریت میدهد باپادشاه پروس ملاقاتی بعمل‌آورده وویلهلم اول‌رامجبور کند رسماً تعهدنمایددیگر به‌افراد خانواده‌خودا‌جازه‌قبول‌سلطنت اسپانیاراندهد واگرممکن شود نامه معذرتی نیزبدولت فرانسه‌بنویسد بندتی ناچار راه امس را پیش گرفته در۱۳ ژوئیه۱۸۷۰ در امس ازپادشاه پروس‌ملاقات کرد. پادشاه‌پروس باکمال ادب سفیرفرانسه را پذیرفته وحتی درنتیجه‌اصرارنماینده فرانسه‌ردسلطنت اسپانیارا ازطرف‌شاهزاده‌لئوپوندرسماً تأئید کرد. در اثر اصرار حکومت فرانسه بندتی در بعد از ظهرآن روز دو مرتبه خواست ملاقاتی ازوِیلهلم اول بعمل آورد پادشاه پروس باوجود آنکه بوسیله سفیر پروس درپاریس ازتقاضاهای تعجب آمیز کابینه فرانسه باخبرشده بود بدون اینکه اهانتی بنماینده فرانسه بنمایدردسلطنت اسپانیارا ازطرف شاهزاده لئوپولد دومرتبه تأئید نمود واظهار داشت بنظراو ملاقات دیگری لازم نمیباشد.

Ems (۱)

تلگراف امس-تحریك احساسات عمومی

بیسمارك که دربرلن متوجه قضایا بوددرموقع صرف غذابارون ومولتکه تلگرافی ازامس دریافت نمود که متضمن خبرمذاکرات پادشاه پروس بابندتی بودودرپایان تلگراف اشاره شده بود که پادشاه بیسمارك را آزاد میگذارد که در صورت اقتضا پیشنهادات جدید فرانسه وتردید ویلهلم اول را باطلاع عموم برساند بیسمارك بعداز اندیشه مختصری پایان تلگراف رابصورت زیردرآورد : «اعلیحضرت سفیرفرانسه را نپذیرفته وباو پیغام‌داد دیگرمطلبی برای‌اطلاع اوندارد» رون‌ومولتکه بعدازمطالعه متن‌تلگراف تباین‌معانی آنها رابه‌بیسمارك خاطرنشان کردند . بیسمارك‌جواب‌داداین امرمانند پارچه قرمزی درمقابل چشم گاوکول[1] تأثیرخواهد داشت وباعث میشود که بدون توجه باطراف وجوانب کار فرانسه خودرا بروی ماااندازد زیرا بطوری که در بالا گفته شد بیسمارك مایل بود اقدام بشروع‌جنك ازطرف فرانسه صورت گیردنه ازطرف پروس .

ساعت ۹ شب ۱۳ ژوئیه روزنامه های آلمان شمالی تلگرافی را که بیسمارك انشاء کرده بود منتشرواضافه نمودند که چون سفیرفرانسه درخواست زننده ازپادشاه پروس‌نموده بود پادشاه هم بهمین ترتیب رفتارنموده ونماینده فرانسه رانپذیرفته است این خبر انعکاس غریبی در تمام آلمان پیدا نمود ودر ساعت ۱۰شب عده زیادی در قصرسلطنتی برلن جمع شده فریاد میکردند بطرف رن حمله ورشوند روزنامه‌های آلمان هم فردای آنروزمردم رادعوت به‌برداشتن‌اسلحه وحفظ شرافت ملی‌مینمودند

در پاریس انتشار این خبرجعلی در روز۱٤ ژوئیه احساسات عمومی را چنان تحریك کرد که مردم پنجره های سفارت پروس راشکسته ودرخیابانها بحال‌اجتماع فریادمیکشیدند «ببرلن–ببرلن» دولت فرانسه هم درتحت تأثیرافکار عمومی بدون

---

(۱) اشاره بدعوای گاوهای جنگی که دراسپانیا معمول است ـ سرزمین‌فرانسه هم‌درقدیم Gaule نامیده میشد

اینکه تعمقی دراخبار روزنامه‌ها بنماید بتصوراینکه درموقع بروزجنك دول ایتالیا واتریش ودول جنوبی آلمان بااوهمراه خواهند بود درنتیجه اظهارات‌اطمینان‌آمیز وزیر جنك فرانسه مارشال لوبوف[1] خطای دیگری مرتکب شد و در عوض اینکه خوداو موردحمله قرار گیرد طبق‌دلخواه‌بیسمارك در۱۵ماه‌اوت ۱۸۷۰ اعلان‌جنگ بپروس‌را بمجلس‌پیشنهادنمودتا بتواند باسرعت‌عمل‌خود دولت پروس‌راغافلگیر کند مجلس فرانسه هم‌بدون آنکه دراصل موضوع وارد شود وبدون شنیدن التماس‌ها و تضرع تیر که دولت‌فرانسه‌رااز‌بروزجنك برحذرمینمودحتی حاضر نشدازخودبندتی که وارد پاریس شده بود اصل قضیه راتحقیق کند وبه‌اتکاء اطمینانهای بدون تأئید دولت‌دو گرامون وزیرخارجه‌مبنی‌برهمراهی‌ایتالیا واتریش‌واظهارات مارشال‌لوبوف دائربه حاضربودن ارتش فرانسه اعلان جنك باپروس راتصویب کرد جریان امرطبق پیش بینی بیسمارك صورت عمل بخود گرفته و چون دولت پروس مورد حمله واقع میشد تمام دول آلمان بهمراهی او شتافته ودر۱۹ ژوئیه رایشتاك وسائل جنك را در اختیاربیسمارك گذاشت .

درموقع حمله بپروس دولت فرانسه انتظار داشت ارتشی بتعداد ۴۰۰۰۰۰نفر تهیه کندولی‌یازده روزبعد از اعلان جنك ارتش فرانسه از۲۰۰۰۰۰ نفر که آنها هم سازوبرك‌مرتبی‌نداشتند تجاوزننمودددرصورتیکه پروسیها کاملاً مجهزومنتظربودند ازلحاظ‌سیاسی نیزسیاست ناپلئون‌سوم باعث شده بود که تاموقع‌شروع‌عملیات جنگی دولت‌فرانسه‌متحدی‌نداشته‌باشندتدبیر بیسمارك‌نیز سبب‌شد که‌درزمان‌جنك هیچکدام از دول‌اروپا بدولت‌فرانسه کمکی نکنند. دربدوشروع‌جنك دولت‌فرانسه امیدواربود اتریش‌وایتالیاباو کمك کنند کنت دوبوست‌هم که‌ازبیسمارك خاطرات خوشی‌نداشت مایل باین قضیه‌بود ولی‌درتحت تأثیر وزرای مجارستانی مجبور گردید در۲۰ ژوئیه بیطرفی خودرا اعلام‌دارد . ویکتور امانوئل نیزدر ۲۴ ژوئیه بیطرفی ایتالیا را اعلام

---

(1) Edmond . Leboeuf (۱۸۰۹-۱۸۸۸) مارشال فرانسوی - وزیرجنك فرانسه در۱۸۶۹ .

کرد ولی بمعیت اتریش اقداماتی بعمل آورد تاباتخلیه رم ازطرف فرانسویها واشغال آن توسط ایتالیائیها پیمان اتحادی بین اتریش وفرانسه وایتالیا بسته شود وباین امید دولتین اتریش وایتالیا مشغول صدوردستوراتی شدند تادرظرف شش هفته ارتش خود رابسیج نمایند .

ناپلئون سوم که دراینموقع احتیاج زیادی بکمك داشت بین امیال ملکه وپرنس ناپلئون قرار گرفت . وزیرخارجه فرانسه دوك دو گرامون هم که ازموضوع اطلاع پیدانمود ازتقاضای اشغال رم توسط ایتالیائیها برآشفت وبنماینده فرانسه دروین دستور داد حاضربعقد چنین پیمان نشود . سفیرفرانسه دروین پرنس دولاتور دوورنی(۱) نیز که کاتولیك متعصبی بودوانعقاد پیمان رابدفع الوقت میگذرانید امر گرامون را اطاعت کرد . یك مأمورایتالیائی برای تذکردادن عواقب وخیم سیاست ناپلئون سوم امپراطور فرانسه را در شهرمتز(۲) ملاقات نمود وباوجود اصرار زیاد اوباز ناپلئون حاضربواگذری رم نگردید .

در۲۵ ژوئیه برای حفظ عدم مداخله انگلستان بیسمارك طرح پیشنهادی را که بندتی بخط خود درباره تصرف بلژیك تهیه کرده بود درروزنامه تایمز(۳) لندن منتشر کرد . این خبر باعث وحشت انگلیسها گردید چون ترسیدند اگرفرانسه فاتح شود استقلال بلژیك بخطرافتد. دولت انگلستان هم که دراین موقع بصدارت گلادستون تمام هم خودرا صرف اموره‌داخلی مینمود سعی کرد دامنه اختلافات از بین فرانسه و پروس تجاوزنکند باینجهت ازطرفین تقاضا نمود بیطرفی بلژیك راحفظ کنند .

امید دیگر ناپلئون سوم دولت دانمارك بود که برای بدست آوردن دوشه های ازدست رفته ممکن بود اقدامی برضد پروس بنماید ولی فشاردولت انگلیس وروسیه مانع ازآن شد که این دولت کمکی بفرانسه بکند . دولت روسیه هم که بادولت پروس

(۱) Henri-Godefroi-Bernard Alphonse, prince de la Tour d'Auvergne Lauragais (۱۸۷۱-۱۸۲۳) سیاستمدار فرانسوی ـ سفیر کبیر فرانسه درپروس ـ ایتالیا ـ لندن ـ اتریش درزمان ناپلئون سوم ـ وزیرخارجه فرانسه دراواخر امپراطوری ناپلئون سوم .

(۲) Metz (۳) Times

همآهنك بود اقدامی بنفع فرانسه ننمود بلکه با تهدید اتریش بیشتر باعث پیشرفت سیاست پروس میگردید.

بعد از شکست های اولیه که در ٦ اوت نصیب فرانسویها گشت آلزاس ولورن مورد خطرواقع شده وارتش پروس بطرف فرانسه راه باز کرد. در اینموقع اگر فرانسویها حاضر بوا گذاری آلزاس ولورن میشدند با وجود اصرار سرداران پروس بیسمارك بجنك خاتمه میداد ولی ملت فرانسه بیاد افتخارات سابق خود افتاده در۹اوت کابینه امیل اولیویه را سرنگون نمود وحفظ وتمامیت ارضی خودراخواستار شد. کنت پالیکائو(۱) نخست وزیرفرانسه وپرنس دولاتوردوورنی که سفیرفرانسه در اتریش بود وزیر خارجه شده وسعی نمودند نظراروپا را بخود جلب کنند. اقدامات بیسمارك بطوریکه ذکرشد مانع جلب نظر دول اروپا نسبت بفرانسه شد و ویکتور امانوئل که شکستفرانسه رامشاهدهنمودازپیشنهادهایخودبفرانسه منصرف گردیده به دولت انگلستان پیشنهاد نمود یادداشتی صادر شود تا دول اروپا بیطرفی خود را اعلام کنند. کابینه گلادستون نیزبا کمال میلپیشنهاد ایتالیا راپذیرفته وقرارشددول اروپا تعهد کنند تاخاتمهبحران دخالتیدرآننکنند دولاروپا نیزیکیبعدازدیگری این بیطرفیرااعلام کردند دولت ایتالیاهم باخیال راحت بعدازخروج ارتشفرانسهدر ۱۲ اوت ازخاك رمخود راآماده تصرف اینشهرنمود.

دراثرخبطهای نظامی که ارتش فرانسه مرتکب گردید در۲ سپتامبر۱۸۷۰در سدان(۲) امپراطور فرانسه با ۸۰۰۰۰ سرباز تسلیم آلمانها گردید و چون بیسمارك پیشنهادخاتمهجنگ رابناپلئون سوم کرد امپراطورفرانسه اظهارداشت که چونآزاد نیست نمیتواند تعهدی ازطرف فرانسه بکند. در٤ سپتامبرامپراطوری فرانسه ملغی

---

(۱) Charles Guillaume - Marie-Apollinaire-Antoine, Cousin Montauban, comte de Palikao (۱۸۷۸ - ۱۷۹٦) سردارفرانسوی که در جنگهای باچین شهرپکن رافتح کرد- در ۱۸۷۰- برای مدت۲٤روزنخست وزیرفرانسهشد.

(۲) - Sedan

شد وملکه فرانسه که در غیاب ناپلئون سوم عهده‌دار نیابت سلطنت بود مجبور بفرار بانگلستان گردید.درشهرهای پاریس ولیون رژیم جمهوری اعلام وحکومت دفاع ملی در همانروز تشکیل گردید .

حکومت دفاع ملی بریاست ژنرال تروشو (۱) و وزارت خارجه ژول فاور (۲) امورحکومت را دردست گرفت ولی اعضای آن که همواره درجزء مخالفین بودند تجربه زیادی درسیاست نداشته و آشنا برموز کار نبودند مبرزترین افراد آن گامبتا (۳) بود که هنوزمراحل جوانی رامیپیمود حکومت دفاع ملی در ۶ سپتامبر اعلامیه منتشر نمود که بموجب آن اظهارمیداشت فرانسه یك وجب اززمینهای خود یا یك سنگ ازقلاع خود را واگذار نخواهد کرد و باین ترتیب از بدو شروع بکار باب مذاکرات را برای استقرار صلح مسدود کرد وبیسمارك برخلاف نقشه خودمجبور بادامه جنگ گردید.

حکومت دفاع ملی در عوض اینکه بولایات رفته و نگذارد بواسطه استقرار

---

(۱) Louis - Jules Trochu (۱۸۹۶-۱۸۱۵) سردارفرانسوی-درالجزیره خدمت کرد- درجنك کریمه مجروح شد - درنتیجه انتشار کتابی مبنی برتنقیدازارتش فرانسه درسال ۱۸۶۷ مورد بغض ناپلئون سوم واقع شد - در ۱۸۷۰ حاکم نظامی پاریس ورئیس حکومت دفاع ملی گردید - در ۱۸۷۱ نماینده مجلس شد وازسال ۱۸۷۳ بتقاضای خود متقاعد گردید .

(۲) Gabriel -Claude-Jules Favre (۱۸۸۰-۱۸۰۹) وکیل دادگستری وسیاستمدارفرانسوی - ازجمهوری خواهان فرانسه - در ۱۸۴۸ بنمایندگی انتخاب شد وسعی بسیاری برضد کودتای ناپلئون سوم کرد - در ۱۸۵۸ مدافع اورسینی بود - در ۱۸۶۳ نماینده مجلس فرانسه گردید - مخالف سیاست امپراطورفرانسه بود در ۱۸۷۰ نایب رئیس حکومت دفاع ملی و وزیرخارجه شد - از ۱۸۷۶ بنمایندگی درمجلس انتخاب شد عضو فرهنگستان فرانسه .

(۳) Léon Gambetta (۱۸۸۲-۱۸۳۸) وکیل دادگستری وسیاستمدارفرانسوی- در ۱۸۶۹ وکیل مجلس وجزء مخالفین سخت امپراطوری فرانسه گردید - بعد ازشکست فرانسه عضوحکومت دفاع ملی گردید - با بالون ازپاریس که محاصره بود خارج شد - در شهرتورروزارت داخله و وزارت جنگ حکومت دفاع ملی را دردست گرفت - با اختیارات دیکتاتوری دفاع برضدآلمان راتشجیع ومرکزحکومت فرانسه را به شهر بردو منتقل نمود بعد از استقرار جمهوری درفرانسه وکیل مجلس شد و ریاست جمهوری خواهان را در دست گرفت - در ۱۸۷۹ رئیس مجلس فرانسه شد - در ۱۸۸۱ نخست وزیرفرانسه گردید .

حکومت درپاریس روابطش بانواحی دیگر فرانسه قطع شود درپاریس شروع بتجهیز نموده ارتشی تشکیل داد وباانتخاب ژنرال تروشو بحکومت نظامی پاریس این شهر را مستحکم کرد علاوه بر آن چون اعضای آن هیچگونه امیدی بفتح فرانسه نداشتند تمام سعی آنها این بود که این کشور را ازانقلاب مصون داشته و بتوانند شرایط صلح را سبك کنند تا بلکه باپرداخت غرامات ازادعای آلمانها جلوگیری نمایند.

حکومت دفاع ملی در ۶ سپتامبر ازلرد لایونس[۱] سفیرانگلستان خواهش کرد ملکه ویکتوریا واسطه صلح گردد ولی دولت انگلستان خواهش فرانسه را ردنمود دولت اتریش نیزبدولت فرانسه نصیحت کرد مقاومت پاریس را زیادتر نمایند. دولت ایتالیا هم که جزاشغال رم خیال دیگری درسر نداشت تقاضای تصرف این شهر رانموده ودر ۲۰ سپتامبر آنرا اشغال کرد. ژول فاور برای جلب نظر دول اروپا ازتیر درخواست کرد مسافرتی بدربارهای اروپا کند. تیر باوجود سن زیاد خواهش حکومت دفاع ملی را پذیرفت ودرظرف ۴۰ روز دربارهای لندن. وین ـ سن پطرزبورگ وفلورانس را دیدن کرد ولی چون خودش اعتمادی برؤسای حکومت دفاع ملی نداشت نتیجه مثبتی از سفر سیاسی خود بدست نیاورد فقط گاریبالدی با یك عده داوطلب بکمك ارتش فرانسه آمد.

بطور خلاصه کسی باظهارات فرانسه توجه ننمود و ژول فاور مجبور گردید در ۱۹ و ۲۰ سپتامبر ملاقاتی ازبیسمارك بعمل آورد. بیسمارك برای تنظیم شرایط صلح درخواست ترك مخاصمه نمود تابموجب آن پاریس مجهز نگردیده استراسبورك خلع سلاح شده و واگذاری آلزاس وقسمتی از لورن یکی ازشرایط صلح باشد وچون ژول فاور حاضر بواگذاری اراضی نگردید مذاکرات بەنتیجه نرسید بیسمارك که مایل بود هرچه زودتر بجنگ خاتمه دهد دراین موقع شخص مشکوکی راموسوم به رینه[۲]

(۱) Richand - Rickerton-Pomell, lord Lyons (۱۸۱۷-۱۸۷۷) سیاستمدار انگلیسی- ازسال ۱۸۳۹ وارد سیاست شد ـ سفیر انگلستان درامریکا در ۱۸۵۸ وبعداً درقسطنطنیه ـ ازسال ۱۸۶۷ سفیر کبیر انگلستان درفرانسه.

(۲) Victor -Edmond-Vitol' Régnier (۱۸۲۲- ۱۸۸۶) ماجراجوی فرانسوی اقدامات ماجراجویانه ومخفیانه درجنگ ۱۸۷۰ نمود- ۱۸۷۴ ازطرف محکمه نظامی پاریس بجرم جاسوسی غیاباً محکوم باعدام گردید ـ پایان عمر خودرادرانگلستان بسر برد.

که خود رانماینده ملکه فرانسه قلمداد مینمود نزدخود پذیرفت ومشغول مذاکره صلح با او بنام ملکه فرانسه گردید بیسمارك ازاین شخص استفاده نموده و توسط او باژنرال بازن [1] که درمتز فرماندهی ارتش فرانسه رادردست داشت وارد مذاکره شد. بازن که درسرخیال دیکتاتوری فرانسه رامیپروراند دردام بیسمارك افتاده ودرعوض اینکه ارتش خود را از خطر محاصره برهاند آنقدر مذاکرات را ادامه داد تا درمتز محاصره گردیده ودر ۲۷ اکتبر مجبور بتسلیم گردید. درنتیجه اقدامات کامبتا هم که در ۱۸ اکتبر بوسیله بالن پاریس راترك گفته وعازم ولایات شده بود تاحس مقاومت و استقامت آنها راتهییج نماید نیزبجائی نرسید.

دولت روسیه که ازدیرزمانی مترصد بود تابتواند اثرات پیمان پاریس ۱۸۵٦ را ازبین ببرد دراین موقع که جنگ پروس وفرانسه تمام دول اروپا رامتوجه ساخته بود از موقع استفاده کرد در ۲۹ اکتبر ۱۸۷۰ گورچاکوف [2] وزیر خارجه روسیه اعلام نمود که تزارروسیه دیگرخود رامقید به تعهدات پیمان پاریس که حقوق اورادر دریای سیاه محدود میکند نمیداند واضافه نمود که مقررات پیمانها درهر زمان یك نوع تعهد راایجاب نمیکند، بوسیله این اعلامیه دولت روسیه دوماده ازپیمان پاریس را که مربوط به بیطرفی دریای سیاه بود یکطرفه ملغی مینمود. اولین دولتی که برعلیه اقدام روسیه

---

(۱) Achille' Bazaine (۱۸۱۱–۱۸۸۸) مارشال فرانسوی ـ خدمات زیادی درالجزیره وجنگ کریمه وجنك بااتریش انجام داد ـ در ۱۸٦۲ بمکزیك رفت ـ در ۱۸٦۳ ریاست ارتش اعزامی فرانسه راعهده دارودر ۱۸٦٤ مارشال شد ـ سردارخوب ولی جاه طلب وبدون عقیده ثابت بود ـ چون باشورشیان مکزیك تبانی میکرد احضارومورد عدم توجه ناپلئون سوم واقع گشت ـ درجنك فرانسه وآلمان فرمانده نیروی لورن گردید ـ درمدت جنك سعی کرد برای حفظ شهرت خودجنك اساسی باقوای آلمان نکند وارتش خود رادست نخورده نگاهدارد تا درموقع لازم بتواند بنفع خود استفاده کند ـ درمتز با بیسمارك وارد مذاکره شد ودرنتیجه طولانی نمودن مذاکرات ازطرف بیسمارك قوای پروس اورامحاصره نموده ومجبور بتسلیم شد ـ بعد ازخاتمه جنك محاکمه ومحکوم باعدام شد ولی مجازات او به حبس دائم تخفیف یافت - در ۱۸۷٤ از زندان فرار کرده وباسپانیا پناهنده شد.

(۲) Alexandre -- Mikhaïlovitch, prince de Gortchakof (۱۸۸۲ – ۱۷۹۸) سیاستمدار روسی بعدازخدمات سیاسی زیادی از ۱۸۵٦ تا ۱۸۸۱ عهده دار وزارت خارجه روسیه بود

اعتراض کرد دولت انگلستان بود که بیش ازدیگران منافع خود رادرخطر میدید ودر ۱۰ نوامبر درضمن یاداشتی دلائل گورچاکوف رارد کرد. دولت اتریش نیزدر ۱۶ نوامبر برعلیه اقدام روسیه اعتراض نمود. دولت ایتالیاهم که نمیخواست دراین موقع که رم را اشغال کرده مدعی پیدانماید جرئت نکرداقدام روسیه راتصویب کند. در ۱۱ نوامبر دولت انگلستان نماینده نزد بیسمارك فرستاد و نظربیسمارك را دراین قضیه خواستارشد.

اعلامیه روسیه مشکل سیاسی برای بیسمارك تولیدکرد زیرا دولت روسیه که نخواسته بودمانند ناپلئون سوم درموقع جنك اتریش وپروس فریب اظهارات بیسمارك رابخوردتصمیم گرفت قبل ازشکست فرانسه بهای مساعدت خود رادریافت دارد. اگر بیسمارك به روسیه متمایل میشدممکن بودانگلستان بفرانسه کمك نمایدواگربانگلستان کمك میکرد ودولت روسیه برضد اواقدام کرده وبازمنافع پروس بخطرمیافتاد برای ایجاد راه حلی بیسمارك پیشنهاد تشکیل کنفرانسی رادرلندن نمود بشرط آنکه فقط موضوع اعلامیه روسیه درآن مطرح شود باین طریق بیسمارك انگلستان را ازخود راضی میکرد واقدام روسیه را موردمباحثه دول اروپا قرارمیداد ازطرف دیگرروسیه راراضی نگاه میداشت باین ترتیب که اظهار میداشت با مساعدت اودر کنفرانس اقدام غیر قانونی روسیه را بتصویب دول اروپا خواهد رسانید ضمناً برای راضی ساختن انگلستان که امیدواربکمك فرانسه در کنفرانس بود قرارشد دولت فرانسه هم دعوت گردد. حکومت دفاع ملی فرانسه که بنابعقیده تیرمصمم بود هرچه زودترباب مذاکرات مستقیم رابابیسمارك مفتوح نماید امیدی بکنفرانس لندن نداشت وازاین فرصت مناسب استفاده نکرد. بیسمارك هم که میترسیدباوجودتمام احتیاطهای لازم بازدولت فرانسه ازاین کنفرانس استفاده بنماید انواع واقسام مشکلات رابرای عزیمت نماینده فرانسه به کنفرانس فراهم آورد.

حکومت دفاع ملی پاریس برای حضورنماینده فرانسه در کنفرانس لندن تقاضای ترك مخاصمه و بدست آوردن آذوقه برای اهالی پاریس نمود ژول فاور وزیرخارجه

حکومت دفاع ملی‌هم که میترسیدا گرپاریس را درحین‌بمباران ترك گوید به جبونی معروف شود روی موافقتی ازخود نشان نداد بطوریکه در کنفرانس‌لندن که دردهم ژانویه۱۸۷۱تشکیل‌شدجای‌فرانسه‌خالی‌ماند وباوجوداینکه دولت‌انگلستان چندین مرتبه ختم کنفرانس را بتعویق انداخت فرانسه از مشارکت در کنفرانس خود داری کرد . در۷فوریه مقررات پیمان‌پاریس۱۸۵۶ راجع‌به کشتی‌رانی درروی رود دانوب وبغازهاتأییدشد وبیطرفی‌دریای سیاه ازبین‌رفت .

در۲۳ژانویه۱۸۷۱ ازترس قحطی وشورش درپاریس ژول فاور بورساری برای مذاکره‌دراطراف‌شرایط‌صلح‌نزدبیسمارك رفت‌ودر۲۸ژانویه‌ترك مخاصمه‌بین‌حکومت دفاع‌ملی‌پاریس‌وپروس‌بامضاء رسید که بموجب آن‌مقررشد مجلسی‌انتخاب گردیده و مذاکرات‌صلح‌بانمایندگان‌فرانسه‌آغازشودضمناً‌شرایط‌سختی‌در آن گنجانیده‌شد که حکومت‌فرانسه راتقریباً‌تسلیم پروس‌نمودوتمام ارتش‌هائی که کامبتابازحمات‌زیاد در ولایات‌تهیه‌دیده‌بود باشهرپاریس‌باختیار آلمانها گذاشته‌میشد. درنتیجه مصائب‌جنگ نمایندگانی که‌انتخاب‌شدنداغلب طرفدارصلح‌وبرضد جمهوری‌بوده وتیر که طرفدار کامل‌برقراری‌صلح‌فوری‌باپروس‌بوداز۲۶پارتمان بنمایندگی‌انتخاب‌شداین‌مجلس در ۱۲فوریه۱۸۷۱دربردوتشکیل گردیده‌وتیر که‌بریاست‌قوه‌مجریه‌انتخاب‌شده‌بود دیگر منتظر نشده‌در ۲۱فوریه‌بورسای‌برای‌دریافت‌شرایط‌صلح‌حرکت کرد. شرایط صلح که قبلاازطرف‌بیسمارك‌تهیه‌شده بود موردقبول تیر واقع گشت‌ودراول‌مارس۱۸۷۱ بتصویب مجلس‌بردورسیدوقرارشد کنفرانسی‌دربروکسل‌تشکیل‌شده‌پیمان قطعی‌صلح‌بامضابرسد.

جمهوری خواهان فرانسه که باشرایط صلح تحمیلی ازطرف بیسمارك مخالف بودندبمعیت‌سوسیالیست‌ها در۱۸مارس‌شورشی‌درپاریس‌برپا کردند که بنام کمون (۱) معروف شده است . حکومت فرانسه درمقابل شورشیان مجبور گردید پاریس راترك گفته در ورسای مستقرشود . چون قسمتی از استحکامات پاریس دردست آلمانها بود

Commune (۱)

وتعدادارتش فرانسه هم که بموجب ترك مخاصمه درپاریس از ۴۰۰۰۰ نفر تجاوز نمیکرد کافی برای خوابانیدن شورش نبود تیر مجبور گردید از بیسمارك درخواست استخلاص عده‌از سربازان اسیر شده فرانسوی رابنماید تا این شورش رادفع کند. بیسمارك ازموقعیت استفاده کرد وبعنون اینکه تیر دراظهارات خودصادق نیست و مخفیانه شورش پاریس راتقویت میکندتافرانسه درمقابل تقاضاهای آلمان پایداری کنددرخواستهای زیادتری ازفرانسه نمودنمایندگان فرانسه نیز که بفرانکفورت(۱) برای انعقادپیمان صلح اعزام شده بودنددر مقابل تهدیدات بیسمارك که صورت التیماتوم رابخود گرفته بودمجبور بتسلیم شدندو پیمان صلح قطعی بین فرانسه و آلمان در ۱۰ مه ۱۸۷۱ در فرانکفورت بامضاء رسید.

بموجب این پیمان نواحی الزاس ولورن ویك قسمت از نواحی شمالی تیونویل (۲) بآلمان واگذار گردید و دوشه لوکزامبورك تحت نفوذ پروس درآمد ودولت فرانسه متعهد گردیدمبلغ ۵ میلیارد فرانك به‌دولت پروس بپردازدوبتدریج پرداختهای فرانسه ارتش پروس خاك فرانسه را تخلیه کند.

بیسمارك که از موقع شروع جنك دراستحکام روابط دول آلمان باپروس خیلی کوشیده بود شاهزادگان آلمانی را تشویق نمود که تاج امپراطوری آلمان رابپادشاه پروس پیشنهاد نمایند دول مختلف آلمان نیز تحت نفوذ بیسمارك واقع شده در اثر تهدید یا جهت خوش آمد پروس یا بدست آوردن سهمی از اراضی متصرفی ازفرانسه طبق میل بیسمارك رفتار کردند اما بیسمارك بعد از جنك برای ازبین بردن اختلافاتی که ممکن بود تقسیم فتوحات پروس و آلمان ایجاد نماید نواحی تازه بدست آمده را ملك متصرفی امپراطوری ریشلاند(۳) قلمداد کرد. پادشاه باویر لوئی دوم در ۲ دسامبر ۱۸۷۱ به ویلهلم اول و شاهزادگان آلمان تشکیل امپراطوری آلمان رابریاست ویلهلم

(۱) Frankfurt

(۲) Thionoville

(۳) Reichland

اول پادشاه پروس پیشنهاد کرد . در مجلسی که از نمایندگان دول آلمان در ورسای تشکیل شد بعد از تصویب اساس اتحادیه آلمان در ۱۸ دسامبر پادشاه پروس تاج امپراطوری آلمان را قبول نمود و یکماه بعد که درست ۱۷۰ سال از زمان بدست آوردن عنوان پادشاهی توسط فردریك اول میگذشت در ۱۸ ژانویه ۱۸۷۲ ویلهلم اول امپراطور آلمان درمیان ارتش فاتح خود در ورسای تاجگذاری کرد .

فصل نهم

مقدمات اتحاد آلمان و اتریش

سیاست بیسمارك بعدازجنك بافرانسه ـ ضعیف نگاهداشتن فرانسه ـ طرح اتحادآلمان واتریش ـ ملاقاتهای سالزبورك وگاستین ـ عزل بوست ـ کولتور کامف ـ سلطنت آمده اول دراسپانیا ـ ملاقات سه امپراطور دربرلن ـ نتایج ملاقات سه امپراطور ـ استعفای تیر ـ تشویق ویکتورامانوئل ـ نزدیکی ایتالیا بااتریش و آلمان ـ رد سلطنت فرانسه از طرف کنت دوشامبورد ـ اعتراض بیسمارك بدولت فرانسه ـ توافق روسیه وانگلستان ـ سلطنت آلفونس دوازدهم استقرارجمهوری درفرانسه ـ تهدید بیسمارك ـ اعتراض انگلسان و روسیه ـ توجه بیسمارك بخطراتحاد روسیه وفرانسه .

بعد از جنك فرانسه و آلمان در نتیجه فتوحات پروس وتدبیر صدراعظم آن رشته دیپلوماسی اروپادر کف بیسمارك قرار گرفت. بیسمارك ازاین تاریخ سعی میکند امتیازاتی را که بدست آورده است تثبیت نموده وبرروی استقرارعظمت پروس سیاست خودرا تعقیب کند . درنتیجه شکست فرانسه وانتزاع دوناحیه ازاین کشوربیسمارك جدیت میکنداین ملت را که تشنه انتقام وبدست آوردن آلزاس ولورن است همواره ضعیف وتنها نگاهدارد ومراقبت کندتااینکه برضددولت پروس اتحادیه تشکیل نشود درداخل آلمان نیز برای ازبین بردن مخالفت دول مختلف که تحت تبلیغات کاتولیکی ازسیاست بیسمارك خرده میگرفتند صدراعظم آلمان سعی میکند بااقدامات جدی برعلیه کاتولیکها وپاپ وارد مبارزه گردد .

فکر جلوگیری ازپیدا شدن اتحادیه برعلیه آلمان بیسمارك را مصمم به پیدا کردن متحدینی برای آلمان میکند . دولت انگلستان که باصدارت گلادستون تمام هم خودرا صرف تصفیه اموداخلی مینمود وازدولت فرانسه هم راجع به تهدیدبلژیك دیگر بیمی نداشت حاضربه تشریك مساعی با دولت پروس نمیگردید وحتی بـرای نگاهداری موازنه قوادراروپا وسوق ندادن نظرفرانسویها بطرف روسیه بیشترحاضر بکمك ومساعدت بفرانسه بودتاپروس . دولت روسیه که اقتدار آلمان راچندان بصلاح خودنمیدید سیاستش اقتضا میکرد فرانسه نسبتاً مقتدری درمغرب اروپا وجود داشته باشد تا بتواند درموقع لزوم ازفشار پروس بکاهد ـ دولت ایتالیا که بعد از ۱۲ سـال رنج وزحمت تازه توانسته بود شهررم راپایتخت خودقراردهد با فقرمالی مواجه شده وقادرنبود در جنك وجدالی شرکت کند بنابمراتب بالاتنها دولتی که امکان داشت نظربیسمارك رابطرف خود جلب کند دولت اتریش ومجارستان بود .

ایجاد اتحادی بین آلمان و اتریش بصلاح هردو کشور بود زیرا دولت اتریش همواره میتوانست باتقویت کاتولیکهاودول جنوبی آلمان که ازتقویت سیاست بیسمارك تااندازه پشیمان بودندباعث مزاحمت و آزاردولت پروس رافراهم آورد ، دولت پروس هم میتوانست باتقویت فکراتحاد تمام آلمانها ونژاد ژرمن اساس امپراطوری اتریش را از هم متلاشی سازد . درصـورتیکه اتحاد بین ایـن دو کشور باعث میشد سیاست پروس دراروپا تقویت شده ودرمبارزه برعلیه کاتولیکها بیسمارك توفیق یابد . دولت اتریش نیزبـدینوسیله میتوانست در مقابـل تبلیغات اتحاد اسلاوپایـداری نموده و امپراطوری خودرا حفظ کند .

برای اتحاد آلمان واتریش دواشکال عمده وجود داشت یکی اینکه وزیرخارجه اتریش و مجارستان کنت دوبوست هنوز شکست سادوا رافراموش نکرده ونسبت به بیسمارك کینه دردل داشته دیگر اینکه نفوذاسلاوها باصدارت هوهنوارت(۱) دراتریش

(۱) Charles-Sigismond, comte de Hohenwart بعدازمشاغل دولتی مختلفی در ۱۸۷۱ نخست وزیر ووزیرداخله اتریش گردید .

روزبروز زیادتر شده ومانع مهمی برای‌این نظر ایجاد میکرد . بیسمارك باالحاطهٔ که بعالم سیاست‌داشت سعی‌نمود با کمك‌نخست‌وزیر مجارستان آندراسی(۱) که‌بااسلاوها مخالف‌ومایل بودمقام‌بوست رانیزاشغال کند این اشکالات رابرطرف‌سازد باینطریق که‌ویلهلم‌اول‌رابانظرخودموافق‌ساخته‌واو را مجبورمیکندبافرانسواژوزف‌ملاقاتهائی بعمل‌آورده و امپراطوراتریش را نیزبا خود همراه کند ودرماه اوت۱۸۷۱ امپراطور آلمان در ایشل(۲) بملاقات فرانسواژوزف رفت . چندی بعد امپراطوری اتریش به سالزبورك(۳) ببازدید ویلهلم‌اول آمد . درهمین موقع که امپراطور آلمان نظرموافق فرانسواژوزف را نسبت بسیاست بیسمارك جلب میکرد . صدراعظم آلمان نیز در گاستین‌برای تأمین نظریه خود بابوست زمینه‌را برای سقوط کابینه‌هوهنوارت که با اسلاوها همراه بودحاضر میکردودرعین حال باآندراسی مقدمات‌از کارانداختن‌خود بوست راتهیه میدهد .

درمراجعت از گاستین هیچکس تصورنمیکرد بیسمارك ازاین مسافرت نتیجه مثبتی بدست آورده باشد چه‌بوست باحس بدبینی و تردیدی که نسبت باظهارات بیسمارك داشت حاضر بانعقاد پیمان کتبی نشده و منتشر گردید شفاهاموافقتهائی‌بین آنها درباره اصول کلی زیربعمل آمده است : تشریك مساعی اتریش و آلمان برای نگاهداری‌صلح ـ خودداری ازمساعدت بپاپ‌برضددولت‌ایتالیا ـ جلوگیری ازافکار انقلابی امابعد ازچند هفته دول اروپا کم کم به‌نتایج ملاقاتهای سالزبورك و گاستین واقف شدند فرانسواژوزف بعد از تردید زیاد در تحت تأثیر تلقینات بوست کنت دو هوهنوارت ازوزارت معزول کرد . ودرنتیجه برضد اسلاوها بطرف مجارها متمایل

(۱) Comte jules Andrassy (۱۸۲۳-۱۸۹۰)سیاستمدارمجارستانی ـ درشورش مجارستان‌در۱۸۴۸ شرکت کرد-غیابا محکوم باعدام‌شد - در۱۸۶۰ بمجارستان‌مراجعت وطرفداراتحاد شخصی اتریش ومجارستان گردید ـ از۱۸۷۱تا۱۸۷۹ عهده دار وزارت خارجه اتریش ومجارستان بود .

(۲) Ischl

(۳) Salzbourg

شد ولی غلبه بوست به‌هوهنوارت نیز دیری نپایند چند روز بعد بتحریك بیسمارك بوست ازصدارت معزول شده و آندراسی جانشین او گردید .

بعد ازنزدیکی آلمان واتریش خیال بیسمارك قدری ازمشکلات سیاست خارجی آسوده گشت و چون با اشغال دوازده شهرستان در فرانسه و بعید بودن خطری که ممکن بود ازطرف روسیه متوجه پروس شود تشویش خاطری ازلحاظ دیپلماسی در بین نبود صدراعظم آلمان تمام هم خود را در پایان سال ۱۸۷۱ صرف اقدامات جدی برعلیه کاتولیکها نموده و روحانیون را از دخالت درامور داخلی منع وبا گذرانیدن قوانینی درماه مه۱۸۷۲ برضد کشیشان درماههای ژوئن وژویه۱۸۷۲ ژزوئیتها را ازپروس اخراج ومبارزه را که بنام کالتور کامف(۱) معروف شده است شروع میکند

درمقابل اقدامات بیسمارك پاپ و کاتولیکها بیکار ننشسته وباوجود اینکه از حقوق خوددرپروس محروم شده وحتی بزندان میافتند اغلب کشیشان پروس دست ازمبارزه برنمیدارند . پاپ هم نامهٔ به‌امپراطور آلمان نوشته و چنین وانمود میکند که ویلهلم اول تحت‌تأثیرعقاید ضاله قرار گرفته است . بیسمارك هم ازطرف پاپ ملقب به آتیلای جدید میشود . درفرانسه واسپانیا هم کاتولیکها به‌تبلیغات خود توسعه میدهند.زیرا درفرانسه اغلب نمایندگان رژیم جمهوری را امری موقتی دانسته وسعی دربرقراری سلطنت کنت دوشامبور(۲) میکردند . در اسپانیا هم برای استقراردون کارلو که(۳) بانامزد سلطنت فرانسه قرابت خانوادگی داشت درتلاش بودند .

---

(۱) kulturkampf مبارزه برای تمدن

(۲) Henri-Charles-Ferdinand-Marie-Dieudonné d' Artois,duc de Bordeaux, comte de Chambord(۱۸۲۰ـ۱۸۸۳)وارث‌خانواده‌سلطنتی بوربون فرانسه ـ پسردوك دوبری Berry در۱۸۳۰ازفرانسه‌مهاجرت کرد ـ در۱۸۳۶ پس ازفوت‌شارل دهم‌تنهاوارث‌خانواده‌سلطنتی بوربون گردید ـ بعد ازسقوط امپراطوری ناپلئون سوم نامزد سلطنت فرانسه شد .

(۳) Carlos-Maria de los Dolores - juan- Isidro - josé - Fransis Co Quirino-Antonio -Miguel-gabriel-Rafael de Bourbon،

بقیه حاشیه درصفحه بعد

دراسپانیا بعد ازقضایائی که بهانه جنگ بین فرانسه و پروس قرار گرفت در ۲ ژانویه ۱۸۷۱ پسردوم ویکتور امانوئل پادشاه ایتالیا کنت دوست بنام آمده اول[۱] پادشاهی اسپانیاراقبول نمود. دون کارلو که ازطرف پاپ وطرفدارهای کنت دوشامبورد تقویت میشد برضد آمده قیام کرده و شورشی در اسپانیا برپا نموده درماه مه ۱۸۷۲ ازطریق فرانسه وارد نواحی باسك[۲] گردید وباوجود اینکه اقدامات او بـه نتیجه نرسید ومجبور گردیددومرتبه بفرانسه فرارنماید بازدست ازتحریکات خود دراسپانیا برنمیداشت .

بیسمارك برای رعایت احتیاط تصمیم گرفت هرچه ممکن است زود تر اتحاد بین اتریش و آلمان را بمرحله عمل نزدیك کند و چون صدراعظم جدید اتریش نیز محتاج به کمك آلمان برضد اسلاوها بود فرانسواژوزف دراوائل ماه سپتامبر ۱۸۷۲ برای ملاقات ویلهلم اول رسماً ببرلن آمد . تزار روسیه که ازعواقب اتحاد آلمان و اتریش نسبت بروسیه درتشویش افتاده بود برای اینکه اززیان احتمالی چنین اتحادی جلوگیری کند به بیسمارك تمایل خودرا درشرکت دراین ملاقات اطلاع داد وچون نفع آلمان نیردر این بود که روسیه با او همراه باشد ویلهلم اول تزار روسیه را نیز ببرلن دعوت کرد ومتعاقب آن تزار روسیه بمعیت گورچاکوف وارد برلن گردیدودر نتیجه ترس تزار روسیه ازاقدامات نیهیلست ها[۳] ووعده های بیسمارك آلکساندردوم

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

don Carlos, duc de Madrid (۱۸۰۹ - ۱۸٤۹) نوه دون کارلوی معروف در ۱۸۶۸ پدرش بنفع اوازامتیازات خود صرفنظر کرد ـ ازطرف کارلیست ها پادشاه اسپانیا نامیده شد ـ از ۱۸۷۲ مدت ٤ سال باعث اغتشاش در اسپانیا گردید ـ بالاخره مجبور شد ازاقدام عملی برضد حکومت اسپانیا خودداری کند .

(۱) Frdinand-Marie' ducd, Aoste, Amedeé I (۱۸٤۸–۱۸۹۰) پسردوم امانوئل پادشاه ایتالیا ـ در ۱۸۷۰ بپادشاهی اسپانیا انتخاب شد ـ در ۱۸۷۳ ازسلطنت اسپانیا استعفا داده بایتالیا مراجعت کرد .

(۲) Basques

(۳) Nihilistes فرقه که طرفدارانهدام اساس اجتماع بوده و بهیچ چیزعقیده نداشتند

کاملاً تحت تأثیرعقاید بیسمارك قرار گرفت .

درنتیجه ملاقات این سه‌امپراطور و بازدیدهای رسمی که ویلهلم اول در ب
سال ۱۸۷۳ از آنها بعمل آورد یادداشتهائی بین سه‌دولت آلمان واتریش وروسیه
وبدل گردید که بموجب آنها این سه‌دولت تصمیم خودرا درامورزیراعلام‌میداشتن

۱ـ نگاهداری وضع فعلی ممالك اروپا و برسمیت شناختن تغییر
ارضی جدید .

۲ـ حل وتصفیه مسائل شرق باموافقت یکدیگر .

۳ـ جلوگیری ازانقلابات برضد سلاطین .

بعد ازاین ملاقاتها بنظرمیآمد که اتحاد مقدس دومرتبه تجدید شده وسیا
اروپا بزمان بعد از کنگره وین‌شباهت پیدا کرده است دول اروپا این موضوع‌راب
قدری جدی تصور کردند ولی معلوم بود که این اتحادپایه واستحکام‌اتحاد مقدس
نخواهدداشت‌زیرا گورچاکوف‌وزیرخارجه‌روسیه‌درعین حال که‌دم‌ازموافقت‌باپرو
میزد اعتماد واطمینان زیادی نسبت باظهارات بیسمارك نداشت اماهمین اندازه کا
بود که سیاست بیسمارك‌را درداخل وخارج آلمان تقویت نماید .

درسال ۱۸۷۳ دراثرجدیت تیردولت فرانسه غرامات جنگی را قبل از موع
مقرر پرداخت نمود و در نتیجه ارتش آلمان خاك فرانسه را تخلیه کرد . طرفدار
سلطنت که دیگرتیررالازم نداشتند وحتی وجود اورا مزاحم خود میدانستند شر
بخورده گیری ازاو نمودند درنتیجه در۲۴ مه ۱۸۷۳ تیراز ریاست‌قوه مجریه است
داده‌وسلطنت‌طلبان درفرانسه‌تفوق کامل پیدا کردند.درتمام ادارات‌فرانسه طرفدا
سلطنت‌و کاتولیکها رخنه‌پیدا نموده‌بااقدامات خودعملیات‌دون کارلوررانیزدراسپ
تشویق کردندبطوریکه در۱۱فوریه ۱۸۷۳پادشاه‌جدید اسپانیا مجبورباستعفا کرد

دراواخر ماه ژوئیه دون کارلو که وارد اسپانیا شده‌بود حکومت جدیدی

شهراستلا(۱) تشکیل داده درفرانسه نیز مارشال ماك ماهون(۲) جانشین تیر شده و مابین طرفداران سلطنت اتفاق حاصل گردید باین ترتیب که کنت‌دوپاری(۳) نوه‌لوئی فیلیپ کنت دوشامبورد راتنها نماینده خانواده سلطنتی فرانسه شناخت بعد ازرفع اختلافات بین نامزد های سلطنت فرانسه بنظر میرسید که بزودی سلطنت سلسله بوربونها درفرانسه برقرار خواهد شد.

اقدامات سلطنت طلبان در فرانسه وموافقت کامل‌باکاتولیکها باعث تشویش ویکتورامانوئل پادشاه‌ایتالیا گردیدچه‌ممکن‌بود بابرقراری‌سلطنت کنت‌دوشامبورد که ملقب به هانری پنجم شده بود تصرف شهر رم دو مرتبه مورد مناقشه واقع شود بیسمارك هم ازوحشت پادشاه ایتالیا استفاده نموده او را ترغیب بنزدیکی با اتریش وپروس نمود.

درسپتامبر۱۸۷۳ ویکتور امانوئل دروین ملاقاتی ازفرانسواژوزف‌وآندراسی بعمل آورده ازآنجا عازم برلن گردید.

بیسمارك هم‌ازوعده وعید بپادشاه ایتالیا کوتاه‌ی نکرد وحتی موافقت خود را باتصرف نیس وساووآ توسط ایتالیا ابرازداشت.

کنت‌دوشامبورد که‌قضایای‌سیاسی‌راپیچیده‌میدیدیاازروی ترس‌یاازروی عقیده اظهارداشت که‌اعطای آزادی‌هایی‌را که‌طرفداران‌اوبرای‌سلطنت‌لازم‌میدیدندجز باطیب

---

(۱) Estella

(۲) Marie-Edme-Patrice-Maria, Comte de Mac-Mahon (۱۸۹۳ - ۱۸۰۸) مارشال فرانسوی-فاتح‌مالاکف درجنك کریمه - در۱۸۵٦ سناتورشد-درجنك بااتریش عامل مهم فتح ماژانتابود وبدین مناسبت ملقب به‌دولت ماژانتا گردیداز۱۸٦٤ تا ۱۸۷۰ فرماندار الجزیره بود - درجنك ۱۸۷۰ ازپروسها شکست خورده مجروح و اسیرگردید بعد از امضای ترك مخاصمه رئیس ارتشی شد که برضد شورش کمون اقدام کرد در۱۸۷۳ رئیس جمهورفرانسه شد - در۱۸۷۹ ازریاست جمهوری استعفا داد

(۳) Louis-Philippe-Albert d'Orléans, Comte de Paris (۱۸۹٤ - ۱۸۳۸) نوه‌لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه - درانقلاب ۱۸٤۸ ازفرانسه مهاجرت کرد - در ۱۸۷۳ کنت دوشامبورد راتنها نماینده خانواده سلطنتی فرانسه شناخت.

خاطرقبول نخواهد کرد ودرتحت افکاردستجات مختلف قرارنخواهد گرفت و برای ازبین بردن خاطرات انقلاب فرانسه اصرارداشت پرچم فرانسه برنك سفید که علامت خانواده بوربون‌ها بودتغییر یابد. تقاضاهای دوك دوشامبورد باعث شد که ازمحبوبیت او در فرانسه کاسته شده و طرفداران سلطنت نتوانند بمقصود خود بـرسند و چون امیدشان هنوزقطع نشده بود برای پیدا کردن راه حلی دوك دوبروکلی[1] پیشنهاد نمود اختیارات مارشال دوماك ماهون برای مدت ۷ سال تمدید شود تا فرصت کافی برای استقرارسلطنت دردست باشد.

تفرقه که بین نمایندگان مجلس فرانسه افتادقدری باعث راحتی خیال بیسمارك گردید زیرا ادامه هرج ومرج ونبودن یك حکومت ثابت درفرانسه موجب باقیماندن ضعف این دولت میشد ولی باوجود این برای اینکه دولت فرانسه جرئت اقدامی برضد آلمان نکند درموقعیکه دراثر اعلامیه ۲۱ نوامبر ۱۸۷۳ پاپ کشیشان فرانسه شروع به نوشتن مقالاتی برعلیه بیسمارك کردند بیسمارك رسماً بدولت فرانسه اعتراض کرد ضمناً بتحریك او روزنامه‌های آلمان شروع بانتشارمقالاتی برضدفرانسه نموده وتهدید میکردند اگرفرانسه خیال انتقام درسرداشته باشد دولت آلمان نخواهد گذاردابتکار عملیات را دردست بگیرد وتحمیلات ۱۸۷۱ را نیز کافی نمیدانستند منظور بیسمارك ازاین تهدیدات بیشترترسانیدن فرانسه بود تااین دولت جرئت نکند سیاست مستقلی درپیش گرفته واسباب مزاحمت آلمان رافراهم آورد زیرا درپایان سال ۱۸۷۳ روابط آلمان وروسیه صمیمیت سابق خودرا ازدست داده بود دولت روسیه که بدون سروصدا تمام ترکستان ونصف خیوه راتصرف کرده بودبرای تحریك ننمودن مخالفت انگلستان باگلادستون واردمذاکره شده وباعروسی که بین گراندوشس ماری[2] دختر آلکساندر

---

(۱) jeaque- Victor, duc deBroglie (۱۸۲۱-۱۹۰۱) سیاستمدار فرانسوی بعد ازچند مأموریت سیاسی در ۱۸۶۲) عضوفرهنگستان فرانسه شد-در ۱۸۷۱ بنمایندگی مجلس انتخاب شد - ازطرفداران جدی سلطنت- نخست وزیرفرانسه در ۱۸۷۳ ودر ۱۸۷۷ سناتوراز ۱۸۷۵ تا ۱۸۸۵ - تألیفات تاریخی وسیاسی مهمی ازخودبیادگار گذاشته است

(۲) Grand_duchsse Marie

دوم دوك ددنمبورك[۱] پسردوم ملکه‌ویکتوریا انجام گرفت موافقتی‌بین دولتین بعمل آمد . درماه مه۱۸۷٤ تزار روسیه‌ببهانه دیدن دخترخود به‌لندن‌رفت وباوجود آنکه دراینوقت دیسرائیلی درانگلستان روی کار آمده بود وسیاست خارجی انگلستان وارد مرحله جدیدی‌میشد بازتا چندی آثاراین موافقت‌باقیماند . تزارروسیه‌درلندن ملاقاتی‌هم‌با کنت دوپاری نمود، وحسن‌نظرخودرا نسبت به کابینه‌فرانسه اعلام‌داشت

قضایای اسپانیا نیز کاملاً مطابق دلخواه بیسمارك جریان پیدا نکرد در سوم ژانویه ۱۸۷٤ در اثریك کودتای نظامی در مادرید ژنرال سرانو[۲] دراسپانیا زمام امور رادردست گرفت ودون کارلومجبوربفرار گردید . بیسمارك که‌باحکومت‌ژنرال سرانو موافقت داشت فوراً این‌حکومت رابرسمیت‌شناخت درصورتیکه‌دولتین روسیه وفرانسه ازشناختن آن خودداری نمودند . تااینکه بتحریك فرانسه شورش دیگری دراسپانیابرپاشدوپسر ملکه‌ایزابل‌موسوم‌به آلفونس‌دوازدهم[۳] درژانویه۱۸۷٥پادشاه اسپانیاشده وتمام دول‌اروپا پادشاهی اسپانیارا برسمیت‌قبول کردند .

درسال۱۸۷٤ اختلافات پارلمانی درفرانسه قدری مرتفع شده وبا اقدامات تیر وگامبتا اساس جمهوری روزبروزمستحکم میگردید قانونی هم راجع بنظام وظیفه وسازمان ارتش فرانسه‌بتصویب رسید که نیروی‌نظامی فرانسه‌راتقویت‌نمود، بیسمارك که‌باثبات پیدا کردن حکومت‌فرانسه موافقتی‌نداشت موضوع‌های فوق رابهانه قرار داده وبه‌تشویق اوروزنامه‌های آلمان دو مرتبه حمله بفرانسه راشروع واز بیسمارك

---

(۱) Duc d,Edimbourg

(۲) Fransisco› Serrano y Dominguez‹ duc de La Torse (۱۸۸٥ ۱۸۱۰) مارشال وسیاستمدار[اسپانیولی - وزیرجنك اسپانیا در۱۸٤۳-از۱۸٤۷ به آزادیخواهان برضدملکه ایزابل ملحق‌شد -در۱۸٦۹درنتیجه انقلاب‌اسپانیا نایب‌السلطنه این کشورشد.

(۱) François d' Assise - Ferdinand - Pic-jean-Marie-grégoire Pèlage,Alfonse XII (۱۸۸٥-۱۸٥۷) پادشاه‌اسپانیا-در۱۸۷٤ بپادشاهی اسپانیا انتخاب‌شد-سعی‌در برقراری آرامش وصلح‌درداخل‌اسپانیا کرد-در۱۸۷٦ کورتس اسپانیا رادعوت بتصویب قانون‌اساسی جدیدنمود :

تقاضا کردند اگر جنگی بافرانسه رخ دهد تصمیمات فوق‌العاده شدیدتری نسبت باین کشور اتخاذ شود تا دیگر نتواند سربلند کند . خودبیسمارك هم بی‌میل نبود دراثر تحریك احساسات فرانسویها دولت فرانسه مانند ۱۸۷۰ دردام افتاده وپیش قدم‌حمله بآلمان گردد .

بیسمارك برای بدست آوردن نظردول اروپا بوسیله نمایندگان سیاسی خوداز دول اروپا استفسار نمود در صورت بروز جنك بین آلمان و فرانسه چه رویه را اتخاذ خواهند نمود . دولت اتریش گرچه مخالفتی نسبت‌برویه آلمان اظهارنکردولی‌وعده همراهی‌هم باین دولت‌نداد . دولت‌ایتالیا گرفتارمشکلات داخلی وبحران مالی بـود وانتظار کمك از آن خیال واهی بنظرمیرسید . دول‌انگلستان وروسیه کاملامخالفت خودرا نسبت بآلمان ابرازداشتند زیرا بنظر روسیه دولت فرانسه تنها دولتی‌بود که میتوانست درموقع‌لزوم در مقابل آلمان بروسیه کمك کند . دولت‌انگلستان هم‌برای اینکه دولت‌فرانسه کاملا در دامان روسیه نیفتد برای دردست داشتن موافقت‌فرانسه حاضربقبول اعتراضات آلمان نگردید .

دراواسط ماه آوریل۱۸۷۵ نمایندگان انگلستان وروسیه بحضور ویلهلم‌اول رسیده واعلام داشتند که چون ازطرف فرانسه رویه مخاصمت‌آمیزی مشاهده نشده است درصورت بروزجنك بین آلمان وفرانسه تمام مسئولیت رامتوجه آلمان دانسته وآزادی عمل خودرا حفظ‌خواهند کرد.امپراطور آلمان که منظوراین کلمات‌را کاملا ملتفت‌شد ازانتشارات‌جنك اظهارتعجب کرد واضافه‌نمود اوهم غیراز نگاهداری‌صلح منظوری را تعقیب نمیکند . لازم‌بتوضیح نیست که‌بیسمارك هم خود را بیش ازهمه طرفدارصلح نشان داده ونوشته‌های روزنامه‌های آلمان راتکذیب کرد . دولت فرانسه موقع رامغتنم‌شمرده‌وبرای‌اطمینان‌از کمك‌روسیه ازاین‌دولت تقاضانمودضمن‌اعلامیه رسمی‌رویه خودرا نسبت بفرانسه آشکارسازد تزارروسیه هم که دراینموقع نتوانست ازاحساسات‌خود جلوگیری کندرسماًپاسخ‌داد که‌دولت‌فرانسه میتواندبکمك‌روسیه امیدوار باشد واعلام داشت که بواسطه مداخله او صلح دراروپا حفظ شده است . این

توجه بیسمارك بخطر اتحاد روسیه و فرانسه

اعلامیه ازیکطرف باعث خشم‌وغضب بیسمارك گردید وازطرف دیگر صدراعظم آلمان رابیش ازپیش متوجه خطراتحاد دولتین روسیه وفرانسه برای آلمان نمودبااین‌جهت بیسمارك‌ازاین تاریخ‌تصمیم‌میگیردازقضایای‌شرق حداکثراستفاده رانموده‌وتامیتواند برای دولت روسیه اشکالات‌تازه‌تهیه کندتابامشغول‌شدن اودرشرق‌هم‌دشمنان‌ورقبای تازه برای دولت روسیه پیداشود وهم‌امیددولت فرانسه‌از کمك روسیه قطع گردد .

فصل دهم

مسائل شرق و کنگره برلن ۱۸۷۸

تقاضاهای اسلاوها - تبلیغات اتحاد اسلاو - لغو بیطرفی دریای سیاه همکاری اتریش وروسیه - فساد حکومت عثمانی - شورش هرزه گوین - میانجیگری اتریش - وعده های دولت عثمانی - سلطان عبدالحمید دوم - اعلام جنك سربستان و مونتنگرو - شکست سربها - موافقت اتریش وروسیه - تقاضای ایگناتیف کنفرانس قسطنطنیه - یادداشت دول اروپا وروسیه - اعلان جنك - فتح روسیه ترك مخاصمه - پیمان سان استفانو - مخالفت انگلستان واتریش - عذرتراشی بیسمارك - کنگره برلن - تصمیمات کنگره - نتایج کنگره برلن .

شکست اتریش ازپروس درسال ۱۸۶۶ موجب امیدواری اسلاوها گردید . با تبلیغات اتحاد اسلاو که ازطرف روسیه تشویق میشد در۱۸۶۷ کنگره ازاسلاوها در مسکوتشکیل وتحت نفوذ کاتکوف ملل اسلاوچه آنهائی که تحت نفوذدولت عثمانی بودند وچه آنهائیکه تحت نفوذ دولت اتریش ومجارستان قرارداشتند درخواستهای ملی ونژادی خود را اعلام نمودند . درمقابل ائتلاف اتریش ومجارستان اغلب اسلاو های تابع این دولت اعتراض کرده وازحضور درديت امتناع نمودند حتی در دالماسی و کروآسی شورشهائی هم اتفاق افتاد و زد وخورد آنها بادولت اتریش و مجارستان مدتی بطول انجامید .

درسربستان بعد از قتل میشل اوبرنوویچ آزادیخواهان از طفولیت میلان (۱) پادشاه جدیداین کشوراستفاده نموده‌قانون اساسی بتصویب رسانیده با موروثی کردن سلطنت خودرا ازرقیب دولت عثمانی آزاد ساختند. دربلغارستان نیزملیون شروع به اغتشاش کرده و دولت عثمانی مجبور گردید ازسال ۱۸۶۷ با اعزام عـده از قوای خودازانقلاب جلوگیری کند. در سال ۱۸۷۰ نیز مجبور شد آزادی مذهبی بـآنها اعطا نماید.

دولت روسیه که درسال۱۸۵۶ مغلوب شده ومنتظرفرصت برای جبران‌مافات بود نیزاین شورشها رانشویق میکرد. جنك۱۸۷۰ بین‌فرانسه وآلمان‌موقع مناسبی بدست روسیه داد تااز این پیش‌آمد استفاده کند. در۳۱ اکتبر۱۸۷۰ گورچاکوف وزیرخارجه روسیه‌یادداشتی بدول اروپا فرستاد ومواد ۱۳ و۱۴ پیمان پاریس را که مربوط به‌بیطرفی دریای‌سیاه بود یکطرفه ملغی نمود. دولت‌عثمانی‌هم که‌بابیطرفی دریای سیاه چندان موافق‌نبود ازیادداشت روسیه زیاد ناراضی بنظرنمیرسید. تنهـا دولت‌انگلستان‌جداًبرضداقدام روسیه‌وارد فعالیت‌دیپلوماسی گردید. بطوریکه‌شرح داده‌شد دراثر تدبیر بیسمارك‌دربارهٔاین‌امر کنفرانسی درلندن‌تشکیل گردیدودرنتیجه گرچه‌اقدام روسیه‌تثبیت گردید ولی‌قرارشد که دول دیگرنیزازآزادی دریـاه سیاه استفاده کنند.

درسال ۱۸۷۱ فرانسواژوزف درتحت فشاراسلاوها هوهنوارت را نخست وزیر اتریش کردواعلام‌نمودحاضراست‌حقوق‌اسلاوهاراتأمین کند.دیت‌پراك‌نیزشروع‌بتنظیم مواد اصلی‌حقوق اسلاوها در۹و۱۰ اکتبر۱۸۷۱ نمود و بموجب‌آن ازفرانسواژوزی تقاضای استقلال اداری وبرقراری ۱۷ مجلس و تشکیل کنگره مانند مجلس سناف آمریکا وتعیین وزرای‌مسئول کردند.تقاضاهای‌اسلاوها باعث تشویش فرانسواژوزف

(۱) Milan Obrenovitch IV (۱۹۰۱-۱۹۵۴) پادشاه سربستان- در۱۸۶۸امیر سربستان شناخته شد- در۱۸۷۶ بادولت‌عثمانی واردجنك‌شد- بعد ازجنك۱۸۷۷ بطرف اتریش‌متمایل گردید - در۱۸۸۲ سربستان رابمقام‌کشور پادشاهی رساند - در ۱۸۸۹ قانون‌اساسی‌جدیدی‌اعطا نموده و بنفع پسرش‌آلکساندر ازسلطنت صرفنظر کرده بخارجه عزیمت کرد - در۱۸۹۴ کودتائی نموده ودومرتبه وارد بلگراد شد.

شده وملاقاتهائی که درسالزبورك و کاستین بین‌امپراطوراتریش وویلهلم اول ووزرای آنها صورت گرفت موجب برقراری اتحاد محکمتری بین اتریشها ومجارها شده در نوامبر ۱۸۷۱ هوهنوارت مجبورباستعفا ودیت پراك منحل گردید.

بابرقراری آندراسی بوزارت خارجه امپراطوری اتـریش ومجارستان روابط آلمانها ومجارها برضد اسلاوها مستحکم گردید ومجارها درامپراطوری نفوذزیادی پیدا کردند. ملاقات سه‌امپراطور دربرلن خفت شکست سادو آو کینهٔ راکه مجارها ازسال ۱۸٤۹ نسبت بروسیه داشتند ازبین برد. برای جلب نظرروسیه ازسال۱۸۷۲ دولت‌اتریش ازکمك‌بلهستانیهاازطریق گالیسی‌خودداری کرد ودرعوض‌انتظارداشت دولت روسیه‌هم ازاسلاوهای تابع اتریش تقویتی ننماید درنتیجه ملاقات‌سه‌امپراطور نیز تصمیم گرفته شد مسائل شرق و قضایای مابه الاختلاف بطریق مسالمت بین سه دولت حل شود.

دراوائل سال ۱۸۷٤ فرانسواژوزف وآلکساندر دوم درسن پترزبورك ملاقاتی ازیکدیگربعمل‌آورده و وعده دادند دروضع بـالکان تغییری ندهند، ولـی ضعف حکومت عثمانی وعیاشی وتبذیرسلطان عبدالعزیز هر آن ممکن‌بود استقرارصلح را دربالکان مورد خطرقراردهد. درسال۱۸۷۵ مسیحیون هرزه گوین[۱] در اثر فشار ترکها برضد دولت عثمانی شورش کردند ودرماه اوت۱۸۷۵ کمیته برای‌آزادی‌خود تشکیل داده وبا بـدست آوردن موفقیتهائی بـر علیه دولت عثمانی از تمام اسلاوها تقاضای مساعدت نمودند. اهالی مونتنگر ونیزبشورشیان کمك نموده درتمام روسیه هم‌مردم طرفدار آنها شدند.

گرچه درموقع شروع‌شورش‌آندراسی‌اعلام نمود دراین قضیه دخالتی‌نخواهد کرد ودرماه اوت۱۸۷۵ سفیرروسیه دروین بدولت اتریش پیشنهاد میانجیگری بین شورشیان ودولت‌عثمانی رانمود. دولت‌روسیه اظهارمیداشت‌منظوراز اقدام اودخالت درامورعثمانی نبوده وفقطبرای جلوگیری ازسرایت شورش بنقاط‌دیگرونگاهداری

---

(۱) Herzégovine

صلح جهانی فعالیت میکند. اقدام روسیه باعث گردید که از یکطرف شورشیان و مسیحیان بالکان بحمایت اروپائیان امیدوار گردند واز طرف دیگر دولت انگلستان تصور نمود بین روسیه واتریش موافقت مخفی برای تقسیم دولت عثمانی برقرار شده است ودولت عثمانی راتشویق بمقاومت درمقابل شورشیان نمود.

دولت عثمانی برای اینکه درصورت ظاهر بهانه شورش را ازبین ببرد در۱۲ اکتبر اعلام نمود که مشغول تهیه نقشه اصلاحات اساسی برای وضع تمام مسیحیان میباشد دولت روسیه ازبدو امر اظهار داشت که اعتمادی باظهارات دولت عثمانی ندارد. دولت اتریش که مایل نبود دراثر اقدامات روسیه نفوذ اسلاوها دربالکان توسعه پیدا کند بدست وپا افتاد تابلکه بوسیلهٔ قضیه راخاتمه دهد وپیشنهاد نمود برنامهٔ برای اصلاح حال شورشیان تهیه شده وازطرف دول اروپا بسلطان عثمانی تسلیم شود. دولت روسیه و دولت آلمان پیشنهاد آندراسی را نپذیرفتند. انگلستان اظهار نمود بهتر است بدولت عثمانی وقت داده شود تا بتواند اصلاحاتی راکه وعده داده است انجام دهد و باین ترتیب پیشنهاد اتریش متوقف ماند. در۱۲ دسامبر ۱۸۷۵ بتحریك انگلستان دولت عثمانی فرمان جدیدی منتشر نمود که اصلاحات خیلی زیادتری رابملل تابعه وعده میداد. دولت روسیه اعلام نمود که فرامین سلطان عثمانی جزاظهارات توخالی چیز دیگری نیست وبرای اصلاح وضع اهالی بسنی وهرزه گوین بایداقدام مؤثری بعمل آوردمخصوصاً که ترکهادرعوض اصلاحات دربلغارستان شروع بقتل وعام اهالی کردند

در اثر فشار روسیه آندراسی یادداشتی را که تهیه کرده بود برای تصویب و ارسال آن بدولت عثمانی باطلاع دول اروپا رسانید. دول آلمان ـ روسیه ـ ایتالیا فرانسه هیچگونه مخالفتی بامفاد آن ننمودند. دولت انگلستان نیز یادداشت مزبور را امضا نمود ولی تصریح کرد که باهرگونه اقدام عملی برای تأیید آن مخالف است بنابراین باوجوداینکه در۳۰ ژانویه این یادداشت تسلیم دولت عثمانی گردید نه دولت انگلستان ونه دولت اتریش مایل به پافشاری زیادی نسبت بدولت عثمانی نبودند ودر نتیجه دولت عثمانی فرمان جدیدی منتشر نموده واصلاحات تازهٔ راوعده داد شورشیان

نیز فریب فرامین دولت عثمانی رانخورده به‌عملیات خود ادامه دادند .

در۷مه ۱۸۷٦ متعصبین مسلمان‌قونسولهای فرانسه و آلمان رادرسالونیك‌بقتل رسانیدند . دولت آلمان به دول فرانسه و انگلستان و ایتالیا پیشنهاد نمود کشتیهای جنگی این دول برای رفـع غائله بآبهای عثمانی فرستاده شـود و در نتیجه اصرار گورچاکوف دول آلمان واتریش قرار گذاردند یادداشتی بدولت عثمانی فرستاده و اصلاحاتی رابرای شورشیان درخواست کنند . دولت فرانسه ودولت ایتالیا فوراً مفاد این یادداشت را قبول کردند ولی دیسرائیلی که جانشین گلادستون شده‌بود باارسال یادداشت مخالفت کرد . باوجود مخالفت‌انگلستان دول‌اروپا تصمیم گرفتند یادداشت خودرا در۳۰مه بدولت عثمانی تسلیم کنند امادرنتیجه اغتشاشاتی که در دربارعثمانی رخ‌داد ارسال یادداشت بتأخیرافتاد چه‌دراثر کودتائی که درقسطنطنیه بوسیله‌مدحت پاشا(۱) صورت گرفت شب‌قبل ازسی‌ام مه‌سلطان عبدالعزیز ازسلطنت خلع وسلطان مراد پنجم بجانشینی اوانتخاب گردید.سلطنت سلطان جدید نیزدیری نپائیدودر۳۱ اوت‌سلطان عبدالحمید دوم جانشین او گردید باسلطنت سلطان جدید قتل عام اهالی بلغارستان از نـو شروع شـده ودرنتیجه سختگیریهای زیادی که نسبت بمسیحیان بعمل آمد اهالی‌سربستان ومونتنگر وعلناًبرعلیه دولت عثمانی وارد درجنك شدند .

برخلاف انتظار عموم دولت عثمانی ارتش سربستان را شکست کامل داده ودر نتیجه قسمت مهم سربستان و بسنی و هرزه گوین مورد قتل و غارت وچپاول ارتش ترك واقع شدوترکها بقدری در اینکارزیاده روی کردند که حتی دولت انگلستان نتوانست‌درخواست میانجیگری سربستان را که در۲۸اوت بدول اروپا ارسال‌شده‌بود رد کند . دول‌اروپادرمقابل‌تقاضای‌سربها ازدولت عثمانی شرایط‌صلح‌راپرسش کردند درمقابل تقاضای‌سنگین دولت عثمانی وتهدید روسها دولت‌انگلستان سعی نمود ترك

(۱) ـ مدحت پاشا (۱۸۸٤ـ۱۸۲۲) سیاستمدارعثمانی که‌درظاهرطرفدار افکاراروپائی واصلاحات بود بتحریك اوسلطان‌عبدالعزیز و بعد ازاوسلطان مراد پنجم ازسلطنت‌خلع شدند . درزمان سلطنت سلطان عبدالحمید دوم به‌شرکت درقتل سلطان عبدالعزیز متهم وبعربستان تبعید شد .

مخاصمهٔ بین دولت عثمانی وشورشیان برقرار سازد ولی هیچکدام از طرفین راضی باین امر نشدند. دولت عثمانی برای انحراف توجه اروپائیان در ۱۲ اکتبر ۱۸۷۶ فرمانی منتشر نمود وبتمام ملل تابعه وعده برقراری آزادی وحکومت مشروطه را داد چون این جریان و وعده‌های ترکها بیشتر به تمسخر شباهت داشت در ۳۰ اکتبر ایگناتیف[1] نماینده روسیه در دربار عثمانی بسلطان امرداد آزار واذیت مسیحیان را متوقف سازد.

قبل از اقدام ایگناتیف تزار روسیه و گورچاکوف موافقت اتریش را تحصیل کرده بودند. در نتیجه ملاقاتی که در ۸ ژویه بافرانسوا ژوزف بعمل آوردند دولتین موافقت نمودند که بسارابی بروسیه قسمتی از هرزه گوین وبسنی به اتریش داده شود وخاك عثمانی در اروپا بین ملل رومانی و بلغارستان و یونان تقسیم شده و قسطنطنیه شهر آزاد باقی بماند. دولت آلمان نیز که اتریش و روسیه را تشویق بمداخله درامور بالکان مینمود گرچه درظاهر اظهار بی اطلاعی میکرد ولی در باطن تزار روسیه را از بیطرفی خود مطمئن میساخت.

تزار روسیه بعد از اوامری که به ایگناتیف داد در ۲ نوامبر ۱۸۷۶ به نماینده انگلستان در روسیه اعلام نمود که دیگر تاب تحمل زیاده رویهای ترکها را ندارد. دولت انگلستان هم که راه هندوستان و منافع خود را در مدیترانه درخطر میدید به جنب وجوش افتاد تاشاید قضیه را ازراه کنفرانس حل کند وبه کشتیهای جنگی خود امرداد بطرف آبهای عثمانی رهسپار شوند ودر نتیجه درقسطنطنیه کنفرانسی ازدول اروپا برای رسیدگی بوضع مسیحیان و اقدامات دولت عثمانی تشکیل گردید. کنفرانس

---

(۱) Nicolas Pavlovitch'Ignatiev (۱۸۳۲-۱۹۰۸) سردار وسیاستمدار روسی درجنگهای کریمه رشادت زیادی بخرج داد - نماینده روسیه درچین در ۱۸۶۰ - بعداً رئیس اداره امور سیاسی آسیا گردید - در ۱۸۶٤ سفیر روسیه درقسطنطنیه گردید ودرسلطان عبدالعزیز نفوذ زیادی پیدا کرد - باعث قطع روابط روسیه وعثمانی در ۱۸۷۷ گردید - از ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۲ وزارت داخله رابرعهده داشت.

قسطنطنیه بسلطان عبدالحمید پیشنهاد ترك مخاصمه نموده ودولت عثمانی رادعوت کرد بملل مسیحی بالکان استقلال محلی بدهد . سلطان عثمانی مانند همیشه اعلام داشت د رنظر دارد آزادیهای خیلی بیشتری به اتباع خود بدهـد و ترتیب اثری به تصمیم کنفرانس نداد .

دراوایل ماه مارس ۱۸۷۷ ژنرال آیگناتیف ازطرف تزار روسیه مأمور گردید بدربارهای اروپا مسافرت بنماید تابدولت روسیه اختیارداده شود تصمیمات کنفرانس قسطنطنیه رااجرا کند. ژنرال روسی دروین وبرلن وپاریس ورم درانجام مأموریت خود موفق شد ولی درلندن بامخالفت دولت انگلستان مواجه گردید . باوجود این در ۳۱ مارس بدولت عثمانی ازطرف ۶ دولت روسیه ـ آلمان ـ اتریش ـ فرانسه ـ ایتالیا ـ انگلستان یادداشتی بدولت عثمانی برای اجرای اصلاحات لازم وخلع سلاح ارتشی که برعلیه روسیه مجتمع شده بود ارسال گردید . دولت روسیه ضمناً دریادداشت جداگانه دولت عثمانی را مورد تهدید بیشتری قرارداد . دولت عثمانی در ۳ آوریل یادداشت دول اروپا وروسیه راباطلاع نمایندگانی که بعنوان مجلس مجتمع شده بودند رسانید واین مجلس مفاد آنها راغیرقابل قبول دانست . درنتیجه رد این یاداشت‌ها دولت روسیه دیگر تأمل را جایز ندانسته در ۱۶ آوریل با رومانی قرار دادی منعقد نمود وموافقت این دولت را برای عبور قـوای روسی از خاك آن جلب و در ۲۴ آوریل اعلان جنك بر علیه عثمانی را منتشر کرد .

دولت انگلستان چون نمیتوانست تنها در مقابل موافقت ضمنی دول اروپا در برابر روسیه ازدولت عثمانی حمایت کند ودرداخل انگلستان نیزعده مخالف عملیات ظالمانه ترکهابود ند بوسایل غیرمستقیم ازدولت عثمانی پشتیبانی نموده وآزادی عمل خود را حفظ میکرد بیسمارك هم کـه مایل بود دول اروپا بایکدیگر منازعه داشته باشندتااوازآن میان استفاده ببرد باوجود آنکه رسماً اظهارمینمود درقضایای دولت عثمانی آلمان هیچگونه نظر موافق یا مخالفتی ندارد روسها را تشویق بجنك نموده ونظر

اتریشیها را نیز بطرف بالکان سوق‌میداد وازاین‌جهت درمدت‌جنگهای۱۸۷۷چندین مرتبه بسته به‌فتح وغلبه طرفین سیاست خود را تغییر میدهد .

با تبلیغاتی که طرفین نمودند جنگ بین‌روسیه وعثمانی‌جنبه نژادی‌ومذهبی بخود گرفته اسلاوها برضد مسلمانان قیام مینمودند در بدو امر دربالکان ودر آسیا پیشروی سریعی نصیب‌روسها گردید ولی ناگهان بدون آنکه کسی انتظارداشته‌باشد ارتش عثمانی پایداری سختی کرده وروسها را عقب‌زدند بطوریکه مدتی بنظر میآمد روسها نتوانند غلبه کنند . تا ماه نوامبر ۱۸۷۷ ارتش‌عثمانی بپایداری‌خود در مقابل سپاهیـان روس ادامه داد تا اینکـه از ۱۲ تا ۱۸ نوامبر ارتش روسیه با حمله های پی‌درپی خود قشون عثمانی‌را شکست کامل‌داد در اروپا گراندوك نیکلا (۱) باطراف قسطنطنیه رسید ودر آسیا ژنرال ملیکف(۲) ارض‌روم وطرابوزان‌را بتصرف‌در آورد با نزدیك‌شدن ارتش‌روسیه به‌قسطنطنیه‌دولت‌انگلستان بناوگان‌خود امرداد ببغازها نزدیك شوند وباینجهت دولت روسیه جرئت نکرد قسطنطنیه را تصرف کند وچون دول‌اروپا اقدام عملی دیگری‌هم نمی‌نمودند دولت عثمانی ناچار در۲٤ ژانویه ۱۸۷۸ پیشنهاد ترك مخاصمه‌را قبول نمود ودر۳۱ ژانویه آنرا امضاء کرد .

بعد از امضای ترك مخاصمه دول انگلستان واتریش‌و آلمان که‌جز حفظ‌منافع خود طالب چیز دیگری نبودند بدرخواست کمك سلطان عثمانی‌جوابی نداده وبیاد- داشت روسیه‌هم‌وقعی نگذاردندودرمقابل نزدیك‌شدن ارتش‌روسیه به‌سان‌استفانو (۳)

---

(۱) Grand-duc Nicolas - Nicolaëvitch (۱۸۳۱-۱۸۹۱) پسرسوم نیکلای اول‌-دراوائل جنك ۱۸۷۷ فرمانده ارتش روسیه درقسمت اروپا بود .

(۲) Michael Tariélovitch Tainov Comte Loris Mélikof (۱۸۲٦-۱۸۸۸) سردار روسی - درجنگهای کریمه وقفقازشرکت کرد عملیات نظامی را درجنك ۱۸۷۷ برضد دولت عثمانی درآسیا تعقیب نمود .

(۳) San Stéfano

ناوگان انگستان به داردانل نزدیك تر گردید . سلطان عثمانی از ترس اقدامات بعدی روسها از انگلیسها تقاضا نمود تظاهرات زیادتری ننمایند واز روی اجباردر ۳ مارس ۱۸۷۸ پیمان‌سان‌استفانورا با دولت‌روسیه امضا کرد . دولت انگستان که‌موافق با امتیازات روسیه نبود از احضار جهازات خود از داردانل‌خود داری نمود . دولت اتریش ومجارستان نیز که مفاد پیمان استفانورا زیادتر از آن‌چیزی میدید که تزار روسیه‌تقبل کرده بود بنفع اتریش‌انجام‌دهد ارتش‌خودرا مجهز نگاهداشته‌وبتحریك انگلستان تشکیل کنفرانسی‌را برای حل قضیه وتصویب تغییراتی که‌درنتیجه جنگ بادولت عثمانی پیدا میشد پیشنهاد نمود .

بموجب پیمان سان‌استفانو قارص وباطوم بروسیه داده میشد-دوبروجابتصرف روسیه درمیآمدتا بتواندآنرا با بسارابی که درتصرف رومانی بود معاوضه کند.دولت وسیع ومستقل بلغارستان تشکیل شده ویك کمیسر روسی با ۵۰۰۰۰ سرباز درآنجا اقامت‌نموده‌ومأمورتشکیلات دولت‌جدیدمیگردید. حمایت تمام‌عیسویان‌ارتود کسی بروسیه واگذار میشد . مونتنگرو وسعت پیدا کرده ودولت معتبری‌را تشکیل‌میداد سربستان کاملا مستقل گشته وبسنی وهرزه گوین استقلال اداری پیدا میکردند .

بطوریکه ملاحظه میشود بموجب پیمان سان‌استفانوروسیه بآرزوهای‌دیرینه خود فوق‌العاده نزدیك شده ونژاد اسلاو اهمیت‌بسزائی‌پیدا نموده دولت‌عثمانی‌تقریباً ازتمام متصرفات اروپائی‌خود محروم میشداما دودولت‌مخالف کامل‌نقشه روسیه‌بودند یکی انگلستان دیگراتریش‌ومجارستان . درانگلستان بعدازاینکه دیسرائیلی‌ملقب به‌لردبیسکونسفیلد(۱) گردیددرژانویه۱۸۷۸درمجلس انگلستان‌اظهار نمود که‌مسائل سیاسی بالکان را نباید فقط از نظرعیسویان‌آنجا تحت مطالعه قرار داد بلکه مسئله بالکان‌مربوط به‌حیات امپراطوری انگلستان واتریش میشود . در۱۳مارس‌نیزوزارت خارجه انگلستان اعلام کرد درصورتی با تشکیل کنگره موافقت‌خواهد کرد که‌این

(۱) Lord Beaconsfield

کنگره آزادانه بتواند تمام موضوع‌های مربوط بپیمان‌سان استفانو را موردمطالعه قراردهد . دولت روسیه برای مقاومت در مقابل ادعاهای انگلستان ژنرال ایگناتیف را دومرتبه‌بوین‌فرستاد تا باواگذاری بسنی‌وهرزه گوین‌موافقت اتریش‌را جلب کند ولی تقاضاهای اتریش بقدری زیاد بود که دولت روسیه نتوانست بآن رضایت دهد درنتیجه دولت انگلستان که ملتفت عدم موفقیت مذاکرات‌وین‌شده بود درپافشاری خود سخت‌تر گردید مخصوصاً که دراثر تغییر کابینه فرانسه وزیرخارجه جدید این دولت وادینگتون (۱) بیشتر بطرف انگلستان تمایل داشت ضمناً دولت‌انگلستان پادگان‌جبل‌الطارق را اضافه نموده وبا احضارسپاهیان هندی رویه مخاصمت‌آمیزی را درپیش گرفت وبا تعیین لردسالیسبوری(۲) بوزارت خارجه در اول آوریل ۱۸۷۸ تقاضاهای‌انگلستان بدول‌اروپا اعلام گردید .

دولت روسیه که درجنگ باعثمانی فاتح شده بود در مقابل مقاومت‌انگلستان ومخالفت اتریش متحیر مانده بودآیا استقامت نموده وحاضر بمقابله بادول اروپاشود یا اینکه‌راه تسلیم‌را پیش گیرد. اگر دولت آلمان که درنتیجه کمکهای‌روسیه‌توانسته بود توسعه‌زیادی پیدا کند بااو همراهی‌میکرد باز تزارروسیه امیدی بموفقیت‌داشت ولی بیسمارك درمقابل تقاضای تزار روسیه جواب صریحی نداده ومتعذر گردید که مراقبت فرانسه مجالی برای‌او باقی نمی گذارد . علاوه بر آن بیسمارك بیمیل‌نبودبین

---

(۱) William -Henry، Waddington (۱۸۲۶-۸۹٤) باستان شناس و سیاستمدارفرانسوی ـ اصلاانگلیسی بود در۱۸۷۲ بنمایندگی مجلس فرانسه انتخاب شد در۱۸۷٦ بنمایندگی سنا انتخاب گردید ـ در۱۸۷٦ وزیرفرهنگ در۱۸۷۷ وزیرخاجه و در۱۸۷۹ نخست وزیرشد ـ نماینده فرانسه در کنگره برلن ـ تألیفات زیادی راجع به باستان شناسی دارد

(۲) Robert-Arthur-Talbot-gascoyne-cecil، marquis de Salisbury (۱۸۳۰-۱۹۰۳) سیاستمدارانگلیسی در۱۸۵۳ بنمایندگی مجلس انتخاب‌شد ـ جزءدسته‌محافظه کاران گردید ـ در۱۸٦۸ عضو مجلس لردها شد ـ در۱۸۷۸ وزیرخارجه انگلستان شد ـ بعدازفوت دیسرائیلی سردسته محافظه کاران گردید وچندین مرتبه نخست‌وزیرانگلستان شد .

انگلستان وروسیه تزاری درگیرد وبا ضعیف‌شدن طرفین دولت آلمان بتواند سیادت خودرا براروپا تحمیل کند .

دولت انگستان با تمام مخالفتی که باپیمان سان‌استفانو داشت منظوربیسمارك را ملتفت‌شد . دولت‌روسیه‌هم که نمی‌توانست یکه وتنها درمقابل انگلستان واتریش پایداری کند ازدر مسالمت درآمد واز دولت‌انگلستان تقاضا نمود تغییراتی که این دولت لازم میداند در پیمان سان استفانو بعمل آید معین کند . با جدیت کنت‌ـ شووالوف(۱) سفیر کبیر روسیه درلندن‌دولت انگلستان‌شرایط‌خودرا مخفیانه باطلاع روسیه‌رسانید. ضمناً در ٤ ژوئن ۱۸۷۸ دولت‌انگلستان مخفیانه پیمانی‌بادولت‌عثمانی منعقد نمود که بابت بهای پشتیبانی ازدولت عثمانی و وعده همراهی باین دولت در کنگره اجازه اشغال جزیره قبرس بدولت انگلستان داده میشد . بدولت اتریش و مجارستان نیز وعده داده شد در کنگره در مورد اشغال بسنی وهرزه گوین توسط ارتش‌اتریش مساعدت شود .

بعداز این‌جریانات درسوم ژوئن ۱۸۷۸ نامه‌های دعوت کنگره برلن‌ازطرف بیسمارك صدر اعظم آلمان برای دول‌ذینفع فرستاده شد . در ۱۳ ژوئن کنگره برلن بریاست پرنس‌دوبیسمارك مرکب ازنمایندگان دول آلمان‌ـ انگلستان‌ـروسیه‌ـاتریش ومجارستان‌ـفرانسه‌ـ ایتالیا‌ـعثمانی‌افتتاح گردید . بدون اینکه‌واردجریان‌مذاکرات کنگره و مشاجراتی که بین‌نمایندگان انگلستان و روسیه وعثمانی پیش آمد وارد شویم‌نتیجه‌پیمان‌برلن‌را که‌در۱۳ژوئیه۱۸۷۸منتشر گردید بطورخلاصه‌ذکرمیکنیم

بموجب پیمان برلن مونتنگرو از ثلث فتوحات‌خود محروم وممنوع‌ازداشتن سفاین جنگی گردید .

---

(۱) Pierre Andreevitch, Schouvalov (۱۸۲۷-۱۸۸۹) سیاستمدار روسی در۱۸٦٦ رئیس شهربانی شد ـ در۱۸۷۳ بنمایندگی روسیه بلند فرستاده شد ـ مذاکرات انگلستان وروسیه را برای تشکیل کنگره برلن تسهیل نمود ـ یکی‌ازنمایندگان روسیه در کنگره برلن :

هرزه گوین تحت اشغال اتریش در آمده و با توسعه از بقایای فتوحات مونتنگرو زبسنی دور گردید .

سربستان کوچك شده وازالحاق بسنی محروم شد .

بلغارستان به سه قسمت تقسیم شد قسمتی که شامل صوفیه بود به بلغارها داده شد ــ قسمتهای جنوبی بدولت عثمانی واگذار گردیدمقدونیه نیز بدولت عثمانی پس داده شد .

دولت اتریش و مجارستان علاوه بر اشغال بسنی و هرزه گوین شاهراهای مقدونیه را تحت نظر خود درآورد ونظارت دریائی مونتنگرو نیز بعهده این دولت واگذار شد .

حمایت ارامنه عثمانی بدولت انگلستان واگذار گردید تا روسیه روسیه دیگر نتواند ازاین بابت در امور عثمانی مداخله کند .

اشغال جزیره قبرس توسط انگلستان تأیید گردید .

دولت رومانی درعوض واگذاری بسارابی بروسیه دوبروجا را متصرف شد .

بتقاضای دولت یونان کسی گوش نداد وجزوعده ووعید نصیبی پیدا نکرد .

آزادی بغازها درزمان صلح وبسته شدن آنها درموقع جنگ دو مرتبه تأیید گردیدوروسیه ازمستحکم نمودن بندر باتوم که بتصرف اودرآمده بود صرفنظر کرد.

دولت عثمانی متعهد گردید اصل مساوات را بین تمام اتباع خود برقرار سازد و دول اروپا متعهد شدند برای خفظ حقوق ارامنه اساس اداری برای آنها بریزند .

آزادی کشتیرانی در روی رود دانوب دومرتبه تأیید و کمسیونی برای اینکار تعیین شد .

پیمان برلن که در نظر داشت تمام دول را راضی نگاه دارد در حقیقت باعث ناراضی نمودن اغلب دول اروپا گردید زیرا هیچکدام ازآنها بمقصود خود نرسیده و دیر یازود منتظر فرصت میشدند تابآرزوهای خود رسیده یا انتقام خودرا بازستانند.

دولت عثمانی این مرد بیمار بیشتر از همه مورد تجزیه واقع شده بود دولت روسیه انگلستان دولت اتریش ومجارستان دول بالکان هر کدام سهمی از این طعمه بدست آوردند ونظرخودرا متوجه قسمتهای دیگر میکردند تنها دولتی که برای خود سهمی قائل نشد دولت آلمان بود که ازاین امر استفاده نموده خود را تنها حامی او قلمداد نمود وباینوسیله سعی میکند دولت عثمانی را تحت نفوذخود درآورد .

ملل بالکان هیچکدام راضی نبودندسر بستان ومونتنگرو ازنتیجه فتوحات خود محروم شده بودند . بلغارستان به ثلث آنچه که پیمان سان استفانو پیش بینی نموده بود تقلیل پیدا کرد . دولت رومانی که متحدروسیه بودمجبوربوا گذاری بسارابی گردید اهالی بسنی وهرزه گوین بمقصودخودنرسیدند. یونانیهاجزوعده چیزی دریافت نکردند عیسویانی که در کشورعثمانی باقیمانده بودند بازدچاروعده‌های اصلاح دولت عثمانی شدند وعملا دروضعشان بهبودی حاصل نشد .

دولت روسیه که با مخارج گزافی جنگ باعثمانی را متحمل گردید و بواسطه دخالت دول دیگر اروپا ازثمره فتوحات خود محروم شده بود حس کینه و نفرت او نسبت بانگلیسها تقویت شده ومنتظر تلافی بود نسبت باتریش ومجارستان نیز نظرخوبی نمیتوانست داشته باشد زیرا این دولت را همواره خارراه خود برای نفوذدرملل بالکان میدید بدینجهت تامیتواند برای متلاشی ساختن این امپراطوری تبلیغات اتحاداسلاو را در این کشور توسعه میدهد . نسبت بآلمان هم از رفتار بیسمارك وحق ناشناسی او که درموقع لازم از کمك بروسیه دریغ کرده بود گله پیدا کرد .

دولت انگلستان که بنظر میآمد بدون زحمت موفقیت زیادی کسب کرده است نیز راضی بنظرنمیرسید زیرا نتیجه مداخله انگلستان در تقسیم عثمانی باعث شده بود که اعتبار این دولت در قسطنطنیه و اطمینانی که ترکها بانگلیسها داشتند ازبین رفت . ازطرف دیگر ازعملیات روسیه برای انتقام ازانگلستان وتوسعه اتریش در بالکان نیز درتشویش بود .

دولت اتریش ومجارستان که از اواخرسال ۱۸۷۸ بسنی وهرزه گوین را اشغال

کرد ودرنتیجه این عمل که برخلاف میل اهالی انجام میگرفت مشکلی برمشکلات سابقش اضافه نموده وعلاوه برآن گرفتار اعتراض مجارها که باتوسعه ملل اسلاودر امپراطوری اتریش مخالف بودند گردید. تبلیغات اتحاد اسلاو روسیه ودشمنی این دولت نیزاساس امپراطوری اتریش ومجارستان راتهدید مینمود.

موافقت ضمنی که کنگره برلن راجع به‌تصرف تونس از طرف فرانسه نمود باعث ایجاد اختلاف بین این دولت ودولت ایتالیا میگردید صرفنظر ازاینکه دولت انگلستان درباره قضایای مصرمیل به‌تقویت فرانسه نداشت.

دولت ایتالیا که از کنگره برلن بهره مستقیمی نبرده بود شروع به‌تبلیغ برای بدست‌آوردن تمام نواحی که بنظرایتالیائیها تحت تصرف اتریش بود مینمود وازاین طریق اسباب‌مزاحمت اتریش‌رافراهم میآورد درافریقاهم‌نظرخود رامتوجه‌متصرفات دولت عثمانی مینماید.

دولت آلمان که باسیاست‌بیسمارك تقریباً داور اروپا شده بود وحل‌وعقدتمام امورسیاسی اروپا اززیر نظرآن میگذشت باعث تحریك حس حسادت دول مختلف گشته ودر نتیجه معلوم بود که دیریا زود ائتلافهائی برای ازبین بردن مقام او رخ خواهد داد.

بطوریکه ملاحظه میشود پیمان برلن ۱۸۷۸ برروی هیچ اصلی اتکاءنداشت ودول مختلف جزحفظ منافع خود نظری ابراز نداشتند.

فصل یازدهم

مصر و انگلستان

دیسرائیلی - توسعه امپریالیسم انگلستان - مصر و حفره ترعه سوئز خریداری سهام ترعه سوئز - تصفیه قروض مصر - استقرار نفوذ انگلستان - خلع اسماعیل پاشا - کابینه گلادسیون - اقدامات ملیون - عربی پاشا - عدم مداخله فرانسه - زیاده روی عربی پاشا - کنفرانس قسطنطنیه - بمباران اسکندریه - اشغال مصر توسط انگلیسها - شورش درویشان درسودان - کنفرانس لندن سقوط خارطوم - کنفرانس پاریس - سقوط کابینه گلادستون - اتفاق انگلستان وعثمانی حمایت انگلستان برمصر - ختم شورش سودان

درماه ژانویه ۱۸۷٤ دیسرائیلی (۱) نخست وزیر انگلستان گردید - تغییر کابینه انگلستان در اساس سیاست خارجی انگلستان تأثیرات زیادی داشت وفعالیت امپریالیستی

(۱) Banjamin Disraëli, lord Bcaconsfield (۱۸۸۱-۱۸۰٤) سیاستمدار معروف انگلیسی اصلا یهودی ولی بعد دین مسیح را قبول کرد - بزودی وارد روزنامه نویسی شده و چندین رمان نیز منتشر کرد - درسالهای ۱۸۳۲ و ۱۸۳۵ درانتخابات شرکت کرد ولی شکست خورد - در ۱۸۳۸ بنمایندگی مجلس انتخاب شد وجزو دسته محافظه کاران گردید رفته رفته ریاست حزب محافظه کار را در دست گرفت - در ۱۸۵۲ وارد کابینه شد ودر کابینه‌های بعدی هم که از محافظه کاران تشکیل میشد شرکت کرد - در ۱۸۷٤ نخست وزیر انگلستان گردید وقوانینی بنفع کارگران بتصویب رسانید - درسیاست خارجی طرفدار توسعه امپراطوری انگلستان بود - درسال ۱۸۷٦ ازطرف ملکه ویکتوریا لقب لردی دریافت کرد - تالیفات ادبی بسیاری ازخود بیادگار گذاشته است .

انگلستان بیش ازبیش شدت پیدا کرد . دیسرائیلی که سردسته محافظه کاران بود برخلاف سلف خود گلادستون[۱] که بیشترهم خود را صرف اصلاح امـورد اخلی انگلستان ومسئله ایرلند مینمود متوجه توسعه امپراطوری انگلستان گردید . واز همان وحله اول با توسعه نفوذ روسیه در دولت عثمانی شروع بمخالفت کرد . تنهـا دولتی که مخالف‌جدی باشرائط پیمان سان استفانو نمود دولت انگلستان بودووقتی دیسرائیلی‌مشاهده کرد دولت‌عثمانی رانمیتواند نجات بدهد قبل ازحضوردر کنگره برلن‌پیمان مخفی بادولت عثمانی منعقد ساخته بااشغال جزیره قبرس‌مراقبت مصر و آسیای صغیررابدینوسیله‌برای‌انگلستان تأمین کرد درسال ۱۸۷۶ هم بادادن عنوان امپراطوری هندوستان‌بملکه‌انگلستان شهرت وعظمت انگلستان رابالا برد .

مسئلهٔ که‌درنیمه دوم قرن نوزدهم نظر انگلستان رابطرف خود جلب میکرد موضوع مصربود.حفرترعه‌سوئز نیزیکی ازمشکلات‌سیاسی انگلستان‌شده‌بوددرزمان ناپلئون اول انگلستان باتمام قوابرضد استقرارنفوذ فرانسه درمصراقدام کرد ، بعد از رانده‌شدن ناپلئون ازمصر گرچه این کشور اسماً تحت تسلط عثمانی قرار داشت ولی عملا مستقل بود. وبواسطه وجود عدهٔ زیادی فرانسوی سازمان اداری آن تحت نظر فرانسویهاتشکیل‌شده‌ودولت فرانسه‌نفوذزیادی درمصرپیدا کرد فردینانددولپس [۲]

(۱) William Ewart, Gladstone (۱۸۰۹-۱۸۹۸)سیاستمدارمعروف‌انگلیسی دربدوامر جزء محافظه کاران بود ولی‌آنها راترك نموده وارد دستجات آزادی‌طلبان گردید وریاست‌آنان رادردست گرفت - در۱۸۵۲ بوزارت رسید نخست وزیرانگلستان از۱۸۶۵ تا۱۸۷٤ از۱۸۸۰ تا ۱۸۸۵ - در۱۸۸٦ از۱۸۹۲ تا ۱۸۹٤ -گلادستون‌یکی ازسیاستمداران مبرزانگلستان‌وسعی بسیاری برای‌حل‌مسئله ایرلاند واصلاحاتی‌درقوانین انتخاباتی‌نمود - درزمان صدارت‌او کلیسیا ازدولت جداشد واصلاحات بسیاردیگری نمود مخالف جدی سیاست خارجی دیسرائیلی بود .

(۲) Ferdinand-Marie, Vicomte de Lesseps (۱۸۰۵-۱۸۹٤)سیاستمدار فرانسوی - بعد از طی خدمات‌سیاسی‌در۱۸٤۹ منتظرخدمت شد - در۱۸۵٤ امتیازحفر ترعه سوئزرا بـدست آورده ازسال ۱۸۵۵ شروع بکار کرد - بعد از رفع مشکـلات گوناگون حفرترعه راتمام کردودر۱۸٦۹ ترعه سوئزرسماً افتتاح شد - در۱۸۸٤ بعضویت فرهنگستان فرانسه‌انتخاب شد- ازسال ۱۸۷۹ سعی بسیاری برای حفرترعه پاناما بکار برد ولی زحماتش دراینقسمت به‌نتیجه نرسید .

بابدست آوردن امتیاز حفرترعه سوئزبتوسعه نفوذ فرانسه کمك زیادی کرده بود و چون دولت انگلستان میترسید باافتتاح این ترعه که درسال ۱۸۶۹ صورت گرفت منافع امپراطوری انگلستان بخطر افتد در بدو امر مخالفت بسیاری باآن نمود و کارشکنی های زیادی برای ترعه سوئز ایجاد کرد.

بعد ازحفرترعه سوئز دولت انگلستان درصدد میافتد بوسائل ممکنه از نفوذ فرانسه درمصرجلوگیری نموده واین شاه راه مهم رادراختیارخود درآورد.وضع مالی مصربهترین وسیله رادردسترس سیاستمداران انگلیسی گذاشت زیرا درزمان اسماعیل پاشاخدیومصر قروض این کشوربالغ برسه میلیاردفرانك گردیده ومحلی برای پرداخت اصل وفرع آنها باقی نمانده وتنها سرمایهٔ که دراختیارخدیو مصرباقی ماند ۱۷۷۰۰۰ سهم ازسهام ترعه سوئزبود که منافع بیست وپنج سال آنهاهم بگرو گذاشته شده بود. در ۱۱ ژانویه ۱۸۷٤ دیسرائیلی بوسیله بارون دوروچیلد(۱) سعی کرد امتیازترعه سوئز را از فردینانددولپس خریداری کندولی فردینانددولپس حاضربرای انجام معامله نگردید درسال ۱۸۷۵ خدیومصربرای بدست آوردن وجه درصدد برآمد سهام خودرا درترعه سوئزبفروش برساند وچون بانکداران فرانسوی روی خوشی باونشان ندادنددیسرائیلی ازموضوع مطلع گردیده ازموقع استفاده نمودوبدون اینکه قضیه را باطلاع وزیران ومجلس انگلستان برساند مبلغی از بارون دوروچیلد قرض و در ۲۵ نوامبر ۱۸۷۵ سهام ترعه سوئزخدیو مصر را برای دولت انگلستان خریداری نمود . بعد ازختم معامله دیسرائیلی قضیه را باطلاع وزیر مالیه انگلستان رسانید . ملت انگلستان از شاهکارنخست وزیرخودغرق شعف وشادی گردید درصورتیکه دولت روسیه ودولت فرانسه ازتأسف خودداری نمیتوانستندبکنندوچون دستشان بجائی بندنبودعمل انگلستان رانننك آور قلمداد نمودند . بانکداران اروپائی نیز زیاد از این قضیه دلگیر نبودند

(۱) Baron de Rotchild خانواده روچیلد یهودی بوده واصلا اهل فرانکفورت در آلمان بودند ازقرن ۱۹ باینطرف اعضای این خانواده درپایتخت های اروپا ازبانکداران مهم وبانفوذ درامورمالی بودند .

زیرا نفوذ انگلستان را درمصرضامن وصول طلب خود میدانستند.

باتکاء ملت انگلستان و بانکداران اروپا دیسرائیلی در اوائل سال ۱۸۷۶ نمایندگانی بمصرفرستاد تافهرستی ازقروض این کشورتهیه شده وباتنظیم بودجه‌مصر نصایحی به‌خدیومصربدهند. دولت فرانسه نیزازترس مداخله انگلستان‌فوراً نمایندهٔ بمصراعزام نمودتا قروض مصر بوسیله کمیسیون بین‌المللی‌تثبیت شده و بدون اینکه مالیه کشورمصر تحت نظارت‌قرار گیرد درپرداخت منافع قروض این دولت مراقبت بعمل آید. درنتیجه خدیومصربا پیشنهاد فرانسه موافقت نمود ودر۱۸ نوامبر۱۸۷۶ پیمانی منعقد گردید که بموجب آن اداره مالی مصر بدست دوبازرس یکی فرانسوی ودیگری انگلیسی سپرده‌شد.

اسماعیل پاشا که بافروش سهام‌خود درترعه سوئزو گرفتن قرضه‌های‌دیگری ازانگلستان کاملا تحت نفوذ این دولت درآمده بود بتحریك انگلستان‌سعی میکرد بازرس فرانسوی رابکلی‌از کاربر کنار کند وبدینجهت کمیسرانگلیسی‌بوزارت‌مالیه مصرمنصوب شد. درموقع انعقاد کنگره برلن وادینگتون وزیرخارجه فرانسه که امیدوار بود بدون دخالت دول اروپا بهتر بتواند قضیه مصررا با انگلستان حل کند شرط حضور فرانسه را در کنگره موکول باین امر نمود که مسئله مصر در کنگره برلن مطرح نشود. انگلیسهاهم که این موضوع راموافق بامنافع خود میدیدندفوراً قبول کردند.

اقدامات‌انگلستان‌درمصر کم کم باعث زحمت خدیومصرمیگردید.خدیومصر برای خلاصی از نفوذ انگلستان بیچارگی رعایای خودرا بهانه کرده وسعی نمود از پرداخت قروض مصراستنکاف کند. درنتیجه تحریك احساسات مصریان‌واغتشاشاتی که دراین کشور روی داد اسماعیل پاشا اعلام نمود مجبوراست وزرای خارجی‌را از مصر بیرون نموده واداره مصررا بدست مصریها بسپارد برای بدست آوردن مساعدت فرانسه نیزاعلام داشت درنظردارد دومرتبه اختیارات دوبازرس قدیمی رابرقرارسازد دولت‌فرانسه که مایل نبود دراینموقع اختلافی باانگلستان پیدا کند خدیومصررا از

اینکارسرزنش کرد بیسمارك نیزاعلام نمود بهیچوجه اجازه نخواهد داد بـه حقوق اتباع آلمان واتریش خللی وارد آید .

چون بیسمارك مایل بود موازنه که درنتیجه کنگره برلن در اروپا برقرارشد بود حفظشود بتحریك اودر۲۵ ژوئن ۱۸۷۹ سلطان‌عثمانی بموجب فرمانی اسماعیل پاشا را ازخدیوی مصرخلع نموده وطبق تمایل انگلستان پسرش توفیق‌پاشا که‌بیشتر تحت نفوذ انگلستان بود خدیو مصر شد . ولی دولت عثمانی درصدد برآمد ازموقع استفاده نموده واختیارات خود را در مصر توسعه داده این کشور را دومرتبه بصورت ولایتی درآورد .

تهدید مداخله عثمانی درامورمصر درموقعی اتفاق افتاد که سیاست استعماری انگلستان در چندین نقطه دیگر دچار شکست شده بود مثلا درافغانستان که بعد از زحمات بسیار و جنك سختی امیر شیر علی بموجب معاهده گندمك در مه ۱۸۷۹ حمایت انگلستان راقبول کرده بود بمحض ورود نماینده انگلستان بکابل‌قتل عامی ازانگلیسها دراین شهررخ داد .

درافریقای جنوبی نیزپادشاه زولوها(۱) سه‌ستون ازارتش اعزامی انگلستان‌را بقتل رسانیده‌بود .

عکس‌العمل اینقضایا درانگلستان باعث سقوط کابینه دیسرائیلی وبرقراری مجدد کابینه گلادستون گردید.اولین‌اقدام کابینه‌جدیدانگلستان‌متوجه‌مصر گردید دولت‌مصرجداً بر مداخله سلطان عثمانی درامور مصر اعتراض نمود وسلطان عثمانی مجبورشدبموجب فرمانی در۷ اوت۱۸۷۹ اختیار خدیو مصررا برسمیت بشناسد فقط خدیو مصر موافقت نمود درآتیه تمام تصمیماتی را که مربوط بواگذاری اراضی یـا اختیاراتی که ازطرف‌سلطان عثمانی باو اعطا شده است‌یامیشودباطلاع سلطان‌برساند وعلاوه برآن مجبور گردید مشاورین انگلیسی وفرانسوی را دومرتبه در حکومت خود برقرارسازد . برطبق پیشنهاد دولت فرانسه نیزدر۱۷ ژوئن ۱۸۸۰ خدیو مصر

---

(۱) zoulous

قبول کرد تصفیه قروض مصر بیك کمیسون بین‌المللی واگذار شود تامیزان این قروض معلوم گردیده وبرای تمام آنها بهرهٔ ازقرار ٤ درصد درسال تعیین شود.

دولت مصر گرچه بامداخله زیاد اروپائیان درامورمصر مخالفت داشت ازروی ناچاری از تصفیه قروض مصر خوشحال بود ولی دولت انگلستان با وجود آنکه با صدارت گلادستون خود را طرفدار اصل حاکمیت ملل نشان میداد سعی میکرد ببهانه‌های مختلف روز بروز نفوذ انگلستان را در مصر توسعه دهد ژنرال قونسول انگلستان درمصر مالت[1] ازسختگیری‌های حکومت ریاض پاشا درمصر استفاده نموده خودرا حامی فلاحان قلمداد نمود وبه‌رؤسای ملیون تلقین کرد که اروپائیان برای تصفیه قروض مصرمنافع مستخدمین ادارات ومالیات دهندگان مصری رافدای وصول‌طلب خود میکنند. رؤسای ملیون بتحریك‌قونسول انگلستان مالت بایکی از افسران ارتش موسوم به‌عربی پاشا[2] وارد مذاکره شده ودرماه فوریه ۱۸۸۱ از خدیومصرعزل وزیرجنك مصررا که اقدامات آنها راخنثی مینمود درخواست کردند خدیومصرهم باصرار مالت وزیرجنك راخلع نمود ویکی ازحامیان عربی پاشاوزیر جنك وخود عربی پاشا بریاست کمیسیونی مأمور اصلاحات ارتش گردید درتابستان سال۱۸۸۱ ملیون مصربتحریك انگلستان عزل خود ریاض پاشا رادرخواست کردند اماخدیو مصر حق رابجانب ریاض پاشا داد. ووزیر جنك مصررا معزول نمود ارتش مصربتحریك عربی‌پاشاعزل‌وزیرجنك رابهانه قرارداده شروع بشورش کرد وباتهدید

(۱) Sir Edward Brldwin Malet (۱۹۰۸-۱۸۳۷) سیاستمدار انگلیسی. بعد ازطی‌خدمات‌سیاسی وعهده‌دار بودن نمایندگی سیاسی انگلستان درعثمانی ومصرو بلژیك در۱۸۸٤ سفیر کبیرانگلستان در برلن گردید.

(۲) احمد عربی‌الحسینی‌عربی پاشا(۱۹۱۱-۱۸۳۹) سردارمصری - یکی ازسران‌ملیون مصرطرفدار اخراج خارجیان‌ازمصر- در۱۸۸۲ وزیرجنك مصرشد وسعی کرد دیکتاتور خودرا درمصر برقرارسازد- بعد ازشکست ازارتش انگلستان محکوم باعدام شد ولی بوساطت‌انگلستان‌مجازات اوتخفیف یافت‌وبه‌سیلان تبعید گردید - درسال ۱۹۰٤ توانست دومرتبه بمصرمراجعت کند.

خدیومصرعزل ریاض پاشاوتأسیس مجلس ملی برای تصویب لوایح مالی والغای اختیارات مفتشین مالی را که بیشترمورد نظرانگلستان بود تقاضا نمودند . خدیومصرهم مجبور گردید درسپتامبر ۱۸۸۱ ریاض پاشا را ازوزارت معزول نموده ومجلس ملی برای مصر دعوت کند،

دولت انگلستان برای ممانعت ازمخالفت فرانسه درفرانسه اقداماتی نمود تا قونسول این دولت درمصر که موافق با اقدامات مالت نبود عوض شود وچون کابینه فرانسه دراینموقع قصد داشت درتونس مشغول اقداماتی شودمخالفت باانگلستان را جایز ندانسته ودرنتیجه درمصر حکومت ظاهراً ملی که کاملا تحت نفوذانگلستان بود برقرارشد . بیسمارك که کاملا مراقب قضایای مصربود درنزد دولت عثمانی اقداماتی بعمل آوردتاسلطان عثمانی برای حفظ حقوق خودبه کابینه مصراعتراض کندامادولت فرانسه که بانقشه انگلستان موافقت ضمنی کرده بود مخالفت خود را بااقدام سلطان عثمانی صریحاً ابراز نمود .

دولت انگلستان نیزبرای جلوگیری از اقدامات احتمالی عثمانی دو ناوشکن به‌بندراسکندریه فرستاد وباین ترتیب دولت انگلستان‌توانست بوسیله‌اتفاق بافرانسه ازمداخله‌عثمانی وبوسیله‌ملیون مصرازمداخله فرانسه درامور مصرجلوگیری کند .

در ۱٤ نوامبر ۱۸۸۱ گامبتاوزیرخارجه فرانسه گردید . کابینه جدید فرانسه که مایل نبود دست‌انگلستان را کاملا درمصر باز گذارد در۲۵ دسامبر ۱۸۸۱بدولت انگلستان پیشنهاد نمود وسائل تقویت‌خدیو مصررا فراهم کرده واین کشوررازهرج ومرج خلاصی بخشد وزیر خارجه جدید انگلستان لرد گرانویل(۱) که نمیتوانست علناً پیشنهادفرانسه رارد کند باارسال یادداشتی در۷ ژانویه۱۸۸۲ برروی‌این اصول ناچارموافقت نمودااما معلوم بود که موافقت انگلستان باپیشنهاد فرانسه فقط برای

(۱) Georges Loveson-Gower lord-Granville (۱۸۹۱-۱۸۱۵)سیاستمدار انگلیسی در۱۸۳۷ بنمایندگی مجلس انتخاب‌شد - جزء احزاب آزادی خواه بود-چندین مرتبه وزیر ووزیرخارجه انگلستان شد .

حفظ صورت ظاهر است اقدامات مالت درنزد خدیو مصر نیز مؤید این قضیه بود در ۲٦ژانویه ۱۸۸۲ کابینه فرانسه سقوط نموده ودولت انگلستان ازمقاومت کامبتا در مورد سیاست اودر مصر آزاد گردید . درهمانروز درنتیجه اقدامات عربی پاشا که از ٤ژانویه ۱۸۸۲ معاون وزارت جنك گردیده بود ارتش مصرخود را دراختیار ملیون گذاشته‌وکابینه‌مصرمجبور باستعفا گردید. قانون‌اساسی نیز در۷فوریه‌تصویب گردید که مجلس ملی مرکب از ۱٥۰نفربرای اداره امور کشور تعیین مینمود وزیران‌مصر نیز درمقابل‌مجلس مسئول‌شناخته شده ودرنتیجه نظارت فرانسه‌وانگلیس درامورمصر ازبین میرفت .

بااین ترتیب دولت انگلستان درنظرداشت ازطاعت عربی پاشا که وزیر جنك شده بود وانگلیسها درنظرداشتند اورا دیکتاتـور مصربنمایند استفاده کرده وایـن کشوررا کاملاتحت نفوذخودقراردهند . وزیرخارجه جدید فرانسه فریسینه[1] نیز در مقابل اقدامات انگلستان اعتراض ننمود مأمورین فرانسوی هـم درمصر بدستور دولت فرانسه سکوت اختیار کردند وحتی دولت فرانسه حاضرشد قانون اساسی‌مصر توسط دول اروپا ضمانت شود تاراه مداخله دولت عثمانی درمصرمسدود گردد .

عربی پاشا که‌دراینموقع‌سرمست ارتقاءخود شده بود بدون‌جلب‌نظرانگلستان سعی نمود دیکتاتور خودرا برمصرتحمیل کند دردهم آوریل ببهانه اینکه سوءقصد هائی برعلیه او شده است خدیو مصر را مجبور به تشکیل یك دادگاه نظامی نمود . این دادگاه نیزبدستور عربی پاشا بیش از ٤۰ حکم محکومیت مخالفین عربی‌پاشارا صادرنموده . مالت که‌دراینموقع وزیر مختار انگلستان درمصر شده بود چون عربی پاشارا کاملامطیع‌خودنمیدیدخدیومصرراتشویق بمقاومت‌درمقابل عملیات عربی‌پاشا

---

(۱) Charles-Louis de Saules de Freycinet (۱۹۲۳ - ۱۸۲۸) مهندس وسیاستمدارفرانسوی - از۱۸۷۰تا۱۹۲۰ بسمت سناتورانتخاب شد - چندین مرتبه‌وزیر وزارت خانه های مختلف وزیر خارجه و نخست وزیر فرانسه شد - در ۱۸۹۰ بعضویت فرهنگستان فرانسهٔ انتخاب شد-تألیفات علمی وادبی بسیاری‌ازخودبیادگار گذاشته‌است

نمود و در نتیجه در ۱۰ مه۱۸۸۲ خدیو مصر حکم دادگاه را باطل کرد . دریازدهم مه‌وزرای مصربه عمل خدیو اعتراض کرده وازاو جداً درخواست کردند درمقابل پارلمان مصرحاضرشده وتوضیح دهد تاباوارد کردن ایراداتی براو دیکتاتور عربی پاشا رامسجل سازند .

دولت فرانسه برای حل قضیه پیشنهاد کرد سلطان عثمانی خدیو مصرراخلع نموده وپسرش حلیم پاشا رابجای‌اومعین کند دولت انگلستان که‌توفیق پاشارامواقق منافع خود میدیدباپیشنهاد فرانسه موافقت ننمود وبااتفاق‌دولت فرانسه‌تصمیم گرفته شد دوازده کشتی جنگی فرانسه برای تهدید عربی پاشا به‌آبهای مصر فرستاده شود چون شرط اعزام این کشتیها این بود که سربازان بخاك مصرپیاده نشوند این‌تهدید در عربی پاشا تأثیری ننمود و در مقابل تقاضای استعفای کابینه از طرف خدیو مصر عربی‌پاشا اتمام‌حجتی بعنوان‌مصرخدیومصر صادر کرده وازمجلس‌ملی‌مصرخلع‌خدیو راتقاضا کرد . رئیس‌مجلس مصربتحریك انگلستان‌خواست بین‌خدیومصروعربی‌پاشا میانجیگری نمایداما عربی‌پاشا شرط سازش خودرا تسلیم خدیوبه پیشنهادهای‌خود قرارداد . در نتیجه دولت انگلستان علناً مخالفت خود را باعربی پاشا اعلام و بدولت فرانسه اطلاع داد که آزادی عمل خودرا محفوظ میدارد .

برای حل‌قضیه در۷ ژوئن دولت‌عثمانی مأموری بمصرفرستاد تابین‌خدیومصر وعربی پاشا داوری‌نماید . عربی پاشا برای اینکه قضیه رازودتر بنفع خود تمام کند شورشی در اسکندریه برضد اروپائیان برپا نمود و دول اروپا مجبور گردیدند اعلام کنند اگر سلطان عثمانی غائله مصررا رفع نکند متوسل باقدامات جدی خواهند گردید.دولت‌فرانسه‌برای جلوگیری‌ازاقدام‌دولت عثمانی پیشنهادتشکیل کنفرانسی را درقسطنطنیه نمود . دولت عثمانی که مایل بمداخله درامورمصر بود ازحضور در کنفرانس‌تعلل کردتااینکه در۲۳ ژوئن بدون حضورنماینده دولت‌عثمانی کنفرانس در قسطنطنیه تشکیل گردید. در کنفرانس اصولا موافقت شد سلطان عثمانی فقط برای‌سه‌ماه جهت استقرارنظم درامور مصرمداخله کنند .

دولت انگلستان نیزتقبل نمودجز درموقع بروزقوه مجریه جداگانه درمصر اقدامی بعمل نیاورد. اما دولت انگلستان‌باین بهانه که تقویت دفاع ساحلی مصر که بدستور عربی پاشا انجام میگرفت قوه جبریه است به ناوگان خود امر داد تجهیزات دفاعی اسکندریه رابمباران کنند ودر۱۱ ژویه‌درمقابل بمباران اسکندریه مصریها هم‌محله اروپائیان را دراین شهرمورد غارت وچپاول قراردادند.

در۱۵ ژویه ۱۸۸۲ ببهانه حفظ ترعه سوئزومتوقف‌نمودن‌قتل‌وغارت‌اروپائیان ارتش انگلستان در مصر پیاده شد دولت انگلستان برای حفظ ظاهر ازدولت فرانسه ودولت ایتالیا نیزدعوت نمود در این عمل شرکت کنند دولت فرانسه که از اقدامات آلمان هراسان بود انتظارداشت قبل ازاقدام عمل مداخله درمصر بتصویب دول‌اروپا برسد ووقتی‌هم که مصمم به مداخله‌درامورمصر گردید بواسطه سقوط کابینه‌فرانسه در۲۹ ژویه ازارسال نفرات بمصرخودداری نمود.

اقدامات انگلستان درمصرچون بیشترجنبه اداره مالیه وحفظ‌حقوق‌طلبکاران مصررا بخود گرفته بود درهمه جامورد قبول عامه واقع گردید مخصوصاًمحافل‌مالی وبانکی که دخالت انگلستان را درمصربهترین وثیقه برای بدست آوردن طلب خود میدانستندبعد ازشکست مصریهاانگلستان حمایت کامل خودرا برمصر تحمیل وتمام ادارات وارتش مصربدست انگلیسها سپرده شدولی برای‌رفع اعتراضات فرانسه کابینه انگلستان که‌درظاهر خودراحامی ملل‌قلمداد مینمود بوسیله‌لردگرانویل‌در۳ژانویه ۱۸۸۳اعلام نمود که‌روزی که مصرعناصرلازم رابرای‌استقرار امنیت وترقی‌پیدا کند دولت‌انگلستان مصرراتخلیه خواهدنمرد ولی‌شورش سودان بهانه‌های جدیدی‌بدست انگلستان برای رعایت ننمودن قول خود داد.

ازسال ۱۸۱۹ محمدعلی پاشا وبعد ازاو اسماعیل پاشا حدود مصرراتوسعه‌داده وحکومت‌سودان‌راضمیمه‌این کشورنموده تادریای قرمزپیش رفتند. بعدازبرقراری

ژنرال گوردون(۱) بحکومت این ناحیه هارار(۲) ودارفور(۳) نیز ضمیمه سودان گردید وبرضد تجار برده فروش مشغول اقدامات شدند - درسال ۱۸۷۹ ژنرال گوردون حکومت سودان راترك كرد وحکومت این ناحیه بدست عمال ترکی ومصری افتاد ظلم وجور این حکام سبب گردید که اهالی سودان درماه مه ۱۸۸۱ تحت لوای درویشی موسوم بمحمد احمد که خودرامهدی می نامید شورش کنند وتا آخرسال ۱۸۸۲ دامنه این شورش بقدری وسعت پیدا کرد که قسمت اعظم سودان بدست آنهاافتاد کوششهای انگلستان درسال ۱۸۸۳ برای ازبین بردن شورش مهدی بجائی نرسید وارتش مصری که بسر کردگی افسران انگلیسی برای سر کوبی شورشیان فرستاده شده بودند معدوم گردیدند در زمستان سال ۱۸۸٤ یك ارتش دیگری که انگلیسها بسودان فرستاده بودند نیزدچارسرنوشت اولی گردید وشهر خارطوم پایتخت سودان مورد تهدید قرار گرفت .

دربهارسال ۱۸۸٤ انگلستان درنظر گرفت ازسودان صرفنظر کرده و تمام هم خود را صرف حفظ مواضع کنار دریای قرمز کند ولی چون درخارطوم عده زیادی مسیحی واروپائی وجود داشتند از اطراف فشارزیادی برای کمك بآنها وارد آمد . چون انگلیسها راضی بدینباری خرج درسودان نبودند مالیه مصر نیز دیگر توانائی تحمل مخارج لشکر کشی رانداشت لذا انگلیسها ژنرال گوردون رامأمور تخلیه خارطوم نموده ودر ۱۹ آوریل ۱۸۸٤ دول اروپا رادعوت بتشکیل کنفرانسی برای

---

(۱) Charles-Georges Gordon Pacha (۱۸۸۵-۱۸۳۳) سردارانگلیسی - در جنگهای کریمه وچین شرکت کرد - بعداز ۱۸٦۰ بخدمت دولت چین وارد شد - فرماندهی ارتشی که شورش تائی پینك را خوابانید بعهده گرفت - در ۱۸۷۳ بخدمت مصر وارد ودر ۱۸۷٤ حاکم سودان گردید - در ۱۸۷۹ ازحکومت سودان استعفاداد - بعد ازچند مسافرت درسال ۱۸۸٤ مأمور برقراری امنیت درسودان شد - درژانویه ۱۸۸۵ درخارطوم محصورو بعد ازتسلیم شهر بشورشیان مقتول گردید .

(۲) Harrar

(۳) Darfour

تصفیه قروض مصر نمودند تا بلکه بتوانند قرض دهندگان جدیدی برای دولت مصر پیدا کنند دولت فرانسه موقع را غنیمت شمرده وحضور خودرا در کنفرانس مشروط براین نمود که دولت انگلستان قبلا تاریخ تخلیه مصر را اعلام نماید. لرد گرانویل در ۱۷ ژوئن ۱۸۸٤ رسماً اعلام نمود که ارتش انگلیس دراوائل سال ۱۸۸۸ مصر راتخلیه خواهد کرد درخود کنفرانس هم که در ۲۸ ژوئن ۱۸۸٤ درلندن تشکیل شد دولت آلمان که درباره قضایای مستعمراتی باانگلستان تماس پیدا کرده بودبافرانسه موافقت کرد وبطرز حمایت انگلستان ایراد گرفته وباصرفنظر کردن از قسمتی از منافع قروض دولت مصر که برای بدست آوردن قرضه جدید لازم بودمخالفت کردند دولت انگلستان که ازتشکیل کنفرانس نتیجه نگرفت بکنفرانس خاتمه داد و سعی نمود بلکه بتواند بوسیله کابینه مصر بمقصود خود برسد.

درخلال این احوال ژنرال گوردون که در ۱۸ فوریه ۱۸۸٤ به خارطوم رسیده بود درمقابل مشکلات تخلیه این شهر تقاضای کمك نمود. دربدوامر دولت انگلستان خواست اززیر بار مسئولیت شانه خالی کند ولی بالاخره درماه اوت مجبور بتقاضای اعتباری برای کمك به گوردون گردید ضمناً برای اینکه ازمخارج زیاددرسودان پرهیز کند سعی نمود قضیه قروض مصررا جنبه بین‌المللی بدهد ودرنتیجه مذاکراتی که از ۲ تا ۲۳ ژانویه ۱۸۸۵ بین فرانسه وانگلستان درجریان بود پیشنهاد دولت فرانسه مبنی برنظارت شش دولت اروپا در تصفیه قروض مصر در ۲۵ ژانویه مورد قبول انگلستان واقع شد.

در ۲٦ ژانویه ژنرال گوردون درخارطوم بقتل رسید وچون دیگر تأخیر جایز نبود براساس پیشنهاد فرانسه پیمان لندن در ۱۸ مارس ۱۸۸۵ برای تصفیه قروض مصر بامضاء رسید این پیمان مانند قرارتصفیه قروض مصردرسال ۱۸۸۰ نظارت دول اروپا رابرتصفیه قروض مصربر قرار میساخت دولت انگلستان نیزمقام اولویت خود را در مصرحفظ نموده وهیچگونه تعهدی هم برای تخلیه مصر نمیکرد فقط دولت انگلستان

مجبورشد در۱۷ مارس رسماً اعلام کند که آزادی ترعه سوئز راهمواره‌رعایت‌خواهد کرد برای تعیین رژیم ترعه سوئز ۳۰ مارس کنفرانسی درپاریس منعقد شد دولت انگلستان در این کنفرانس پیشنهاد نمود برقراری نظم ترعه سوئز باختیار دولت مصر گذاشته شود بشرط آنکه بنادر ورودی‌آن دردست دولت انگلستان باقی بماند درمقابل این پیشنهاد که کاملا بنفع انگلستان بود دولت فرانسه بمعیت دول‌اتریش‌و آلمان وروسیه پیشنهاد کرد مانند رود دانوب کمیسیون بین المللی عهده دار اداره ترعه‌سوئز گردد ولی‌انگلستان‌ببهانه اینکه‌برقراری کمیسیون بین‌المللی‌به‌اختیارات خدیو مصرلطمه‌وارد میآورد بااین پیشنهاد مخالفت کردبیسمارك که‌دراین موقع‌بی میل‌نبود ازاختلاف انداختن بین فرانسه وانگلستان استفاده کند دولت فرانسه‌را در مقابل انگلستان تشویق بپایداری‌نمودوچون‌دولت‌فرانسه‌ازصداقت بیسمارك‌مشکوك بود درمقابل‌انگلستان زیاد پافشاری نکرد ودر نتیجه خدیو مصرمسئول نگاهداری وحفظ بیطرفی ترعه سوئزشناخته وقرار شد نمایندگانی مأمور کانال سوئز شوند تااگراقدامی برخلاف‌آزادی ترعه سوئز مشاهده کنند مراتب رابدول متبوع خود اطلاع دهند . کنفرانس‌هم‌در۱۳ ژوئن متفرق گردیده وانگلستان ازترس نظارت‌بین المللی درترعه‌سوئزخلاصی یافت .

دراثرلطماتی که ازهرطرف بسیاست انگلستان واردمیآمد زیرادرسودان‌ارتش انگلیسی و مصری درمقابل فشار درویشان مجبوربه تخلیه خارطوم وسواکیم(۱) در کناردریای قرمز شده ودراقیانوس کبیر نیزانگلستان مجبورشده بود شرایط‌آلمان راقبول کنددرماه‌ژوئن ۱۸۸۵ گلادستون مجبورباستعفا گردیده و کابینه‌سالیسبوری جانشین آن گردید سالیسبوری که سردسته حزب‌محافظه کار و از پیروان سیاست دیسرائیلی بود کنارآمدن بابیسمارك رااساس وپایه سیاست خود قرارداد وسعی‌نمود اختلافات‌بین‌انگلستان وروسیه رانیزازبین ببرد سالیسبوری برای‌خوش‌آمدبیسمارك

---

(۱) Suakim

بدولت‌عثمانی نزدیک‌شده وسیردروموندولف[1] رابسمت‌سفیر کبیربااختیارات‌مطلق روانه قسطنطنیه نمود در۲٤ اکتبر۱۸۸٥ درنتیجه مذاکرات سیردروموندولف بین دولت انگلستان وعثمانی پیمانی منعقد گردید که بموجب آن درژانویه ۱۸۸٦ دو-نماینده یکی انگلیسی که خود سفیر کبیر انگلستان بود و دیگری ترك مأموریت یافتند برای بررسی اوضاع اداری مصر وتجهیز ارتشی ازمصریها وترکها بمصر رفته واقداماتی برای خوابانیدن شورش سودان بنمایند. با کمك دولت آلمان نیز دولت انگلستان توانست در اروپا قرضه دیگری برای مصر تهیه نموده و اوضاع این کشور رامرتب کند.

گرچه درموقع‌انتخابات گلادستون توانست دومرتبه اکثریت‌مجلس‌رابدست بیاورد ولی وزیرخارجه اوهمان سیاست سالیسبوری راتعقیب نمود وهنوزشش‌ماه از تاریخ‌انتخابات نگذشته بود که سالیسبوری دومرتبه روی کارآمدو درنوامبر ۱۸۸٦ انگلستان‌قول‌خودرا درباره تخلیه مصرپس گرفت. سیردروموندولف نیزسعی‌مینمود ارتش مصری وترکی که درشرف تشکیل بود دارای افسران انگلیسی باشند. درماه مارس۱۸۸۷ درنتیجه فشار سلطان عثمانی دولت انگلستان مجبور شد دومرتبه وعده دهد که درظرف سه سال مصر را تخلیه بنماید ولی دولت انگلستان در عین حال در صورت اقتضای موقعیت حق اشغال مجدد مصررا برای خود محفوظ میداشت.

درنتیجه مساعدت بیسمارك و نفوذ اودر دربارعثمانی بالاخره در۲۲ مه ۱۸۷۷ درقسطنطنیه پیمانی بسته شد که بموجب آن حفظ بیطرفی ترعه سوئز تا آنجائیکه منافاتی بااشغال مصرتوسط انگلیسها نداشته باشد به‌خدیومصروسلطان‌عثمانی محول گردید و باین ترتیب درتحت نام سلطان عثمانی دولت انگلستان مصر وترعه سوئز را در تحت نظارت وحمایت خود در آورد. برای دفع شورش سودان نیز دولت

---

(۱) Henry Drummond-Wolf (۱۸۲۰-۱۹۰۹)سیاستمدارانگلیسی-در۱۸٤٦ واردخدمت سیاسی شد وزیرمختار انگلستان درقسطنطنیه - تهران - بخارست-مادرید

انگلستان لرد کیچنر [1] رامأمـورقلع وقمع درویشان نمـود وبعد ازده سال جنگ بالاخره تمام دره نیل تحت نفوذ انگلستان قرار گرفت .

(۱) Lord Horatio-Herbert, Kitchener (۱۸۵۰-۱۹۱٦) سردارانگلیسی در ۱۸۸۱ واردارتش مصرشده وسعی دراصلاح آن نمود - در ۱۸۹۱ شورش درویشان را خاموش کرد-در۱۸۹۹ رئیس‌ستاد ارتش اعزامی برای سر کوبی بوئرهاشد - در ۱۹۰۰ فرمانده این ارتش‌شد-در۱۹۰۲ فرمانده ارتش‌هندوستان گردید - نماینده مقیم‌انگلستان درمصر دد۱۹۰۵- درشروع جنگ بین الملل اول وزیرجنگ انگلستان-در۱۹۱٦درموقع عزیمت بروسیه کشتی اوبه مین‌اصابت نموده وغرق شد

فصل دوازدهم

اتحاد مثلث

بیسمارك داور اروپا ـ اتحاد آلمان واتریش ـ جلب نظر دولت عثمانی ـ مناطق نفوذ اتریش وروسیه در بالکان ـ الحاق رومل‌ی ببلغارستان ـ جنگ سرب وبلغار ـ استعفای الکساندرد و باتنبرك ـ اتحاد آلمان واتریش وایتالیا (اتحاد مثلث) تشویق توسعه‌ٔ مستعمراتی فرانسه ـ شروع رویه تهدید آمیز نسبت بفرانسه تبلیغات ژنرال بولانژه ـ قضیه شنوبله ـ ملاقات سکرینویس ـ تهدید بانگلستان پیمان انگلستان وروسیه ـ اتفاق نظر آلمان و انگلستان ـ تجدید اتحاد مثلث نگاهداری وضع فعلی در بالکان ـ تجدید اختلاف راجع به بلغارستان ـ سیاست بیسمارك وروسیه ـ نزدیکی فرانسه وروسیه ـ فوت ویلهلم اول

در کنگره برلن بیسمارك اظهار میداشت دولت آلمان تنها دولتی است که تقاضائی نداشته ومنظوری جز برقراری صلح وامنیت ندارد بعد از کنگره برلن دراثر سیاست مدبرانه بیسمارك وقوه وقدرت نظامی ارتش آلمان صدراعظم این کشور داور اروپا گشت وقطع وفصل روابط سیاسی اروپا اغلب بااطلاع اوصورت میگرفت . درداخله کشورنیز صدراعظم آلمان کمك های مهمی بتوسط اقتصاد وتجارت نمود . باایجاد صنایع جدید مردم را وادار بکار کرده ودر نتیجه هرروز شهرهای صنعتی جدیدی احداث وبر ثروت کشور افزوده میشد . پشتیبانی کامل ملت آلمان ازبیسمارك وترس ازقدرت نظامی آلمان نیزدول اروپاراخواه وناخواه مجبور بقبول میانجیگری بیسمارك درامور اروپا مینمود ،

بیسمارك نگاهداری صلح عمومی رابعد از جنك بافرانسه برای عملی کردن نقشه خودلازم میشمرد و تاپایان صدارت بیسمارك براساس این سیاست دولت آلمان تقریباً هیچگونه ادعائی رامطرح نکرددرصورتیکه دراین‌مدت دولت انگلستان‌مصر و افغانستان و زنگبار وبیرمانی راتحت حمایت خود درآورد . دولت فرانسه تونس قسمتی از کنگو - تونکن - آنام و سودان رااشغال نمود . دولت ایتالیا خود رابرای تصرف حبشه‌مجهزمیکرد . دولت روسیه‌ترکستان‌را برمتصرفات خود افزود.بلغارها روملی - یونانیها اپیروتسالی دولت اتریش بوسنی هرزه گوین راتحت تسلط خود درآوردند.

بیسمارك‌بامتوجه کردن‌اتریش‌بطرف‌بالکان‌نظراین‌دولت‌رااز آلمان‌دورمینمود وباتشویق عملیات مستعمراتی فرانسه امید داشت افکار فرانسویهارا ازبدست‌آوردن مجدد آلزاس ولورن منحرف کند . روسها را نیز کاملا متوجه آسیا نماید .

صدراعظم آلمان‌بعد ازفراهم آوردن‌نزدیکی بین امپراطور آلمان واتریش‌از سال ۱۸۷۳ تمام مساعی خودرا صرف تقویت دوستی این دودولت میکند تااینکه‌در ۱۷ اکتبر۱۸۷۹ پیمان‌اتحادی که بعدهااساس اتحادمثلث میشود بین‌اتریش و آلمان بامضامیرسد . چون‌مفاداین پیمان برضددولت روسیه‌تنظیم شده‌بود وبیسمارك‌دوستی روسیه را برای آلمان لازم میدانست در موقع عقدپیمان مفادآن منتشرنگردیده و مخفی ماند ولی همین‌پیمان باعث شدکه ائتلاف محکمی بین دوامپراطوری‌برقرار شده‌وبرای‌مدت‌قریب چهل‌سال سیاست اتریش تابع سیاست آلمان گردد فقط درسال ۱۸۸۸ برای کاستن سوءظن تزارروسیه بیسمارك قسمتی ازاین پیمان رامنتشرساخت وبقیه مفاد پیمان تاسال۱۹۲۰ تقریباً مخفی نگاهداشته شد .

بموجب ماده اول‌پیمان دولتین تعهدمیکردند درصورتیکه یکی ازآنهامورد حمله روسیه واقع شود دولت‌دیگرباتمام قوای نظامی خود باو کمك نموده وحاضر بعقد صلح‌جداگانه نخواهد گردید.ماده دوم‌پیش‌بینی‌مینمود که اگراتریش‌یاآلمان هر کدام مورد حمله ایتالیا یافرانسه قرار گیرند دولت دیگربیطرفی خودرا محفوظ

نگاه خواهد داشت مگر آنکه دولت روسیه نیز وارد در جنگ شود که دراینصورت مفادماده اول بمورد اجرا گذاشته خواهدشد بطوریکه ملاحظه میشوداساس این پیمان برضدروسیه وبرای متوجه کردن اتریش بطرف بالکان تنظیم شده است تادولت اتریش دیگر نسبت بآلمان اقدامی بعمل نیاورد وفعالیت دولت روسیه نیز صرف جلوگیری ازاقدامات اتریش دربالکان شده ومجال برای کمك بفرانسه بدست او نیفتد.

در کنگره برلن سیاست بیسمارك باعث شده بود که دولت عثمانی دولت آلمان راتنها حامی خود بداند. ودرمقابل چشم طمعی که دول مختلف بمتصرفات اودوخته بودندبطرف آلمان متوجه شودبیسمارك ازاین سابقه استفاده کامل نموده درسال ۱۸۸۲ افسران آلمانی برای اصلاح ارتش عثمانی استخدام گردیدند سفیر کبیر آلمان در قسطنطنیه کنت دوهاتزفلد[۱] بمعیت ون درگولتز[۲] که مشاور و مجری اوامر دو مولتکه بود تشکیلات دولت وارتش عثمانی از روی سازمان دولت پروس شروع کردند. دولت عثمانی درسال ۱۸۸۱ تأسیس خط آهنی را ازقسطنطنیه به بغداد نیز پیشنهاد کرد وسفرای فرانسه وانگلیسی بدولت‌های متبوع خود گزارش دادندممکن است بزودی اتحاد بین آلمان و عثمانی بوجود آید ولی بیسمارك که میل نداشت خصومت روسیه رانسبت بآلمان تحریك کند بیشترمایل بود دولت عثمانی مشتری او باشد نه متحد که تکالیفی بردوش آلمان گذاشته شود.

دولت رومانی که مطمح نظردونژاد روس وژرمن بود گرچه درظاهرامرسعی میکرد بیطرفی خودرا حفظ کند چون خطرروسیه را بیشتر احساس میکردوپادشاه آن نیزاز فامیل هوهنزولرن بود طبعاً نفوذ ژرمن هادراین کشور برتری پیدانمودو

---

(۱) Comte de Hatzfeld

(۲) Colmar, baron von der goltz (۱۸۴۳-۱۹۱۶) سردار آلمانی-درجنگهای ۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ شرکت کرد - در ۱۸۸۳ مأموراصلاح سازمان ارتش عثمانی گردید-در جنگ ۱۸-۱۹۱۴ فرمانده‌ی دوسپاه عثمانی رابرعهده داشت-چندین تألیفات نظامی منتشر کرده است.

در ۳۰ اکتبر و ۱۹ نوامبر ۱۸۸۳ بوسیله‌پیمانهای مخفی بادول آلمان واتریش کاملا متحد گردید.

دولت اتریش برای استقرار کامل نفوذ خود درسربستان وسائل عیش‌وعشرت میلان پادشاه این کشور را کاملافراهم ساخت وباین ترتیب‌اوامرخود رادرسربستان بوسیله او اجرا میکرد تا اینکه در ۲۴ اکتبر ۱۸۸۱ دولت سربستان برای مدت ده سال پیمانی بااتریش‌منعقد ساخت که کاملا تحت نفوذاتریش درآمده وتعهد میکرد باهیچ دولت دیگری پیمانی نه‌بندد.

تنها دولتی که درشبه جزیره بالکان تحت نفوذ کامل روسها قرارداشت دولت بلغارستان بود که بکمك‌روسها باستقلال خود رسیده بود ووفاداری نسبت بروسیه‌را بانگاهداشتن کمیسر ومشاورین روسی حفظ میکرد باوجود آنکه پادشاه‌بلغارستان آلکساندر دوبا تنبرك[۱] اصلا پروسی بودجرئت آنرا نداشت که خودرا ازقیدروسها آزاد سازد. بیسمارك‌هم‌ازاو چنین توقعی نداشت‌بدینجهت بمحض اینکه‌آلکساندر سوم تزار روسیه در ۱۸۸۱ بعد از رسیدن بسلطنت پیشنهاد اتفاقی راجع به‌این کشور به‌بیسمارك نمود صدراعظم آلمان فوراً تقاضای روسیه را پذیرفت و دولتین روسیه و اتریش که ازمداخلات گلادستون بنفع ملل بالکان ترس داشتند منطقه نفوذخودرا دربالکان معین‌نموده دولت روسیه‌به‌الحاق‌بسنی هرزه گوین به‌واتریش‌و دولت‌اتریش بحمایت روسیه در بلغارستان وروملی رضایت دادند.

درنتیجه دخالت مأمورین روسی درامور بلغارستان ودراثر احتیاج‌مالی‌زیادی که پادشاه بلغارستان‌بپول‌داشت وتحریکاتی که دولت‌انگلستان ودولت اتریش‌بعمل میآوردندآلکساندردوباتنبرك بطرف ملیون بلغارستان که حمایت‌روسها رابرای‌خود

---

(۱) Alexandre,prince de Battenberg (۱۸۵۷-۱۸۹۳) اولین پادشاه بلغارستان ـ اصلاآلمانی ونوه آلکساندر دوم تزار روسیه ـ طفولیت خودرا در روسیه گذرانده در ۱۸۷۹ بامارت بلغارستان انتخاب شد ـ سیاستش کم کم ازروسیه دورشد ـ در ۱۸۸٦ مجبور باستعفا گردیده وارد خدمت درارتش اتریش شد.

بارسنگینی میدانستند متمایل‌شد . در ۱۸۸۳ پادشاه بلغارستان قانون اساسی را در کشور خود برقرار و مستخدمین روسی را از کار بر کنار کرد . الکساندرسوم تزار روسیه که هیچوقت‌نسبت‌به‌باتنبرك محبتی‌نداشت کینه سختی‌ازاودردل گرفت.پادشاه بلغارستان نیز که ازاینموقع انضمام روملی رابه بلغارستان تهیه میدید نقشه خودرا ازتزار روسیه مکتوم داشت . درماه سپتامبر۱۸۸۵ کودتائی در روملی صورت گرفت وحاکم ترك‌رااز آنجا بیرون کرده‌الحاق روملی راببلغارستان‌اعلام کردند آلکساندر دوباتنبرك نیزدر۲۱ سپتامبر وارد روملی شده خودرا امیر روملی نامید .

تزار روسیه که درزمان کنگره برلن حامی بلغارستان بزرك بود ودر مقابل اقدامات باتنبرك رسماًاعتراض نمود دولت عثمانی‌راهم وادار باعتراض به نقض پیمان برلن کرد ودر اثر اقدامات روسیه برای حل قضیه قرارشد کنفرانسی در قسطنطنیه تشکیل شود ولی غفلةً بتحریك اتریش دولت سربستان ازدوری باتنرك ازبلغارستان واشتغال اودر روملی استفاده کرد به بلغارستان اعلان جنك‌داد ودر۱۳ نوامبر ارتش سربستان وارد بلغارستان شده بفتوحات درخشانی نائل شد . بلغارها که در بدوامر غافل گیرشده‌بودند فوراًقوای‌خودرابرای مقابله‌جمع‌نموده ودرنتیجه شکست فاحشی بسربها وارد آورده آنهارا از بلغارستان بیرون‌راندند اما دولت اتریش که محرك تمام این‌اقدامات بود مانع گردید که بلغارستان ازفتوحات خود نتیجه قطعی بدست‌آورد دولت‌عثمانی هم که ازمداخله روسها بیم‌داشت و به تنهائی خودرا قادر بجنك با بلغارستان‌نمیدید راضی‌بشناختن‌باتنبرك بعنوان امیرروملی گردید . دراین‌بین‌دولت یونان که‌در کنگره برلن وعده‌های‌زیادی دریافت کرده بود خواست ازموقع‌استفاده کرده وقسمتی از آرزوهای خود را تأمین کند ولی دول اروپا مجال این امررا باو نداده وبامحاصره سواحل یونان این دولت رامجبور بانصراف ازتصمیم خود نمودند.

دولت روسیه که‌ازاقدامات پادشاه‌بلغارستان‌راضی‌نبود تحریکاتی‌دراین کشور بعمل آورد . ودر ۲۱ اوت۱۸۸۶ در نتیجه یك شورش نظامی آلکساندر دوباتنبرك مجبور باستعفا گردید ولی ملیون بلغارستان در مقابل تصمیمات روسیه تسلیم نشده

ودرنتیجه حکومت موقتی تشکیل گردید و در صدد بر آمدند پادشاه جدیدی برای بلغارستان پیدا کنند .

باین ترتیب بدون آنکه رسماً دولت پروس دخالتی درامور بالکان کند نفوذ روسیه دراین قسمت روزبروز کمتر میشد تنها ترس بیسمارك ازتقاضاهای ایتالیا نسبت باتریش بود که برای بدست آوردن سواحل آدریاتیك وتریست اتریش را راحت نمیگذارد کریسپی(۱) رئیس مجلس ایتالیا هم درسپتامبر ۱۸۷۷ ببهانه تنظیم حقوق بین المللی مدنی ببرلن مسافرتی نموده وتقاضاهای خودرا بسمع بیسمارك رسانیده بود صدراعظم آلمان ازاختلافاتی که راجع بتصرف تونس بین فرانسه وایتالیا پیدا شده بود استفاده کرده وبا دادن وعده هائی به همبرت اول(۲) کـه درسال ۱۸۷۸ جانشین ویکتور امانوئل شده بود وسائل مذاکرات دوستانه رابین اتریش وایتالیا فراهم کرد درهمین وقت هم بیسمارك که مبارزه خود را برعلیه کاتولیکها تخفیف داده ونسبت به جانشین پی نهم لئون سیزدهم اظهار خصوصیت میکرد تصرف رم را توسط ایتالیائیها بطور غیر- مستقیم مورد تهدید قرارمیداد . در نتیجه اقدامات بیسمارك در ۲۰ مه ۱۸۸۲ پیمانی بین اتریش و آلمان وایتالیا بسته شد که بموجب آن دولت ایتالیا ازتقاضاهای خود نسبت باتریش صرفنظر نموده ودرصورت بروزجنك بافرانسه وعده مساعدت بآلمان واتریش میداد . چنانچه آلمان واتریش ازطرف مشرق هم مورد حمله قرارمیگرفتند ودولت فرانسه نیزبرضد آنها مبادرت بجنك میکرد دولت ایتالیا تعهد مینمود برعلیه فرانسه

---

(۱) Eracisco, Crispi (۱۹۰۱-۱۸۱۹) سیاستمدار ایتالیائی - گرچه مخالف رژیم پادشاهی درایتالیا بود بعدازانجام وحدت ایتالیا طرفدار ایتالیای جدید ونماینده مجلس شد رئیس مجلس ایتالیا در ۱۸۷۶ - وزیرداخله در ۱۸۷۷ - ازسال ۱۸۷۷ تا ۱۸۹۱ وازسال ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۶ نخست وزیر ووزیرخارجه ایتالیا - طرفدار اتحاد مثلث وتوسعه مستعمراتی ایتالیا .

(۲) Humbert I (۱۹۰۰-۱۸۴۴) پادشاه ایتالیا - پسر ارشد ویکتور امانوئل سوم درسال ۱۸۷۸ جانشین پدرش شد - پادشاه آزادیخواهی بود وسلطنت مشروطه را کاملا رعایت میکرد بطریقیکه نخست وزیران اومخصوصاً کریسپی تقریباً اقتدار دیکتاتور را پیدا کرده بودند - در ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۰ بدست یك آنارشت کشته شد .

وارد درجنك شود . دولت اتریش نیزدرمقابل ازتوسعه خود بطرف دریای آدریاتیك صرفنظر کرده وتصرف شهررم برای ایتالیائیها ضمانت گردید .

بیسمارك باایجاد اتحاد مثلث دیگردرباره فضایای اروپا تشویشی نداشت زیرا اقدامات دول اروپا درمقابل سه‌دولت آلمان واتریش وایتالیا محکوم به‌شکست‌میشد و دول دیگراروپا مجبور به تبعیت ازنظر بیسمارك که بانی ورئیس این اتحادیه بود میگردیدند. با وجود این صدراعظم آلمان برای اینکه فـرانسویها را در خارج از اروپا مشغول داشته ونظر آنها را ازآلزاس ولورن منحرف سازد ازتشویق این دولت بفعالیت‌های مستعمراتی فروگذار نمیکرد صرفنظرازاینکه توسعه‌مستعمراتی‌فرانسه باعث اصطکاك منافع‌بادولت انگلستان شده وبه‌تنها ماندن فرانسه کمك میکردمثلا در ٦ ژوئن ۱۸۸۰ بیسمارك بسفیر فرانسه در برلن خاطر نشان کرده بود که دولت آلمان حاضراست توسعه مستعمراتی‌فرانسه راتقویت کند بشرط آنکه دولت فرانسه ازنواحی از دست رفته چشم بپوشد ودر عین حال درآلزاس ولـورن هم خوشرفتاری مینمود تانظراهالی آنجا راکاملا بطرف آلمان جلب کند .

دولت فـرانسه از تشویقهای‌بیسمارك استفاده نمود ودر ماه مه۱۸۸۱ تونس را اشغال کرد . گرچه صدراعظم‌آلمان در نزد دولت عثمانی اقداماتی بعمل آورد تااین دولت ارتشی بتونس اعزام ندارد وازدول انگلستان وایتالیا نیزدعوت کرد ازعملیات فرانسه جلوگیری نکنند ولی همین امرباعث شد که بیسمارك دولت ایتالیا رابرضد فرانسه تحریك نموده ودرتحت نفوذ خـود درآورد . ملت فرانسه هم باوجود اظهار تشکرنخست وزیرآن‌ازآلزاس ولورن چشم پوشی‌ننموده‌اهالی این دوناحیه‌نیزدست ازمقاومت خود برنداشتند .

ازسال ۱۸۸٤ دراثرترقی صنعت وتوسعه تجارت آلمان بیسمارك کم کم‌متوجه مستعمرات میگردد قضایای کنگو و تقاضا های انگلستان باعث میشد که بیسمارك متمایل به بدست آوردن مستعمراتی درخارج از اروپا شده و پیشنهاد اتفاقی را بـه نماینده فرانسه برضد ادعاهای انگلستان بنماید دولت فرانسه که دراینموقع درهند

وچین وجزیره ماداگاسکار ونواحی علیای رودنیل مشغول اقداماتی بود ونخست وزیر آن ژول فری[1] برای توسعه مستعمراتی فرانسه مساعی زیادی بکار میبرد به پیشنهاد بیسمارك روی موافقتی نشان داد ولی چون دولت فرانسه هنوز خاطرات شکست را فراموش ننموده واز آلزاس ولورن نمیتوانست صرفنظر کند مساعی بیسمارك بنتیجه مثبت نرسید . واتحادی بین فرانسه وآلمان بسته نشد فقط در مدت هفت ماه دولت آلمان از تقاضاهای فرانسه نسبت بمصر و ترعه سوئز پشتیبانی کرد ودر عوض دولت فرانسه سیاست بیسمارك رابرای برقراری آزادی تجارت در کنگو وشرایط استعمار اروپائیان دراین ناحیه تقویت نمود .

در ۳۱ مارس ۱۸۸۵ کابینه ژول فری در فرانسه که طرفداراقدامات جدی در مستعمرات بود سقوط کرد . بیسمارك که ناظر جریانات سیاسی فرانسه بود مشاهده کرد که اقدامات اوبهیچوجه جلب نظرفرانسویان را ننموده واز رویه خصمانه آنها نسبت بآلمان نمیکاهد . اهالی آلزاس ولورن هم باوجود خوشرفتاری های بیسمارك دست ازمقاومت خود برنمیداشتند باینجهت بعد ازفوت مانتوفل[2] صدراعظم آلمان بحاکم جدیدآلزاس ولورن پرنس دوهوهنلو[3] امردادازسختگیری وخشونت نسبت باهالی آلزاس ولورن فروگذارنکنند .

---

(۱) Jules-Fraucois-Camille, Ferry (۱۸۳۲-۱۸۹۳) سیاستمدارفرانسوی در۱۸۶۹ نماینده مجلس شد-مخالف امپراطوری-عضوحکومت موقتی فرانسه در ۱۸۷۰ نخست وزیردر ۱۸۸۰ و۱۸۸۳-طرفدارتوسعه مستعمرانی فرانسه :

(۲) Edwin-Hans-Karl' baron de Manteuffel (۱۸۸۵ - ۱۸۰۹) فلدمارشال آلمان-درجنگهای۱۸۶۴و۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ شرکت کرد-فرماندهارتش اشغالی آلمان درفرانسه از۱۸۷۱ تا۱۸۷۳ حکمران آلزاس ولورن در ۱۸۸۰ .

(۳) Clovis,Charles, Victor,prince de Hohenlohe Schillingsfurt سیاستمدارآلمانی- یکی ازطرفداران آلمان جدید-نماینده مجلس رایشتاك-سفیرآلمان درفرانسه از۱۸۷۴ تا ۱۸۸۵ - حکمران آلزاس ولورن از۱۸۸۵ تا ۱۸۹۴ - صدراعظم آلمان از۱۸۹۴ تا ۱۹۰۰ :

بعدازسقوط ژول فری بیسمارك از تبلیغات طرفداران ژنرال بولانژه[1] در فرانسه استفاده نموده اقدامات فرانسویان رامخل صلح و آسایش عمومی معرفی وبا تحریك احساسات آلمانها قانون اختیارات هفت ساله رابرای ارتش که درژانویه ۱۸۸۷ خاتمه میپذیرفت برای هفت سال دیگر تجدید کرد ونفرات ارتش آلمان رابه ۵۰۰۰۰۰ نفر رسانید . اقدامات بولانژه درفرانسه نیزباعث تیرگی روابط بین آلمان وفرانسه گردید بطوریکه در ۲۰ آوریل ۱۸۸۷ کمیسرپلیس فرانسه درپاینی سورموزل[2] موسوم به شنوبله[3] ازطرف کمیسرپلیس آلمان گوچ[4] برای مذاکره درباره قضایای مرزی دعوت گردیده وباتهام جاسوسی توقیف شد درفرانسه ژنرال بولانژه برای استفاده تبلیغاتی هیاهوی راهانداخت ولی وزیرخارجه فـرانسه بکمك رئیس جمهور فرانسه ترجیح داد قضیه را ازطریق دیپلوماسی ومسالمت حل کند ودر نتیجه اقدامات آنها وارائـه دادن دعوتنامه کمیسر آلمانی شنوبله آزاد گردیدو بعدازآنکه بوسیله تحقیقات دیگری معلوم شد که شنوبله بنفع ژنرال بولانژه جاسوسی میکند عدهای از کارمندان اداری فرانسه از کاربر کنارشده ودر ۱۷ مه دراثرسقوط کابینه گوبله[5] ژنرال بولانژه نیز ازوزارت جنك دور گردید . باین ترتیب حزم واحتیاط رئیس جمهور ووزیرخارجه فرانسه ازتشدیداختلافات بین آلمان وفرانسه جلو گیری کرد اما بیسمارك که مشاهده مینمودتعارفات دوستانه وخوشرفتاری های او نسبت بفرانسویان بهنتیجه نمیرسد گمان

---

(۱) George-Ernest Boulanger (۱۸۳۷-۱۸۹۱) سردارفرانسوی ـ درجنگهای مستعمراتی خدمت کرد ـ در ۱۸۷۰ مجروح شد ـ وزیرجنك فرانسه ازژانویه ۱۸۸٦ تامه ۱۷۸۷ ـ در ۱۸۸٦ طرف توجه افرادی واقع شد که خیال انتقام از آلمان راداشتند ـ درنتیجه تحریکاتش حکومت فرانسه دراول آوریل ۱۸۸۹ قرارتوقیف اورا صادر نمود ـ ببروکسل فرار ودر ۳۰ سپتامبر ۱۸۹۱ درروی قبرمعشوقهاش انتحار کرد :

(۲) Pagny-sur-Moselle

(۳) Schnoblé

(٤) Gautch

(٥) René, goblet (۱۸۲۸-۱۹۰۵) سیاستمدار فرانسوی ووکیل دادگستری ـ در ۱۸۷۱ بنمایندگی مجلس انتخاب شد ـ در ۱۸۸۲ وزیر گردید ـ نخست وزیرفرانسه در ۱۸۸٦ ـ از ۱۸۹۱ بنمایندگی مجلس سنا انتخاب شد .

نمود برای رسیدن بمقصود خود باید رویه تهدید آمیزی اختیار نماید مخصوصاً که در این موقع نقشه‌های او درباره مناسبات باانگلستان دراثر تغییرات کابینه های انگلستان نیز به نتیجه نرسیده بود.

بعد از کنگره برلن بین بیسمارك و لرد بیکونسفیلد (دیسرائیلی) خط مشی سیاسی معینی تعقیب میشد گلادستون که درسپتامبر ۱۸۸۰ جانشین دیسرائیلی گردید نقشه‌های نخست وزیر سابق انگلستان را کنار گذاشته و برخلاف سیاست بیسمارك که تقویت نفوذ اتریش دربالکان بود اقداماتی رابنفع ملل بالکان شروع کرد بیسمارك برای عقیم گذاردن نقشه‌های انگلستان از شورش عربی پاشا درمصر خواست استفاده نموده ونظر این دولت رامتوجه مصر کند وبشرط اینکه دولت انگلستان در قضایای بالکان مداخله ننماید پیشنهاد کمك برای رفع غائله مصر بانگلستان نمود. درمقابل عدم قبول این پیشنهاد ازطرف انگلستان بیسمارك متوسل به تهدید گردید. درسال ۱۸۸٤ ازفرانسویهادعوت نمود که باادعاهای انگلستان درینجریه و کنگو مخالفت کنند وبا مذاکراتی که بوسیله سفیر روسیه در برلن بعمل آورد طرح موافقتی را بین سه دولت آلمان واتریش و روسیه تهیه نمود در ملاقاتی که در ١٤ سپتامبر ۱۸۸٤ در سکرینویس[1] واقع در لهستان بین سه امپراطور دول نامبرده بعمل آمد این سه دولت وعده میدادند در صورت حمله بیکی از آنها دول دیگر بیطرفی مساعد خود راحفظ نموده وسیاست خودرا همواره بر روی اساس سلطنت تعقیب نمایند بیسمارك ضمناً تزار روسیه را تشویق بمتوجه کردن ارتش خود بطرف افغانستان مینمود تا مشکلات تازه برای انگلستان فراهم کند.

دولت انگلستان برای ازبین بردن تهدید روسها بافغانستان در صدد بر آمد جهازات جنگی خودرا بدریای سیاه اعزام دارد بیسمارك هم برای جلوگیری ازاقدامات انگلستان توسط وندر گولتز شروع بساختن استحکامات درداردانل نموده ودرپاریس ووین تحریکاتی بعمل آورد تادول اروپا برضد انگلستان عملیاتی بنمایند. گلادستون

(۱) Skerniewice

که مایل بادامه این روش نبود بکمك ولیعهد آلمان که همسرش دختر ملکه ویکتوریا بود و بوسیله پادشاه دانمارك مذاکراتی با دولت روسیه بعمل آورده و در سپتامبر ۱۸۸۵ پیمانی بین انگلستان و روسیه راجع بسرحدات افغانستان بسته شد. در باره قضایای مصر نیز بکابینه فرانسه رسماً اعلام داشت که در سال ۱۸۸۸ ارتش انگلستان مصر را تخلیه خواهد کرد و درباب تشکیلات ترعه سوئز نیز وارد مذاکره گردید.

در کابینه سوم گلادستون (از فوریه ۱۸۸٦) وزیر خارجه جدید انگلستان رد لرد روزبری[۱] که از آزادیخواهان وطرفدار تعقیب سیاست دیسرائیلی بود مسافرتی ببرلن نمود تا شالوده موافقتی را برای توسعه امپراطوری بریتانیا بین انگلستان و آلمان بریزد. در نتیجه این ملاقات قرار شد دولت انگلستان در مصر اقدامات خود را بمعیت دولت عثمانی تعقیب کند تا هم تسخیر مصر بوسیله انگلستان در پس پرده بماند و هم قدرت دولت عثمانی مسجل شود تا ملل بالکان نتوانند مبادرت باقداماتی بر علیه او نمایند وباینطریق دولت انگلستان نیز با سیاست بیسمارك در بالکان موافقت خود را ابراز میداشت با وجود مخالفت فرانسه وروسیه و تشجیع سلطان عثمانی از طرف این دو دولت دراثر این اقدامات انگلستان بیش از پیش درمصر مستقر گردید و سعی نمود درقضایای بالکان نیز مداخله نکند. حتی درموقعیکه بعداز جنك سربستان با بلغارستان یونانیها خواستند بر علیه دولت عثمانی به کشور خود توسعه دهند انگلستان برای جلوگیری از اقدامات یونانیان از ۸ ژوئن ۱۸۸٦ جهازات خود را به سواحل یونان فرستاد وحامی صلح در بالکان قلمداد گردید.

اختلافات مستعمراتی انگلستان و آلمان نیز درسال ۱۸۸٦ مرتفع گردید. در سال ۱۸۸۵ گینه جدید بطریق دو ستانه بین انگلستان و آلمان تقسیم شد: در اول آوریل ۱۸۸٦ مناطق نفوذ هر کدام از این دو دولت دراقیانوس ساکن تعیین گردید بموجب

---

(۱) Archibald-Philip - Primrose, ocmte do Rosebery (۱۹۲۹-۱۸٤۷) سیاستمدار انگلیسی-در ۱۸٦۸ بنمایندگی مجلس انگلستان انتخاب گردید-معاون وزارت داخله از ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۳- وزیر خارجه در کابینه گلادستون در ۱۸۸٦ و در ۱۸۹۲ نخست وزیر انگلستان از ۱۸۹٤ تا ۱۸۹۵ :

پیمانهای اول نوامبر ۱۸۸٦ و ۲ ژوئیه ۱۸۸۷ لستقرار سلطان زنگبار درافریقا ازطرف بیسمارك تأییدواراضی بین دریاچه نیاسا(۱) و یکتوریا(۲) وتانگانیکا(۳) متصرفات آلمان شناخته شد .

باین ترتیب در اثر سیاست پیچ در پیچ بیسمارك حلقه اتحادی برعلیه فرانسه درتمام اروپا تحت نظر بیسمارك تشکیل گردید فقط دولت ایتالیا ازاتحاد خودبادول آلمان و اتریش راضی بنظر نمیرسید زیرا دولت ایتالیا از طرفی مجبور شده بود از ادعاهای خودبراتریش صرف نظر کند وازطرف دیگر تشویق های بیسمارك ازفرانسه باعث تسلط فرانسویها برتونس شده واز این اتحاد ایتالیائیها نفعی نبرده بودند بدین جهت افکار عمومی موافقت باتجدید اتحاد مثلث نداشت بیسمارك که اساس سیاست خودرا براتحاد مثلث قرارداده بود بافشاری که بدربارهای اتریش وایتالیا وارد آورد بازموفق بتجدیداتحادسه گانه گردیدولی چون اتریشیهاوایتالیائیهابایکدیگر موافقت کامل نداشتند در ۲۰ فوریه ۱۸۸۷ دوپیمان یکی بین ایتالیا و آلمان ودیگری بین ایتالیا واتریش بسته شد بموجب پیمان اول بیسمارك کمك آلمان رابایتالیادرصورت بروز جنك برضد فرانسه وعده میداد مخصوصاً اگرفرانسه بخواهد بمتصرفات خود درشمال افریقا توسعه دهد باین پیمان درسال ۱۸۸۷ یك پیمان نظامی نیزضمیمه شد بموجب معاهده دوم دولت ایتالیادربالکان تعهد مینمود وضع فعلی(٤) رارعایت کند ودرصورتیکه اتریش ازطرف دولت ثالثی مورد حمله واقع میشد دولت ایتالیادرمقابل بدست آوردن منافع ارضی کمك خودرا باتریش وعده میداد .

برای تقویت سیاست ایتالیا درمدیترانه بیسمارك شروع باقداماتی بمنظور جلب نظرانگلستان بایتالیا نمود در ۱۲ نوامبر ۱۸۸۷ درنتیجه یادداشتهای محرمانه که بین سفیرایتالیا درلندن و کابینه انگلستان رد وبدل گردید دو دولت انگلستان و ایتالیا

Nyassa(۱)
Victoria (۲)
Tanganika (۳)
Statuquo (٤)

نگاهداری وضع فعلی را در مدیترانه قبول کرده وتقبل نمودند برضد هر دولتی که باعث اختلال در این دریا شود اقدامات لازمه رابعمل آورند. دولت اتریش نیزچند روزبعد بوسیله نامه این تصمیم راقبول کرد این تصمیم مورد قبول دولت اسپانیا نیز قرار گرفت ودر ٤ مه ۱۸۷۷ دولت اسپانیا بوسیله نامه محرمانه به پادشاه ایتالیا تعهدنمود روابط خودرا باایتالیا محفوظ داشته وهیچگونه پیمانی برضد ایتالیا بادولت فرانسه منعقد نسازد.

در ۱٤ اوت ۱۸۸۷ شاهزاده فردیناند دوکوبورك[۱] با تشویق محرمانه آلمان واتریش سلطنت بلغارستان راقبول نمود.

تزار روسیه که مداخله در بلغارستان رامنحصر بخود میدانست بااین انتخاب مخالفت جدی کرد. در همین اوان کریسپی که نخست وزیرایتالیا شده بود در نظر داشت اقدامات جدی بعمل آورد و اهمیتی کسب کند لذا درماه اوت ۱۸۸۷ بدولت انگلستان پیشنهاد انعقاد یك پیمان نظامی نمود. گرچه سالیسبوری پیشنهاد ایتالیارا رد کرد ولی هرقدر تزارروسیه برای عزل فردینانددو کوبورك بیشترپافشاری میکرد دولت ایتالیا نیزدر اصرار برای قبول پیشنهاد خود میافزود. پسر بیسمارك هربرت[۲] نیزاز سیاست ایتالیا در لندن تقویت میکرد. در ۲۲ نوامبر ۱۸۸۷ بیسمارك شخصاً نامه بلرد سالیسبوری نوشت ودر نتیجه آن در ۱۲ دسامبر ۱۸۸۷ قرار مخفی بین

---

(۱) Maximilin-Charles-Lèpold-Marie de saxe-Cobourg-Ferdinad (۱۸٦۱-) در ۱۸۸۷ بکمك اتریش وانگلستان بپادشاهی بلغارستان انتخاب شد ـ دولت روسیه موافق باسیاست او نبود ـ در ۱۸۹٦ ازطرف روسیه برسمیت شناخته شد ـ در ۱۹۰۸ خود راتزار بلغارستان نامیده وروابط تبعیت بلغارستان رانسبت بعثمانی قطع کرد ـ خیال ایجاد اتحادیه بالکان رابرپاست خود درسرداشت وباینجهت جنگهای بالکان رابرپاکرد ـ در جنگ ۱۹۱٤-۱۸ سیاست شخصی او بلغارستان رابطرف آلمان کشانید ـ در ۱۹۱۸ بنفع پسرش بوریس Boris ازسلطنت کناره گیری کرد.

(۲) Henri-Ferdinand - Herbert ,prince de Bismarck (۱۰۹٤ - ۱۸٤۹)، پسر بیسمارك صدراعظم بزرك آلمان ـ بعداز جنگ ۱۸۷۰ وارد خدمت سیاسی شد ـ در ۱۸۸۷ بمقام وزارت رسید ـ بیسمارك درنظر داشت اورا جانشین خود نماید ولی بعد عزل او پسرش نیزازسیاست دورشد.

انگلستان و ایتالیا بسته شد که بموجب آن طرفین تعهد میکردند باهر نوع تجاوزی درشرق مخالفت نمایند وحتی اگر دولت‌عثمانی دخالت روسها رادربلغارستان‌تسهیل نماید کشورعثمانی را نیز اشغال کنند درمقابل این وضع در ۱۸ دسامبر۱۸۸۷ تزار روسیه ناچار اعلام نمود کـه راضی نیست برای مسئله بلغارستان یك قطره خـون ریخته شود .

درسال ۱۸۸۸ بنظرمیآمد که‌بیسمارك سعی دارد جنك برضد فرانسه‌راتسریع کند . در۲۸ ژانویه و۸ آوریل این سال ستاد های ارتش آلمان و ایتالیا مخفیانـه نقشه‌هائی برای حمله بفرانسه طرح نمودند . دولت اتریش هم گرچه دراتخاذ تصمیم مردد بود مقدماتی رابرای حمله بروسها تهیه میدید ولی‌صبروحوصله وصلح‌خواهی تزار روسیه وفوت ویلهلم اول امپراطور آلمان دربهارسال ۱۸۸۸ مجالی برای تعقیب این نقشه‌ها باقی نگذارد .

تزار روسیه باانعقاد پیمانی در۱۸۷۹ بدول آلمان واتریش نزدیك شده‌بوددر سال ۱۸۸۱الکساندر سوم که جانشین الکساندر دوم گردید پیمان اتفاق سه‌امپراطور راتجدید کرد ولی مذاکرات دول آلمان و اتریش سربستان و رومانی وایتالیا اسباب تشویش‌اورا فراهم کرد واقدامات هربرت دوبیسمارك وژیر(۱) وزیر خارجه روسیه قدری ازوحشت تزار روسیه کاست و چون الکساندر سوم ازرژیم جمهوری متنفر و این طرز حکومت راسبب هرج و مرج میدانست باظهارات وزیر خارجه خود مبنی براینکه اقدامات بیسمارك بمنظورضعیف کردن وتنها نگاه داشتن فرانسه است‌وقعی نگذارد در۲۳ مارس ۱۸۸٤ نیزوزیر خارجه خودرا عوض کرده وپیمان۱۸۸۱را که برای مدت یکسال بسته شده بود باآلمان تجدید کرد .

درسپتامبر۱۸۸۷ قضایای بلغارستان باعث اختلاف بین روسیه واتریش گردید وروابط روسیه و آلمان نیز صمیمیت سابق را از دست داد بیسمارك بوسیله فرستادن

(۱) Nicolas Karlovitch de Giers (۱۸۹۵-۱۸۲۰) سیاستمدار روسی -اصلا سوئدی بود-از۱۸۳۸ وارد سیاست وچندین‌مرتبه‌سفیرشد - معاون وزارت خارجه‌روسیه در۱۸۷۵ وزیرخارجه روسیه از۱۸۸۲ .

شاهزاده ویلهلم نوه امپراطور آلمان به مانورهای روسیه سعی نمود ظاهر را حفظ کند و به تزار روسیه وعده داد درصورتیکه دولت روسیه مجبور باقداماتی در بالکان بشود دولت آلمان بیطرفی خود راحفظ خواهد کرد صدراعظم آلمان بااین وعده توقع داشت که درصورت بروزاختلاف بین آلمان وفرانسه دولت روسیه نیز بیطرف بماند گرچه وعده بیسمارك بدولت روسیه کاملا مخالف تعهدات او نسبت باتریش وایتالیا و انگلستان مبنی بررعایت وضع فعلی در بالکان بود ولی صدر اعظم آلمان امید داشت بامخفی نگاهداشتن مذاکرات هرچه ممکن است همراهان بیشتری پیدا کند تزارروسیه که منظوربیسمارك رااز این وعده‌ها دریافته بودفریب اظهارات بیسمارك رانخورد ودربهار سال ۱۸۸۷ اعلام نمود که اجازه نخواهد دادبیسمارك اوو پارامنقلب نموده ودول دیگر را دائماًدرترس ووحشت نگاه‌دارد وحتی گوشزدنموددرصورت بروزجنك بین فرانسه و آلمان اگر ضعف فرانسه مسلم شود از کمك بفرانسه دریغ نخواهد کرد بیسمارك برای رام نمودن تزار روسیه متوسل بفشارمالی گردید وسهام قرضه روسیه درآلمان بدون مشتری ماندولی فرانسویها ازموقع استفاده کرده فوراً حاضر برای قرض دادن بروسیه گشتند وهمین امرسبب نزدیکی بین محافل فرانسوی وروسی گشت.

در ۹ مارس ۱۸۸۸ ویلهلم اول امپراطور آلمان دارفانی را وداع گفت و بـا درگذشتن امپراطورپیر آلمان که کاملا مطیع نظریات سیاسی بیسمارك بودستاره اقبال بیسمارك که باوج ترقی رسیده بود شروع بافول نمود.

فصل سیزدهم

اتحاد فرانسه وروسیه درپایان قرن نوزدهم

شروع سلطنت آلکساندرسوم ـ تمایل روسیه بفرانسه ـ تهدیدات بیسمارك نزدیکی فرانسه وروسیه ـ تظاهرات کرونستاد ـ تنظیم نامه‌های اتحاد ـ تعهدات نامها ـ طرح پیمان نظامی روسیه وفرانسه ـ اشکال تأییدآن ازطرف دولت فرانسه ـ تأخیر درامضای پیمان ـ امضای پیمان ـ سلطنت نیکلای دوم ـ کنفرانس لاهه .

....

آلکساندر سوم‌تزار روسیه درسال ۱۸۸۱ بعد ازقتل پدرش فرمانروای‌روسیه گردید . در مقابل اقدامات شورشیان که باعث قتل الکساندر دوم شده بودند . تزار جدید روسیه اختیارات خودرا فقط ازجانب خداوند دانسته و کاملامخالف‌تقاضاهای آزادیخواهان بود الکساندر سوم درعین‌حال که اقتدار تزار را برای نجات روسیه‌از واجبات میشمرداین قدرت راوظیفه نیزبرای خود میدانست وسعی میکرد ملت‌خود را ازصلح وصفابرخورداد نماید . پیمانهائیکه دولت روسیه درسالهای ۱۸۸۱و۱۸۸٤ و۱۸۸۷ بادولت آلمان امضا کرد بیشتربرای حفظ و نگاهداری صلح دربالکان بود باینجهت اشخاصی‌را که مانند ایگناتیف‌طرفدارجدی اتحاد اسلاوهابودندازحکومت دور نموده وبا برقراری بارون دوژیر که طرفدار صلح بود امید داشت خانواده

هوهنزولرن که ضمناً قرابت خانوادگی نیز با او داشتند در تحکیم روابط دوستانه بین آلمان وروسیه کوشش کند. اقدامات دولت آلمان و بست و بندهای سیاسی بیسمارك تزار روسیه را کم کم از حسن نیت آلمان مأیوس کرد و تزار روسیه که طبعاً از رژیم جمهوری متنفر واین طرز حکومت را باعث هرج ومرج میدانست مجبورشد برای نگاهداری موازنه صلح اروپا رفته رفته بطرف فرانسه متمایل گردد .

قضایای بلغارستان وتعیین جانشین آلکساندر دوباتنبرگ سوء ظن تزار روسیه رانسبت بدولت آلمان زیاد تر کرد .

چون دراین موقع وزیر خارجه فرانسه بنمایندگان بلغارستان پیشنهاد نمود برای تعیین پادشاه بلغارستان با دولت روسیه کنار بیایند روابط بین فرانسه وروسیه تسهیل گردید وباوجود اینکه این دو دولت اعلام کردند منظوری جز نگاهداری صلح در بالکان ندارند واتحادی بین آنها برقرار نشده است نزدیکی روابط فرانسه وروسیه از نظر تیزبین بیسمارك دورنماند . صدراعظم آلمان برای ازبین بردن نطفه این اتحاد درسال ۱۸۸۷ شروع بتهدیداتی برعلیه فرانسه نمود ازقبیل حمله روزنامه‌ها بسیاست فرانسه قضیه شنوبله ـ گذراندن قوانین نظامی تا این دولت ازترس تهدید آلمان اقدامات سیاسی خودرا متوقف سازد . ضمناً برای اینکه دولت روسیه را نیز رام کند باتجدید اتحاد مثلث وهمکاری باانگلستان وجلوگیری ازتحصیل قرضه برای روسیه درآلمان سعی نمود اسباب تشویش این دولت رافراهم سازد .

تحریکات بیسمارك بیشتر باعث نزدیکی روابط بین فرانسه وروسیه گردیدزیرا بطوریکه در فصل پیش شرح داده شد بانکداران فرانسوی فوراً وسیله فروش سهام قرضه روسیه رافراهم ساخته وبامیانجیگری که دولت فرانسه برای اصلاح روابط بین تزارروسیه وپاپ لئون سیزدهم بعمل آورد قدم دیگری بسوی اتحاد فرانسه وروسیه برداشته شده باوجود تمام این احوال چون تزار روسیه تمایل بیشتری به رژیم های سلطنتی داشت وازحکومتهای جمهوری گریزان بوددرضمن مسافرتی که درسال ۱۸۸۷ به کپنهاك

نمود در ۱۸ نوامبر در برلن از بیسمارك راجع به اقدامات او توضیح خواست و مدارکی را که مبنی بر اقدامات سوء بیسمارك درقضیه بلغارستان بدست آورده بود بدو ارائه داد. بیسمارك که جوابی باعتراضات تزار نمی‌توانست بدهد درصحت مدارك تردید نمود و آنها را تکذیب و اظهار داشت تزار روسیه تحت نفوذ جمهوری خواهان و طرفداران اتحاد اسلاوها واقع شده است گرچه تزار روسیه تمام گفته‌های بیسمارك را باور نکرد ولی با اطمینان‌های جدیدی که صدراعظم آلمان داد بازبرای مدت سه سال دراتحاد خودش باامپراطور آلمان باقی ماند.

بیسمارك که بیش ازپیش ازاتحاد فرانسه و روسیه به تشویش افتاده بود درماه دسامبر ۱۸۸۷ مقررات نظامی آلمان راتشدید کرد درفوریه ۱۸۸۸ قسمتی ازمتن پیمان آلمان واتریش رامنتشر نموده و باحتمال وقوع جنك درمشرق ومغرب آلمان دولتین اتریش وایتالیا را نیز برای همکاری با آلمان حاضر میکرد عکس العمل این اقدامات توافق نظر زیادتری رابین فرانسه و روسیه ایجاد کرد. انتخاب کارنو (۱) نیز بریاست جمهوری فرانسه نظر مساعد تزار را نسبت باین کشور جلب نمود دردسامبر ۱۸۸۸ انتشار اولین سهام قرضه روسیه درفرانسه باموفقیت انجام گرفت. دولت روسیه هم ۵۰۰۰۰۰ تفنگ به کارخانه جات اسلحه‌سازی فرانسه سفارش داد و فرانسویها این سفارش را بشرطی قبول نمودند که تفنگها برضد آنها استعمال نشود تاوقتیکه بیسمارك صدراعظم آلمان بود دراثر قولی که به تزار روسیه داده بود الکساندرسوم اقدام عملی برای برقراری اتحاد بافرانسه بعمل نیاورد. پس ازعزل بیسمارك در مقابل تمایل انگلستان باآلمان تزار روسیه کاملا بطرف فرانسه متوجه شد گرچه دراین موقع هنوز موافقت انگلستان

---

(۱) Marie-Francois- Sadi, Carno (۱۸۹٤-۱۹۳۷) رئیس جمهور فرانسه ـ بعداز ۱۸۷۰ بنمایندگی مجلس فرانسه انتخاب شد ـ از ۱۸۷۸ در کابینه های مختلف سمت وزارت داشت ـ در ۱۸۸۷ بریاست جمهوری فرانسه انتخاب گردید در ۱۸۹٤ درنمایشگاه لیون ازطرف یك آنارشیست بقتل رسید

بااتحادمثلث مکشوف نشده بود ولی‌علائم و قرائن معلوم میشد که دولت انگلستان متمایل‌به‌آن است‌سالیسبوری هم درنطقی که درنوامبر ۱۸۸۹ایراد نمود صراحتاً‌این قضیه راتکذیب نکرد. ازماه نوامبر ۱۸۹۰ تاماه مه ۱۸۹۱ نیزدراثر اقدامات کریسپی اتحاد مثلث تجدید وپروتوکولی راجع به‌موافقت انگلستان در باره قضایای شرق و شمال افریقا بآن ضمیمه شد.

باوجود ملاقاتهای دوستانهٔ که درماههای اوت و سپتامبر ۱۸۸۹ وبعداً در سال های ۱۸۹۰ و۱۸۹۲ بین تزار روسیه و امپراطور جدید آلمان صورت گرفت روابط فرانسه وروسیه هرروز مستحکم ترمیشد. درماه ژانویه ۱۸۹۱ نیروی دریائی‌فرانسه به‌بندر کرنستاد دعوت ودر ۲۵ مارس نشان صلیب سنت آندره ازطرف تزار روسیه برای رئیس جمهور فرانسه ارسال شد. در ۲۲ ژویه ۱۸۹۱ نیروی دریائی فرانسه وارد کرنستاد گردیده وپذیرائی شایانی ازآنها بعمل آمد و باین ترتیب قبل از بر قراری اتحاد رسمی بین دولتین روسیه و فرانسه بین این دو ملت اساس دوستی محکمی بوجود آمد.

از۱۸ ژویه‌طرح موافقتی بین فرانسه وروسیه برای‌نگاهداری‌صلح‌اروپاتنظیم گردید. برای‌اینکه این‌طرح موافقت صورت‌پیمانی‌رابرضد اتحادمثلث بخودنگیرد قرار شد ازطرف دولت روسیه نامهٔ‌بدولت فرانسه‌نوشته شود ودولت‌فرانسه‌نیزپاسخی بنامه روسیه‌بدهد. ولی‌تعهدات‌ناشیه‌ازاین نامه‌هابقدری صریح‌بود که تقریباً‌جانشین یك پیمان‌میگردید ضمناً‌بابرقراری‌تعهدات بصورت نامه‌دولت‌فرانسه میتوانست‌مفاد آنرا مخفی نگاهدارد زیرا باوجود حکومت پارلمانی در فرانسه دولت فرانسه در صورت انعقاد پیمان رسمی مجبورمیشد موادآنرا به‌تصویب مجلس برساند.

موضوعی که باعث تعویق صدور این نامه‌ها گردید اختلاف نظر دول فرانسه و روسیه راجع بحدود اعمال آن بود. دولت فرانسه میل داشت تعهدات دو دولت

فقط درمورد تجاوزات اتحاد مثلث صورت عمل بخود گیرد درصورتیکه‌دولت‌روسیه تقاضا داشت تعهدات مزبور شامل هر گونه تجاوزی چه در اروپا وچه در خارج از اروپا بشود تادولت روسیه بتواند درمقابل تجاوزات انگلستان نیزاز اتحاد با فرانسه استفاده کند بالاخره بعداز مذاکرات زیاد متن‌نامه در۲۷ اوت بطریق زیرتنظیم و رد وبدل گردید: «دو دولت فرانسه وروسیه درباره هرقضیه که صلح عمومی‌راموردتهدید قراردهد بایکدیگر تبادل افکار نموده درصورتیکه‌این‌صلح حقیقتاًموردخطر قرار گیردومخصوصاًاگریکی‌ازطرفین‌موردتهدیدتهاجم‌واقع‌شودطرفین‌قرارمیگذارند درباره‌اقداماتی که این تهدید نسبت به‌دو دولت ایجاد میکند اتفاق حاصل نمایند».

دولت فرانسه که بیشتر ترسش از آلمان بودبرای اینکه درموقع بروزاختلاف دولت روسیه تمام قوای خود رافقط برعلیه اتریش بکار نبرد درصدد برآمدبااضافه نمودن‌پیمان نظامی‌به‌نامه های مبادله شده وظائف طرفین را درموقع تهاجم یکی‌از دول اتحاد مثلث تصریح کند. بعد ازمذاکرات زیادی که بین ژنرال صدراعظم‌روسیه‌و فریسینه‌وزیرخارجه‌فرانسه‌درپاریس‌بعمل آمددرسن‌پطرزبورگ‌ازطرف‌دولت‌فرانسه ژنرال بوآدفر(۱) وازطرف دولت روسیه ژنرال وانوسکی(۲) وژنرال اوبروچف(۳) تبادل نظرنموده وطرح پیمان رابشرح زیرتهیه کردند.

ماده ۱- اگرفرانسه‌مورد تهاجم آلمان یاایتالیا بکمک آلمان‌واقع‌شود روسیه تمام قوه حاضرخود را برای حمله بآلمان بکارخواهد برد.

---

(۱) Raoul - Francois - Charles le Mouton de Boisdeffre (۱۸۳۹-۱۹۱۹) سردارفرانسوی آتاشه نظامی فرانسه در روسیه - رئیس ستاد ارتش فرانسه از۱۸۹۳ تا ۱۸۹۸

(۲) Vannovsk سردار روسی

(۳) Nikolaï'Obroutchev (۱۸۳۰-۱۹۰٤) سردار روسی - خدمات زیادی‌در جنگهای بالکان انجام‌داد-رئیس‌ستاد ارتش روسیه در۱۸۹۳ - عضوشورای‌امپراطوری

اگر روسیه مورد تهاجم آلمان یااتریش بکمك آلمان قرار گیرد فرانسه تمام قوه حاضرخود رابرعلیه آلمان بکارخواهد برد .

ماده ۲ـ درصورتیکه قوای اتحاد سه گانه یایکی ازدولی که جزء آنست بسیج شوند فرانسه وروسیه بمحض اطلاع ازقضیه باهم وفوراً تمام قوای خودرا بسیج نموده وبنزدیکترین نقطه سرحدات اعزام خواهند داشت .

ماده ۳ـ قوای حاضری که بایدبرضد آلمان بکارافتد ازطرف فرانسه ۱۳۰۰۰۰۰ نفر واز طرف روسیه هفتصد تا هشتصد هزارنفر خواهند بود این قوا باتمام سعی و کوشش خود اقدام خواهند نمود بطریقیکه آلمان درشرق وغرب بجنگد .

ماده ٤ـ ستادهای ارتش دو دولت درهر موقع با یکدیگربرای تهیه وتسهیل اجرای مقررات پیش بینی شده توافق نظرحاصل خواهند کرد .

ماده ٥ـ فرانسه وروسیه جداگانه پیمان صلحی منعقد نخواهند نمود .

ماده ٦ـ این پیمان همان مدتی راخواهد داشت که اتحاد مثلث .

ماده ۷ـ تمام مواد بالا کاملا مخفی نگاه داشته خواهد شد..

طرح پیمان بالا در۱۸ اوت ۱۸۹۲ بوسیله ژنرال بوادفر ازطرف دولت فرانسه و ژنرال اوبروچف از طرف دولت روسیه بامضاء رسید . بعد از امضای پیمان توسط نمایندگان فرانسه دولت فرانسه برای تأیید آن دچار تردید شد زیرا اگرچه اسم این پیمان نظامی بود ولی بطوریکه ملاحظه میشود جنبه سیاسی آن بیشتر است واگر دولت فرانسه آنرا برای تصویب بپارلمان پیشنهاد مینمود دراثرمذاکرات مجلس سری نگاهداشتن آن دچاراشکال میگردید. باینجهت دولت فرانسه پیشنهاد کرد ماده هفت پیمان بطریق زیراصلاح شود « موادپیمان جزبا رضایت طرفین منتشرنخواهد گردید ولی دولت روسیه که مخفی نگاهداشتن قرارداد بالارا ازشرایط اساسی آن میدانست راضی باین تغییر نشده واعلام داشت درصورتیکه ماده ۷ ازبین برود تعهدات روسیه را باید ملغی شده پنداشت .

اشکال تأیید پیمان ازطرف دولت فرانسه تصویب پیمان رامدت یکسال ونیم بتأخیرانداخت . مسائل پاناما وسوء استفاده های نمایندگان مجلس فرانسه وافتضاح محافل مطبوعاتی وپارلمانی فرانسه نیزبه حیثیت‌دولت جمهوری فرانسه‌لطمه‌بزرگی وارد آورد ودرنتیجه تزار روسیه که اصولا تمایلی برژیم جمهوری نداشت از اتحاد با فرانسه دلسرد گردید بطوریکه صدر اعظم روسیه که زمستان ۱۸۹۳ رادر ایتالیا میگذراند درماه مه درموقع عبور از وین از تظاهرات کرونشتاد اظهار تأسف‌نمود .

درماه نوامبر ۱۸۹۳ دولت آلمان طرح قانون جدیدی برای تصویب بمجلس رایشتاك پیشنهاد نمود که بموجب آن درظرف ٦سال تعداد نفرات ارتش آلمان‌رادر زمان صلح به۵۰۰۰۰۰نفرمیرسانید ودرضمن صحبت دراطراف آن صدراعظم آلمان اظهارداشت که‌دولت آلمان‌باید خودرابرای جنك آماده کند محل‌مانورارتش آلمان نیزدرماه ژویه۱۸۹۳ ناحیه متزوسرحدات فرانسه تعیین گردید .

تهدیدات آلمان‌دومرتبه باعث‌نزدیکی‌فرانسه‌وروسیه گردیدبرای‌تجدیدروابط دوستانه بین‌دوملت روسیه وفرانسه درماه‌ژوئن۱۸۹۳ دولت فرانسه ازنیروی دریائی روسیه دعوت کرد تادربندر تولون[1] مورد پذیرائی واقع شوند در اواسط ماه ژویه دولت فرانسه بموجب یادداشتی ازطرف ستاد ارتش اهمیت تسلیحات آلمان را بتزار روسیه گوشزد نموده و لزوم اتحاد بین دو دولت را یاد آوری نمود . یادداشت ستاد ارتش فرانسه در۵سپتامبر بدست صدراعظم روسیه‌رسید وتاریخ ورود جهازات‌روسیه به‌بندر تولون روز۱۳ اکتبر۱۸۹۳ تعیین گردید .

ملوانان روسی درتولون وپاریس مورد پذیرائی خیلی گرمی از طرف دولت وملت فرانسه قرارگرفتند . درخلال این مدت رئیس جمهورفرانسه کارنونیزپیمان نظامی راکه دربالا شرح‌داده شد بهمان صورت اولیه تأییدنمود . در۲۹اکتبر۱۸۹۳ از طرف تزار روسیه نامه تشکری بعنوان رئیس جمهور فرانسه رسید و با وجود

Toulon(۱)

تغییر کابینه فرانسه در ۳۷ دسامبر صدراعظم روسیه نامه زیررا که سند انعقاد پیمان اتحاد بین‌فرانسه و روسیه است بعنوان رئیس جمهور فرانسه ارسال داشت : « بعد از آنکه طبق دستور اعلیحضرت طرح پیمانی را که توسط ستاد های ارتش فرانسه و روسیه تهیه شده بود مطالعه و بعرض امپراطور رسانیدم وظیفه خود میدانم بآگهی آن عالیجناب برسانم که‌متن این پیمان رامیتوان ازاین ببعد بصورت حاضرش کاملا قابـل قبول دانست . » از این تاریخ اتحاد فرانسه وروسیه با وجـود سری بودن آن قطعی گردید .

درسال ۱۸۹٤ آلکساندر سوم تزار روسیه فوت نمود . رئیس جمهور فرانسه کارنـو نیز درلیون بقتل رسید ولی حـکومت جدید فرانسه و تـزار جوان روسیه نیکلای دوم همان سیاست پیشین اتحاد دودولت راتعقیب کردند . تظاهرات دوستانه ودید وبازدیدهای دیگری‌هم ازطرف دودولت برای نگاهداری واستحکام‌این اتحاد بعمل آمد .

درسال ۱۸۹۸ برای نگاهداری صلح‌ومتوقف‌نمودن تسلیحات‌دول تزار روسیه پیشنهاد تشکیل کنفرانسی را درلاهه نمود . درمقابل مخالفت آلمان کنفرانس لاهه بجائی نرسید فقط نتیجه مذاکرات کنفرانس به‌تعمیم تصمیمات کنفرانس ژنودرباره مجروحین جنگی به مجروحین نیروی دریائی وایجاد قوانین تازهٔ در باره جنك در تعقیب کنفرانس‌برو کسل ۱۸۷٤ ویك پیمان ۶۰ مادهٔ‌برای رفع اختلافات درقضایائی که مربوط بمسائل حیاتی و شرافت ملی نشود بوسائل صلح جـویانه یعنی داوری منجر گردید .

فصل چهاردهم

عثمانی واروپا

سلطنت سلطان عبدالحمید دوم - مسئله ارامنه - سیاست روسیه نسبت بارامنه قتل عام ارامنه - تقاضای ایتالیا - پیشنادات دول اروپا - ادامه کشتار ارامنه اختلاف نظر روسیه وانگلستان - میانجیگری دولت فرانسه - قتل عام مجدد ارامنه عدم کمك دول اروپا بارامنه - مسئله کرت - دخالت یونان واروپا - مسئله مقدونیه - رفع خصومت بلغارستان وروسیه - توافق نظر روسیه واتریش در امور بالکان - جنك عثمانی ویونان - تعهد نگاهداری وضع فعلی در بالکان از طرف روسیه واتریش - ترك مخاصمه یونان وعثمانی - شورش مقدونیه - موافقت نامه مورزتك - نهضت جوانان ترك

بعد از قتل سلطان عبدالعزیز[1] وسلطان مراد[2] سلطان عبدالحمید دوم[3]

---

(۱) سلطان عبدالعزیز (۱۸۷٦-تا ۱۸۳۰) سلطان عثمانی از سال ۱۷٦۱-پسر دوم سلطان محمود وبرادر سلطان عبدالمجید - در بدو سلطنت شروع به اصلاحاتی نمود ولی آنها را تعقیب نکرد - درشب ۳۰مه ۱۸۷٦ بنفع برادر زاده‌اش سلطان مراد پنجم استعفاداد- در ۱۱ ژوئن ۱۸۷٦ بروایتی انتحار وبروایتی مقتول شد.

(۲) سلطان مراد پنجم (۱۹۰٤-۱۸٤۰) پسر سلطان عبدالمجید-درسال ۱۸۷٦ برای مدت سه ماه سلطان عثمانی شد- بعلت بیماری دماغی از سلطنت خلع وبرادرش سلطان عبدالحمید دوم جانشین او گردید.

(۳) سلطان عبدالحمید دوم (۱۹۱۸-۱۸٤۲) سلطان عثمانی- پسر دوم سلطان عبدالمجید بعد از خلع برادرش در ۳۱ اوت ۱۸۷٦ سلطان عثمانی شد - در ۲۳ دسامبر ۱۸۷٦ مجبور باعطای قانون اساسی گردید- در ٥ مارس ۱۸۷۷ برژیم استبدادی برگشت - در نتیجه شکست ازروسیه پیمانهای سان استفانو وبرلن بدولت عثمانی تحمیل شد-در نتیجه سیاست مزورانه وجابرانه واستبدادی منفور وملقب به سلطان قرمز گردید-درسال ۱۹۰۹ از سلطنت عثمانی خلع گردید.

درربع آخرین قرن نوزدهم واوائل قرن بیستم سلطان عثمانی - حکومت عثمانی در زمان سلطنت عبدالحمید دوره ترس و وحشت گردید سلطان عثمانی از ترس شورش وجان ومال خود تمام امور رادردست خود متمرکز نموده بانظارت در کارهاوتعمیم جاسوسی ورشوه خواری واستبدادمطلق دستگاه حکومت رامورد بغض و کینه مردم قرار داده اعتماد وآرامش عمومی رادر کشور عثمانی ازبین برد .

یکی ازمللی که زودتر ازدیگران قربانی سیاست سلطان عثمانی واختلافات دول اروپا گشت ملت ارامنه بود که بواسطه پشت کار وجدیت خود درامور مالی وتجارت دست زیادی پیدا کرده وسالها انتظار بدست آوردن استقلال را داشت. درسال ۱۸۶۳ سلطان عبدالعزیز آزادی مختصری به ارامنه داد . سلطان عبدالحمید نیز دربدو سلطنت خود بسیاری ازمشاغل اداری رابآنها سپرد بطوریکه درسال ۱۸۹۰ ارامنه نفوذزیادی دردولت عثمانی پیدا کردند .

نفوذ ارامنه باعث بدبختی آنها گردید مخصوصاً که پیمانهای سان استفانو وبرلن سلطان عثمانی راموظف میکرد دراصلاح حال ارامنه بکوشد . در صورتیکه دولتین روسیه وانگلستان نظرخاصی نسبت بارامنه نداشتندوبرای استقرار نفوذ سیاسی خود بآسانی حاضر بفدا کردن منافع ارامنه میشدند . دولت روسیه بعدازپیمان برلن وپاس از توسعه نفوذدرآسیای صغیر بارامنه که تابع او بودندفشارزیادی وارد آورد تازبان ومذهب و حس ملیت آنها را ازبین برده وارامنه را روسی کند ارامنه هم که دارای حس ملیت قوی بودند برای مبارزه بااقدامات روسیه شروع به تبلیغات درخارج نموده واجتماعات سری وروزنامه هائی برای دفاع ازحقوق خودتأسیس کردند. عکس العمل اقدامات ارامنه باعث تشدید فشارروسیه شده وچون این دولت دیگر بعنوان حمایت ارامنه نمیتوانست منظور خودرا دردولت عثمانی تأمین کندبیشتر اقدامات دولت عثمانی رابرضد ارامنه تجویز کرد. ارامنه که درخاك عثمانی سکونت داشتند نیز باامید بکمك انگلستان شروع باقدامات تروریستی جهت ایجاد یك نهضت ملی نمودند درمقابل عملیات ارامنه دولت عثمانی که

تا آنوقت نسبت به آنها روی خوش نشان میداد درصدد بر آمد با ازبین بردن ومضمحل کردن این ملت موجبی برای مداخله دول اروپا دردولت عثمانی باقی نگذارد .

سلطان عبدالحمید برای اجرای نقشه خود کردها را که جزء سپاهیان عثمانی محسوب میشدند تشویق بآزار ارامنه نمود ودر نتیجه تبلیغات مذهبی اذهان عمومی رابرای قلع وقمع ارامنه حاضر کرد .درماه اکتبر ۱۸۹٤ درشهرهای ساسون(۱) بیتلیس(۲) ودیاربکر قتل عامی ازارامنه بعمل آمد که باعث اعتراض دول اروپا گردید . عبدالحمید که شخصاً مسبب این کشت و کشتار بود برای ازبین بردن مسئولیت خود با تشکیل کمیسیونی بعضویت نمایندگان اروپائی جهت رسیدگی بقضیه موافقت کرد.چون دولت روسیه بامداخله دولت انگلستان درامور ارامنه موافقتی نداشت درعوض قونسولهای محلی که بصیرت واطلاع کافی بکنه قضیه داشتند مأمورین جدیدی بعضویت کمیسیون تعیین گردیدندوطبق تمایل دولت عثمانی مسئولیت امر بیشتر متوجه خودارامنه گردید دولت انگلستان نیز که میدید اگربخواهدجداً قضیه راتعقیب کندممکن است مجبور باعزام جهازات جنگی به بغازهاشده واختلاف دیرینه درسر قضایای شرق تجدیدشود صلاح را دراین دانست برقضیه سرپوش گذاشته واصرار زیادی برای حمایت ازمنافع ارامنه بکارنبرد .

دراین موقع اغلب دول اروپامراقب امور داخلی دولت عثمانی ومترصدبودند قسمتی ازخاك این کشور را تجزیه کنند . دولت ایتالیا در۱۸۸۹درخواست اقدامات جدی برای تصرف طرابلس نموده ودرماه اکتبردرملاقاتی که کریسپی ازبیسمارك بعمل آورد نقشه تقسیم خاك عثمانی رابمعیت یونان پیشنهاد کرده بوددرسال بعددر موقع تجدید پیمان اتحاد مثلث نیز در انجام تقاضای خود اصرار داشت و در مقابل مخالفت دولت اتریش در باره این امر نزدیك بـود رشته اتحاد مثلث گسیخته شود فقط اقدامات سالیسبوری وفشار اوبر کابینه ایتالیا این دولت راموقتاً وادار بسکوت کرده بود . ازسال ۱۸۸٤ تا ۱۸۸۹دول آلمان وانگلستان بعنوان جلوگیری ازخطر

---

(۱) Sasson

(۲) Bitlis

احتمالی حمله فرانسویها واشغال داردانل توسط روسها وارد مذاکراتی‌شده بودند ولی درحقیقت منظور آلمان تقویت نیروی دریائی خود درمدیترانه‌وامیدوارساختن ایتالیا بکمك دولت آلمان بود. انگلستان هم که هنوز کاملا درمصر مستقر نشده‌بود کمك ایتالیارا در اینموقع لازم شمرده و در موقع لزوم ناوگان ایتالیا ممکن بود کمکهای ذیقیمتی‌بدولت‌انگلستان‌بنماید کابینه‌ایتالیاهم که کمك‌خودرابرای آلمان وانگلستان لازم میدید روزبروز برتقاضاهای خود میافزود فقط مخالفت اتریش با پیشنهادات ایتالیا باعث جلوگیری ازمقاصد این دولت میشد .

وزیرخارجه کابینه جدید گلادستون روزبری سعی کردسیاست‌سلف خود را درمدیترانه تعقیب کند در ضمن کوشش مینمود فرانسه‌اعلام کند که درصورت بروز اختلاف درمدیترانه بیطرفی را رعایت می‌نماید اما چون‌دولت‌انگلستان نمیتوانست درمقابل فشار ترکهانسبت بارامنه‌ساکت بماند وزیرخارجه این دولت پیشنهادنمود برای حمایت ارامنه دولت انگلستان دست باقداماتی دربغازها بزند تا دولت عثمانی مجبور برعایت حقوق ارامنه شود . دولت آلمان هم که ورود جهازات انگلیسی را بدریای سیاه مقدمه شروع جنك بین‌انگلستان و روسیه میدانست خوشحال بود که هنوز رسماً نسبت بهیچ یك ازطرفین تعهدی نداشته وبا خیال راحت خواهد توانست استفاده شایانی ببرد .

دولت فرانسه که مایل بوقوع حوادث غیرمترقبه وتشدید اختلافات‌بین‌روسیه وانگلستان نبود پیشنهاد کرد سفرای دول‌اروپا ازعبدالحمیدتقاضای انجام اصلاحاتی رانسبت بوضع ارامنه بنمایند . پیشنهاد فرانسه مورد موافقت قرار گرفته ودر۱۶ مه ۱۸۹۵ دول اروپا ازسلطان عبدالحمید در خواست رعایت حقوق ارامنه را کردند . سلطان عثمانی که ازاختلاف نظردولت اروپا آگاه بود بر عکس پیشنهاد دول اروپا قتل‌عام‌ارامنه راتشویق نمود وازاول تا۱۶ اکتبر کشت و کشتار ارامنه درقسطنطنیه شروع شد وحتی در۱۸ اکتبردرموقعیکه سلطان عبدالحمید طرح‌اصلاحاتی رابنفع

رعایای خود امضا میکرد مسلمانان بتحریك او درطرابوزان و دیاربکر مشغول کشتار ارامنه بودند درماه نوامبر نیز قتل عام ارامنه ادامه پیدا نمود .

درمقابل این وضع وتحریك احساسات عمومی دراروپا برضد عملیات سلطان عثمانی در ۷ نوامبر انگلیسها ۱۸ کشتی جنگی خودرا بسالونیك فوستادند. روسهاهم مقدمات تجهیز ارتش رادرسباستوپول شروع کردند. فرانسویهاوایتالیائیهاواتریشیهانیز شروع بتجهیز نمودند . باوجود تمام این تهدیدات دولت عثمانی ازتعقیب رویه خـود نسبت بارامنه دست نکشید و انگلیسها ناچار دو کشتی جنگی خود را وارد دریای مرمره ساختند ومنتشر شد که درموقع لزوم دولت ایتالیا نیز بانگلستان کمك خواهد کرد . بانزدیك شدن جهازات انگلیسی بهداردانل تزار روسیه شروع بهارسال نفرات وتجهیز بنادر سباستوپول وادسانموده ودر ۲۵ نوامبر ۱۸۹۵ بدولت عثمانی اطلاع داد دولت روسیه بمعیت دولت فرانسه اقدامات لازم را برای حفظ بیطرفی خاك عثمانی معمول خواهد داشت .

دولت انگلستان برای اجبارعثمانی برعایت حقوق ارامنه پیشنهاد اقدام دسته جمعی دول اروپارادرنزددولت عثمانی کرد.روسها که خیال میکردند پیشنهاد انگلستان منجربنفوذ این دولت در دولت عثمانی شده وبعداً مانند مصربتنهائی نفوذ خودرا در دولت عثمانی برقرار خواهد کرد ازپیشنهاد انگلستان حسن استقبال ننمودند.دولت فرانسه که میترسیداختلافات درشرق موجب بروزجنك درغرب گرددشروع باقدامات جدی برای رفع اختلافات بین دول نمود وضمناً بدولت روسیه خاطر نشان کرد دولت فرانسه نسبت باقداماتی که درپیمان اتحاد پیش بینی نشده است مقید بکمك روسیه نخواهد بود . بدولت انگلستان نیزتذکر داد مخالف هرگونه تجاوزی نسبت بخاك عثمانی میباشد . باین ترتیب درنتیجه اختلافات دول اروپاووجود نداشتن هم آهنگی بین آنها منافع ارامنه فـدای جلوگیری از بروز اختلافات زیاد تـری بین روسیه وانگلستان گردید.

قتل عام مجدد ارامنه-عدم کمك دول اروپا بارامنه - مسئله کرت

درسال ۱۸۹۶ ارامنه که وضع خودرا بدتر ازپیش میدیدند بتحریك دستجات شورشیان تروشاك[۱] ببانك عثمانی حمله نمودند اقدامات ارامنه باعث تشدیداقدامات دولت عثمانی شده و در اواخر اوت ۱۸۹۶ کشتار ارامنه دو مرتبه شروع شد وچون لرد سالیسبوری تقاضای اقدامجدی درنزد دولت عثمانی مینمود دولتفرانسهپیشنهاد اجتماع یك ناوگانبین‌المللی رادرنزدیکی داردانل نمودروسها که مخالفبرقراری هرگونه نفوذ خارجی در بغازها بودند اعلام کردند که در اینصورت آنطرف بغازها را درددریای سیاه اشغال خواهند کرد وبرای پیش بینی تجهیزبنادر سباستوپول‌وادسا ازنو شروع شد . درنتیجه این دفعه هم منافع ارامنه فدای نگاهداری صلح بین دول اروپا گردید فقط سلطان عبدالحمید برای اسکات دول اروپا وعده داد طرح اصلاحات اداری را به سه ولایت آسیای صغیر که ارامنه در آنجا سکنی داشتند تعمیمدهد .

رفتارسلطان عبدالحمیدنسبت بمسیحیان درجزیره کرت نیزمورد تنفرعمومی قرار گرفت در ۵ مارس ۱۸۹۶ سلطان عبدالحمید حاکم جدیدی برای جزیره کرت تعیین کرد اهالی کرت که ازمدتمدیدی درخواست الحاقاینجزیره رابیونان کرده بودند ازتغییرحاکم استفاده نمودهوشورش کردند حاکم جدیدبفرمان سلطانعثمانی باقساوت تمام نسبت بمسیحیان‌رفتار کرده ودرماه مه۱۸۹۶ قتل‌عامی‌در کانه[۲] بعمل آمد وحاکمجدیدی نیزبا دستجاتارتش کمکی ازطرف دولتعثمانی بجزیره کرت اعزام شد . در مقابل تهدید دول اروپا بفرستادن ناوگان جنگی به کرت سلطان عبدالحمیدناچارشد وعدهاصلاحاتی‌را درجزیره کرت بدهد ولی در باطن امر حکام عثمانی ازهیچگونه آزار واذیتی نسبت بساکنین جزیره کرت فرو گذارنمیکردند.

دولت یونان که الحاق جزیره کرت را چندین مرتبه تقاضا کرده بود با اعزام دستجات کمکی وارسال مهمات بشورشیان کمك های زیادی نمود ودامنه شورش را

Trochak (۱)
Cannèe (۲)

هرروز وسیع ترمی ساخت باین جهت در ماه اوت ۱۸۹۶ دول اروپا بسلطان عثمانی پیشنهاد نمودند حفظ انتظام درجزیره کرت بآنها واگذارشود. دراثر شورش در کرت وتشدید فشارحکام عثمانی درماههای ژانویه وفوریه ۱۸۹۷ قتل وغارت وهرج ومرج در کرت توسعه پیدا نمود وپارلمان یونان ازاین امر استفاده وبدولت یونان پیشنهاد اعزام دو کشتی جنگی رابکرت نمود. سلطان عبدالحمید که مقصود یونان رادریافته ومیدانست که پادشاه یونان در نظر دارد یکی از پسرانش را بکرت بفرستد. دولت روسیه هم ممکن بود بواسطه قرابت خانوادگی با پادشاه یونان بااین امر موافق باشد برای جلوگیری ازعملی شدن نظریه دولت یونان طبق پیشنهاد قبلی دول اروپا فوراً جزیره کرت را دراختیار دول اروپا گذارد تاصلح را در آنجا برقرار نمایند.

چون دولت روسیه که درباره قضایای ارامنه بامداخله دول اروپا درامورعثمانی مخالفت کرده بود نمی توانست در کرت از شورشیان طرفداری نماید در ۱۱ فوریه ۱۸۹۷ ناوکان فرانسوی وانگلیسی به جزیره کرت رسید و بزودی ناوکان اتریش و ایتالیا نیزبآنها ملحق شدندواعلام نمودند که دروضع حاضر الحاق جزیره کرت بیونان ممکن نیست باین ترتیب اقدام سلطان عبدالحمید بدون اینکه کرت راازتسلط سلطان عثمانی خارج سازد مانع الحاق این جزیره بیونان گردید.

موضوع دیگری که در کشورعثمانی درپایان قرن نوزدهم توجه عموم دول را بخود جلب نمود قضیه مقدونیه بود پیمان سان استفانو تقریباً تمام این ناحیه راجزء بلغارستان قلمداد نمودولی پیمان برلن دومرتبه مقدونیه راتحت تسلط سلطان عثمانی قرارداد. اهالی مقدونیه که هرقسمت آنها متکی بیکی از دول مجاور خود سربستان بلغارستان یایونان بودند کم وبیش ازسال ۱۸۹۰ تقاضای استقلال والحاق بیکی ازاین دول رامیکردند بعد ازامیدهائی که پیمان سان استفانوبه بلغارها داده بود از طرف آنها کمیته هائی برای انتزاع مقدونیه ازعثمانی تشکیل گردیدعبدالحمیدطبق معمول خود برای ازبین بردن احساسات اهالی با کمك ارتش خود وسر کردگان آلبانی که

همواره مترصد غارت و چپاول بودند مشغول کشت و کشتار و وارد آوردن فشار در مقدونیه گردید. اهالی‌این‌سامان هم ازروی اجباربه سربستان وبلغارستان فرارنموده خود رامهیای انتقام ساختند.

بعد ازبرقراری فردیناند دو کوبورك بسلطنت بلغارستان روابط این دولت‌با روسیه فوق‌العاده‌تیره‌شده وتازمانی که آلکساندر سوم تزار روسیه بود دولت روسیه بهیچوجه روی موافقتی به‌بلغارستان نشان نمیداد بعد ازبرقراری‌نیکلای‌دوم‌بسلطنت روسیه پادشاه بلغارستان اقدامات زیادی برای جلب دوستی روسیه‌بعمل آورد نخست وزیربلغارستان استامبولف[1] که طرف تنفر تزار روسیه بود معزول گشت و ولیعهد بلغارستان نیزبآئین مذهب‌اورتودکس غسل تعمید گردید. درنتیجه در سال ۱۸۹۶ نیکلای دوم پادشاه بلغارستان را برسمیت شناخته وظاهراً موافقتی بین این دودولت پیدا شد ودولت‌بلغارستان‌باازبین بردن خصومت روسیه گمان‌میکردبتواند درمقاصد خود نسبت بمقدونیه کامیاب‌شود. اگربین دول‌بالکان موافقتی‌وجود داشت سلطان عثمانی نمیتوانست در مقابل آنها ایستادگی نماید ولی بارقابت و اختلافاتی که بین بلغارستان وسربستان وجودداشت سلطان‌عبدالحمید هیچگونه واهمه بخود راه‌نداده واقدامات خودرا هرروز درمقدونیه تشدید میکرد.

دولت اتریش که مایل نبود ملل بالکان توسعه پیدانموده واسباب‌مزاحمت‌او رافراهم سازند باب مذاکرات‌رابرای نگاهداری صلح دربالکان با روسیه مفتوح نموده ودرنتیجه ملاقات وزرای خارجه اتریش و روسیه درماه اوت ۱۸۹۶ دو دولت

---

(۱) stephane stamboulov (۱۸۹۵-۱۸۵۳) سیاستمدار بلغارستانی - درجنك ۱۸۷۷ درارتش روسیه خدمت کرد در ۱۸۸٤ وزیرشد- برای برقراری سلطنت باتنبرك وفردیناند زحمات بسیاری کشید - نایب‌السلطنه بلغارستان بین دوسلطنت - نخست‌وزیر بلغارستان در۱۸۸۷- مخالف دخالت روسیه دربلغارستان - خشونت اواهالی را منزجر ساخت در۱۸۹٤ مجبورباستعفا شد - در۱۸۹۵ بقتل رسید.

روسیه واتریش تصمیم گرفتند از مداخلات خارجی وشورشهای داخلی در دولت عثمانی جلوگیری کنند کشتارهائی که دراواخرماه اوت ۱۸۹۶ در قسطنطنیه ازمسیحیان بعمل آمد و فشاری که دولت عثمانی بر مسیحیان در کرت و مقدونیه وارد میآورد باعث گردید که سربها وبلغارها و یونانیها ازسلطان عثمانی امتیازاتی رابرای برادران دینی خود درخواست کنند . پادشاه یونان درتحت فشار عقاید عمومی درفوریه ۱۸۹۷ ارتشی به تسالی[۱] اعزام داشت ودراثراختلافاتی که بزودی بین دستجات ارتش عثمانی ویونان بروز کرد درماه آوریل جنك بین دولت عثمانی و یونان شروع شد درنتیجه عدم مداخله دول اروپا درماه آوریل یونانیها شکست سختی ازترکها خورده و ارتش عثمانی لاریسا[۲] رامتصرف گردید .

برای جلوگیری ازتوسعه اغتشاش دربالکان درماه آوریل ۱۸۹۷ فرانسواژوزف ازتزارروسیه بازدیدی بعمل آورد ودو امپراطور روسیه واتریش بمعیت وزرای خود طرح موافقتی رابرای تعقیب خط مشی سیاسی واحدی دربالکان تنظیم نمودند در ۸ مه ۱۸۹۷ بعد ازمراجعت امپراطور اتریش بین روسیه واتریش قرار داد مخفی بامضا رسید که بموجب آن دولتین تعهد میکردند اگر ادامه وضع فعلی دربالکان میسر نباشد باهرنوع کشورگشائی که ازطرف دول دیگرصورت گیردمقاومت نمایند. با امضای این پیمان دولت روسیه که میترسید دولت انگلستان دراثر مداخله در امور عثمانی راه های دریای سیاه راهمانندترعه سوئزدراختیارخود درآوردبدون درخواست تصرف بغازها دول دیگررا ازاین ناحیه دورنگاه میداشت. دولت اتریش نیزدر نظر داشت درصورت تشدید اختلافات واغتشاشات بوسنی وهرزه گوین را اشغال نموده و دولت آلبانی رامستقل سازد .

توافق نظربین اتریش وروسیه کمك زیادی به کاسته شدن اختلافات دربالکان نمود . امپراطورآلمان هم گرچه ازمرتفع شدن اختلافات اتریش وروسیه دربالکان خوشنود نبودزیرا احتیاج اتریش را از آلمان سلب مینمودمجبور گردیدروی موافقت

---

(۱) Thessali

(۲) Larissa

نشان دهد . دولت ایتالیاهم که تقاضاهای زیادی درسواحل آدریاتیك داشت مجبور گردید موقتاً ادعاهای خود را مسکوت گذارد . دول صربستان ورومانی وبلغارستان و مونتنگرو نیز کم وبیش دست از تبلیغات خود برداشتند . در اثر میانجیگری تزار روسیه دولت یونان که از ارتش عثمانی شکست خورده بود نجات یافت وتعهد نمود ارتش خودرا از جزیره کرت احضار کرده و دیگر تقاضای الحاق این جزیره را بیونان ننماید . دولت عثمانی نیز در تحت فشار روسیه واقع شده در ۱۸ مه ۱۸۹۷ ترك مخاصمه را بایونان امضاء ودر ۱٤ دسامبر ۱۸۹۷ تسالی رادرازای پرداخت غرامت بیونان مسترد نمود .

در سال ۱۸۹۸ برای جلب رضایت یونان تزار روسیه پیشنهاد نمود حکومت مستقل جزیره کرت که در٤دسامبر۱۸۹۷ مورد موافقت دول اروپاقرار گرفته بودبه پسرپادشاه یونان واگذار شود . دول آلمان واتریش برای اینکه احساسات ترکهابر ضدآنهابرانگیخته نشودبااین پیشنهاد مخالفت کردندودرنتیجه حکومت کرت بدست دریاسالاران خارجی بمعیت چهارمستشارخارجی ویك مجلس انتخابی ازطرف اهالی جزیره که وینزلوس[1] نیزدرآن عضویت داشت سپرده شد . اهالی کرت گرچه مجبور بقبول این حکومت شدندولی چون درهمان روزارتش عثمانی که درکاندی اقامت داشت شروع به اقداماتی برای تصرف شهرو کشتن مسیحیان نمود دول اروپا فوراً در صدد متوقف کردن عملیات آنهابرآمده ودره اکتبرسلطان عثمانی مجبوربه احضارارتش خود از کرت گردید.درنتیجه این امرتصمیم گرفته شدپسرپادشاه یونان پرنس ژرژ[2]

(۱) Eleuthére_Vcnizelos (۱۸٦٤-۱۹۳٦) سیاستمدارمعروف یونانی-مخالف مداخله دولت عثمانی در کرت و محرك شورشیان این جزیره - در۱۸۹۸ عضوحکومت موقتی کرت - در۱۹۰٦ کمیسرعالی کرت-نخست وزیر یونان در۱۹۱۱ - اصلاحات زیادی بعمل آورد وعامل جنك یونان باعثمانی بود - در۱۹۱٤ چون متمایل به متفقین بودباپادشاه یونان اختلاف پیدا کرد - در۱۹۱٦ برعلیه حکومت یونان حکومت ملی درسالونیك تشکیل داد - نماینده یونان درکنفرانس صلح ورسای - نخست وزیر یونان در۱۹۲٤ - نخست وزیریونان از۱۹۲۸تا۱۹۳۳ .

(۲) Prince_Georges (۱۸٦۹) پسردوم پادشاه یونان - در۱۸۹۸ بعنوان کمیسر عالی درکرت انتخاب شد-در۱۹۰٦ ازاین مقام استعفا وازسیاست کناره گیری نمود ،

برای مدت سه‌سال بعنوان کمیسر عالی کرت برقرار شود. اهالی جزیره کرت‌هم که یکقدم دیگر بطرف الحاق بیونان جلو رفته‌بودند به‌این‌امرا کتفا نموده‌ومنتظر روزی شدند که رسماً بیونان ملحق گردند.

توافق نظرروسیه واتریش درباره امور بالکان ازقتل وغارت دولت عثمانی در مقدونیه جلوگیری ننمود. از۱۸۹۸ اهالی‌مقدونیه ومخصوصاً بلغارهای ساکن‌این ناحیه مجامع‌سری تشکیل‌داده‌وشروع بمقاومت دربرابرارتش عثمانی ونفرات آلبانی نمودنددولت اتریش برای‌جلوگیری ازمداخلات‌خارجی‌مذاکراتی بادولت‌ایتالیابعمل آورده واین دولت راهم موافق بانگاهداری وضع فعلی دربالکان نمود. ویکتور امانوئل سوم پادشاه جدید ایتالیا نیزدر ملاقاتی که درماه ژویه۱۹۰۲ از تزار روسیه بعمل آورد رسماً توافق نظرخود را باسیاست اتریش وروسیه دربالکان اعلام‌داشت. بعد ازاین مقدمات در۲۹ دسامبر۱۹۰۲ دولتین روسیه واتریش برنامه اصلاحاتی را برای مقدونیه بدولت عثمانی‌پیشنهاد کردند.

درآواخر سال۱۹۰۲ مجامع سری مقدونیه‌درمقابل فشارترکهاشروع‌بشورش کرده وجنگهائی بین‌انقلابیون‌وارتش عثمانی درگرفت. سلطان عبدالحمید ارتشی‌از آسیای صغیربمقدونیه اعزام وبرای حفظ‌صورت ظاهرحلمی پاشا(۱)را که مردفعال‌و پاکدامنی بود بعنوان بازرس بمقدونیه فرستاد در صورتیکه مأمورین دولت عثمانی بهیچوجه درتحت امراونبوده وبعملیات جابرانه خود مانند سابق ادامه میدادند.در۷ آوریل۱۹۰۳ نیز سلطان عبدالحمید ظاهراً عفوعمومی رادر مقدونیه اعلام وتأسیس ژاندارمری مخصوصی رابرای این ناحیه وعده داد ولی بتحریك خود او مسلمانان و اهالی آلبانی برعلیه فرامین اواعتراض واغتشاش نمودند. سلطان عبدالحمیدببهانه از

(۱) حلمی پاشا (۱۸۵۹) سیاستمدار عثمانی ـ طرفدار جوانان ترك ولی نسبت بسلطنت عثمانی وفاداربود اصلاحاتی درمقدونیه بعمل‌آورد ـ در۱۹۰۹ صدراعظم عثمانی و بعد از خلع سلطان عثمانی دست باصلاحات‌اداری زد ـ دراواخرسال ۱۹۰۹ مجبور باستعفا گردید

بين بردن اين اغتشاش ارتش بزرگى بمقدونيه اعزام داشت ودر نتيجه بدرفتارى با مسيحيان انقلاب عمومى در مقدونيه شروع شده ودر تمام مدت تابستان سال ۱۹۰۳ جنگ وخون ريزى درمقدونيه رواج يافت درمقابل اين وضع دول اروپاهم مجبور بتقاضاى اقدامات جدى‌ترى درمقدونيه شدند .

دراثر اغتشاشات مقدونيه‌قونسول روسيه درموناستير[۱] كشته‌شدوبنظرميآمد درنتيجه اين پيش آمد دولت‌روسيه ازرويه قديمى وصلح‌طلبى خوددست برداردولى در۱۱ سپتامبر۱۹۰۳ وزيرخارجه روسيه با دولت اتريش وارد مذاكره شده و بدون آنكه منتظرنظر دول‌اروپا شوندجهت اجبارسلطان عثمانى در۲ اكتبر۱۹۰۳اين دو دولت برنامه‌اصلاحاتى‌درمورزتك[۲] براى‌سلطان عثمانى تنظيم كردند تابموجب آن مأمورين اتريش بمعيت‌حلمى پاشانظارت درامورمقدونيه نموده ويك سردار خارجى بكمك افسران اروپائى مأمورتشكيل ژاندارمرى گردد ضمناً ازسلطان‌عثمانى‌دعوت كردند به‌بعضى ازنواحى استقلال داخلى داده برخى ازمشاغل رابه مسيحيان‌واگذار نموده وبا تشكيل كميسيونهاى مختلطى بمعيت قونسولهاى اتريش وروسيه موجبات رسيدگى به‌اختلافات گذشته رافراهم‌آورد .

سلطان عبدالحميدبنابعادت ديرينه‌خوددراجراى اين‌برنامه تعلل‌نمودوگمان كرد بتواند باواگذارى امتيازاتى بهريك ازدول اروپا بين‌آنها اختلاف انداخته واز زيربار اصلاحات بگريزد ولى اين‌بارحساب سلطان عثمانى غلط درآمد درتحت‌فشار انگليسها وموافقت فرانسوى‌هاوايتاليائيها موافقت‌نامه‌مورزتك‌درآوريل ۱۹۰۴ جنبه بين‌المللى بخود گرفت ودر۱۸ دسامبر۱۹۰۵ تهديد جهازات جنگى‌دول‌اروپا سلطان عثمانى راوادارنمود كه‌قبول‌نمايد كميسيون بين‌المللى درسالونيك اداره‌امورمقدونيه راتحت نظربگيرد .

ماده سوم موافقت‌نامه مورزتك دولت عثمانى رادعوت مينمود ازلحاظ نژادى

---

(۱) Monastir

(۲) Murzteg دراتريش

حدود نواحی مختلف مقدونیه را تغییر دهد وجود این مـاده سبب شد که یونانیها ـ رومانیها ـ بلغارها ـ سربها ـ هر کدام برای اینکه مناطق بیشتری را درتحت نفوذخود داشته باشند بجان یکدیگر افتاده ومدت چند سال کشمکش دربین آنها برقرارباشد تااینکه‌به‌پیشنهاد انگلستان درسال ۱۹۰۷ این مـاده حذف گردید و برای تسریع اصلاحات درمقدونیه مقررشد عوارض گمرکی اضافی نیزازمال التجاره‌های اروپائی دریافت گردد ـ سلطان عبدالحمیدبازمدتی وقت رابتعلل گذرانیده وباوعده‌اصلاحات قضائی درنظرداشت‌دول اروپا را سرگرم سازد ولی‌درماه ژوئیه۱۹۰۸ مجبوربااحضار ارتش خودازمقدونیه‌شده‌موظف گردید.اصلاحات قضائی‌را درتحت‌نظارت کمیسیونی درمقدونیه بعمل آورد .

بطوریکه ملاحظه میشود سیاست سلطان عبدالحمید دولت عثمانی راروبفساد ونیستی سوق میداد واگراختلافات نظردول اروپا نبود درپایان قرن نوزدهم‌این‌مرد بیمار راه دیارعدم را درپیش‌میگرفت ولی‌اختلافات سیاست‌خارجی مانع‌ازآن‌نمیشد که درداخله عثمانی رژیم حکومت‌غیرقابل تحمل گردد . دراثراستبدادسلطان‌ـرواج فساداخلاق ـ جاسوسی‌ورشوه خواری درباریان کم کم نهضت جدیدی‌دردولت عثمانی بنام جوانان ترك ایجادشد سران این‌نهضت از ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۷ در ازمیر و سالونیك اجتماعاتی بنام‌جمعیت«اتحادوترقی» تشکیل دادند.این اجتماعات رفته‌رفته درارتش عثمانی نیزرخنه نمودودر کنگره که درسال۱۹۰۸درسالونیك تشکیل گردیدبرنامه خودرا تنظیم ودر۲۳ ژوئیه۱۹۰۸ دراثر برپا کردن انقلاب سلطان عثمانی رامجبور به‌اعطای حکومت مشروطه کردند .

فصل پانزدهم

ویلهلم دوم و سیاست آلمان

سلطنت صدروزه فردریك سوم ـ سلطنت ویلهلم دوم ـ اختلاف نظر بین امپراطور و صدراعظم ـ عزل بیسمارك ـ صدارت دوکاپریوی ـ سیاست شخصی ویلهلم دوم ـ تظاهرات امپراطور آلمان ـ صدارت هوهنلو ـ تقویت بحریه آلمان دخالت در امور مستعمراتی وخاور دور ـ نمایشات ویلهلم دوم ـ افتتاح کانال کیل ـ اعلام اتحادیه روسیه و فرانسه ـ تفتین در مناسبات فرانسه و روسیه ـ تحریکات آلمان در سیاست فرانسه ـ صدارت دوبولو ـ

وحدت آلمان درنتیجه سعی وجدیت بیسمارك صدراعظم بزرگ آلمان عملی شد تازمانیکه ویلهلم اول امپراطور آلمان بود بیسمارك دغدغه بخود راه نداده ورئیس حقیقی حکومت آلمان محسوب میشد . اگر بعضی مواقع هم بامخالفت امپراطور آلمان مواجه میگشت باتوسل به تهدید استعفا ازمقام صدارت عظمی امپراطورپیر آلمان را مجبور بمتابعت ازنظریات خود مینمود . بعد ازفوت ویلهلم اول در ۱۳ مارس ۱۸۸۸ پسرش فردریك سوم امپراطور آلمان گردید . گرچه مناسبات بیسمارك با امپراطور جدید آلمان زیاد حسنه نبود چون فردریك سوم ضعیف و بیمار بود تغییری در حکومت آلمان وارد نشد و بعد ازصدروز سلطنت پسرش ویلهلم دوم امپراطور آلمان گردید .

بادرنظر گرفتن بیماری فردریك سوم بیسمارك تمام‌همش‌راصرف‌تربیت‌ویلهلم دوم کرده بود . امپراطورجدیدآلمان که بیشتراوقاتش رادرارتش میگذرانیدقبل از رسیدن بسلطنت طرف توجه‌بیسمارك واقع شده وحتی درموقع سلطنت‌فردریك‌سوم بیسمارك‌نقشهٔ طرح کرد که او سلطنت را دردست بگیرد . ویلهلم دوم نیز که حس جاه‌طلبی زیادی داشت خیالات‌دورودرازی برای‌عظمت آلمان درسرمیپرورانید واز هیچگونه عملی چه‌اعمال زورچه توسل به‌خدعه وفریب ابانداشت بدین‌جهت بظاهر اموراهمیت زیادی داده ودرتمام مواقع کاملا مواظب حرکات ورفتار خود بود .

برای‌جلب‌نظردول‌اروپاو یلهلم‌دوم‌درشروع‌سلطنت‌خودتصمیم گرفت‌مسافرتهائی بدربارهای اروپا بنماید برنامه‌این مسافرت‌ها نیزطبق دستوربیسمارك‌انجام گرفت و دربدوامرمانند اسلاف خود زمام اموررا باختیاربیسمارك گذاشت. ولی بعد ازیکسال امپراطورجدیدآلمان که‌میخواست بااقدامات خودجلب‌توجه عمومی رابنمایدشروع بمداخله درامورمملکت‌نموده وسعی‌میکند ازاختیارات بیسمارك‌بکاهدنتیجه‌این کار بروزاختلاف بین‌امپراطوروصدراعظم آلمان گردید. ازماه‌اوت۱۸۸۹ویلهلم‌دوم گرچه ظاهراً احترام زیادی نسبت به بیسمارك معمول میدارد درباطن وسائل دورنمودن او رافراهم آورده وباتعویض مشاورین خود برعلیه بیسمارك مشغول فعالیت میشود . در اول مه۱۸۸۹ اعتصابی‌دربین کارگران‌معادن وستفالی(۱) رخ داد ویلهلم اول بـرای جلب‌قلوب‌وپیدا کردن‌محبوبیت‌درمیان‌افرادملت‌درصددبرآمد قانونی‌بنفع کارگران ازمجلس رایشتاك بگذراند . صدراعظم پیرآلمان که درافکاروعقاید خودراسخ‌بودبا نظرامپراطورمخالفت کرده واورا تهدید به‌دادن استعفا ازمقام خودنمود . ویلهلم دوم ناچارنظریه بیسمارك‌راقبول کرد امادراثرتحریکات اومجلس‌رایشتاگ‌در۲۵ژانویه ۱۸۹۰ طرحی راکه بیسمارك برعلیه سوسیالیست ها تنظیم کرده بود رد نمود.در۳۱ ژانویه نیزعده‌ازوزراء برخلاف‌میل بیسمارك‌بطرف طرح‌پیشنهادی ازطرف‌امپراطور آلمان متمایل گردیدند .

---

(۱) Westphalie

بیسمارك برای آنکه مراقبت بیشتری درسیاست عمومی وخارجی کشور معمول داردازوزارت تجارت وامورمربوط به‌پروس استعفا داد وازمفاد آئین‌نامهٔ که در ۱۸۶۲ بتصویب رسیده ومذاکره باامپراطوررا فقط به‌شخص صدراعظم اختصاص میداداستفاده نموده بوزرای کابینه‌خود اخطار کرد بدون اطلاع قبلی اوبا امپراطورواردمذاکره نشوند . در ۱۵ مارس ۱۸۹۰ ویلهلم دوم به‌بیسمارك اخطارنمود که ازمزایای آئین‌نامه ۱۸۶۲ صرف نظر کنند وچون بیسمارك جوابی به‌فرستاده امپراطورنمیداد فرداوپس‌-فردای آنروزاین پیغام تکرارشدتااینکه بالاخره در ۲۷ مارس ۱۸۹۰ دو کاپریوی(۱) بجای بیسمارك بصدارت عظمی آلمان انتخاب گردید .

ازموقعیکه بیسمارك صدراعظم آلمان شده بود تاتاریخ عزلش بابنانهادن اساس امپراطوری آلمان سعی بسیاری دراستحکام بنیان این امپراطوری وپیشرفت اقتصاد و تجارت آلمان بکاربرده‌بودملت آلمان که دربحبوحه‌ترقی سیرمیکردباوعده‌هائی که امپراطورآلمان داده وتعقیب سیاست بیسمارك رانصب‌العین خود قرارمیداد توجهی به عزل بیسمارك ننمود مخصوصاً که ویلهلم‌دوم‌ظواهرامررا کاملارعایت کرده‌اززحمات‌و خدمات برجسته بیسمارك قدردانی‌بعمل آورده وبملت‌خود اطمینان میدادتغییری در سیاست عمومی کشورنخواهد داد . انتخاب‌دو کاپریوی هم‌بجانشینی‌بیسمارك‌ازهمین نظربود که مردم تصور کنند سیاست بیسمارك تعقیب خواهد شد ولی از همان اوان امپراطورآلمان‌خیالات دیگری درسرداشت رئیس ستاد ارتش آلمان‌والدرسه(۲) نیز

Georges-Léon, Comte de Caprivi de Caprera di Montecuccoli (۱) (۱۸۳۱–۱۸۹۹) سرداروسیاستمدارپروس ـ درجنك برضداتریش‌وفرانسه‌شرکت کرد- در ۱۸۸۳ رئیس بحریه آلمان ـ در ۱۸۹۰ بجانشینی بیسمارك انتخاب وتـا سال ۱۸۹٤ صدراعظم آلمان بود .

(۲) Alfred Comte de Waldersee (۱۸۳۲-۱۹۰٤) فلدمارشال پروس ـ در جنگهای ۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ شرکت داشت ـ در ۱۸۸۸ رئیس‌ستاد ارتش آلمان‌شد‌ـ در ۱۹۰۰ بسمت فرماندهی ارتش اروپائی اعزامی بچین تعیین گردید .

باافکاروعقاید خود نصایح کشور گشائی بامپراطور آلمان میداد .

صدراعظم جدیدآلمان دو کاپریوی نیز درتعقیب سیاست بیسمارك سعی کرد اتحاد دول دیگررا بطرف آلمان جلب کند مثلا برای رفع اختلافات باانگلستان زنگبار رادر عوض تصرف جزیره هلیگولاند(۱) به اختیار انگلستان گذارد - جهت بدست آوردن اطمینان اتریش پیمان باروسیه‌راتجدید نکرد. درنوامبر۱۸۹۰ برای تجدید پیمان اتحادمثلث قبل‌ازموعد انقضای آن بمیلان بملاقات کریسپی‌رفت‌وچون دراواخرژانویه ۱۸۹۱باسقوط کابینه کریسپی افکارایتالیائیها متوجه فرانسه گردید صدر اعظم آلمان اقدامات خود را تسریع کرده و با حاضر نمودن اتریش بشناختن مزایائی برای ایتالیائیها درماه مه۱۸۹۱ یکسال قبل ازموعد اتحاد مثلث‌تجدیدشد.

ویلهلم دوم تصورمیکرد با دیپلوماسی شخصی وبا اظهارات عوام فریبانه خود بتواند نظرموافق روسیه وفرانسه را نسبت بآلمان جلب کند باینجهت در مانور های نظامی ناروا(۲) در۱۸۹۰ توجه زیادی نسبت به تزارروسیه آلکساندر سوم معطوف داشت برای تحبیب فرانسویها نسبت به آنها روی خوش نشان داده ودر ۱۸ فوریه ۱۸۹۱ مادر و خواهر خود را بعنوان دیدن هنرهای زیبای فرانسه بپاریس فرستاد اقدامات ویلهلم دوم‌چه‌نسبت‌بروسیه وچه نسبت بفرانسه فایده نکرد وحتی درفرانسه نتیجه معکوس بخشید ۰ درماه مه۱۸۹۱ نیزبا ورود ملوانان فرانسه به‌بندر کرنشتاد اساس اتحاد روسیه وفرانسه مستحکم گردید .

درمقابل تهدید اتحاد فرانسه‌وروسیه‌ویلهلم‌دوم‌رایشتاگ‌رامجبور نمودبنفرات ارتش آلمان درزمان صلح ۸۰۰۰۰ نفربیفزاید ودر نطق هائی که ایراد میکرد در عین حالی که قدرت وقوت آلمان را برخ جهانیان میکشید دم ازصلح خواهی میزد

Heligoland (۱)

Narva (۲)

ازسال ۱۸۹۰ امپراطور آلمان برای تثبیت اقتدار آلمان بفکر ایجاد بحریه قوی افتاد وچون درنتیجه حملات بیسمارك دوکاپریوی ضعیف شده واعتبارخودرا ازدست داده بود پرنس دوهوهنلورا که ازخانواده‌های قدیمی ومسن و دارای اعتبار زیادتری در نزد اهالی آلمان بود بصدارت انتخاب کرد. برای تقویت بحریه آلمان نیز آمیرال تیرپیتز[۱] وزیربحریه شد.

در ژانویه ۱۸۹۵ برای توسعه متصرفات افریقای جنوبی آلمان بحریه آلمان دوکشتی جنگی بهخلیج دلاگولا[۲] اعزام داشت در موقع حمله جمسون[۳] در ۳ ژانویه امپراطور آلمان‌تلگرافی به کروگر[٤] مخابره کرد که‌شرح آن بعداً خواهد آمد ولی نتیجه این امرباعث خشم وغضب عمومی در انگلستان گردیده وامپراطور آلمان مجبور گردید ازملکه انگلستان معذرت بخواهد.

در ۱۸۹٦ امپراطور آلمان متوجه قضایای خاور دور گردید برای ازبین‌بردن

---

(۱) Alfred von Tirpitz (۱۸٤۹-۱۹۳۰) دریاسالارآلمانی - رئیس ستاد بحریه آلمان‌در ۱۸۹۲ - در ۱۸۹۸ وزیر بحریه آلمان - دریاسالار در ۱۹۰۳ - دریاسالار بزرك آلمان در ۱۹۱۱ - تاجنك ۱۹۱٤ زحمات‌زیادی برای توسعه بحریه آلمان کشیده‌وآنرا بمقام درجه دوم دردنیا رسانید - در ۱۹۱٦ مجبور باستعفاشد - از ۱۹۲٤ تا ۱۹۲۸ نماینده مجلس رایشتاك،

(۲) Delagola

(۳) Leander starr,Jameson (۱۸۵۳-۱۹۱۷) پزشك ومأمورسیاسی انگلستان پزشك ودوست سیسیل‌رود-درافدامات برای‌توسعه متصرفات افریقای جنوبی شرکت کرد - در ۱۸۹۵ بهژوهانسبورك حمله بردتااین شهررا بطورغافل‌گیری تصرف کند - از بوئرها شکست خورد وتسلیم انگلستان گردید - درانگلستان محاکمه ومحکوم به ۱۵ ماه حبس شد بزودی آزاد وعملیات خودرا ازسر گرفت - نخست وزیرافریقای جنوبی در ۱۹۰٤

(٤) Kruger (۱۸۲۵-۱۹۰۵) رئیس بوئرها.

مزایای پیمان شیمونوزاکی[1] دخالت درروابط چین وژاپن نمود و کشتیهای آلمانی بعنوان حفاظت مسیحیان در دسامبر ۱۸۹۷ تحت فرمان پرنس هانری[2] رهسپار آبهای چین گردید . یکسال بعد امپراطور آلمان باجاه وجلال بسیار مسافرتی به بیت‌المقدس کرد. کشیشان آلمانی‌این مسافرت‌رابه مسافرتهای‌صلیبیون‌تشبیه کردند درصورتیکه ویلهلم دوم برای جلب نظر دولت عثمانی ملاقات صمیمانه نیزباسلطان عبدالحمید دشمن مسیحیان بعمل میآورد .

منظورویلهلم دوم ازاین تظاهرات بیشترجلب نظر واعتماد اهالی آلمان بود بارونق اقتصادی که صنایع آلمان پیدا کرده بود نمایشات امپراطور آلمان‌درنزدملت مؤثرواقع‌واطمینان‌اهالی آلمان نسبت‌بسیاست حکومت‌جلب گردیدفقط‌اتحادفرانسه وروسیه که مانع برتری‌آلمان وجلوگیری از تهاجمات احتمالی‌آلمان میشد خیال ویلهلم دوم راناراحت ساخته وبرای ازبین بردن این تهدید امپراطور آلمان از هیچ اقدامی فروگذار نمیکرد بااین جهت درسال۱۸۹٤ ازاقدامات مالی که برعلیه روسیه بعمل آمده بود دست برداشت وحاضرشد نسبت بروسیه در امور تجارتی و راجع به‌بغازها تسهیلاتی قائل شود ولی‌الکساندرسوم تحت تأثیرویلهلم دوم قرارنگرفت و مناسبات دوستانه خودرا با فرانسه ادامه داد .

فوت الکساندرسوم وسلطنت نیکلای دوم که هم جوان وبی‌تجربه وهم‌دوست وقوم خویش ویلهلم دوم بود امپراطور آلمان را امیدوارساخت که بزودی‌تزارروسیه تحت نفوذ اوقرار خواهد گرفت . بمحض اینکه درنوامبر ۱۸۹٤ نیکلای دوم تزار روسیه گردید باب مکاتبات دوستانه بین‌امپراطور آلمان وتزار روسیه مفتوح گردید

Shimonosaki (۱)

(۲) Albert-guillaume›prince Henri (۱۹۲۹-۱۸٦۲) برادرویلهلم دوم امپراطورآلمان- دربحریه آلمان خدمت ودرسال ۱۸۹۷ بفرماندهی ناوکان اعزامی بخاور دور تعیین شد .

ودر ۱۵ فوریه ۱۸۹۵ امپراطور آلمان دول روسیه و فرانسه را برای جشن افتتاح کانال کیل[۱] دعوت کرد. امپراطور آلمان تصور مینمود که چون فرانسویها دعوت دولت آلمان را قبول نخواهند کرد درروابط آنها باروسها شکافی ایجاد خواهد شد چه دراین موقع ژیرفوت نموده ولوبانوف[۲] که یکی ازموافقین جدی اتحاد بافرانسه بود بتحریك ملکه مادر تزار روسیه ازنظر افتاده بود جانشین موقتی ژیر نیز قدرت لازم رابرای اداره سیاست خارجی روسیه وراهنمائی تزارجوان و بی تجربه روسیه نداشت باین جهات تزار روسیه بدون مشاوره بادولت فرانسه دعوت امپراطور آلمان راقبول کرد در صورتیکه فرانسویها قبل از اعلام تصمیم خود بادولت روسیه وارد مذاکره شدند دراین بین در ۲۷ فوریه لوبانوف به جانشینی ژیر تعیین شد امپراطور آلمان نیز که از این تصمیم ناگهانی تزار روسیه فوق العاده متغیر شده تصورات خود را نقش بر آب میدید سفیرخودرا ازپطرزبورك احضار نمود .

لوبانوف برای اینکه دعوت به جشن افتتاح کانال کیل موجب نقاری بین فرانسه وروسیه نشود دولت فرانسه راترغیب بقبول دعوت آلمان کرد وچون برای فرانسویها مشکل بود درجشنی که عظمت دشمن قدیمی آنها راتأییدمیکرد شرکت کنند برای تسکین احساسات عمومی مذاکراتی بین دولتین فرانسه وروسیه جریان یافت تابملت فرانسه چنین وانمود شود شرکت دراین جشن برای نگاهداری اتحاد فرانسه باروسیه لازم است تزار روسیه نیز که تا آنوقت این اتحاد را سری نگاه میداشت به افشاء آن رضایت داد باین ترتیب نقشه امپراطور آلمان که در بدوامر برای ایجاد تفرقه بین دولت فرانسه و روسیه بود باعث گردید که در موقعی که فرانسه در جشن افتتاح کانال کیل شرکت میکرد در پارلمان فرانسه اتحاد فرانسه و روسیه رسماً

---

(۱) Kiel

(۲) Lobanov سیاستمدار روسی

اعلام گردد .

ویلهلم دوم بعد ازعدم موفقیت در قضیه کیل روسیه را ترغیب نمود که برضد ژاپونیها که درچین فاتح شده بودند اقداماتی بعمل آورد باین امید که فرانسویهااز کمك خود دراین موضوع بروسیه دریغ خواهند کرد ولی برخلاف تصورامپراطور آلمان دولت فرانسه درتظاهراتی که برضد ژاپن صورت گرفت شرکت کرد و نقشه ویلهلم دوم به‌نتیجه نرسید .

درسپتامبر۱۸۹۵ پرنس لوبانوف وعدهٔ ازافسران روسی درمانورارتش فرانسه که درناحیه لورن انجام گرفت حضورپیدا کرده وازطرف فرانسویان باگرمی‌زیادی پذیرائی شدندویلهلم دوم دراین موقع نامه‌خصوصی به تزارروسیه نوشته وسعی کرد نیکلای‌دوم‌را ازاقدامات فرانسویان وحس انتقام‌جوئی‌آنها بترساند تزار روسیه‌تحت تأثیر تلقینات‌ویلهلم دوم قرارنگرفت ولی‌قضیه ارامنه ودولت عثمانی که فرانسه‌رابین دوسیاست متضاد انگلستان وروسیه قرارداده بود بـاعث خوشحالی امپراطور آلمان گردید چه در۱۸۹۵ در نتیجه کشتارهای متوالی ارامنه دولت انگلستان بفکرافتاد بمعیت اتریش وایتالیا اقدام دسته جمعی بعمل‌آورد وسلطان عثمانی راخلع‌نمایند. دولت آلمان که منتظرفرصت بودبه تزار روسیه نامه مجددی نوشته و کمك خودرا درصورت لزوم بدولت روسیه پیشنهاد کرد ،

دولت روسیه‌باوجود پیشنهاد های امپراطورآلمان که‌حتی حاضربتقسیم‌دولت عثمانی بین اتریش و روسیه بود اتفاق نظرخـود رابا فرانسه از دست نداد واز دولت فرانسه درخواست نمود بمعیت یکدیگراعلام نمایند که باتعقیب مقاصد خصوصی‌در دولت عثمانی‌مخالفت خواهند کرد . ضمناًدولت‌روسیه تصمیم به‌تجهیزصدهزارسرباز گرفت مشاورین تزار روسیه نیزاورا ازمقاصد امپراطورآلمان که ایجاد اختلاف‌بین روسیه وفرانسه بودآگاه کردند و در نتیجه دولت روسیه برای شروع به‌اقدامات در دولت عثمانی وارد مذاکره بافرانسه گردید . دولت فرانسه برعکس آلمان درعوض تقسیم عثمانی دولت روسیه را تشویق به‌نگاهداری سکون و آرامش دربالکان نمود

وصریحاً بدولت روسیه خاطرنشان نمود که اقداماتی که خارج ازپیمان اتحادصورت گیرد بدون موافقت قبلی تعهدی برای فرانسه ایجاب نخواهند کرد . باین ترتیب در قضیه ارامنه سیاست فرانسه مانع ازبروز بحران بین دول اروپا گردید وباوجود تحریکات آلمان درسال ۱۸۹۶ تزار روسیه مسافرتی بفرانسه کرد درسال ۱۸۹۷ هم رئیس جمهور فرانسه بدیدار تزار روسیه رفت و در نتیجه اتحاد فرانسه و روسیه علیرغم سیاست ویلهلم دوم مستحکم گردید .

همانطوریکه ویلهلم دوم سعی مینمود با نزدیك شدن بروسیه این دولت را از فرانسویها دورسازد چندین مرتبه نیزسعی نمود این سیاست رانسبت بفرانسویها بکار برد مثلا درسال ۱۸۹٤ بدولت فرانسه پیشنهاد نمود راجع بهاختلافاتی که درباره نیل علیا پیدا شده بودمتفقاً اقداماتی برای حفظ وضع فعلی درافریقا بعمل آورند ولی بعداً ازتصمیم خود منصرف شده ودولت فرانسه را درنیمه راه تنها گذارد.درسال ۱۸۹۶ نیز امپراطور آلمان ازدولت فرانسه دعوت نمود برای جلوگیری ازتوسعه امپراطوری انگلیس درجنوب افریقا اقداماتی بعمل آورند ولی این دفعه فرانسوی ها دیگر حاضر نشده و پیشنهاد آلمان رابسردی تلقی کردند در ۱۸۹۸ بازامپراطور آلمان از دولت فرانسه مخفیانه دعوت نمود مستعمرات پرتقال را درافریقاتقسیم کنند . این بارهم دولت فرانسه دعوت ویلهلم دوم را رد کرد در همین سال بین فرانسه وانگلستان اختلافاتی درباره قضیه فاشودا(۱) رخ داد وویلهلم دوم امیدوارشد این اختلافات وسعت پیدانمایندولی بازامید امپراطور آلمان مبدل بیأس گردید .

باوجود تمام شکستهای سیاسی که نصیب امپراطور آلمان میگردید ترقی فوق العاده صنایع واقتصاد آلمان ویلهلم دوم رابعظمت آلمان مغرور کرده وبعدازفتوحات بیسمارك که مقام مهمی را برای آلمان دراروپا بدست آورده بود امپراطور آلمان بخیال تقویت بحریه آلمان افتاد تاسیادت خودرابردنیا تحمیل کند باین جهت درسال ۱۸۹۷ پرنس

---

(۱) Fachoda

دوبولو[۲] را که شاگرد مکتب بیسمارك وجوان ترازپرنس دوهوهنلوبودبدواُوزیر خارجه ودرسال ۱۹۰۰ صدراعظم آلمان نمود تابتواند نقشه فرمانروائی آلمان را بر دنیا تحمیل کند.

---

(۱) Bernard'prince de Bulow (۱۸۴۹-۱۹۲۹) سیاستمدار آلمانی - از ۱۸۷۰ واردخدمت دولتی شد - وزیرخارجه آلمان در ۱۸۹۷ - طرفدار توسعه مستعمراتی واقتصادی آلمان - صدراعظم آلمان از ۹۰۰ تا ۱۹۰۹ - سفیر کبیر آلمان درایتالیا در ۱۹۱۵ - سعی بسیاری برای حفظ موافقت ایتالیا باآلمان بعمل آورد ولی به نتیجه نرسید.

فهرست مطالب

فصل سوم

فرانسه و ناپلئون سوم بعد از جنگ کریمه

اهمیت فرانسه بعد ازجنگ کریمه ـ عقاید ناپلئون سوم ـ امورایتالیا ـ قضایای رومانی ـ سوء قصد اورسینی ـ جنگ بااتریش ـ عدم توافق نظربادولت ساردنی ـ تصرف نیس وساووآ ـ اقدامات برای جلب نظر کاتولیکها ـ تحریکات ناپلئون سوم دررومانی وسربستان ـ شورش لهستان ـ مداخله درامورمکزیك ـ عدم موفقیت سیاست ناپلئون سوم درداخله وخارجه .

فصل چهارم

تأسیس دولت رومانی

آمال وآرزو های اهالی رومانی ـ تصمیم کنگره پاریس ـ تحریکات اتریش و عثمانی ـ انتخابات اول رومانی ـ قطع روابط فرانسه با عثمانی ـ ملاقات ناپلئون سوم ازملکه انگلستان وتزار روسیه ـ ابطال انتخابات رومانی وانتخابات مجدد ـ انتخاب الکساندر کوزا با مارت مولداوی و والاشی ـ تأسیس دولت رومانی ـ کناره گیری الکساندر کوزا ـ انتخاب پرنس شارل دوهوهنزولرن بپادشاهی رومانی .

فصل پنجم

وحدت ایتالیا

رویه پاپ ـ کاوور و عقاید او ـ جنگ کریمه ـ شرکت ساردنی در کنگره صلح تبلیغات کاوور ـ اعتراض اتریش ـ سیاست ناپلئون سوم ملاقات پلومبیر ـ پیمان ساردنی وفرانسه ـ رویه مسالمت آمیز اتریش ـ طرح تشکیل کنگره ـ اولتیماتوم اتریش ـ جنگ بااتریش ترك مخاصمه ویلافرانکا ـ الحاق دوشه‌های مرکزی ایتالیا بدولت ساردنی و نیس وساووا بفرانسه ـ پادشاه ناپل وشورش سیسیل ـ حمله گاریبالدی ـ سقوط ناپل وتظاهرات ایتالیائیها ـ شکست پاپ ـ ایتالیای جدید ـ فوت کاوور ـ تقاضای تصرف رم پیمان سپتامبر ۱۸٦٤ ـ اتحاد پروس وایتالیا ـ تردید ناپلئون سوم ـ الحاق ونیز بایتالیا تصرف شهررم .

فصل ششم

مقدمات وحدت آلمان

کنفدراسیون ژرمانیك-اتحاد گمرکی- اقدامات آزادیخواهان-انقلابات سال ۱۸۴۸- اتحادیه دول آلمان شمالی- اولموتز-سیاست پروس درجنك کریمه-بیسمارك مسافرتهای بیسمارك ونظریات سیاسی او- تهدید شاهزادگان آلمان‌واتریش-شورش لهستان- قضیه دوشه‌ها - اشغال دوشه ها - کنفرانس لندن - پیمان صلح با دانمارك ملاقات بیارتیز- جلب نظر ایتالیا - پیمان گاستین - ملاقات بیارتیز- تحریکات پروس و اتریش دردوشه‌ها-اتحادپروس‌وایتالیا- تردیدناپلئون سوم - مقدمات حمله‌پروس سادوآ- پیمان صلح پراك- واگذاری ونیز بایتالیا - ازبین رفتن کنفدراسیون‌ژرمانیك تشکیل دول متحده آلمان - مقدمات تأسیس امپراطوری آلمان. ازصفحه۷۲تا۸۷

فصل هفتم

اروپا بین دوجنك

تردید امپراطور فرانسه -سوءتد بیرن-ناپلئون سوم - تقاضای تصرف بلژیك - پیشنهاد فروش لوکزامبورك - شکست سیاست فرانسه - کنفرانس لندن - برقراری رژیم آزادی در فرانسه - سیاست اتحاد اسلاو- شورش کرت - ملاقات سالزبورك - کنفرانس پاریس وختم شورش کرت - طرح اتحاد بین‌اتریش وفرانسه وایتالیا - عدم تصمیم ناپلئون سوم ازصفحه ۸۸تا۹۷

فصل هشتم

جنك فرانسه وآلمان در ۱۸۷۰

برقراری رژیم آزادی درفرانسه - ازبین‌رفتن حیثیت ناپلئون‌سوم - علل‌ازوم

فصل نهم

مقدمات اتحاد آلمان واتریش

فصل دهم

مسائل شرق و کنگره برلن ۱۸۷۸

فصل یازدهم

مصر و انگلستان

دیسرائیلی - توسعه امپریالیسم انگلستان- مصر وحفرترعه سوئز-خریداری سهام ترعه‌سوئز- تصفیه قروض مصر- استقرار نفوذ انگلستان - خلع اسماعیل پاشا کابینه گلادستون-اقدامات ملیون-عربی‌پاشا-عدم‌مداخله فرانسه- زیاده روی عربی پاشا- کنفرانس قسطنطنیه-بمباران اسکندریه - اشغال مصرتوسط انگلیسها- شورش درویشان‌درسودان- کنفرانس لندن-سقوط خارطوم - کنفرانس‌پاریس--سقوط کابینه گلادستون-اتفاق انگلستان وعثمانی - حمایت انگلستان برمصرختم-شورش سودان

فصل دوازهم

اتحاد مثلث

بیسمارك داوراروپا - اتحاد آلمان واتریش - جلب نظردولت عثمانی-مناطق نفوذ اتریش وروسیه‌دربالکان - الحاق‌روملی ببلغارستان-جنك‌سرب‌وبلغار-استعفای الکساندردوباتنبرك-اتحادآلمان‌واتریش‌وایتالیا(اتحادمثلث)-تشویق‌توسعه‌مستعمراتی فرانسه-شروع رویه‌تهدیدآمیز نسبت بفرانسه - تبلیغات ژنرال بولانژه-قضیه شنوبله ملاقات‌سکرینوس - تهدید به‌انگلستان - پیمان انگلستان وروسیه-اتفاق‌نظر آلمان وانگلستان-تجدید اتحادمثلث-نگاهداری وضع‌فعلی دربالکان - تجدید اختلافات راجع به‌بلغارستان - سیاست بیسمارك و روسیه - نزدیکی فرانسه وروسیه - فوت ویلهلم اول .

فصل سیزدهم

اتحاد فرانسه وروسیه در پایان قرن نوزدهم

شروع سلطنت الکساندر سوم - تمایل روسیه بفرانسه - تهدیدات بیسمارك نزدیکی‌فرانسه وروسیه - تظاهرات کرونستاد - تنظیم نامه‌های اتحاد-تعهدات‌نامها طرح پیمان نظامی‌روسیه‌وفرانسه-اشکال تأییدآن‌ازطرف فرانسه - تأخیردرامضای پیمان-امضای پیمان-سلطنت‌نیکلای دوم کنفرانس‌لاهه .

فصل چهاردهم

عثمانی واروپا

سلطنت سلطان عبدالحمید دوم - مسئله ارامنه - سیاست روسیه نسبت بارامنه قتل‌عام ارامنه - تقاضای ایتالیا - پیشنهادات دول اروپا - ادامه کشتارارامنه - اختلاف نظر روسیه وانگلستان - میانجیگری دولت فرانسه - قتل‌عام مجددارامنه - عدم کمك دول اروپابارامنه - مسئله کرت - دخالت یونان واروپا - مسئله مقدونیه - رفع خصومت بلغارستان وروسیه - توافق نظرروسیه واتریش درامور بالکان - جنك عثمانی ویونان - تعهد نگاهداری وضع فعلی دربالکان ازطرف روسیه واتریش - ترك مخاصمه یونان وعثمانی - شورش مقدونیه موافقت نامه مورزتك - نهضت جوانان ترك .

از صفحه ۱۷۶ تا ۱۸۸

فصل پانزدهم

ویلهلم دوم وسیاست آلمان

سلطنت صدروزه فردریك سوم - سلطنت ویلهلم دوم - اختلاف نظر بین امپراطور وصدراعظم - عزل بیسمارك - صدارت دو کاپریوی - سیاست شخصی ویلهلم دوم - تظاهرات امپراطور آلمان - صدارت هوهنلو - تقویت بحریه آلمان - دخالت درامور مستعمراتی وخاوردور - نمایشات ویلهلم دوم - افتتاح کانال کیل - اعلام اتحادروسیه وفرانسه - تفتین درمناسبات فرانسه و روسیه - تحریکات آلمان در سیاست فرانسه - صدارت دوبولو

از صفحه ۱۸۹ تا ۱۹۸

غلطنامه

ص	سطر	غلط	صحیح
۱۰	۳	دوراشت	دور داشت
۱۲	۱۷	جنبه مثبی نداشت	جنبه مثبتی نداشت
۱۲	۱۲	درلت	دولت
۱۹	۱	اسکاندینارها	اسکاندیناوها
۲۲	۱۸	متقین	متفقین
۱۳	۱	مفتوج	مفتوح
۲۶	۱۶	خوداری	خودداری
۲۷	۱۲	اروبا	اروپا
۲۹	۱۱	آورند	آوردند
۳۳	٦	چرن	چون
٤۲	٤	خیلی	خیال
٤۲	٤	دول متحده	دول متحده‌ای
٤٤	۹	ووسیه	روسیه
٥۱	۱۹	انتخاپ	انتخاب
٥۲	۱٥	خوم	خود
٥۲	۱٥	مجتور	مجبور
٥٦	۱٥	ایتالیات	ایتالیا
۷٤	۲۲	وا	را
۸۰	۱٥	۳۰ ۱ اکتبر	۳۰ اکتبر
۸۱	۲۳	Bendsbourg	Rendsbourg
۸۲	۱۲	بآسایی	بآسانی
۸۲	۱٦	تهترین	بهترین
۸٤	۱۷	کنندراسیون	کنفدراسیون
۸٥	۷	وا	را
۸٥	۱۲	بروش	بروس
۸٦	۱۹	تاکثریت	باکثریت
۸۸	۱	شوء تدبیر	سوء تدبیر
۸۸	٦	مبعوتان	مبعوثان
۸۸	۱٥	امیراطور	امپراطور
۹۰	۸	ایتانیا	ایتالیا
۹۰	۱۰	تادیخ	تاریخ
۹۰	۱۷	تارومو‌قع	تادرموقع
۹۱	۲۰	ژومالیك	ژرمانیك
۹۳	۱۰	افشا	فشار
۹۳	۱٤	ناپلئون را باربیرو	ناپلئون را بالا برد
۹٤	۱۱	تبلیغای دولت روسیه	تبلیغات دولت روسیه
۹٤	۱۲	رولت عثمانی	دولت عثمانی
۹٤	۱٥	درلت انگلستان	دولت انگلستان
۹٥	۱٦	فرانشوازوف	فرانسواژوزف
۹٦	۷	دیسراثیلی	دیسرائیلی
۹٦	۹	اولتیماتوی	اولتیماتومی
۹٦	۱۸	کانولیکها	کاتولیکها
۱۰۱	٤	بنویه	بنوبه
۱۰۱	٦	اتتوان	انتوان
۱۰۱	۸	بزای	برای
۱۰۱	۸	استعقا	استعفا
۱۰۱	۲۱	اطهار	اظهار
۱۰٤	۱۲	بواگذری	بواگذاری
۱۰۷	٤	نمام	تمام
۱۱۰	۱۳	صلج	صلح
۱۱۱	٤	بعنون	بعنوان
۱۱۷	۱٤	نیر	نیز
۱۱۹	۱۳	کوتاه‌ی	کوتاهی
۱۲۱	۱	دوك‌ددنمبورك	دوك‌رادمبورك
۱۲۳	۳	تاریچ	تاریخ
۱۲٥	۳	رقیب	رقیت
۱۲٥	۱۹	فرانسواژوزی	فرانسواژوزف
۱۲٥	۲۰	سناف	سنای
۱۳٥	۲۳	دیز	دیر
۱۳٦	۲٤	بسنی رهرزه گوین	بسنی وهرزه گوین
۱۳۸	۹	انگلستای	انگلستان
۱۳۸	۳	گلادسیون	گلادستون
۱۳۹	۱٥	فردینا ندولپس	فردینا ندولسپس
۱٤٥	۹	طاعت	اطاعت
۱٦۷	۹	اووپا	اروپا
۱۷٦	۲	پیشنادات	پیشنهادات
۱۸٥	۱۹	Vcnizelos	Venizelos
۱۸۸	٦	عبدالجمید	عبدالحمید

انتشارات دانشگاه تهران

۱ -	وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ -	A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳ -	آراء فلاسفه در بارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
٤ -	کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
٥ -	تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
٦ -	بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ -	بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ -	حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ -	مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰-	نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمسی
۱۱-	گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲-	اساس‌الاقتباس خواجه نصیرطوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳-	تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرا
۱٤-	روش تجزیه	تأ » » علی‌اکبر پریمن
۱٥-	تاریخ افضل ـ بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیا
۱٦-	حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷-	فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸-	راهنمای دانشگاه	—
۱۹-	مقررات دانشگاه	—
۲۰-	درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱-	راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲-	راهنمای دانشگاه بفرانسه	
۲۳-	Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
۲٤-	موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲٥-	حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
۲٦-	زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷-	هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
۲۸-	اصول گدازواستخراج فلزات جلد اول	تألیف دکتر یگانه حایری
۲۹-	اصول گدازواستخراج فلزات » دوم	» » »
۳۰-	اصول گدازواستخراج فلزات » سوم	» » »

۳۱- ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورفر
۳۲- جنگل شناسی جلد اول	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۳- اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳٤- فیزیولژی گیاهی جلداول	» » اسمعیل زاهدی
۳۵- جبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
۳٦- گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹- واژه نامه طبری	» » صادق کیا
٤۰- تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی	» عیسی بهنام
٤۱- تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
٤۲- جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
٤۳- Les Connexions Normales	» » هشترودی
٤٤- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان‌شناسی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
	دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس - دکتر نائینی
٤۵- روان‌شناسی کودك	نگارش دکتر مهدی جلالی
٤٦- اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
٤۷- ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه جلداول	» زین العابدین ذوالمجدین
٤۸- اکوستیك «صوت» (۱) ارتعاشات - سرعت	» دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
٤۹- انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشك
۵۲- درس اللغة و الادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳- جانور شناسی سیستماتیك	» » آزرم
۵٤- پزشکی عملی	» » نجم آبادی
۵۵- روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵٦- مامائی	» » آهی
۵۷- فیزیولژی گیاهی جلددوم	» » زاهدی
۵۸- فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹- شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
٦۰- شیمی عمومی	» مهندس سعیدی
٦۱- امیل	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرك‌زاده
٦۲- اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
٦۳- مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
٦٤- کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
٦۵- آسیب شناسی	» دکتر آرمین

مکانیك فیزیك	تألیف دکتر کمال جناب
کالبدشناسی توصیفی (۲) ـ مفصل شناسی	« « امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك نف
درمانشناسی جلد اول	تألیف دکتر عطائی
درمانشناسی « دوم	« « «
گیاه شناسی ـ تشریح عمومی نباتات	« مهندس حبیب‌الله ثابتی
شیمی آنالیتیك	« دکتر گاگیك
اقتصاد جلد اول	« « علی‌اصغر پورهمایون
دیوان سیدحسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی
راهنمای دانشگاه	—
اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر شیدفر
تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم	« « حسن ستوده تهرانی
زیبا شناسی	« علینقی وزیری
تئوری سنتتیك گازها	« دکتر روشن
کارآموزی داروسازی	« « جنیدی
قوانین دامپزشکی	« « میمندی‌نژاد
جنگل‌شناسی جلد دوم	« مرحوم مهندس ساعی
استقلال آمریکا	« دکتر مجیر شیبانی
کنجکاویهای علمی و ادبی	—
ادوار فقه	« محمود شهابی
دینامیك گازها	« دکتر غفاری
آئین دادرسی دراسلام	« محمد سنگلجی
ادبیات فرانسه	« دکتر سپهبدی
از سربن تا یونسکو ـ دو ماه در پاریس	« « علی‌اکبر سیاسی
حقوق تطبیقی	« « حسن افشار
میکروب‌شناسی جلد اول	تألیف دکتر سهراب ـ دکتر میرداه
میزراه جلد اول	« « حسین گلاژ
« « دوم	« « « «
کالبد شکافی (تشریح عملی دست و پا)	« « نعمت‌الله کیهانی
ترجمه و شرح تبصره علامه جلد دوم	« زین‌العابدین ذوالمجدین
کالبد شناسی توصیفی (۳) ـ عضله شناسی	« دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك
« « (۴) ـ رگ شناسی	« « « «
بیماریهای گوش و حلق و بینی جلد اول	تألیف دکتر جمشید اعلم
هندسهٔ تحلیلی	« « کامکار پارسی
جبر و آنالیز	« « « «
تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹ـ۱۶۶۰)	« « بیانی

۱۰۱ــ کالبدشناسی توصیفی ــ استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
۱۰۲ــ تاریخ عقاید سیاسی	» » محسن عزیزی
۱۰۳ــ آزمایش و تصفیه آبها	نگارش » محمد جواد جنیدی
۱۰٤ــ هشت مقاله تاریخی وادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰٥ــ فیه مافیه	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰٦ــ جغرافیای اقتصادی جلد اول	» دکتر محسن عزیزی
۱۰۷ــ الکتریسیته وموارد استعمال آن	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸ــ مبادلات انرژی درگیاه	» دکتراسمعیل زاهدی
۱۰۹ــ تلخیص‌البیان‌عن‌مجازات‌القران	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰ــ دو رساله ــ وضع الفاظ و قاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱۱ــ شیمی آلی جلداول تئوری واصول‌کلی	» دکتر عابدی
۱۱۲ــ شیمی آلی «ارگانیك» جلداول	» » شیخ
۱۱۳ــ حکمت‌الهی عام و خاص	نگارش مهدی‌قمشهٔ
۱۱٤ــ امراض‌حلق‌و بینی وحنجره	» دکتر علیم مروستی
۱۱٥ــ آنالیز ریاضی	» » منوچهر وصال
۱۱٦ــ هندسه تحلیلی	» » احمد عقیلی
۱۱۷ــ شکسته بندی جلد دوم	» » امیر کیا
۱۱۸ــ باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس‌شیبانی
۱۱۹ــ اساس التوحید	» مهدی آشتیانی
۱۲۰ــ فیزیك پزشکی	» دکترفرهاد
۱۲۱ــ اکوستیك «صوت» (۲) مشخصات صوت ـ لوله ـ تار	» » اسمعیل‌بیگی
۱۲۲ــ جراحی فوری‌اطفال	» » مرعشی
۱۲۲ــ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة(۱)	» علینقی منزوی تهرانی
۱۲٤ــ چشم‌پزشکی جلداول	» دکتر ضرابی
۱۲۴ــ شیمی‌فیزیك	» » بازرگان
۱۲٦ــ بیماریهای گیاه	» » خبیری
۱۲۷ــ بحث‌درمسائل‌پرورش‌اخلاقی	» » سپهری
۱۲۸ــ اصول‌عقاید وکرائم‌اخلاق	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۲۹ــ تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی بهرامی
۱۳۰ــ کالبدشناسی انسانی(۱) سر و گردن	» » حکیم ودکتر گنج‌بخش
۱۳۱ــ امراض‌واگیردام	» » رستگار
۱۳۲ــ درس‌اللغة والادب(۲)	» » محمدی
۱۳۳ــ واژه نامه‌گرگانی	» » صادق کیا
۱۳٤ــ تك‌یاخته‌شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۳٥ــ حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳٦ــ عضله وزیبائی‌پلاستیك	» » کیهانی
۱۳۷ــ طیف‌جذبی واشعه ایکس	» » فاضل زندی

۱۳۸ـ مصنفات افضل الدین کاشانی	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹ـ روان‌شناسی (ازلحاظ تربیت)	« « علی‌اکبر سیاسی
۱۴۰ـ ترمودینامیک (۱)	« مهندس بازرگان
۱۴۱ـ بهداشت روستائی	نگارش دکتر زوین
۱۴۲ـ زمین شناسی	« « یدالله سحابی
۱۴۳ـ مکانیک عمومی	« « مجتبی ریاضی
۱۴۴ـ فیزیولوژی جلداول	« « کاتوزیان
۱۴۵ـ کالبدشناسی و فیزیولوژی	« « نصرالله نیک‌نفس
۱۴۶ـ تاریخ تمدن ساسانی جلداول	« سعیدنفیسی
۱۴۷ـ کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت‌اول سلسله اعصاب محیطی	« دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر نیک‌نفس
۱۴۸ـ کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	« « « «
۱۴۹ـ کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای‌حواس پنجگانه	« « « «
۱۵۰ـ هندسه‌عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه
۱۵۱ـ اندام‌شناسی گیاهان	« « پارسا
۱۵۲ـ چشم پزشکی (۲)	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳ـ بهداشت شهری	« « اعتمادیان
۱۵۴ـ انشاء انگلیسی	« بازارگادی
۱۵۵ـ شیمی آلی (ارگانیک) (۲)	« دکتر شیخ
۱۵۶ـ اسیب شناسی (گانگلیون استلر)	« « آرمین
۱۵۷ـ تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی	« « ذبیح‌الله صفا
۱۵۸ـ تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی‌اصغر حکمت
۱۵۹ـ حشره‌شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶۰ـ نشانه‌شناسی (علم‌العلامات) جلد اول	« دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد
۱۶۱ـ نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
۱۶۲ـ آسیب‌شناسی عملی	« « حسین رحمتیان
۱۶۳ـ احتمالات و آمار	« « مهدوی اردبیلی
۱۶۴ـ الکتریسته صنعتی	« « محمد مظفری زنگنه
۱۶۵ـ آئین دادرسی کیفری	« « محمدعلی هدایتی
۱۶۶ـ اقتصاد سال اول (چاپ‌دوم اصلاح‌شده)	« « علی‌اصغر پورهمایون
۱۶۷ـ فیزیک (تابش)	« « روشن
۱۶۸ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلددوم)	« علینقی منزوی
۱۶۹ـ « « « « (جلدسوم-قسمت‌اول)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۷۰ـ رساله بودونمود	« محمودشهابی
۱۷۱ـ زندگانی شاه‌عباس اول	« نصرالله فلسفی
۱۷۲ـ تاریخ بیهقی (جلدسوم)	بتصحیح سعید نفیسی
۱۷۳ـ فهرست نشریات ابوعلی‌سینا بزبان فرانسه	« « «

۱۷٤ـ تاریخ مصر (جلد اول)	تألیف احمد بهمنش
۱۷۵ـ آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولوآندوتلیال	« دکتر آرمین
۱۷٦ـ نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانتیك	« مرحوم زیرك‌زاده
۱۷۷ـ فیزیولژی (طب عمومی)	نگارش دکتر مصباح
۱۷۸ـ خطوط لبه‌های جذبی (اشعه ایکس)	« « زندی
۱۷۹ـ تاریخ مصر (جلد دوم)	« احمد بهمنش
۱۸۰ـ سیر فرهنك در ایران و مغرب زمین	« دکتر صدیق‌اعلم
۱۸۱ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم ـ قسمت دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۲ـ اصول فن کتابداری	« دکتر محسن صبا
۱۸۳ـ رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
۱۸٤ـ پیوره	« « محمود سیاسی
۱۸۵ـ چهار رساله	« محمد سنگلجی
۱۸٦ـ آسیب‌شناسی (جلد دوم)	« دکتر آرمین
۱۸۷ـ یادداشت‌های مرحوم قزوینی	فراهم‌آورده آقای ایرج افشار
۱۸۸ـ استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم)	تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹ـ جغرافیای عمومی (جلد اول)	« « مستوفی
۱۹۰ـ بیماریهای واگیر (جلد اول)	« « غلامعلی بینش‌ور
۱۹۱ـ بتن فولادی (جلد اول)	« مهندس خلیلی
۱۹۲ـ حساب جامع و فاضل	نگارش دکتر مجتهدی
۱۹۳ـ ترجمهٔ مبدء و معاد	ترجمه آقای محمود شهابی
۱۹٤ـ تاریخ ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵ـ تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم)	« « « «
۱۹٦ـ درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون	« دکتر پرفسور شمس
۱۹۷ـ شیمی و فیزیك (جلد اول)	« « توسلی
۱۹۸ـ فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
۱۹۹ـ داروسازی جالینوسی	« « مقدم
۲۰۰ـ علم‌العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۰۱ـ استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲ـ پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
۲۰۳ـ علم‌النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
۲۰٤ـ قواعد فقه	« آقای محمود شهابی
۲۰۵ـ تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
۲۰٦ـ فهرست مصنفات ابن‌سینا	« « مهدوی
۲۰۷ـ مخارج‌الحروف	تصحیح و ترجمهٔ دکتر پرویز ناتل‌خانلری
۲۰۸ـ عیون الحکمه	از ابن‌سینا ـ چاپ عکسی

۲۰۹- **شیمی بیولوژی**	تألیف دکتر مافی
۲۱۰- **میکربشناسی** (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب- دکتر میردامادی
۲۱۱- **حشرات زیان‌آور ایران**	« مهندس عباس دواچی
۲۱۲- **هواشناسی**	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳- **حقوق مدنی**	« « سیدحسن امامی
۲۱۴- **ماخذ قصص و تمثیلات مثنوی**	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- **مکانیك استدلالی**	« پرفسور فاطمی
۲۱۶- **ترمودینامیك** (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- **گروه بندی وانتقال خون**	« دکتر یحیی پویا
۲۱۸- **فیزیك، ترمودینامیك** (جلداول)	« « روشن
۲۱۹- **روان پزشکی** (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- **بیماریهای درونی** (جلداول)	« « میمندی نژاد
۲۲۱- **حالات عصبانی** یا نورز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- **کالبدشناسی توصیفی (۷)** (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۲۲۳- **علم الاجتماع**	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴- **الهیات**	« فاضل تونی
۲۲۵- **هیدرولیك عمومی**	« مهندس ریاضی
۲۲۶- **شیمی عمومی معدنی فلزات** (جلداول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷- **آسیب‌شناسی** آزردگیهای سورنال «غده فوق کلیوی»	« « آرمین
۲۲۸- **اصول الصرف**	« علی اکبر شهابی
۲۲۹- **سازمان فرهنگی ایران**	تألیف دکتر علی کنی
۲۳۰- **فیزیك، ترمودینامیك** (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- **راهنمای دانشگاه**	—
۲۳۲- **مجموعهٔ اصطلاحات علمی**	—
۲۳۳- **بهداشت غذائی** (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق
۲۳۴- **جغرافیای کشاورزی ایران**	« دکتر تقی بهرامی
۲۳۵- **ترجمه النهایه** باتصحیح ومقدمه (۱)	« آقای سیدمحمد سبزواری
۲۳۶- **احتمالات و آمار ریاضی (۲)**	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷- **اصول تشریح چوب**	« مهندس رضا حجازی
۲۳۸- **خون‌شناسی عملی** (جلداول)	« دکتر رحمتیان دکتر شمسا
۲۳۹- **تاریخ ملل قدیم آسیای غربی**	« « بهمنش
۲۴۰- **شیمی تجزیه**	« « شیروانی
۲۴۱- **دانشگاهها و مدارس عالی امریکا**	« «ضیاءالدین اسمعیل بیگی
۲۴۲- **پانزده گفتار**	« آقای مجتبی مینوی
۲۴۳- **بیماریهای خون** (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا

۲۴۴ـ اقتصاد کشاورزی	نگارش دکتر احمد هومن
۲۴۵ـ علم العلامات (جلد سوم)	« « میمندی نژاد
۲۴۶ـ بتن آرمه (۲)	« آقای مهندس خلیلی
۲۴۷ـ هندسهٔ دیفرانسیل	« دکتر بهفروز
۲۴۸ـ فیزیولژی گل و رده بندی تک لپه ایها	« « زاهدی
۲۴۹ـ تاریخ زندیه	« « هادی هدایتی
۲۵۰ـ ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۲)	« آقای سبزواری
۲۵۱ـ حقوق مدنی (۲)	« « دکتر امامی
۲۵۲ـ دفتر دانش و ادب (جزء دوم)	ــ
۲۵۳ـ یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج)	« ایرج افشار
۲۵۴ـ تفوق و برتری اسپانیا	« دکتر خانبابا بیانی
۲۵۵ـ تیره شناسی (جلد اول)	« « احمد پارسا
۲۵۶ـ کالبد شناسی توصیفی (۸) دستگاه ادرار و تناسل ـ پردهٔ صفاق	تألیف دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك نفس
۲۵۷ـ حل مسائل هندسه تحلیلی	نگارش دکتر علینقی وحدتی
۲۵۸ـ کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه‌ای)	« « میربابائی
۲۵۹ـ اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق	« مهندس احمد رضوی
۲۶۰ـ بیماریهای خون و لنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی)	« دکتر رحمتیان
۲۶۱ـ سرطان شناسی (جلد اول)	« « آرمین
۲۶۲ـ شکسته بندی (جلد سوم)	« « امیر کیا
۲۶۳ـ بیماریهای واگیر (جلد دوم)	« « بینش ور
۲۶۴ـ انگل شناسی (بندپائیان)	« « عزیز رفیعی
۲۶۵ـ بیماریهای درونی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۶۶ـ دامپروری عمومی (جلد اول)	« « بهرامی
۲۶۷ـ فیزیولوژی (جلد دوم)	« « علی کاتوزیان
۲۶۸ـ شعر فارسی (در عهد شاهرخ)	« « یارشاطر
۲۶۹ـ فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم)	نگارش ناصرقلی رادسر
۲۷۰ـ منطق التلویحات	« دکتر فیاض
۲۷۱ـ حقوق جنائی	تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی
۲۷۲ـ سمیولوژی اعصاب	« « « چهرازی
۲۷۳ـ کالبد شناسی توصیفی (۹) (دستگاه تولید صوت و تنفس)	تألیف دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك نفس
۲۷۴ـ اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی	نگارش دکتر محسن صبا
۲۷۵ـ گزارش کنفرانس اتمی ژنو	« « جناب دکتر بازرگان
۲۷۶ـ امکان آلوده کردن آبهای مشروب	نگارش دکتر حسین سهراب ـ دکتر میمندی نژدا

۲۷۷- مدخل منطق صورت	نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸- ویروسها	« « فرج‌الله شفا
۲۷۹- تالفیت‌ها (آلکها)	« « عزت‌الله خبیری
۲۸۰- گیاه‌شناسی سیستماتیک	« « محمد درویش
۲۸۱- تیره‌شناسی (جلددوم)	« « پارسا
۲۸۲- احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی	« مدرس رضوی
۲۸۳- احادیث مثنوی	« آقای فروزانفر
۲۸۴- قواعد النحو	« قاسم تویسرکانی
۲۸۵- آزمایشهای فیزیک	« دکتر محمدباقر محمودیان
۲۸۶- پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی	« « محمود نجم‌آبادی
۲۸۷- بیماریهای خون (جلدسوم)	« « یحیی پویا
۲۸۸- جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول	« « احمد شفائی
۲۸۹- مکانیک فیزیک (اندازه گیری مکانیک نقطه مادی وفرضیه نسبی)(چاپ‌دوم)	تألیف دکتر کمال‌الدین جناب
۲۹۰- بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)	« « محمدتقی قوامیان
۲۹۱- اکوستیک (صوت) چاپ دوم	« « ضیاءالدین اسماعیل بیگی
۲۹۲- چهار مقاله	بتصحیح « محمد معین
۲۹۳- داریوش یکم (پادشاه پارسها)	نگارش « منشی‌زاده
۲۹۴- کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن ـ سلسلهٔ اعصاب مرکزی	« « نعمت‌الله کیهانی
۲۹۵- درس اللغة والادب (۱) چاپ‌دوم	« « محمد محمدی
۲۹۶- سه گفتار خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۷- Sur les espaces de Riemann	نگارش دکتر هشترودی
۲۹۸- فصول خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۹- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش سوم	نگارش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۰- الرسالة المعینیة	« « «
۳۰۱- آغاز و انجام	« ایرج افشار
۳۰۲- رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش چهارم	« « «
۳۰۴- حل مشکلات معینه خواجه نصیر	« « «
۳۰۵- مقدمه قدیم اخلاق ناصری	« جلال‌الدین همائی
۳۰۶- بیوگرافی خواجه نصیرالدین طوسی (بزبان فرانسه)	نگارش دکتر امشه‌ای
۳۰۷- رساله بیست باب در معرفت اسطرلاب	« مدرس رضوی
۳۰۸- مجموعهٔ رسائل خواجه نصیرالدین	« « «
۳۰۹- سرگذشت و عقائد فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی	« محمد مدرسی (زنجانی)
۳۱۰- فیزیک (پدیده‌های فیزیکی در دماهای بسیار خفیف)	« دکتر روشن
کتاب هفتم	
۳۱۱- رساله جبر و مقابله خواجه نصیرطوسی	بکوشش اکبر دانا سرشت

۳۱۲ - **آلرژی بیماریهای ناشی از آن**	تألیف دکتر هادوی ۷۰
۳۱۳ - **راهنمای دانشگاه** (بفرانسه) دوم چاپ	— ۸۰
۳۱۴ - **احوال و آثار محمدبن جریری طبری**	تألیف آقای علی اکبر شهابی
۳۱۵ - **مکانیک سینماتیک**	« دکتر احمد وزیری
۳۱۶ - **مقدمه روانشناسی** (قسمت اول)	« دکتر مهدی جلالی
۳۱۷ - **دامپروری** (جلد دوم)	« « تقی بهرامی
۳۱۸ - **تمرینات و تجربیات** (شیمی آلی)	« « ابوالحسن شیخ
۳۱۹ - **جغرافیای اقتصادی** (جلد دوم)	« « عزیزی
۳۲۰ - **پاتولوژی مقایسه‌ای** (بیماریهای مشترك انسان ودام)	« « میمندی نژاد
۳۲۱ - **اصول نظریه ریاضی احتمال**	تألیف دکتر افضلی پور
۳۲۲ - **رده بندی دولپه‌ای ها و بازدانگان**	« « زاهدی
۳۲۳ - **قوانین مالیه** ومحاسبات عمومی ومطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال	« « جزایری
۳۲۴ - **کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن** (توصیفی - موضعی - طرز تشریح)	« « منوچهر حکیم « سیدحسین گنج بخش
۳۲۵ - **ایمنی شناسی** (جلد اول)	« « میردامادی
۳۲۶ - **حکمت الهی عام وخاص** (تجدید چاپ)	« آقای مهدی الهی قمشه
۳۲۷ - **اصول بیماری‌های ارثی انسان** (۱)	« دکتر محمدعلی مولوی
۳۲۸ - **اصول استخراج معادن**	« مهندس محمودی
۳۲۹ - **مقررات دانشگاه** (۱) مقررات استخدامی ومالی	جمع آوری دکتر کی نیا
۳۳۰ - **شلیمر**	دانشکده پزشکی
۳۳۱ - **تجزیه ادرار**	مرحوم دکتر ابوالقاسم بهر
۳۳۲ - **جراحی فك وصورت**	تألیف دکتر حسین مهدوی
۳۳۳ - **فلسفه آموزش وپرورش**	« « امیرهوشمند
۳۳۴ - **اکوستیك (۲) صوت**	« « اسماعیل بیگی
۳۳۵ - **الکتریسته صنعتی** (جلداول چاپ دوم)	« مهندس زنگنه
۳۳۶ - **سالنامه دانشگاه**	—
۳۳۷ - **فیزیك جلد هشتم - کارهای آزمایشگاه و مسائل ترمودینامیك**	« دکتر روشن
۳۳۸ - **تاریخ اسلام** (چاپ دوم)	« « فیاض
۳۳۹ - **هندسهٔ تحلیلی** (چاپ دوم)	« « وحدتی
۳۴۰ - **آداب اللغة العربیة وتاریخها** (۱)	« « محمد محمدی
۳۴۱ - **حل مسائل ریاضیات عمومی**	تألیف دکتر کامکار پارسی
۳۴۲ - **جوامع الحکایات**	« « محمد معین
۳۴۳ - **شیمی تحلیلی**	« مهندس قاسمی
۳۴۴ - **ارادهٔ معطوف بقدرت** (اثر نیچه)	ترجمه دکتر هوشیا
۳۴۵ - **دفتر دانش وادب** (جلد سوم)	مقالهٔ دکتر مهدوی
۳۴۶ - **حقوق مدنی** (جلداول تجدید چاپ)	تألیف دکتر امامی

۳٤۷ - نمایشنامه لوسید	ترجمهٔ دکتر سپهبدی
۳٤۸ - آب شناسی هیدرولوژی	تألیف دکتر جنیدی
۳٤۹ - روش شیمی تجزیه (۱)	» » فخرالدین خوشنویسان
۳۵۰ - هندسهٔ ترسیمی	» » جمال عصار
۳۵۱ - اصول الصرف	» علی اکبر شهابی
۳۵۲ - استخراج نفت (جلد اول)	» دکتر جلال الدین توانا
۳۵۳ - سخنرانیهای پروفسور رنه ونسان	ترجمه دکتر سیاسی - دکتر سیمجور
۳۵٤ - کورش کبیر	تألیف دکتر هادی هدایتی
۳۵۵ - فرهنگ غفاری فارسی فرانسه (جلد اول)	مهندس امیرجلال الدین غفاری
۳۵٦ - اقتصاد اجتماعی	دکتر سید شمس الدین جزایری
۳۵۷ - بیولوژی (وراثت) (تجدید چاپ)	» خبیری
۳۵۸ - بیماریهای مغز و روان (۳)	» حسین رضاعی
۳۵۹ - آئین دادرسی دراسلام (تجدیدچاپ)	آقای محمد سنگلجی
۳٦۰ - تقریرات اصول	» محمود شهابی
۳٦۱ - کالبد شکافی توصیفی (جلد ٤ - عضله شناسی اسب)	تألیف دکتر میربابائی
۳٦۲ - الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه	» سبزواری
۳٦۳ - بی‌حسی های ناحیه‌ای دردندان پزشکی	» دکتر محمود مستوفی
۳٦٤ - چشم و بیماریهای آن	» » باستان
۳٦۵ - هندسهٔ تحلیلی	» » مصطفی کامکار پارسی
۳٦٦ - شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم)	» » ابوالحسن شیخ
۳٦۷ - پزشکی عملی	» » ابوالقاسم نجم آبادی
۳٦۸ - اصول آموزش و پرورش (چاپ سوم)	» » هوشیار
۳٦۹ - پرتو اسلام	بقلم عباس خلیلی
۳۷۰ - جراحی عملی دهان و دندان (جلد اول)	تألیف دکتر کاظم سیمجور
۳۷۱ - درد شناسی دندان (۱)	» » محمود سیاسی
۳۷۲ - مجموعهٔ اصطلاحات علمی (قسمت دوم)	—
۳۷۳ - تیره شناسی (جلد سوم)	» » احمد پارسا
۳۷٤ - المعجم	بتصحیح مدرس رضوی
۳۷۵ - جواهر الآثار (ترجمهٔ مثنوی)	بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
۳۷٦ - تاریخ دیپلوماسی عمومی	تألیف دکتر محسن عزیزی
۳۷۷ - Textes Français	» بانو نفیسی
۳۷۸ - شیمی فیزیك (جلد دوم)	» دکتر علی اکبر توسلی
۳۷۹ - زیباشناسی	» آقای علینقی وزیری
۳۸۰ - بیماریهای مشترك انسان ودام	» دکتر میمندی نژاد
۳۸۱ - فرزان تن و روان	» » بصیر
۳۸۲ - بهبود نسل بشر	» » محمد علی مولو
۳۸۳ - یادداشتهای قزوینی (۳)	ایرج افشار
۳۸٤ - گویش آشتیان	تألیف دکتر صادق کیا

۳۸۵ ـ **کالبد شکافی** (تشریح عملی قفسه سینه وقلب وریه) نگارش دکتر نعمت‌الله کیهانی
۳۸۶ ـ **ایران بعد از اسلام** » عباس خلیلی
۳۸۷ ـ **تاریخ مصر قدیم** (جلداول چاپ دوم) » دکتر احمد بهمنش
۳۸۸ ـ **آرگلونیاتها** (۱) سرخس‌ها » » خبیری
۳۸۹ ـ **شیمی صنعتی** (جلد اول) » » رادفر
۳۹۰ ـ **فیزیك عمومی الکتریسیته** (جلد اول) » » روشن
۳۹۱ ـ **مبادی علم هوا شناسی** » » احمد سعادت
۳۹۲ ـ **منطق و روش شناسی** » » علی اکبر سیاسی
۳۹۳ ـ **الکترونیك** (جلد اول) » » رحیمی قاجار
۳۹۴ ـ **فرهنگ غفاری** (جلد دوم) » مهندس جلال‌الدین غفاری
۳۹۵ ـ **حکمت الهی عام وخاص** (جلد دوم) » محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ا
۳۹۶ ـ **گنج جواهر دانش** (٤) » حسن آل طه
۳۹۷ ـ **فن کالبد گشائی وآسیب شناسی** » دکتر محمدکار
۳۹۸ ـ **فرهنگ غفاری** (جلد سوم) » مهندس جلال‌الدین غفاری
۳۹۹ ـ **مزدا پرستی در ایران قدیم** » دکتر ذبیح‌الله صفا
٤۰۰ ـ **اصول روشهای ریاضی آمار** » » افضلی پور
٤۰۱ ـ **تاریخ مصر قدیم** (جلد دوم) » » دکتر احمد بهمنش
٤۰۲ ـ **عدد من بلغاء ایران فی اللغة** » قاسم تویسرکانی
٤۰۳ ـ **علم اخلاق** (نظری وعملی) » دکتر علی اکبر سیاسی
٤۰٤ ـ **ادوار فقه** (جلددوم) » آقای محمود شهابی
٤۰۵ ـ **جراحی عملی دهان‌ودندان** (جلددوم) » دکتر کاظم سیمجور
٤۰٦ ـ **فیزیولژی با لینی** » » گیتی
٤۰۷ ـ **سهم الارث** » نصر اصفهانی
٤۰۸ ـ **جبر آنالیز** » دکتر محمدعلی مجتهدی
٤۰۹ ـ **هوا شناسی** (جلد اول) » » محمد منجمی
٤۱۰ ـ **بیماریهای درونی** (جلدسوم) » » میمندی نژاد
٤۱۱ ـ **مبانی فلسفه** » » علی اکبر سیاسی
٤۱۲ ـ **فرهنگ غفاری** (جلد چهارم) » مهندس امیر جلال‌الدین غفاری
٤۱۳ ـ **هندسهٔ تحلیلی** (چاپ دوم) » دکتر احمد سادات عقیلی
٤۱٤ ـ **کالبد شناسی** (عضله‌شناسی مقایسه‌ای) (جلدپنجم) » » میر بابائی
٤۱٥ ـ **سالنامه دانشگاه ۱۳۳٦-۱۳۳٥** —
٤۱٦ ـ **یادنامهٔ خواجه نصیر طوسی** نگارش دکتر صفا
٤۱۷ ـ **تئوریهای اساسی ژنتیك** » » آزرم
٤۱۸ ـ **فولاد وعملیات حرارتی آن** » مهندس هوشنگ خسرویار
٤۱۹ ـ **تأسیسات آبی** » مهندس عبدالله ریاضی

۴۲۰ ـ بیماریهای اعصاب (جلد نخست)	نگارش دکتر صادق صبا
۴۲۱ ـ مکانیك عمومی (جلد دوم)	« دکتر مجتبی ریاضی
۴۲۲ ـ صنایع شیمی معدنی (جلداول)	« مهندس مرتضی قاسمی
۴۲۳ ـ مکانیك استدلالی	« پرفسور تقی فاطمی
۴۲۴ ـ تاریخ فرهنگ ایران	« دکتر عیسی صدیق
۴۲۵ ـ شرح تبصره آیة الله علامهٔ حلی (جلد دوم)	« زین العابدین ذوالمجدین
۴۲۶ ـ حکیم ازرقی هروی	بتصحیح مرحوم علی عبدالرسولی
۴۲۷ ـ علوم عقلی	نگارش دکتر ذبیح الله صفا
۴۲۸ ـ شیمی آنالیتیك	« دکتر گاگیك
۴۲۹ ـ فیزیك الکتریسیته (جلد دوم)	« « روشن
۴۳۰ ـ کلیات شمس تبریزی	باتصحیحات وحواشی آقای فروزانفر
۴۳۱ ـ کانی شناسی (تحقیق دربارهٔ بعضی ازکانهای جزیره هرمز)	نگارش دکتر عبدالکریم قریب
۴۳۲ ـ فرهنك غفاری فارسی بفرانسه (جلد پنجم)	« امیرجلاالدین غفاری
۴۳۳ ـ ریاضیات درشیمی (جلد دوم)	« دکتر هورفر
۴۳۴ ـ تحقیق درفهم بشر	ترجمه دکتر رضازاده شفق
۴۳۵ ـ السعادة والاسعار	بتصحیح مجتبی مینوی
۴۳۶ ـ تاریخ فرهنك اروپا	نگارش دکتر عیسی صدیق
۴۳۷ ـ نقشه برداری (جلددوم)	« مهندس حسن شمسی
۴۳۸ ـ بیماریهای گیاه (تجدیدچاپ)	« دکتر خبیری
۴۳۹ ـ حقوق مدنی (جلد سوم)	« دکتر سیدحسن امامی
۴۴۰ ـ سخنرانیهای آقای انیس المقدسی (استاد دانشگاه آمریکائی بیروت)	
۴۴۱ ـ دردشناسی دندان (جلد دوم)	نگارش دکتر محمودسیاسی
۴۴۲ ـ حقوق اساسی فرانسه	« « قاسم زاده
۴۴۳ ـ حقوق عمومی واداری	« « شیدفر
۴۴۴ ـ پاتولوژی مقایسه‌ای (جلد سوم)	« « میمندی نژاد
۴۴۵ ـ شیمی عمومی معدنی	« « شیروانی
۴۴۶ ـ فسیل شناسی	« « فرشاد
۴۴۷ ـ فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه (جلد ششم)	« امیرجلال الدین غفاری
۴۴۸ ـ تحقیق درتاریخ قندسازی ایران	« مهندس ابرهیم ریاحی
۴۴۹ ـ مشخصات جغرافیای طبیعی ایران	« دکترحسین گل گلاب
۴۵۰ ـ جراحی فك وصورت (جلد دوم)	« « حسین مهدوی
۴۵۱ ـ تاریخ هرودت	« « هادی هدایتی